

وظایف شیعیان

مجله علمی و فرهنگی
شرف

در زمان غیبت امام زمان



با مقدمه استاد محمد محمدی اشتهاردی

سیدرضی سیدنژاد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وظایف شیعیان و منتظران

حضرت مهدی (عج)

در دوران غیبت

سیدرضی سیدنژاد



شناسنامه کتاب

- نام کتاب: وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان
- نویسنده: سید رضی سید نژاد
- ناشر: انتشارات تهذیب
- شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
- نوبت چاپ: اول
- تاریخ چاپ: بهار ۱۳۸۵
- چاپ: چاپخانه عمران
- لیتوگرافی: دانیال - ۰۹۱۲۵۵۲۹۸۲۸
- قیمت: ۱۵۰۰ تومان
- شابک: ۳ - ۳۹ - ۷۶۳۶ - ۹۶۴

مرکز پخش:

قم. خ حضرتی - مقابل دارالشفاء - مجتمع تجاری ساحل - پ ۲۲ - انتشارات تهذیب

۰۲۵۱ - ۷۷۲۰۵۹۰

فهرست مندرجات

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۶.....
آشنایی با وظایف شیعیان و منتظران امام زمان (ع).....	۹.....
پیروی از نایبان عام حضرت در دوران غیبت.....	۱۷.....
دعا برای امام زمان (ع).....	۳۵.....
فواید و آثار معنوی و اخروی دعا.....	۴۶.....
فواید و آثار دعا برای امام زمان (ع).....	۴۹.....
اوقات دعا برای امام زمان (ع).....	۵۲.....
ذکر برخی از زیارات و دعاهای انتظار.....	۶۴.....
حکایت خواندنی از دعای فرج.....	۷۴.....
در انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی (عج) بودن.....	۷۷.....
فلسفه انتظار.....	۸۵.....
پاداش و ثواب انتظار.....	۸۸.....
آثار تربیتی انتظار فرج.....	۹۶.....

- انتظار فرج در کلام بزرگان..... ۹۷
- اجتناب و پرهیز از تعیین زمان ظهور و تکذیب تعیین کنندگان آن..... ۱۰۳
- شناخت امام زمان (ع)..... ۱۱۱
- اقتدا و تاسی به امام زمان (ع)..... ۱۲۷
- احترام و تکریم و بزرگداشت اماکن منتسب به امام زمان (ع)..... ۱۳۹
- صبر و استقامت و پایداری در دوران غیبت..... ۱۵۷
- چرا باید صبر کنیم؟..... ۱۶۲
- درخواست و طلب صبر از خداوند متعال..... ۱۷۱
- شناخت علایم ظهور امام زمان (ع)..... ۱۷۵
- آشنائی با علایم ظهور حضرت..... ۱۷۷
- ۱- حوادث خارق العاده..... ۱۷۷
- ۲- متخاصمان (نیروها و چهره ها)..... ۱۷۸
- ۳- اوضاع عمومی جوامع بشری..... ۱۷۸
- برخاستن به هنگام ذکر اسم شریف و القاب امام زمان (ع)..... ۱۸۷
- پرهیز و اجتناب از بردن نام معهود حضرت..... ۱۹۱
- آشنائی با القاب و عناوین حضرت ولیعصر (عج)..... ۱۹۸
- خواندن دعای توفیق شناخت حضرت حجت (ع)..... ۲۱۱
- دوست داشتن امام زمان (ع)..... ۲۱۳
- آمادگی برای ظهور امام زمان (ع) و زمینه سازی برای آن..... ۲۲۷
- عوامل مهم زمینه سازی ظهور..... ۲۳۳
- تقیه نمودن در برابر دشمنان و مخفی داشتن اسرار و رازها از آنان..... ۲۳۵
- احترام نمودن به نزدیکان و منسوبان امام زمان (ع)..... ۲۴۵

- تهدیب و خودسازی نفس در دوران غیبت..... ۲۵۱
- تقوا و پرهیزکاری عامل مهم خودسازی و تهدیب نفس..... ۲۵۷
- معنی واقعی تقوا چیست؟..... ۲۵۹
- انواع و اقسام تقوا..... ۲۶۱
- نقش تقوا و پرهیزکاری در دوران غیبت..... ۲۶۴
- برخورداری از اخلاق نیکو و شایسته..... ۲۶۷
- حسن خلق از منظر ائمه معصومین (ع)..... ۲۶۹
- تولی و تبری..... ۲۷۵
- صدقه دادن به نیابت از امام زمان (ع)..... ۲۷۹
- رعایت حقوق برادران دینی..... ۲۸۱
- خدمت رسانی به مردم..... ۲۸۴
- اهتمام ورزیدن به مسائل جامعه و تلاش در اصلاح آن..... ۲۸۹
- هدیه دادن به حضرت ولیعصر (عج)..... ۲۹۹
- ۱- اهداء قرائت قرآن..... ۳۰۰
- ۲- اهداء ثواب نماز..... ۳۰۱
- ۳- طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام زمان (ع)..... ۳۰۳
- ۴- زیارت مشاهد رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)..... ۳۰۴
- ۵- حج رفتن به نیابت از امام زمان (ع) و فرستادن نایب..... ۳۰۷
- متفق شدن بر توبه واقعی و بازگردان حقوق با صاحبان آنها..... ۳۱۱
- منابع و مأخذ..... ۳۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

تکریم انسان در سیره امام مهدی (عج)

خداوند همه استعدادها و زمینه‌های کرامت و کمالات را برای بشر فراهم فرموده، تا او در پرتو آنها بتواند خود را به عالی‌ترین قله کرامت و تکامل برساند. که هدف از آفرینش انسان همین است. و این سیر تکاملی در رابطه با خاتم الاوصیاء حضرت بقیه الله (روحی له الفداء) به ویژه در عصر ظهور و حکومت فراگیرش به اوج خود می‌رسد. ولی بر اساس مفهوم صحیح انتظار، باید مراحل تکریم انسانی را پیمود، تا مقدمات ظهور فراهم شده و بشر به نتیجه و هدف از خلقتش برسد.

توضیح اینکه: تکریم و شرافت انسانی بر دو گونه است:

- ۱- ذاتی، مانند: عقل، مقام خلیفه الهی، فطرت، داشتن ظرفیت فراگیر علمی، و این که خداوند زمین و آسمان‌ها را تحت تسخیر انسان قرار داده است و...
- ۲- تکریم اکتسابی، که باید آن را با کوشش بدست آورد، مانند: علم، تقوا، و ارزش‌های والای انسانی و ...

در مسأله مهدویت، محور اصلی و آرمان حقیقی و فلسفه وجودی انسان‌ها، موضوع کرامت و تحصیل کمالات در ابعاد گوناگون است. و ما اگر در این مسیر هر چه رشد کرده و به پیش برویم، به محضر امام عصر (عج) نزدیک تر شده‌ایم.

۱- قرآن، آیه سوره اعراف، آیه ۵۴ (وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ)

چرا که همه اهداف آن بزرگوار در نجات انسان‌ها از حضيض ضلالت به سوی صراط مستقیم هدایت و کمال و کرامت است، تا به حقیقت تاج پر افتخار «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»^۱؛ ما انسان را کرامت بخشیدیم. بر سر انسان‌ها بدرخشد. و امام عصر(عج) در دعای معروف خود، به ویژه ما را به این کرامت توجه می‌دهد، که در درگاه خدا عرض کنیم: «وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ؛ خدایا ما را به هدایت و استقامت در این راه کرامت بخش.»^۲

ما وقتی که سیره درخشان امام عصر(عج) را از آغاز تاکنون، و به ویژه در عصر حکومتش مورد مطالعه قرار می‌دهیم، می‌بینیم آن حضرت به مسأله تکریم انسان، و عوامل آن بیشترین توجه و سفارش را فرموده است. به عنوان مثال، در عصر حکومت آن حضرت، حکومت‌های باطل نابود می‌گردد، دین خدا با تمام ابعاد زنده شود، و بدعت‌ها و هرگونه انحراف‌ها محو گردد.^۳

و وقتی که آن حضرت قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگانش می‌گذارد، و به وسیله آن، عقل‌ها و اندیشه‌هایشان را به کمک هم گرفته و کامل می‌سازد.^۴

در رابطه با پیشرفت علوم در عصر درخشان حکومت امام عصر(عج) امام صادق(ع) فرمود: «اصول علم و دانش دارای بیست و هفت حرف (رشته) است، تمام پیامبران آنچه را برای مردم تا حال آورده‌اند، دو حرف بوده، وقتی که قائم ما

^۱- قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۷۰

^۲- فرازی از دعای «اللهم ارزقنا توفيق الطاعة»

^۳- نقل از امام محمد باقر(ع)، منتخب الاثر، صفحه ۴۷۱

^۴- نقل از امام محمدباقر(ع)، اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۵

(عج) قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر علوم را نیز آشکار می‌سازد و گسترش می‌دهد، تا بیست و هفت حرف تکمیل گردد.^۱»

در رابطه با رشد اقتصاد و کشاورزی، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «در آن عصر زمین کبد و اشیاء گران قیمت خود را بیرون کند، و ثروت فراوان در بین مردم پخش شود.^۲»

و به طور کلی کرامت انسان در آن عصر به جایی می‌رسد که به فرموده امام رضا (ع): «هنگام قیام قائم (عج) سراسر زمین به نورش روشن و نورانی شده و عدل و داد سراسر زمین را فرا می‌گیرد.^۳»

کوتاه سخن آن که: همه جهات و انگیزه‌ها و عوامل کرامت انسانی و تکامل او، آشکار شده و همه انسان‌ها از بدبختی و آلودگی‌ها نجات یافته و به پیروزی همه جانبه انسانی می‌رسند.

بنابراین همه ما باید با شناخت وظایف عصر غیبت، و عمل به آن در این راستا گام برداریم، تا به استقبال چنان تکریمی پرافتخار برسیم. این کتاب بیشتر در این راستا به رشته تحریر درآمده است به امید استفاده بهینه از آن و وصول به اهداف.

حوزه علمیه قم - محمد محمدی اشتهاردی

فروردین ۱۳۸۵ هجری شمسی

^۱ - (بهار الانوار، جلد ۵، صفحه ۳۳۶)

^۲ - منتخب الاثر، صفحه ۱۶۸

^۳ - کشف الضممه، جلد ۳، صفحه ۳۵۶

آشنایی با وظایف شیعیان و منتظران امام زمان (ع)

در ابتدا مهمترین وظایف و مسئولیت های شیعیان و منتظران امام زمان (ع) را، در زمان غیبت آن یوسف دوران که در کتاب شریف «مکیال المکارم» تالیف مرحوم حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (ره)، که با بهره گیری از احادیث گوناگون گردآوری شده است بیان می شود و سپس به توضیح برخی از آنها بر طبق روایات و احادیث وارده از ائمه اطهار (ع) می پردازیم. امید آن که خداوند متعال در ادای تکلیف نسبت به ساحت مقدس حضرت ولیعصر (عج) همه دوستان و یاران واقعی آن بزرگوار را توفیق دهد و همه را یاری کند و از شیعیان و منتظران واقعی آن امام قرار دهد.

۱- شناخت امام (ع) که شامل: شناخت صفات آن بزرگوار، شناخت آداب آن حضرت، شناخت ویژگی های آن امام و شناخت علائم و نشانه های حتمیه ظهور می شود.

۲- رعایت ادب نسبت به ایشان، آن گاه که با ذکر نام های شریفش از آن بزرگوار یاد می شود.

- ۳- محبت خاص نسبت به آن حضرت.
- ۴- محبوب نمودن امام زمان (ع) در میان مردم.
- ۵- انتظار فرج و ظهور آن بزرگوار.
- ۶- اظهار شوق و علاقه بسیار برای دیدن آن حضرت.
- ۷- ذکر مناقب و فضائل امام زمان (ع).
- ۸- اندوهگین و محزون بودن از فراق و دوری امام عصر (عج).
- ۹- حضور در مجالس فضائل و مناقب آن حضرت.
- ۱۰- برپایی مجالس به نام صاحب الزمان (عج).
- ۱۱ و ۱۲- سرودن و خواندن شعر در ذکر مناقب و فضایل آن جناب.
- ۱۳- برخاستن در هنگام ذکر اسم شریف و یا القاب آن بزرگوار.
- ۱۴ و ۱۵ و ۱۶- گریستن، گریاندن و خود را به گریه وادار کردن در دوری و فراق امام زمان (ع).
- ۱۷- در خواست معرفت و شناخت امام عصر (عج) از خداوند عزوجل.
- ۱۸- مداومت نمودن بر دعای توفیق شناخت حضرت حجت (عج) که عبارت است از:

« اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ
لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ
تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي
حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنِ

دینی؛ »

« بار خدایا تو مرا به خود بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت، بار خدایا تو رسولت را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من شناسانی، حجت را نخواهم شناخت، پروردگارا حجت خودت را به من بشناسان که اگر حجت را به من شناسانی از دین خود گمراه خواهم شد.»

۱۹- مداومت نمودن بر خواندن دعای غریق که عبارت است از:

«یا اللَّهُ یا رَحْمَانُ یا رَحِیمُ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ
قَلْبِی عَلَی دِینِکَ»

«ای خداوند! ای رحمان! ای مهربان! ای دگرگون کننده دلها! مرا بر دینت پایدار کن.»

۲۰- مداومت نمودن بر دعا در زمان غیبت حضرت ولی عصر(عج) مخصوصاً دعایی که مرحوم ابن طاووس نقل نموده است که بصورت زیر است:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَ عَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَ
عَرَّفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَ عَرَّفْتَنِي وِلَاةَ أَمْرِكَ، اللَّهُمَّ لَا
أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ لَا أَقَى إِلَّا مَا وَقَّيْتَ اللَّهُمَّ لَا
تُغَيِّبْنِي عَنِ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذِ
هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِوِلَايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ...»

« بار خدایا تو خودت و فرستاده ات و پیغمبرت و والیان امرت را به من شناسانیدی.»

بارخدایا! من نگیرم جز آن چه تو عطا کنی و هیچ
نگهدارنده ای جز تو برایم نیست.

بار خدایا مرا از منازل دوستان دور مگردان و دلم را پس
از آن که هدایت کرده ای منحرف منمای.

بار خدایا مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب
ساخته ای، هدایت کن. «

۲۱- شناختن علامت‌های ظهور آن حضرت.

۲۲- تسلیم امر الهی بودن نسبت به مسئله غیبت و ظهور آن حضرت و اجتناب و
پرهیز از هرگونه عجله کردن و شتاب زدگی.

۲۳- صدقه دادن به نیابت از امام زمان (عج).

۲۴- صدقه دادن برای سلامتی امام زمان (عج).

۲۵ و ۲۶- رفتن به حج به نیابت از امام زمان (عج) و فرستادن دیگران به حج به
نیابت امام زمان (عج).

۲۷ و ۲۸- طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام عصر (عج) و فرستادن نایب از
طرف آن جناب که طواف نماید.

۲۹- زیارت مشاهد رسول اکرم و ائمه معصومین (ع).

۳۰- فرستادن دیگران به زیارت آن مقامات به نیابت از امام زمان (عج).

۳۱- تلاش و سعی در خدمت کردن به آن حضرت.

۳۲- اهتمام ورزیدن و کوشش نمودن در راه یاری امام زمان (ع) از هر طریق
که ممکن است.

۳۳- تصمیم قلبی بر یاری آن حضرت در زمان حضور و ظهور او.

- ۳۴- تجدید بیعت در فرائض، روزها و هر جمعه با آن حضرت بوسیله عبارات و دعاهای خاص.
- ۳۵- مصرف اموال در راههایی که مورد رضایت امام زمان (ع) است (صله آن حضرت بوسیله مال).
- ۳۶- ارتباط با شیعیان و دوستان امام زمان (ع) و کمک مالی نمودن به آنان.
- ۳۷- خوشحال نمودن مؤمنین و شیعیان و دوستاران امام زمان (ع).
- ۳۸- طلب خیر برای آن حضرت از خداوند متعال.
- ۳۹- زیارت کردن و سلام نمودن به امام زمان (ع) در هر مکان و زمان.
- ۴۰- دیدار با مؤمنین صالح و شیعیان مخلص آن حضرت و سلام نمودن به آنان به قصد زیارت مولایمان امام عصر (عج).
- ۴۱- صلوات و درود فرستادن بر آن جناب.
- ۴۲- هدیه کردن ثواب نماز به آن بزرگوار.
- ۴۳- هدیه نماز مخصوص به هر یک از ائمه معصومین (ع) و امام زمان (ع).
- ۴۴- نماز هدیه به امام زمان (ع) به گونه مخصوص در وقت معین.
- ۴۵- قرائت قرآن و اهدای ثواب آن به امام زمان (ع).
- ۴۶- توسل و طلب شفاعت از خداوند متعال به وسیله آن حضرت.
- ۴۷- دادخواهی و توجه نمودن و عرضه کردن خواست ها و حاجات به آن امام همام.
- ۴۸- دعوت و راهنمایی مردم به سوی آن حضرت.
- ۴۹- رعایت حقوق امام عصر (عج) و مواظبت بر ادای آنها و رعایت وظایف.
- ۵۰- خشوع دل در هنگام یاد کردن آن بزرگوار.

- ۵۱- اظهار کردن دانش در برابر ظهور بدعت‌ها.
- ۵۲- تقیه نمودن در برابر دشمنان و مخفی داشتن اسرار و رازها از آنها.
- ۵۳- صبر و شکیبائی بر اذیت‌ها و تکذیب دیگران و تحمل محنت‌ها.
- ۵۴- در خواست صبر از خداوند متعال در دوران غیبت امام زمان (ع).
- ۵۵- سفارش همراهان و یکدیگر به صبر در دوران غیبت آن جناب.
- ۵۶- شرکت نکردن در مراسم و مجالسی که نام امام عصر (عج) مسخره می‌شود.
- ۵۷- تظاهر کردن با ستمگران و اهل باطل و مدارا نمودن با آنان.
- ۵۸- ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن.
- ۵۹- تهذیب نفس و خودسازی و پاکسازی درون از صفات زشت و پلید.
- ۶۰- همبستگی و اتحاد برای یاری امام زمان (ع).
- ۶۱- متفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آنها.
- ۶۲- پیوسته به یاد امام زمان (ع) بودن.
- ۶۳- پیوسته عمل نمودن به آداب آن حضرت.
- ۶۴- درخواست از خداوند متعال نسبت به یادآوری همیشگی امام زمان (ع) و فراموش نکردن آن بزرگوار.
- ۶۵- خاشع و خاضع بودن در هنگام یاد امام عصر (عج).
- ۶۶- مقدم داشتن خواسته امام زمان (ع) بر خواسته خویش.
- ۶۷- احترام کردن نزدیکان و منسوبان آن حضرت.
- ۶۸- بزرگداشت مکان‌های منتسب به آن حضرت مانند: مسجد مقدس جمکران در قم، مسجد سهله، سرداب مقدسه در شهر سامرا و مسجد کوفه و ۰۰۰ که به قدم آن جناب زینت یافته است.

- ۶۹ و ۷۰- عدم تعیین وقت برای ظهور و تکذیب تعیین کنندگان وقت ظهور.
- ۷۱- تکذیب نمودن کسانی که مدعی نیابت خاص در زمان غیبت کبری را دارند.
- ۷۲- در خواست دیدار آن بزرگوار با عافیت و ایمان.
- ۷۳- اقتدا و تاسی نمودن به اخلاق و اعمال آن حضرت.
- ۷۴- حفظ زبان از غیر یاد خداوند و فضیلت سکوت.
- ۷۵- به جا آوردن نماز حجت (ع).
- ۷۶- گریستن بر مصائب مولایمان شهید مظلوم ابی عبدالله الحسین (ع).
- ۷۷- زیارت قبر مولایمان امام حسین (ع) در کربلا.
- ۷۸- نفرین و لعنت نمودن بر بنی امیه در آشکارا و نهان.
- ۷۹- اهتمام و کوشش نمودن در ادای حقوق برادران دینی به عنوان یاری امام زمان(ع).
- ۸۰- فراهم کردن سلاح و اسب در انتظار ظهور حضرت به نیت یاری نمودن آن جناب.

کی رفته ای زدل که تمنا کنم تو را؟

کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

بالای خود در آینه چشم من بین

تا با خبر ز عالم بالا کنم تو را

خواهم شبی نقاب رویت بر افکنم

خورشید کعبه، ماه کلیسا کنم تو را

چشمم به صد مجاهده آئینه ساز شد

تا من به یک مشاهده پیدا کنم تو را

مستانه کاش در حرم و دیر بگذری

تا قبله گاه مومن و ترسا کنم تو را

زیبا شود به کارگه عشق کار من

هر گه نظر به صورت زیبا کنم تو را

رسوای عالی شدم از شور عاشقی

ترسم خدا نخواسته رسوا کنم تو را^۱

پیروی از نایبان امام زمان (ع)

پیروی از فقهای جامع شرایط، که کارشناسان احکام الهی در دوران غیبت اند، از وظایف مهم شیعیان و منتظران در زمان غیبت حضرت ولیعصر (عج) می باشد. از آنجا که زمینه پذیرش حکومت عدل الهی فراهم نبود و مردم شایستگی های لازم و آمادگی حضور و یاری امام زمان (ع) را نداشتند و تمامی پیشوایان به دست دستگاه خلافت جور به شهادت رسیده بودند، مشیت و حکمت الهی بر این تعلق گرفت که پیشوای دوازدهم از انظار عمومی غایب بماند، هر چند جامعه اسلامی از وجود آن حضرت همچون خورشید از پس ابر، بهره می برد. بنابراین از آنجا که مؤمنین در این دوران از دیدن موالا و سرور خود و رسیدن به محضرش و استفاده از کلام نافذ آن بزرگوار محروم هستند، در این دوران وظیفه مهم راهنمایی و پاسخ به مسائل بر عهده فقهای جامع شرایط می باشد. این بزرگواران از سوی ائمه اطهار (ع) به عنوان رهبران فکری و اعتقادی برگزیده شده اند. و این وظیفه خطیر بر دوش آنها نهاده شده است.

در زمان غیبت صغری حضرت مهدی (عج) به وسیله چهار نفر از افراد مورد اعتماد با مسلمانان و بالخصوص شیعیان خودشان در تماس بودند و از طریق ایشان

پیام های خودشان را به مردم می رسانیدند و مردم نیز بوسیله آنها که نایبان خاص نامیده می شوند، سوالات خود را با حضرت در میان می گذاشتند و این افراد واسطه میان مردم و امام زمان (ع) بودند. از علی بن محمد سمري، چهارمین و آخرین سفیر ولی عصر (عج) در روزهای آخر عمرش خواستند تا جانشین پس از خود را معرفی کند. او گفت: « خداوند مشیتی دارد که آن را انجام خواهد داد.»^۱ پس از در گذشت چهارمین و آخرین نفر از نایبان خاص، دوران غیبت کبری شروع گردید. حضرت مهدی (عج) در توقیعی شریف به شیخ علی بن محمد سمري (چهارمین و آخرین نایب) چنین می فرمایند:

« ای علی بن محمد سمري خداوند پاداش برادرانت را در فقدان تو بزرگ فرماید، که تو از این تاریخ به بعد تا شش روز دیگر خواهی مرد، پس امر خود را فراهم ساز و به کسی وصیت مکن که پس از فوت تو جانشین تو شود که همانا غیبت دوم (غیبت کبری) واقع گردد. دیگر تا زمانی که خدای تبارک و تعالی بخواهد ظهوری نخواهد بود و آن مدتی بس دراز است که دلها را قساوت می گیرد و زمین پر از ظلم و ستم می شود. در این دوران، میان شیعیان من کسانی یافت می شوند که می گویند مرا دیده اند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و وقوع صیحه، ادعای دیدن کند، دروغگو و افترا زننده است و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم^۲ »

از سال ۳۲۹ هجری دوران غیبت کبری آغاز شد و حضور ملموس و مشهود امام معصوم در جامعه برای مدتی نامعین به تعویق افتاد. در دوران غیبت چندین رویداد رخ می نمود که باید از جانب امامان معصوم (ع) تکلیف آنها روشن می گشت:

۱- الغیبة شیخ طوسی . صفحه ۲۴۰

۲- الغیبة . صفحه ۲۴۲

- ۱- همه مردم نمی‌توانند احکام دین را از منابع آن استخراج و بدان عمل کنند. بنابراین در دوران غیبت که دست مردم از دامان امام (ع) کوتاه است، برای فرا گرفتن احکام دین باید به چه کسانی رجوع کنند؟
 - ۲- در گذر زمان مسائلی پیش می‌آید که در دوران حضور معصوم (ع) سابقه نداشته و حکم تفصیلی آن مشخص نشده است. تشخیص و استنباط حکم این مسائل بر عهده چه کسانی است؟
 - ۳- شیعیان برای حل اختلاف‌ها و نزاع‌های خود به چه کسانی رجوع کنند و چه کسانی در این میان صلاحیت رسیدگی بدان را دارند؟
 - ۴- اگر شیعیان توانستند برای اجرای دین، حکومتی تأسیس نمایند و نظامی بنیان گذارند، چه کسانی باید رهبری این حکومت و نظام را بر عهده گیرند؟
- لازم به ذکر است که مورد های اول و سوم در دوران امامان (ع) نیز اتفاق افتاده بود، به خصوص از زمان امام محمد باقر (ع) به بعد که هم شیعیان قوت گرفتند و شمارشان گسترش یافت و هم فقه شیعه شکل گرفت. با توجه به پراکندگی شیعیان در کشور پهناور اسلامی همه آنان نمی‌توانستند بی‌واسطه به محضر امام (ع) شرفیاب شده و احکام و دستورهای عملی خود را از ایشان اخذ نمایند و از سوی دیگر منازعات خود را به محضرش بیاورند. از این رو از همان زمان، امامان شیعه، عالمان و فقیهان را به اجتهاد فرا خواندند و با ارائه اصول لازم، آنان را به کتاب خدا و روایات که بیانگر سخن و عمل معصومین (ع) بود، ارجاع دادند تا با کمک گرفتن از آن اصول و معیارها، احکام مسائل را از کتاب و سنت استخراج کرده و در اختیار شیعیان بگذارند. در منازعات و اختلافات نیز شیعیان موظف بودند به فقیهان شیعه رجوع کنند و فقیهان نیز از جانب امام (ع) وظیفه قضاوت داشتند.

مورد دوم نیز در حقیقت جزئی از همین تکلیف بود. در زمان امام نیز فقیهان و مجتهدان شیعه با کمک گرفتن از اصول و معیارهایی که امامان به آنها آموخته بودند، به کتاب خدا و روایات رجوع می کردند و احکام مسائل جدید را استنباط می کردند و در صورتی که آن مساله، فرعی از اصول القا شده نبود، حکم آن را از معصوم (ع) می پرسیدند. مورد چهارم نیز از نگاه امامان معصوم (ع) دور نماند و با بیان دستورالعمل ها و تعیین اوصاف و شرایط والی و حاکم، تکلیف شیعیان را در این مورد نیز معلوم کردند. چنان که امام صادق (ع) می فرماید:

«بنگرید، آن کس از شما که راوی حدیث ما و صاحب نظر در حلال و حرام و به احکام ما آگاه باشد (فقیه و مجتهد جامع شرایط) به حکومت او رضایت دهید. من او را بر شما حاکم قرار دادم و هر گاه به حکم ما حکم کند و شما از او نپذیرید، حکم خدا را خوارشمرده اید. اگر او را رد کنید، ما را رد کرده اید، و رد کننده ما رد کننده خداست و رد خدا در حد شرک به خداست^۱»

همچنین امام علی (ع) می فرماید:

«هر گاه امام مسلمانان بمیرد یا کشته شود، بنابر قانون خدا بر آنان واجب است پیش از انتخاب امامی عقیف، عالم، پرهیزگار و دانا بر قضای اسلام و سنت معصومان، که امر مسلمانان را سامان دهد و میانشان حکم نماید و حق مظلوم را از ظالم بستاند و حفظ کند و اموال عمومی را گرد آورد و جمعه و جماعت و حج را اقامه کند و صدقه و زکات را جمع آورد و به هیچ عملی دست نزنند و گام از گام برندارند^۲».

^۱ - تهذیب الامکام شیخ طوسی جلد دوم صفحه ۲۱۸

^۲ - بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۵۵۵

پس از شروع دوران غیبت دوم این وظیفه مهم یعنی راهنمایی و ارشاد مردم و پاسخ به مسائل آنها بر عهده فقها می‌باشد. و اینان بواسطه ولایت شرعی که از طرف ائمه معصومین (ع) دارند عهده‌دار رهبری فکری و اعتقادی مردم می‌باشند و آنها به عنوان نایبان عام حضرت مهدی (عج) مسئول این امر خطیر می‌باشند.

اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از عثمان بن سعید که اولین نایب امام زمان (ع) در دوران غیبت صغری می‌باشد خواستم نامه‌ای به امام زمان (ع) برساند، در این نامه از حضرت پرسیده بودم: در زمان غیبت به چه کسانی مراجعه نمایم؟

حضرت با خط خودشان چنین پاسخ نوشته بودند:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»

«در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خداوند بر آنان می‌باشم»^۱.

امام حسن عسکری (ع) عوام را به پیروی از فقهای نموده اند که نگهدارنده نفس خود از انحرافات، حافظ دین و مطیع فرمان خداوند هستند سفارش کرده و می‌فرمایند:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا تَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلُّهُمْ»^۲.

^۱ - اکمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۴۸۴

^۲ - سفینه البزار ، جلد ۲ ، صفحه ۳۸۱

هر کس از فقیهان که نگهدارنده دین و نگهبان جان و مخالف هوای نفس خود و اطاعت کننده فرمان مولای خویش باشد، بر مردم است که از او تقلید و تبعیت کنند و آن برای بعضی از فقها می باشد نه برای همه آنها. (یعنی شامل همه علما نمی باشد)

پیامبر اکرم (ص) از راویان احادیث به عنوان جانشینان خویش یاد نموده و می فرمایند:

بار خدایا جانشینان مرا پیامرز. گفته شد: یا رسول الله خلفا و جانشینان شما چه کسانی هستند؟

حضرت فرمودند: آنان که پس از من می آیند و حدیث و سنت مرا روایت می کنند.^۱

در حکومت اسلامی، مردم مؤظفند به عالم، راوی حدیث و فقیه جامع الشرایط رجوع کنند و به رای دستور او، که برگرفته از کتاب خدا و سنت معصومان است، ارج نهند.

امام صادق (ع) می فرمایند: «ولایت اهل عدل از جانب خدا واجب شده و خداوند اراده کرده است که آنان والی باشند و مردم ولایتشان را قبول کنند و به اوامرشان تن در دهند. اطاعت از آنان واجب است و کسانی که از سوی آنان به انجام کاری مأمور می شوند، حق سرپیچی ندارند»^۲

و در جایی دیگر امام جعفر صادق (ع) در ضمن توصیه به پیروی از فقها می فرمایند:

^۱ - مکئیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۵۱۷

^۲ - دعائم الاسلام قاضی نعمان جلد ۲ صفحه ۵۲۷

« شما موظفید در زمانی که به ما دسترسی ندارید، به فقها رجوع و به گفته آنها عمل کنید، مبادا قول آنها را رد کنید، زیرا رد قول آنها، ردّ ما و ردّ ما، ردّ خدا به شمار می آید. و رد خداوند متعال در حد شرک می باشد.^۱»

امام حسین (ع) عالمان و فقیهان را به عنوان جانشینان خود و حاکمان بر مردم و وارثان انبیاء معرفی نموده می فرمایند: «مجاری امور و احکام به دست عالمان و امینان بر حلال و حرام خداست.^۲»

بطور کلی از مجموع روایات ذکر شده و روایات بسیار دیگر که در این باره نقل شده اند، می توان به دو نکته اساسی و قابل تأمل پی برد:

۱- این روایات، وظیفه مردم را به خوبی آشکار می سازند. امامان معصوم (ع) به مردم خطاب می کنند که شما موظفید عالمان و شایستگان دینی را به رهبری پذیرید. در مسائل دینی و دنیائی خویش به آنان رجوع کنید، زمام امور خود را بدانان بسپارید و تحت رهبری شان برای ایجاد حکومت قسط و عدل قیام کنید. رجوع به کسی جز اینان بر خلاف رضای خداوند و موجب عقوبت اخروی و دنیوی است.

۲- این روایات عالمان شیعه را مخاطب می سازد که در دوران غیبت امام معصوم (ع)، آنان باید وظایف امامت و رهبری را بر عهده بگیرند. بدین سان آنان هم باید با اجتهاد خود، احکام دین را در مسائلی که پیش می آید، بیان کنند هم برای تشکیل حکومت و اجرای دین و ایجاد زمینه رشد و تکامل انسان ها قیام کنند و با تبلیغ و آگاه کردن مردم به لزوم تشکیل حکومت اسلامی، آنان را چون سربازانی برای اجرای اهداف الهی تربیت کنند.

^۱ - امتحان طبرسی، جلد ۲، صفحه ۲۶۳

^۲ - تمف العقول صفحه ۲۳۷

از این جاست که نقش و اهمیت فقهای وارسته و به دور از هوای و هوسهای نفسانی که نایبان امام زمان (ع) در این دوران می‌باشند، نمایان می‌گردد. در واقع ولایت فقیه همان دنباله امامت می‌باشد یعنی مجتهد جامع شرایط و اعلم به نیابت از امام زمان (عج) امور رهبری امت اسلامی را بدست می‌گیرد. و به عبارت بهتر ولایت فقیه دنباله روی از پیامبران و امامان معصوم (ع) می‌باشد. مبانی بر اساس اصالت جامعه یا اصالت فرد و یا اصالت انسان نیست بلکه به دور از این‌ها، مبانی بر اساس اصالت الله است که امروز بصورت اسلام و قوانین اسلامی متبلور شده است، او تنها از اسلام می‌گوید و بر اسلام تکیه دارد و مجری اسلام و قوانین اسلامی است.

در حدیثی که از امام حسن عسکری (ع) ذکر شد، می‌توان این امر و مفهوم را دریافت که تقلید به معنی پیروی نمودن است و امور مردم در زمان غیبت به فقها و علما سپرده شده است و آنان ولایت بر مردم را دارا می‌باشند، البته ولی فقیه باید ائمه اطهار (ع) را به عنوان سیره و الگوی خویش در زمانی که این وظیفه بسیار سنگین را بر عهده دارند، قرار داده و از اخلاق و رفتارهای آنان و نوع برخوردشان با مسائل جامعه پیروی نموده و با نگاه بسیار عمیق به نحوه زندگانی آنان درس بزرگی را بگیرند. و آنان را به عنوان الگو و اسوه و ملاک عمل خویش قرار بدهند و از سنت و روش آنها پیروی نمایند.

بنابراین با عمل به گفتار و احادیث ائمه معصومین (ع) می‌توان بهترین و جامع‌ترین چهارچوب حکومت اسلامی را تشکیل داد. حکومتی که به نیابت از امام زمان (ع) توسط نایبان عام آن حضرت تشکیل می‌شود، باید در حد توان، حکومتی باشد اسلامی، که در آن تلاش می‌شود هیچ حقی ضایع نشود و به کسی ظلم روا

نگردد و مساوات و عدالت بین مردم برقرار شود و از هر گونه تبعیض در جامعه جلوگیری بعمل آید و...

البته یادآوری این نکته لازم است که هیچ کس نمی تواند حکومتی عین حکومت ائمه اطهار (ع) و حکومت امام عصر (عج) تشکیل دهد که در آن به تمامی حقوق مسلمین رسیدگی می شود و حکومتی باشد که در آن به تمام دستورات الهی عمل می گردد، اما هر کس باید در حد توان خویش در این مسیر بکوشد.

حکومتی که بوسیله نایبان عام یعنی فقها اداره می شود باید همانند حکومت امام امیرالمومنین علی (ع) باشد. طول مدت زندگانی امیرالمومنین علی (ع) برای ما درس است و تمام دستورات و سخنان و عملکرد ایشان راهگشای مشکلات می باشد. به عنوان نمونه: آنجا که برادرش عقیل که از گرسنگی رنگ بچه های او پریده بود و به ناچار پیش برادرش امام علی (ع) برای مطالبه کمک از بیت المال مسلمین می کند، حضرت آهن سرخ گداخته ای در دستش می گذارد و با این عمل عذاب خداوند را در آن دنیا یادآوری می کند و بر حقوق مساوی و بیت المال مردم تاکید می نماید. و یا در نمونه ای دیگر مولا علی (ع) در نامه ای که به پسر عمویش می نویسد و به او اعتراض می کند و او را از کار بر کنار می سازد و می نویسد: من این تبعیض را از دو فرزندم حسن و حسین (ع) هم نمی پذیرم.

به امام علی (ع) خبر دادند که شریح بن حارث، قاضی امام، خانه ای به هشتاد دینار خرید، او را احضار کرد و فرمود:

به من خبر دادند که خانه ای به هشتاد دینار خریده ای، و سندی برای آن نوشته ای، و گواهانی آن را امضا کرده اند.

شریح گفت: آری ای امیرمومنان. امام نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود:

«ای شریح! به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته‌ات نگاه نمی کند، و از گواهانت نمی پرسد، تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آن زمان خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای.»

اما اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی، برای تو سندی می نوشتم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیشتر رغبت نمی کردی. آن سند را چنین می نوشتم:

این خانه‌ای است که بنده‌ای خوار آن را از مرده‌ای آماده کوچ خریده، خانه‌ای از سرای غرور، که در محله نابودشدگان و کوچه هلاک‌شدگان قرار دارد، این خانه به چهار جهت منتهی می گردد: یک سوی آن به آفت‌ها و بلاها، سوی دوم آن به مصیبت‌ها و سوی سوم به هوی و هوس‌های سست کننده، و سوی سوم آن به شیطان گمراه کننده ختم می شود، و در خانه به روی شیطان گشوده است. آن خانه را فریب خورده آزمند، از کسی که خود به زودی از جهان رخت برمی بندد، به مبلغی که او را از عزت و قناعت خارج و به خواری و دنیا پرستی کشانده، خریداری کرده است. هر گونه نقصی در این معامله باشد، بر عهده پروردگاری است که اجساد پادشاهان را پوسانده و جان جباران را گرفته و سلطنت فرعون‌ها چون کسری و قیصر و تبع و حمیر را نابود کرده است و...»

کسانی که به عنوان نایب ائمه و امام زمان (غ) هستند باید مثل امیرالمومنین (ع) نسبت به بیت المال و حقوق مردم بسیار حساس باشند و با کسانی که قصد سوء استفاده و غارت آن را دارند با قاطعیت برخورد کنند. امام علی (ع) ضمن هشدار به ابن عباس از خیانت به بیت المال می فرماید:

«همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت می‌گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی.»

ساده زیستی کارگزاران از دیگر مشخصه‌های حکومت هر چند کوتاه امام علی (ع) بود. حضرت همیشه به کارگزاران ساده بودن و ساده زیستن را سفارش می‌کردند و کسانی را که این امر را رعایت نمی‌کردند سرزنش نموده و نصیحت می‌کردند و اگر تاثیری نداشت او را از کار برکنار می‌ساختند. به عنوان نمونه امام به فرماندار بصره عثمان بن حنف انصاری که در سال ۳۶ هجری دعوت مهمانی سرمایه‌داری از مردم بصره را قبول کرده بود، در نامه‌ای به او چنین نوشت:

پس از یاد خدا و درود، این سبب است که من گزارش دادند که مردی به داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را قبول کنی که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن که در کجایی بر سر کدامین سفره می‌خوری؟ پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی، دور بیفکن و آن چه را که به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن.

آگاه باش هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانش او روشنی می‌گیرد.

آگاه باش امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید، اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید. پس سوگند به خدا من از دنیای شما

طلا و نقره‌ای نیندوخته و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام، بردو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیفزودم و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است. ..

من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک و مغز گندم، و بافته‌های ابریشم برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، در حالی که در حجاز یا یمامه کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و اطرافم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهایی سوخته وجود داشته باشد، یا چنان باشم که شاعر گفت:

وَحَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبِيتَ بِبِطْنِهِ
وَحَوْلُكَ أَكْبَادُ تَحِنُّ إِلَى الْقَدِّ!

این درود تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند.

آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمومنین خوانند و در تلخی روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟

آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پرواری که تمام همّت او علف، و یا چون حیوانی رها شده که شغلش چریدن و پر کردن شکم بوده، و از آینده خود بی‌خبر است. آیا مرا بیهوده آفریده‌اند؟ آیا مرا به بازی گرفته‌اند؟

آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم و یا در سرگردانی قدم بگذارم؟ گویا می‌شنوم که شخصی از شما می‌گوید: اگر غذای فرزند ابیطالب همین است، پس سستی او را فرا گرفته و از نبرد با هموردان و شجاعان باز مانده است.

ای دنیا از من دور شو، مهارت را بر پشت تو نهاده، و از چنگال تو رهایی یافتم، و از دام‌های تو نجات یافته، و از لغزش گاه‌های دوری گزیده‌ام. کجایند بزرگانی که به بازیچه‌های خود فریبشان داده‌ای؟ کجایند امت‌هایی که با زر و زیورت آنها را فریفتی که اکنون در گورها گرفتارند و درون لحد‌ها پنهان شده‌اند؟

ای دنیا به خدا سوگند اگر شخصی دیدنی بودی، و قالب حس کردنی داشتی، حدود خدا را بر تو جاری می‌کردم، به جهت بندگانی که آنها را با آرزوهای فریب دادی، و ملت‌هایی که آنها را به هلاکت افکندی، و قدرتمندانی که آنها را تسلیم نابودی کردی، و هدف انواع بلاها قرار دادی که دیگر راه پس و پیش ندارند، اما هیئات کسی که در لغزشگاه تو قدم گذارد سقوط خواهد کرد، و آن کس که بر امواج تو سوار شد غرق گردید، کسی که از دام‌های تو رهائی یافت پیروز شد، آن کس که از تو به سلامت گذشت نگران نیست که جایگاهش تنگ است زیرا دنیا در پیش او چونان روزی است که گذشت.

از برابر دیدگانم دور شو قسم به خدا رام تو نمی‌شوم که خوایم سازی و مهارم را به دست تو ندهم که هر کجا خواهی مرا بکشانی. به خدا قسم سوگندی که تنها اراده خدا در آن است، چنان نفس خود را به ریاضت وادارم که به یک قرص نان هر گاه بیابم شاد شود، و به نمک به جای نان خورش قناعت کند، و آنقدر از چشم‌ها اشک ریزم که چونان چشمه‌ای خشک در آید، و اشک چشمم پایان پذیرد. آیا سزاوار است که چرندگان، فراوان بخورند و راحت بخوابند، و گله گوسفندان پس از چرا کردن به آغول رو کنند، و علی نیز همانند آنان از زاد و توشه خود بخورد و استراحت کند؟ چشمش روشن باد که پس از سالیان دراز، چهارپایان رها شده، و گله‌های گوسفندان را الگو قرار دهد. ...

آری این بود حکومت امیرالمومنین، که بهترین اسوه و الگو برای حکومت پیروان و نایبان عام حضرت ولیعصر (عج) در دوران غیبت می باشد، که عدّه‌ای تاب عدل آن را نیاوردند و اقدام به کارشکنی نموده و در پایان وقتی نتوانستند به اهداف پلید خویش دست یابند، حضرت را به شهادت رساندند.

سخنان و نامه‌های آن حضرت به استانداران و بخشداران و فرمانروایان که در کتاب بسیار ارزنده و شریف نهج البلاغه تالیف مرحوم سید رضی (ره) موجود می باشد، بهترین الگو برای حکومت می باشد لذا باید فقها تا حد توان بکوشند در آن مسیر گام بردارند و به آنها جامه عمل بپوشانند.

با چنین دیدگاهی است که فقیه استمرار دهنده خط امامت امام زمان (ع) و پاس دارنده مرزهای ولایت آن بزرگوار، منعکس کننده فرمایشات و فرمانهای او به پیروان و ارادتمندان او است. بنابراین یکی از وظایف مهم منتظران و شیعیان امام عصر (عج) این است که برای بدست آوردن احکام دین و چگونگی انجام وظایف و مسئولیتهای دینی، فردی و اجتماعی شان به فقهی که دارای شایستگیهای مطرح شده از سوی امام را دارد، مراجعه و از او پیروی نموده و از فرمانهای او اطاعت کنند و از هر گونه نافرمانی و مخالفت با او و دستوراتش جداً پرهیز کنند.

کسانی که با ولایت فقیه به مخالفت برخاسته‌اند، کسانی بوده‌اند که منافع خویش را در تشکیل حکومت اسلامی در خطر می دیده‌اند، لذا برای این امر شروع به اشکال تراشی کرده‌اند. اینها کسانی هستند که دل خوشی از اسلام و علمای اسلامی ندارند و شناخت کاملی در این زمینه نداشته‌اند و ایرادهای بی اساس و بدون جنبه دفاعی بر این امر وارد می کنند و سعی در مخالفت با این امر را دارند که گویندگان شعار جدایی دین از سیاست از همین دسته‌اند. وظایف فقها و نایبان

خود وظیفه بسیار سنگین می باشد که از عهده هر کسی بر نمی آید و در اثر همین وظایف بس دشوار و سنگین است که عالمان دین در نزد خداوند متعال از هر طبقه ای گرامی تر محسوب می گردند چنان که امام هادی (ع) در حدیثی می فرمایند:

« در زمان غیبت قائم (عج) اگر دانشمندان و علمایی که مردم را به سوی آن حضرت می خوانند، وجود نداشتند و با دلایل و برهانهای آشکار از آیین الهی دفاع نمی کردند و بندگان ضعیف خدا را یاری نمی کردند و آنان را از دامهایی که شیاطین گسترده اند، نجات نمی دادند همه مردم را از دین روی بر می گردانند و مرتد می شدند. ولی این مرزبانان و محافظان دین، همانند ناخدایان کشتی که سکان کشتی را به دست می گیرند، رشته و ریسمان دلهای منصفان را در دست می گیرند و به مسیر صحیح هدایت می کند این دسته (ع - ن دین) هستند که در نزد خداوند عزوجل از هر طبقه ای گرامی تر هستند.^۱»

فقیهی می تواند نیابت امام زمان (ع) را داشته باشد که شایستگی های لازم برای نیابت را دارا باشد و در بین افراد کسی که اعلم تر است بر این مقام مقدم تر می باشد و شناخت افراد متخصص در این امر خود یکی از وظایف مهم دیگر است. معیارهای یک فقیه وارسته و اعلم بسیار زیاد است و از چند جنبه می توان درباره آن بحث نمود که در اینجا مجال آن نمی باشد.

حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: «کسی که رهبری جامعه ای را بر عهده بگیرد و در جامعه دانشمندتر و فقیه تر از او باشد، آن جامعه تا روز قیامت پیوسته، روبه انحطاط می رود.^۲»

^۱ - الممجة البيضاء ، جلد اول ، صفحه ۳۳

^۲ - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صفحه ۴۴۵

از این حدیث به وضوح پیداست که اولویت رهبری جامعه در هر عصر با فقیهی است که عالم‌تر و داناتر باشد و اگر رهبر جامعه بداند که فقیهی از او عالم‌تر و نسبت به این امر شایسته‌تر است باید این مسند را خالی نموده و به ایشان تحویل دهد که پیشرفت جامعه اسلامی در گرو همین رهبری می‌باشد و سابقه در تاریخ نشان داده است در هر جامعه که رهبری لایق و شایسته وجود داشته است آن ملت و جامعه توانسته‌اند موفقیت‌هایی را کسب کنند و در مسیر سعادت گام بردارند. به همین دلیل است که در اسلام به مسئله ولایت و رهبری اهمیت و ارزش فراوانی داده شده است به گونه‌ای که اگر رهبری و ولایت نباشد آن جامعه نمی‌تواند پیشرفت و ترقی کند و رفته رفته به طرف انحطاط و پرتگاه سقوط کشیده می‌شود. لذا برنامه‌های اسلام باید تحت نظارت ولایت و ولی فقیه باشد و اوست که راهنما و پیشوای امت اسلامی است. رهبری عامل مهم در اتحاد و انسجام مسلمین است و همه گروه‌های اسلام را در یک خط به پیش می‌برد.

ولایت یعنی حکومت و سرپرستی دین و دنیای مردم که بسیار مقام مهم و در عین حال پر مسئولیت و سخت است و تنها افراد لایق و کامل هستند که می‌توانند عهده دار آن گردند. اگر رهبری جامعه‌ای در دست افراد شایسته و لایق قرار گیرد رهنمودهای او نقش اساسی در پیشبرد و ترقی امت اسلام خواهد داشت و به عبارت واضح‌تر رهنمودها و سرپرستی رهبر شایسته که به عنوان نایب و معاون به حق امام عصر (عج) است می‌تواند نزدیکترین و حساب شده‌ترین شیوه برای رسیدن به حکومت امام زمان (عج) باشد. اینجاست که مسلمانان باید در نظم و انسجام خاص تحت رهنمودهای رهبر شایسته که امروزه از آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود، راه زمینه‌سازی صحیح را دریابند و با پشت گرمی معنوی خاصی آن را دنبال کنند تا جهان را به استقبال حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

سوق دهند که نهایت آن آینده بسیار درخشان و اهتزاز پرچم لاله الاالله در کل جهان خواهد شد و همین امید به آینده روشن (نه مبهم و تاریک)، خود همان عامل درونی انتظار است که باید بصورت علم و عمل در آید و به نتیجه عملی برسد.

در طول تاریخ جریان‌های پرفراز و نشیب برای شیعه پیش آمده است و افراط‌ها و تفریط‌های زیادی در موضوعات و عناوین مختلف صورت گرفته است، اما در همه این ادوار و طول تاریخ، جریان قدرتمند مرجعیت با آنها به مقابله و مبارزه برخاسته و حامی و مروّج اهل بیت (ع) و مبانی اسلامی بوده است، طوری که به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های خط تعادل در اندیشه شیعه با آن همه کجروی‌ها و کج اندیشی‌ها مقابله نموده است. لذا در این زمان و زمان‌های آینده منتظران و شیعیان حضرت ولیعصر (عج) برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط‌ها، در فعالیت‌های خود همواره باید دیدگاه‌ها و نظرات فقهای عالم و مراجع عالیقدر تقلید را مدنظر داشته و از انجام هر عملی که مغایر با اهداف و اندیشه‌های آنان است، پرهیز نمایند چرا که مخالفت با دستورات آنان همانند مخالفت با فرمایشات ائمه معصومین (ع) است و می‌توان گفت چنین اعمالی (مخالفت با فقهای اعلم) هرچند به خاطر امام عصر (عج) و به نام مبارک آن بزرگوار باشد، اما چون برخی موارد و یا نحوه اجرای آن مورد تایید مراجع و فقها نباشد و یا نظر ایشان نادیده گرفته شود، نه تنها مورد رضایت و خشنودی حضرت حجّت (ع) واقع نمی‌گردد، چه بسا ممکن است موجب ناخرسندی و ناراحتی آن جناب شود و از طرفی دیگر سبب دورشدن مردم از آرمان‌های واقعی امامشان و گرفتاری هرچه بیشتر در دام غفلت‌ها گردد و موجبات گمراهی و انحراف آنان از مسیر اصلی راه هدایت را بوجود آورد.

انتظار منتظر

تا به دریای غمت غوطه ورم مهدی جان
دیگر از جان و جهان بی خبرم مهدی جان
بس که از شوق وصال تو پر و بال زدم
سوخت پروانه صفت بال و پرم مهدی جان
به ولای تو قسم تشنه دیدار توام
منما چهره نهان از نظرم مهدی جان
نام تو ورد زبانم شده هر صبح و مساء
ذکر تو هست دعای سحرم مهدی جان
جان ناقابل خود فرش رخت می سازم
گر گذار تو بیفتد زبرم مهدی جان
آخر از دوری روی تو دلم خون شد و حال
می چکد جای سرشک از بصرم مهدی جان
در وصف منتظران تو هنرور گوید
سال ها منتظر منتظرم مهدی جان

دعا برای امام زمان (عج)

دعا نمودن خواستنی ساده نیست، طلب کردنی معمولی نیست، بلکه ایمان به خدا و قدرت مطلق اوست، باورداشت سبب سازی و سبب سوزی اوست، جهت بخشی به خواسته هاست، نوعی تطبیق دادن یا خواست مطابقت بین مطلوبات مورد نیاز بشر، با اراده و مشیت خداست.

دعا جلوه گاه نیاز است، دری به سوی رحمت پروردگار است، کلید باب اجابت است. بدون دعا، لذت انس با خدا، شیرینی ارتباط با معبود، حلاوت قرب به پروردگار نصیب آفریدگان او نمی شود. بدون دعا، اوج بندگی خدا دست نیافتنی است. بدون دعا، بندگان خدا از عنایت او محروم می مانند:

« قُلْ مَا يَعْבוُّ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛

اگر دعای شما نبود، خدا به شما توجهی نمی کرد.»

دعا اوج بندگی و مایه آراستگی و بهترین سپر که می توان در پناه آن با آسایش آرمید. دعا آموزه مهم تربیتی برای نفس، و صفاسازی باطن و رشد دادن به ارزش ها و به کمال رساندن آنهاست. برای هر چیزی پایه و ستونی است که امور مربوط به آن، بر اساس آن پایه و ستون تنظیم و استوار می گردد. همانگونه که قوام

و استواری انسان به عقل و مخ او بستگی دارد، عبادت خدا نیز به وسیله مغز و مخ آن استوار است. اما سؤال این است که مغز و مخ عبادت چیست؟ پیامبر اکرم (ص) در پاسخ این سؤال چنین می‌فرمایند: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ؛ دعا مغز و مخ عبادت است.^۱»

دعا باعث استواری عبادت الهی است. دعا عین عبادت است: **أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ**؛ دعا برترین عبادت است. انسان با دعا نمودن نهایت تواضع و زاری، عبودیت و بندگی خود را در پیشگاه خداوند متعال آشکار نموده و به صحنه نمایش می‌گذارد. دعا بهترین وسیله قرب و نزدیکی به خداوند و ارتباط نیک و ربّانی با ذات ربوبی است. دعا بهترین شاخصه افراد پارسا و شیفتگان معنویت است که حضرت امیر(ع) در وصف این افراد چنین می‌فرمایند:

« **وَالْقُرْآنَ شِعَاراً، وَالدُّعَاءَ دِثَاراً**؛ آنها قرآن را لباس زیرین، و دعا را لباس رویین خود قرار داده‌اند.^۲»

امام سید الساجدین (ع) گرچه در همه عرصه‌ها حضور داشت، ولی در برهه‌ای از شرایط سخت و دشوار، در فضای پرتهاپ طاغوتیان اموی، تصمیم گرفت در قالب دعا به تصفیه و تهذیب انسان‌ها و به سازی آنان به سوی کمالات بپردازد و این آموزش را تا روز قیامت به نسل‌های آینده بشریت و انسانیت سرایت دهد و به عنوان گنجینه ماندگار و همیشه جاوید به بشریت اهدا نماید.

دعا بهترین و در عین حال کاملترین نیایش خلق با معبود است. عبودیت راه منحصر و یگانه تقرب الهی الله است و بر اساس آن چه که صریحاً از آیات و

^۱ - بمارالانوار، جلد ۹۳، صفحه ۳۰۰

^۲ - نهج البلاغه، حکمت ۱۰۴

روایات اسلامی بدست می آید، دعا روح و حقیقت عبودیت را تشکیل می دهد. زیرا حقیقت عبودیت چیزی جز بندگی و تذلل و اظهار کوچکی در مقابل خالق جهان نیست و از طرفی دیگر دعا حاکی از فقر ذاتی انسان است. کسی که دست نیاز به سوی معبود یکتا بلند می کند، معترف است که ذاتاً فقیر است و از خود هیچ چیزی ندارد و غنی بالذات، فقط اوست و همه نیازمند جود و لطف او هستند. دعا نشانه بندگی است، عدم دعا اعتراف به کفر و بی نیازی است به همین دلیل که در زبان وحی، سرباز زدن از دعا، خود معصیت و موجب عذاب الهی به حساب می آید:

«أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ»^۱

مرا بخوانید و دعا کنید تا مستجاب کنم. مسلماً کسانی که از عبادت من سرپیچی میکنند، با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند شد.

امام محمد باقر (ع) در باره معنی عبادت در این آیه می فرماید: «هُوَ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»

مقصود از عبادت در این آیه همان دعا است و دعا بالاترین عبادت هاست.^۲
پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «تَرَكَ الدُّعَاءِ مَعْصِيَةٌ؛ دعا نکردن، گناه محسوب می شود»^۳.

امام علی (ع) از دعا به عنوان محبوبترین اعمال نزد خداوند عزوجل یاد می کند و می فرماید: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ»

^۱ - سوره مبارکه غافر، آیه ۶۰

^۲ - اصول کافی شیخ کلینی (ره)، جلد ۴، صفحه ۲۱۰

^۳ - میزان المکمه، جلد ۳، صفحه ۲۴۵

محبوبترین اعمال نزد خدا در روی زمین، دعا کردن است.^۱»

و در جایی دیگر می‌فرمایند: «أَعْلَمُ النَّاسِ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ أَكْثَرُهُمْ لَهُ مَسْأَلَةٌ»

عالم‌ترین مردم به خداوند سبحان، کسی است که بیش از دیگران از خدا حاجت بخواهد.^۲»

آری دعا جلوه گاه نیاز به سوی پروردگار عالمیان است، خداوند دوست دارد که بندگانش او را دعا کنند و وعده داده است که دعای بندگانش را برآورده سازد. دعا کلید و پیروزی هر حاجت است، دعا وسیله دوری بدی از انسان و روی آوردن او به سوی خوبی و کمال است. دعا باعث افزایش بصیرت و شناخت و امید به پیروزی و توان استقامت بیشتر است.

پس باید دعا نمود و از خداوند خواست و دست نیاز به سوی تنهاترین بی‌نیاز گشود و درماندگی و اضطراب خویش را به خداوند بیان نمود و از او درخواست کمک کرد و اوج بندگی خود را نسبت به او نشان داد.

با توجه به نقش مهم دعا و جایگاه والای آن، پیروان واقعی و منتظرین حضرت مهدی (عج) در کنار انجام سایر تکالیف و وظایف، هر صبح و شام با تمام وجود و قلبی آکنده از نیاز، برای آن عزیز دعا کنند و از خداوند متعال بخواهند در ظهور آن حضرت تعجیل بفرماید تا از طریق ظهور هرچه سریعتر آن محبوب عالم، دلها و قلوبشان را روشن سازد و در سایه حکومت عدل جهانی آن حجت آخرین الهی به سعادت واقعی دست یابند. پس باید برای امام زمان (ع) دعا نمود، برای سلامتی او، برای ایمنی او، برای عزت او، برای نصرت و تأیید او، برای

^۱ - اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۲۱۳

^۲ - غررالمکم، حدیث ۳۲۶۰

تحقق اهداف او و برای تعجیل در امر بسیار مهم یعنی ظهور در فرج او خداوند متعال را خواند و از او استمداد و یاری جست.

وجود نازنین امام عصر (عج) به شیعیان چنین سفارش می‌فرمایند:

« وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ؛

برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید، همانا این کار برای خودتان گشایش خواهد بود.^۱»

یکی از اقسام یاری نمودن امام عصر (عج) در دوران غیبت دعا نمودن برای آن جناب است، لذا اگر مؤمن خالصانه دعا کند و با حضور قلب و طهارت باطن و صفا و نورات و پاکی قلب و اخلاص (نورانیت روح و روان و پاکی از هرگونه انحراف و یا خودنمایی) و اضطراب و تضرع (گریه و پریشانی) دست به سوی خالق یکتا دراز کند و خویش را از مردم بی‌نیاز سازد و در برابر آنها ذلیل و خوار نشود و تنها نیاز خود را برای خدا بگوید و از او درخواست نماید، خداوند متعال خواسته او را برآورده ساخته و او را به مراد دل خواهد رساند.

در صحیفه سجادیه در دعای بیست و هشتم در مورد اخلاص در درخواست از خداوند چنین می‌خوانیم:

« خداوندا به تو دل بسته‌ام و از غیر تو که نیاز به لطف و عنایت تو دارد بریدم و سوال خود را از کسی که بی‌نیاز از کرم نیست برگرداندم، و دیدم که تقاضای محتاج از محتاج دیگر، ابلهی در فکر و گمراهی در عقل است.»

نیز در دعای سیزدهم در صحیفه سجادیه می‌خوانیم:

^۱ - اكمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۴۸۵

« هر کس که بستن شکاف نیازمندی خود را از پیشگاه تو طلب کند، و رفع تهی دستی از خود را بوسیله تو بخواهد، در حقیقت نیازهای خود را از جای خود خواسته، و برای وصول به مقصود خود از راهش وارد شده است. ولی هر کس برای حاجت خود به یکی از مخلوقات توجه کرد یا غیر تو را سبب برآورده شدن حاجات خویش قرار داد، به سوی ناامیدی و یأس گراییده، چنین کسی سزاوار است که از پیشگاه تو مشمول بخشش و احسان قرار گیرد.»

از آنجا که ظهور حضرت ولیعصر (عج) موجب گشایش تمامی گره‌های مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی می‌باشد، دعای کامل با شرایط، به معنی خواستن و گام برداشتن به دنبال آن خواسته می‌باشد، کسی که در فکر و عمل خواستار امام زمان (عج) و ظهور او و استواری حکومت جهانی و پراز عدل و داد او باشد، با این عمل قدمی راسخ و استوار به سوی فرج برداشته است.

دعای کامل، قطعاً همراه اندیشه و برنامه ریزی و آمادگی و تلاش همه جانبه و تلاش در عرصه‌های مختلف را می‌طلبد، لذا اگر این آمادگی و زمینه سازی فراهم نشود، ظهور و فرج محقق نخواهد شد. از این رو دعا خودش فرج است. کسی که دعای خالص و کامل کرده باشد در حقیقت امر، او در مسیر واقعی فرج گام برداشته است و او را می‌توان یک شیعه و منتظر واقعی امام عصر (عج) نامید.

دعای کامل در حقیقت دعایی است که از قلب سرچشمه گرفته و بر زبان جاری گردد. انسان باید در پرتو دعا از ظلمت به سوی نور و روشنایی حرکت کند، و تحوّل عمیق درونی در خود ایجاد نماید و دعا را نردبان ترقی در همه عرصه‌های انسان سازی قرار دهد، و با همّت عالی، دعا را مرکب راهوار برای پرواز به ملکوت اعلی تبدیل نماید. از شرایط دعای کامل یکی این است که دعا کننده بر

دعا و خواسته خویش از معبود جهان اصرار و پافشاری نماید، چنان که پیامبر اکرم (ص) در این مورد می‌فرماید:

« **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُلْحِينَ فَيَالِدُعَاءِ؛** خداوند اصرار کنندگان در دعا را دوست دارد.^۱ »

از دیگر شرایط دعای کامل توجه کامل داشتن به خداوند متعال است چنان که فرد دعا کننده باید تنها خداوند را بنگرد و تنها او را در نظر بگیرد. امام علی (ع) این را صفت پرهیزگاران خوانده و می‌فرماید: « **عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ؛** فصغراً ما دونه فیاعیذهم؛ خالق و آفریدگارشان در روح و جانشان بزرگ جلوه کرده و غیر خداوند در نظرشان کوچک است.^۲ »

دعای کامل شرایط دیگری دارد که در اینجا مجال پرداختن بدان نیست.

چنانکه گذشت دعای کامل نوعی یاری رساندن و تایید و نصرت امام زمان (ع) میباشد و اگر دعای مؤمن خالصانه باشد، یعنی از روی اخلاص و پاکی دعا کند مولایش هم برای او خالصانه دعا می‌کند و دعای مولا کلید هر خیر و شری است. دعا نمودن مایه رستگاری و شفاعت آن حضرت است، در سایه همین دعاست که لطف و عنایت خاص خداوند شامل حال شیعیان و منتظران آن جناب می‌گردد. پدر بزرگوار حضرت مهدی (عج) امام حسن عسکری (ع) دعا برای فرج را، راهی بسوی مصون ماندن از انواع فتنه‌ها و گمراهی‌ها و لغزش‌ها و ضلالت‌های دوران غیبت می‌دانند و می‌فرمایند:

^۱ - بهارالانوار ، جلد ۹۳ ، صفحه ۳۷۸

^۲ - نهج البلاغه ، فطبه ۹۳

« به خدا او غیبتی می کند که در آن غیبت از هلاکت و گمراهی نجات نمی یابد مگر کسی که خداوند او را بر ایمان به امامتش پایدار داشته و دعا برای تعجیل در فرجش توفیق دهد.»

دعا در زمان غیبت از اهمیت و جایگاه خاص و والایی برخوردار است. در این دوران نیاز منتظران و شیعیان به دعا بیش از هر دوره و زمان دیگری است. زیرا از برترین و بزرگترین نعمت و رحمت الهی که همانا وجود مقدس حضرت ولیعصر (عج) می باشد، محروم مانده اند. در عین حال خطرات و تهدیدهای بزرگی در این دوران جامعه اسلامی و مسلمین را تهدید میکند، لذا بهترین سلاحی که می توان با این تهدیدها مقابله کرد همین دعا نمودن است. در حدیث نبوی است که آن حضرت به اصحاب خود فرمود: آیا می خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ میکند و نجات می دهد و هم روزیتان را فراوان می کنند؟

عرض کردند: بلی یا رسول الله. حضرت رسول (ص) فرمودند:

« تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ؛ خدا را دعا کنید و شب و روز او را بخوانید. به درستی که سلاح مؤمن دعاست (یعنی دنبال حاجات رفتن، با سلاح دعا و با حادثه و دشمن و بلیه درافتادن و مقابله کردن، با سلاح دعا).»

امامان بزرگوار که پیشوایان راه سعادت بشریت اند، هم خود برای امام زمان (عج) و ظهورش دعا می نمودند و هم دیگران را به چنین دعایی دعوت میکردند.

یونس بن عبدالرحمان گوید: امام رضا (ع) همواره به دعا برای صاحب الامر (ع) امر می فرمودند:

«إِنَّ الرُّضَا (ع) كَانَ يَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ^۱».

مرحوم علامه امینی (ره) در کتاب شریف الغدير می نویسد: وقتی دعبل خزاعی قصیده معروف خود را درباره امام زمان (ع) خواند و از حضرت حجت (ع) یاد نمود، امام رضا (ع) دست خویش را بر سر نهاده و تواضع نموده، درحالی که برای فرج آن بزرگوار چنین دعا می نمودند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛ خدایا در فرج او تعجیل بفرما و امر ظهورش را آسان کن. سپس خصوصیات حکومت آن امام را برای مردم بیان نمودند^۲».

امام هادی (ع) در پاسخ فردی که درباره وظایف عموم شیعیان در زمان غیبت سوال کرده بود، چنین فرمودند: «بر شما باد به دعا و نیایش برای فرج و دارا بودن حالت انتظار^۳».

امام موسی کاظم (ع) در حق صاحب الزمان (عج) چنین دعا می فرمایند:
«خدایا در فرج و ظهور قائم به امر خودت تعجیل بفرما، او را یاری کن، دینت را بوسیله او حمایت نما، همان دینی که توسط منافقان دستبرد تغییر و تحریف و تبدیل واقع شد^۴».

امام جعفر صادق (ع) می فرمایند: «هر کس بر بلا شکیباً باشد و به وسیله دعا چشم انتظار فرج از سوی خداوند باشد، از خاصان به شمار می آید^۵».
و در جایی ضمن معرفی دعای شریف عهد و توصیه به خواندن آن، می فرمایند:

- (بهار الانوار، جلد ۹۵، صفحه ۳۳۰)

^۱- تفسیر عیاشی، صفحه ۱۵۴

^۲- صمیفه مهدیه، صفحه ۹۹

^۳- انوارالبهیة ممدت قمی، ترجمه اشتهاردی، صفحه ۴۳۶

^۴- وظایف شیعیان و منتظران، صفحه ۶۱

«هر کس چهل روز این دعا را بخواند، او از انصار و یاران امام قائم (عج) خواهد بود. اگر قبل از ظهور امام زمان (ع) از دنیا برود خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد و برای هر کلمه‌ای هزار حسنه به او می‌دهد و هزار گناه او را نابود و از بین می‌برد.^۱»

عباد بن محمد مدائنی می‌گوید: امام جعفر صادق (ع) پس از نماز ظهر دست‌ها را بلند نموده و دعا کردند. عرض کردم: جانم به فدایتان برای خودتان دعا نمودید؟

امام فرمودند: «دَعَا لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ سَأَلْتَهُمُ وَالْمُنْتَقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ؛

برای نور آل محمد (ص) و غائب آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد، دعا نمودم.^۲»

یحیی بن فضل نوفلی می‌گوید: حضرت موسی بن جعفر (ع) بعد از نماز عصر دست‌ها را به دعا بلند نمود و دعایی را قرائت نمودند. به آن حضرت عرض کردم: برای چه کسی دعا نمودید؟

حضرت فرمودند: برای مهدی آل محمد (ص).

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و ابروانی پیوسته و رانهایی باریک دارد و چهار شانه و قوی هیکل و گندمگون است، و بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش به زردی متمایل است.

پدرم فدای کسی که شب‌ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را مراعات میکند. پدرم فدای کسی باد که در راه ملامت ملامتگران در او تأثیر نمیگذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های مطلق است.

^۱ - مفاتیح الجنان محدث قمی

^۲ - نماز و عبادت امام زمان (ع)، صفحه ۹۷

پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام میکند.^۱»

از نائب دوم حضرت حجت (ع)، محمدبن عثمان روایت شده است که حضرت را در آخرین مرتبه‌ای که در کنار خانه کعبه دیدم که برای تعجیل در فرج خویش چنین دعا می‌فرماید:

« **اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي؛** پروردگارا وعده‌هایی که به من داده‌ای را تحقق ببخش.^۲»

امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید:

« **يَا أَحْمَدِ بْنَ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتِكَ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى حَجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا وَإِنَّهُ سَمَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ كُنْيَةُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...**
وَلَهُ لِيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ التَّهْلُكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.»

« ای احمد بن اسحاق اگر در نزد خدا و حجت‌های پروردگار عزیز و گرامی نمی‌بودی. پسر من را به تو نشان نمی‌دادم.

همانا او همان رسول خدا (ص) است. او کسی است که زمین را پراز عدل و داد پر خواهد نمود همانطوری که از ظلم و ستم پر شده باشد.

به خدا سوگند برای او غیبتی است که در آن غیبت کسی از هلاکت و گمراهی نجات نمی‌یابد مگر کسی که خداوند او را بر امامتش پایدار بدارد و به دعا برای تعجیل در فرجش توفیق دهد.^۳»

^۱ - همان

^۲ - صمیفه مهدیه ، صفحه ۲۷۴

^۳ - بهارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۲۴

امام جعفر صادق (ع) در باره اهمیت دعا برای تعجیل در فرج امام زمان (ع) می فرمایند:

« مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ الظُّهْرِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمُ؛

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: خداوندا بر محمد و خاندان او درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل کن، نمی میرد تا قائم (عج) را دریابد.^۱»

چه خوب است شیعیان برای امام زمانشان، برای سلامتی او برای عزت و نصرت و تأیید او و برای تعجیل در فرج آن جناب از خداوند درخواست نمایند و دست نیاز به سوی او دراز کنند و همگی باهم و یکصدا از خداوند بخواهند که در فرج و ظهور آن بزرگوار تعجیل نموده و امر فرج او را آسان و سهل گردانند. چنانکه خداوند مهربان عشق و علاقه و ابراز محبت واقعی ما را نسبت به مولایمان حضرت ولیعصر (عج) ببیند، آن خورشید عالمتاب آسمان امامت و ولایت را از پس ابر غیبت بیرون می آورد، آن زمان است که تاریکی و ظلمت موجود عالم به نور و روشنایی مطلق مبدل می شود. بیاییم از اعماق دل حضور و ظهورش را از درگاهش بخواهیم و ملتسانه به درگاهش بگرییم و از فقدانش شکوه و ناله کنیم و دعای فرج و ظهور را از اعماق دل زمزمه کنیم و ظهورش را بخواهیم تا با آمدن آن جناب دل و روح ما دوباره زنده شود، آن زمان است که زندگی شیرین و لذت بخش خواهد بود.

فواید و آثار معنوی و اخروی دعا:

^۱ - (بهارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۴۰)

در مورد فواید دعا و مناجات و رازونیاز عاشقانه با خدای تبارک و تعالی تعبیر و سخنان زیادی گفته شده و به آن سفارش گردیده است که این نشان دهنده نقش والای دعا است. رسیدن به حاجات و برطرف شدن نیازها، یکی از آثار دعاست درحالی که اثر بزرگتر آن حالت معنوی و نورانیت دل و صفای باطنی است که در لحظه‌های مناجات و راز و نیاز، با معبود یگانه به انسان عطا می‌شود و استجاب دعا، از جنبه‌هایی، به همین افاضه و عنایت اطلاق می‌شود.

دعا از منظری دیگر حاوی درسها و حکمتها و مطالب تعالی بخش روح و روان فرد و جامعه است. شناخت نقاط آسیب پذیرها و راههای درمان آنهاست.

دعا، باب توبه و استغفار از گناهان و غفلت‌هاست. مضامین دعا، انسان را در هر اندازه از کمال که باشد. در نزد پروردگار، به شرمندگی از غفلتها و گناهان و یا ترک اولی‌ها و میدارد. برترین دعاها از ناحیه کاملترین انسانها، یعنی معصومین (ع) وارد شده است. سوز و گدازی که این بندگان برگزیده خدا، درارتباط با او در دعا بکار برده‌اند، به انسان احساس عطش و نیاز و درعین حال شرمندگی می‌دهد که با این غفلتها و گناهان، چگونه از دعا استنکاف و یا نسبت به آن کم توجهی مینماید.

دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند. معارف را در دل انسان ماندگار و موثر می‌کند، ایمان را قوی می‌کند، علاوه بر این که مضمون دعا خواستن از خدا است، انشاء الله مستجاب می‌شود و خواسته انسان برآورده می‌گردد. یعنی دعا ازچند سو دارای برکات بزرگ است. دعا بهترین عبادت و سلاح مؤمن است، دعا کلید خزائن الهی است، دعا دفع کننده بلاهاست، و جلب نعمت و رحمت الهی است. دستاوردهای فراوان دعا، آن را مخ عبادت و برترین آنها ساخته است.

هر کس که از این سلاح بی بهره است درزندگی سرگشته و درمانده و بی پناه است. یک روایت از امام سجاد (ع) است که می فرمایند:

«الدُّعَا يَبْتَعُ الْبَلَاءَ نَازِلٌ وَ مَا لَمْ يَنْزَلْ؛ هَمُّ بِلَايِي كَمَا بِي سَوِي شَمَا آمَدَه
است با دعا دفع می شود و هم بلایی که نیامده است. یعنی اگر دعا نکنید، آن بلا
متوجه شما خواهد شد.»

کلام از امام علی (ع) نقل شده است که ایشان بنا بر نقل فرموده اند:

«ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدِك مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ، بِمَا اِذْنٍ فِيهِ مِنْ مَسْئَلَةٍ؛ خَدَايَ مَتَعَالَى بِه
اینکه به تو اذن داد از او بخواهی، کلید همه ی گنجینه های خود را در دست تو
قرار داد.»

پس اذنی که خداوند متعال داد تا هر چه می خواهی از او بخواهی، همه خزاین
الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل درست به کار ببرد، مسلماً آن را
دراختیار انسان می گذارد.

انسان در هر موقعیت و مسولیتی که باشد، نیازمند به ارتباط با خداوند است. دعا
جان آدمی را از صفا و معنویت سرشار می کند.

دعا سبب زیادی رزق و روزی می گردد، و دعا کننده موجب شفاعت پیامبر قرار
می گیرد، سبب نجات مؤمنین از فتنه ها می شود، باعث بخشش و آمرزیدن
گناهان می گردد، دعا سبب نزدیکی به خداوند متعال می شود و نزدیکی به خدا
موجب کامل شدن ایمان می باشد. دعا موجب می شود تا عنایت خاص خداوند
شامل حال دعا کننده شود و از طرفی دیگر موجب اوج گرفتن روحیه مقابله علیه
باطل در دورن می شود و ..

امام محمد باقر (ع) می فرمایند: «براستی که خداوند عزوجل از میان بندگان
مومنین کسانی را که زیاد دعا می کنند، دوست دارد، بنابراین از سحر تا طلوع دعا

کنید زیرا بیشک در این هنگام درهای آسمان گشوده شده و بادهای رحمت وزیدن گرفته و رزق‌ها تقسیم شده و حوائج بزرگ برآورده می‌گردد.»

فواید دعا بر امام زمان (ع):

دعا برای امام زمان (ع) فایده‌های بیشتری دارد که در اینجا به طور خلاصه به چندین مورد از آنها اشاره می‌شود.

- ۱- سبب زیاد شدن نعمت‌ها می‌گردد.
- ۲- مایه ناراحتی شیطان لعین می‌شود.
- ۲- سبب نجات یافتن و در امان بودن از فتنه‌های آخرالزمان می‌گردد.
- ۴- یکی از حقوق آن حضرت است که ادای هر حقی از واجب‌ترین امور می‌باشد.

۴- سبب می‌شود حضرت صاحب الامر (عج) در حق او دعا کند و دعای او کلید گشایش هر خیر و شری است.

۵- شفاعت آن بزرگوار شامل حال دعا کننده در قیامت می‌شود چنانکه حضرت با دعای خویش که یقیناً به هدف اجابت می‌رسد راضی نمی‌شوند آنان که در جهنم بروند و همه آنان را شفاعت خواهند فرمود. همانطوری که امام علی (ع) از رسول مکرم اسلام (ص) نقل فرموده‌اند که آن حضرت درباره حضرت مهدی (عج) فرمودند: «والمهدی شفیعهم.»

یعنی حضرت مهدی (عج) شفیع شیعیان در روز قیامت خواهد بود آنجا

که هیچ کس جز آن که خداوند بخواهد و راضی باشد، نمیتواند شفاعت کند.

۷- فرج مولایمان حضرت حجت (ع) زودتر واقع می‌گردد. چنان که حضرت می‌فرمایند: « أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛

برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید، همانا این کار برای خودتان گشایش خواهد بود.^۱»

۸- دعا کننده از بدی حساب در روز قیامت در امان میماند.

۹- مجلسی که در آن برای حضرت قائم (عج) دعا می‌شود، محل حضور فرشتگان و ملائکه می‌گردد.

۱۰- مایه خرسندی خداوند تبارک و تعالی و پیغمبر اکرم (ص) می‌شود.

۱۱- باعث دوری غصه‌ها از انسان می‌شود و موجب آسانی حساب در روز قیامت می‌باشد.

۱۲- طولانی شدن عمر را سبب می‌شود.

۱۳- از عقوبت‌های اخروی جلوگیری بعمل می‌آورد.

۱۴- شفاعت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) شامل حال دعا کننده می‌شود و سبب شامل شدن دعای ایشان بر دعا کننده می‌گردد.

۱۵- موجب رجعت به دنیا در زمان ظهور امام عصر (عج) می‌گردد.

۱۶- خداوند متعال در عبادت او را تأیید می‌فرماید.

۱۷- در روز قیامت با ائمه معصومین (ع) محشور می‌شود.

۱۸- فرشتگان و ملائکه برای او طلب عفو و آمرزش از درگاه خداوند می کنند.

۱۹- موجب نزول رحمت خداوند بر روی زمین و ساکنان آن می شود.

۲۰- موجب تشریف به دیدار آن جناب در خواب یا بیداری را سبب می شود.

۲۱- موجب ازدیاد اشرف نور امام در دل دعا کننده می شود.

۲۲- پاداش خونخواهی مولای مظلوم و شهیدمان حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) را دارد.

۲۳- دعا برای امام زمان (ع) ثواب شهید شدن در زیر پرچم حضرت قائم (عج) را دارا می باشد.

۲۴- موجب بالا رفتن درجات فرد در بهشت برین می گردد.

۲۵- این دعا، ثواب کسی که با پیغمبر اکرم (ص) بوده و در رکاب او جهاد نموده و شهید شده است را دارا می باشد.

۲۶- دعای حضرت سید الساجدین که نکات و فواید زیادی را دارد شامل حالش می گردد.

۲۷- مایه ناامیدی و ناراحتی شیطان لعین می گردد و مجروح شدن دل او را سبب می شود.

۲۸- از عزیزترین و گرامیترین افراد در نزد رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) می شود.

۲۹- این دعا اطاعت از اولی الامر است که خداوند اطاعت از آنها را واجب نموده است.

۳۰- موجب شفاعت حضرت فاطمه زهرا (س) در روز قیامت می شود.

۳۱- دعا برای حضرت وسیله هر گونه خیر و صلاح است.

۳۲- موجب بالا رفتن روحیه امید در فرد می شود و از او هم غم و یأس و ناامیدی را دور میسازد.

۳۳- موجب امان ماندن از عذاب خدا را سبب می شود. شاهد بر این مدعی این آیه است که خداوند می فرماید:

« اِنَّ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَ الَّذِيْنَ هَادُوْا وَ النَّصْرِيَّ وَ الصَّبِيْنَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ
وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ عَمِلَ صٰلِحًا فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَآ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَ لَآ هُمْ يَحْزَنُوْنَ؛

و به تحقیق آنان که ایمان آورده اند و کسانی که یهودی شدند و نصاری و صائبین هر کس به خداوند و روز آخر ایمان آورده و عمل صالح انجام دهد، پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است نه ترسی بر آنان هست و نه اندوهناک می شوند.^۱»

۳۴- موجب هدایت به نور قرآن مجید می گردد و نزد اصحاب معروف می شود.

اوقات دعا برای امام زمان (ع):

از مواقعی که دعا برای تعجیل در فرج به آن تاکید شده است و بر آنها از آیات و روایات و شواهدی هست به مواقع زیر میتوان اشاره نمود:

۱- بعد از هر نماز واجب.

۱- قرآن کریم ، سوره مبارکه بقره ، آیه ۶۲

۲- بعد از نماز ظهر.

امام صادق (ع) فرمود: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ؛ خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست و امرش را آسان کن) او نمی‌میرد تا این که قائم آل محمد را دیدار کند.»^۱

۳- بعد از نماز عصر.

۴- بعد از نماز صبح:

دلیل بر این امر حدیثی بود که در نماز ظهر از امام صادق (ع) نقل شد. و دلیل دیگر حدیثی از امام محمد باقر (ع) است که می‌فرمایند:

«از سحر تا طلوع دعا کنید، زیرا بدون شک در این هنگام درهای آسمان گشوده شده و بادهای رحمت وزیدن گرفته و رزق‌ها تقسیم شده و حوائج بزرگ برآورده می‌گردد.»^۲

۵- بعد از هر دو رکعت از نماز شب.

۶- هر صبح و شام:

چنانکه از امام صادق (ع) دعایی نقل شده است که در اصول کافی مرحوم ثقه الاسلام کلینی (ره) به طور مفصل آمده است و خواندن آن در هر صبح و شام تأکید شده است.

دلیل دیگر این امر خواندن دعای عهد است چنان که امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرمایند: «هر کس چهل صبح این دعا را بخواند، او از انصار و یاران امام زمان

^۱- معیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۲۵

^۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، صفحه ۳۴۷

(ع) خواهد بود.^۱

۷- آخرین ساعات هر روز:

توضیح این مطلب آن که هر روز به دوازده قسمت تقسیم شده است که هر قسمت آن یک ساعت نامیده می شود و هر ساعتی از روز متعلق و منتسب به یکی از دوازده امام برحق می باشد. و به جهت توسل و عرض حاجت به آن امامی که ساعت منسوب به اوست دعای مخصوصی دارد که در کتب معتبر از آنها یاد شده است و از آنجا که ساعت آخر هر روز منسوب به دوازدهمین امام و پیشوای غایب از نظر اختصاص دارد، یکی از مواقع دعا همین ساعات آخر هر روزی می باشد.

۸- روزهای پنجشنبه هر هفته:

دراخبار و روایات آمده است که در روز پنجشنبه کارها و اعمال بر پیغمبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) عرضه می گردد و همچنین آمده است که حضرت مهدی (عج) در روز پنجشنبه برای دوستان خویش دعا میکند.

پس سزاوار و شایسته است که شخص مؤمن و منتظر نیز در برابر فضل و احسان مولایش همانطوری رفتار نماید و در دعا کردن به آن بزرگوار اقتدا و تاسی نماید.

رسول مکرم اسلام (ص) می فرماید:

« اعمال امت من در هر هفته دو مرتبه عرضه می شود: یکی در روزهای دوشنبه و دیگری در روزهای پنجشنبه هر هفته.^۲ »

۹- شب جمعه:

از آنجا که روز جمعه به حضرت ولیعصر (عج) اختصاص دارد، بنابراین شایسته و سزاوار است که در شب جمعه و روز آن برای صاحب این روز دعا شود. از طرفی

^۱- مفاتیح الجنان ممدت قمی

^۲- نجم الثاقب طبرسی نوری . صفحه ۸۲۶

بگر شب جمعه شبی است که اعمال هر انسانی در آن شب عرضه می گردد و به خوب است انسان در این شب برای کسی دعا کند که سزاوارتر به این امر است.

۱- روز جمعه:

از جمعه روز متعلق و منتسب به آقا و سرورمان امام زمان (ع) می باشد، لذا جا زد در این روز بزرگ بخصوص پس از نماز صبح و هنگام ظهر، بعد از نماز سر و در قنوت های نماز ظهر و در نماز جمعه برای آن جناب دعا نمائیم. چنانکه حضرت ختمی مرتبت و ائمه معصومین (ع) در روز جمعه برای امر قیام سرت مهدی (عج) دعا مینمودند.^۱

روز جمعه از چندین جهت به مولایمان حضرت حجت (ع) اختصاص دارد اهتمام ورزیدن بیشتر در این روز به دعا کردن برای آن جناب را میطلبید، که به - مورد از آنها اشاره می شود:

۱: ولادت با سعادت آن حضرت در روز جمعه واقع شده است و آن عزیز در چین روزی چشم به جهان گشوده است.^۲

۲: مقام مقدس امامت مسلمین در روز جمعه به حضرت ولیعصر (عج) منتقل شده است و به عبارتی دیگر حضرت مهدی (عج) در روز جمعه به مقام امامت شده اند.

۳: ظهور حضرت بنابر روایات وارده در روز جمعه خواهد بود و حضرت در چین روزی ظهور خواهند نمود.

چهارم: در این روز حضرت حجت (ع) به اذن خداوند بر دشمنانش پیروز می‌گردد.

پنجم: خداوند متعال در روز جمعه برای آن بزرگوار و پدرانیش پیمان گرفت. ششم: بنا بر روایتی در روز جمعه لقب قائم (عج) را خداوند تبارک و تعالی به آن جناب اختصاص دادند.

هفتم: این که این کلمه از جمله القاب شریف امام زمان (ع) میباشد.

هشتم: قیامت و یوم الحساب در روز جمعه برپا می‌شود.

بنابراین روز جمعه روز بسیار شریف و بزرگی است و از قداست خاصی برخوردار است و از آن به عنوان یکی از اعیاد چهارگانه یاد می‌شود.

و اما در مورد نامیده شدن روز جمعه به نام مولایمان حضرت مهدی (عج)، امام علی النقی (ع) در شرح حدیث رسول اکرم (ص) که فرمود: «دشمنی نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی خواهند کرد، پس فرمودند: روزها ماییم.

تا آنکه فرمودند: و جمعه پسر پسر من است و به سوی او جمع می‌شوند اهل حق.» پس در این روز که مخصوص آن بزرگوار است دست نیاز به سوی معبود یکتا برداریم و برایش دعا کنیم.

در زیارت مخصوص امام زمان (ع) در روز جمعه چنین میخوانیم:

«ای آقای من ای صاحب الزمان! که درود خداوند بر تو و بر آل بیت تو باد. این روز جمعه است و آن روز توست که انتظار کشیده می‌شود در آن روز ظهور و فرج مؤمنین بر دست جناب تو و من ای آقای من در آن میهمان تو هستم و پناه آورده به تو و ای آقای من کریمی و از اولاد بزرگواران و مأموری به پناه دادن، پس مرا میهمانی کن و پناهم ده...»

از جمله اوقاتی که برای دعا نمودن برای امام زمان (ع) و درخواست ظهور و تعجیل در امر فرجش از درگاه خداوند متعال تاکید و بدان سفارش شده است، روز نوروز می باشد.

۱۲- روز عرفه:

روز عرفه از ایام عظیمه است، اگر چه به اسم عید نامیده نشده است. روزی است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود خوانده و موائد جود و احسان خود را برای ایشان گسترانیده و شیطان در این روز خوار و حقیرتر و رانده تر و خشمناک ترین اوقات خود را خواهد داشت.

روزی که امام سجاد(ع) به فقیری که از مردم سوال می کرد، فرمودند: وای بر تو! آیا در مثل چنین روزی به سراغ غیر خدا می روی؟!

عرفه روزی است که امید می رود نه تنها افراد حاضر بلکه کسانی که هنوز متولد نشده اند، مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرند.

روز عرفه روزی است که به فرموده پیامبر اکرم (ص) سخت ترین روزها برای شیطان است.

عرفه روزی است که هنگام غروبش پیامبر اکرم (ص) به بلال فرمود که مردم را ساکت کن تا مطلبی بگویم. همین که مردم ساکت شدند رسول خدا فرمودند:

«إِنَّ رَبَّكُمْ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فَعَفَرَ لِمُحْسِنِكُمْ وَ شَفَعَ مُحْسِنِكُمْ فِي مُسِيئِكُمْ فَأَفِيضُوا مَغْفُورًا لَكُمْ؛

همانا خداوند بر شما منت گذاشت و خوبان شما را بخشید و به احترام مقام نیکوکاران، از تقصیر بدان شما نیز صرفه نظر فرمود، بدانید که همه شما مورد عفو و رحمت خداوند قرار گرفته اید.»

جالب اینکه در دنباله حدیث جمله «**إِلَّا أَهْلَ التَّبِعَاتِ**» آمده است، یعنی این عفو خداوند، شامل افرادی که حق مردم را از بین برده‌اند، نمی‌شود.

بہتر است انسان مؤمن و منتظر با الگو گرفتن از حضرت سیدالسادین (ع) در روز عرفه که از روزهای مهم و سفارش شده است، برای امام زمانش دعا کند. امام سجاد (ع) در مورد اهمیت خاص روز عرفه چنین می‌فرمایند:

«خداوندا، امروز روز عرفه است، روزی که آن را شرافت و کرامت و بزرگی بخشیدی، رحمت را در آن گسترانیدی و با عفو و گذشت در این روز بر بندگانت منت نهادی و بخششهایت را در این روز سرشار نمودی و به واسطه این روز بر بندگانت احسان و لطف فرمودی.»^۱

آن بزرگوار در روز عرفه برای امام زمان (ع) چنین دعا می‌فرمایند:

«خداوندا پس به ولایت امام عصر (عج) شکر نعمت‌هایی را که به او بخشیده‌ای، به او الهام کن، و به ما نیز نعمت وجودش را الهام فرما، و او را در پرتو نیروی خود یاری کن، و درهای کامیابی را به آسانی بررویش بگشا، و او را به نیرومندترین تکیه گاه خود مدد فرما، و پشتش را پرتوان و بازوانش را قوی فرما، و با چشم عنایت او را نگهدار و او را در سایه نگهبانیت حفظ کن، و به وسیله فرشتگانت یاری فرما و بوسیله پیروزمندترین سپاهت مدد فرما.

و کتاب و حدود و شرایع و سنت‌های رسالت را که درودهای تو بر او و خاندانش باد، بوسیله او برپا دار، و به وسیله او، آن چه از نشانه‌های دینت را که ستمگران نابود کرده‌اند، احیاء و زنده کن و زنگار ستم را از چهره طریق و شریعت پاک کن، و دشوار و ناهمواری‌های طریق و راهت را بوسیله آن پیشوا

^۱ - صمیفه سجادیہ ، نیایش در روز عرفه ، ترجمہ اشتهاری ، صفحہ ۳۸۹

طرف ساز، و آنان را که راهت را به کج راهه رفته‌اند و راهیان سوی تو را به وی انحراف میکشاند، بوسیله او از میان بردار...^۱»

س بهتر است ما نیز با الگو گرفتن از امام سجاد (ع) در این روز مهم برای آخرین خیره الهی دعا کنیم و از خداوند بخواهیم او را در سایه لطف خویش محفوظ دارد و در امر فرج او تعجیل بفرماید.

۱- عید فطر و عید قربان:

روزهایی که دعا کردن در آن روز موثر می‌باشد و دعا نمودن در این روز بارش و تاکید شده است، و ائمه اطهار (ع) نیز در این روز دعا مینمودند، روز فطر و عید قربان می‌باشد.

قربان، جلوه گاه تعبّد و تسلیم ابراهیمیان حنیف است. فصل قرب یافتن لمانان به خداوند، در سایه عبودیت است. عید قربان فصل فدا کردن عزیزها در تان عزیزترین است.

ی اولیاء الله عید جامع الشواهد صدق در گفتار و کردار و عمل است، تا در راه ، از تمنای دل بگذرند و خواسته‌ها و داشته‌ها را فدای رضای دوست کنند.

شدن از تعلّقات و ذبح کردن تمنّیات در پیش پای اراده الهی، درس قربانی و قربان است. باید تیغ اراده بر حنجر نفسیات گذاشت. در این روز همه درهای مت خداوند بر روی بندگانش باز است و خداوند در این روز خواسته‌های آنان می‌آورد و چه خوب و بجاست که ما هم در این روز پر عظمت و بزرگ فرج و بر مولایمان را از درگاه حق تعالی بخواهیم.

۱۴- روز عاشورا:

روز عاشورا روز خروج و ظهور حضرت حجت (عج) می باشد چنان که شب مفید (ره) در ارشاد از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند:

« منادی ندا می کند به اسم حضرت قائم (عج) در شب بیست و سوم یعنی از م مبارک رمضان، و خروج می کند در روز عاشورا و آن روز روزی است که در آن حسین بن علی علیه السلام کشته شد.^۱»

ظهور حضرت به روایتی که شیخ طوسی در الغیبه و صاحب عقد الدرر ذکر کرده اند، روز عاشوار است.^۲ تا تفسیر « يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مِتُّمُ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ اراده می کنند که خاموش کنند نور خدا را با دهانهایشان، و خداوند تمام کننده نور خود است، اگر چه کراهت داشته باشند کافران^۳» ظاهر شود و شجره طیبه اسلام که به آن خون پاک آبیاری شده، به دست آن حضرت به ثمر رسد و آیه کریمه « وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا؛ کسی که مظلوم کشته شد پس به تحقیق برای ولی او سلطنت قرار دادیم^۴» بر مصداق اعلائی خود تطبیق شود.

روز عاشورا روز سرافراز شدن حضرت حجت (ع) است از جانب خداوند عزوجل به لقب قائم؛ چنان چه شیخ جعفر بن محمد قولویه در کتاب کامل

^۱ - نیمه الثاقب - مرموم طبرسی نوری، ص ۸۱۶.

^۲ - الغیبت طوسی، ص ۴۵۲.

^۳ - قرآن کریم، سوره مبارکه صف، آیه ۸

^۴ - قرآن کریم، سوره مبارکه اسرا، آیه ۳۳

الزیارات روایت کرده از محمد بن عمران که گفت: حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود:

« چون شد از امر حسین بن علی (ع) با آن چه شد، ناله و فریاد کردند ملایکه به سوی درگاه خداوند عزوجل و گفتند: ای پروردگار ما چنین می کنند با حسین (ع) برگزیده پسر پیغمبر تو؟

فرمود: پس واداشت خداوند برای ایشان ظل قائم را و فرمود: با این انتقام می کشم برای حسین (ع) از آنان که به او ظلم کردند.^۱»

پس چه خوب است در این روز پرمصیبت و پرمحنت صمیمانه برای ظهور منتقم خونهای پاک شهدای کربلا، دعا نماییم و بدانیم کسی که در این روز به درگاه خداوند دعا کند، به ثواب و پاداش بزرگی نایل می شود که جز خداوند تبارک و تعالی آن را نمی داند.

۱۵- شب نیمه شعبان:

شب نیمه شعبان شب میلاد مسعود امام عصر (عج) می باشد. شب نیمه شعبان شبی است که دعاها در آن روز مستجاب می شود، شب نیمه شعبان شب بسیار پرفضیلت و مبارکی است، امام صادق (ع) در فضیلت این شب از پدرش امام محمد باقر (ع) چنین روایت می فرمایند:

« شب نیمه شعبان افضل شبهاست بعد از لیلۃ القدر، در این شب خداوند به بندگان خود از فضل و کرم خویش عنایت می فرماید، و ایشان را میآمرزد به من و کرم خویش، پس در تقرب جستن به سوی خداوند متعال در این شب سعی و کوشش کنید. آن شبی است که خداوند قسم یاد کرده است به ذات مقدس خود که هیچ سائلی را از درگاه خود دست خالی برنگرداند. و این شبی است که

۱- نجم الثاقب مرموم طبرسی نوری ، صفحه ۸۱۶

خداوند قرار داده آن را برای ما به مقابل شب قدر که برای پیغمبر قرار داده است.^۱

لذا دعا نمودن برای مولود این شب پرفضیلت کم تاثیر نخواهد بود و خداوند دعا کننده این شب را دست خالی بر نمی گرداند.

۱۶- روز نیمه شعبان:

این روز روزی است که آخرین ذخیره الهی چشم به جهان گشودند و در این روز از مادر متولد می شوند. حضرت مهدی (عج) در این روز وقتی از مادر متولد می شوند سر به سجده نهاده و برای امر خویش چنین دعا می فرمایند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ اَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ ثَبِّتْ وَ طَاتِي وَ اَمَلَا الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا؛

خداوندا وعده ام را تحقق ببخش و امر قیام مرا تمام گردان و گامم را استوار ساز و زمین را به ظهور من پراز عدل و داد کن.»

شیعیان و منتظران نیز باید در این امر به مولای خود اقتدا نموده و در این روز بسیار مهم برای آن جناب دعا کنند.

۱۷- ماه مبارک رمضان:

ماه مبارک رمضان ماه نزول برکت خداوند بر روی زمین است، ماهی است که قرآن در آن ماه نازل گردید. رمضان ماه برکت، ماه رحمت خداوند و ماه مغفرت می باشد ماهی است که در آن تمام درهای توبه و بازگشت باز است. حضرت امیر(ع) در فضیلت این ماه از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل می فرمایند:

۱- مفاتیح الجنان مرموم ممدت قمی، صفحه ۳۵۴

« ماه رمضان ماه برکت و ماه رحمت است ماهی است که نزد خداوند متعال بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شبها و ساعتهایش بهترین ساعتهاست... دعاهای شما در این ماه مستجاب است.^۱ »

ماه رمضان بهار دعا کردن است از همین رو یکی از روزهایی که دعا کردن در آن روز تا کیداً سفارش شده است ماه مبارک رمضان است چنان که ائمه اطهار (ع) در این ماه بیشتر دعا می کردند و برای این ماه ارزش بیشتری قائل می شدند.

امام سجاد (ع) در ماه رمضان برای امام عصر (عج) چنین دعا می فرمودند:

«خدایا این ماه رمضان است، از تو می خواهم که جانشین محمد (ص) و وصی او قیام کننده به عدالت از اوصیاء محمد که درو دهایت بر او و بر ایشان باد را یاری نمائی، یاریت را بر آنان معطوف بدار.^۲ »

یکی از شب های بسیار با فضیلت ماه رمضان شب بیست و سوم است که فضیلت این شب مثل فضیلت ماه مبارک رمضان نسبت به ماههای دیگر است. شب بیست و سوم شب نزول قرآن بر پیامبر اکرم (ص) می باشد و شب قدر نیز همین شب است و شبی است که درهای رحمت خداوند در این شب آنقدر گشوده و باز است که در شب های دیگر چنین نیست و این شب همان شب قدر است که برای درک فضیلت این شب همین بس است که از هزار ماه برتر می باشد.

بجاست انسان مؤمن در این ماه و شب های پر فضیلت برای عزیزتر از جان و نفس خویش، مولایش صاحب الامر (عج) دعا نماید و سلامتی و تعجیل در فرج او را از خداوند بخواهد. لازم به ذکر است که در شب قدر ملائکه بر مولایمان حضرت مهدی (عج) وارد می شوند و تقدیراتی را که برای او و سایرین خلق شده است بر

^۱ - مفاتیح الجنان ، مرموم ممدت قمی ، صفحه ۳۶۹

^۲ - مکالمات المکارم ، جلد ۲ ، صفحه ۶۶

او عرضه می کنند، سزاوار است در چنین شبهای مبارکی به امامان خویش تاسی نموده و دعا بر آنجناب را بر همه چیز و همه کس مقدم داشته، و بهترین دعاها را که نصرت و اعانت و حفظ الهی و تعجیل در فرج آن بزرگوار می باشد، از خداوند متعال بخواهیم.

ذکر برخی از زیارات و دعاهاى انتظار

زیارت آل یاسین:

یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدس حضرت ولیعصر (ع) رسیده است و شیعیان و منتظران طبق فرموده آن بزرگوار در شدايد و گرفتاریها آن را زمزمه می کنند و به حضرت متوسل می شوند، و آن کلید سعادت هر انسان و گشایشگر هر مشکل که حل نمودنش بسی دشوار و سخت می باشد و حلال آن جز ائمه اطهار (ع) نمی تواند باشد؛ زیارت شریف و مقدس آل یاسین می باشد.

در بخشی از زیارت آل یاسین چنین آمده است:

«... سلام بر تو ای پرچم برافراشته و ای دانش سرشار و ای رحمت و پناه گسترده خداوندی.

سلام بر تو آنگاه که برمی خیزی و آنگاه که می نشینی. سلام بر تو آنگاه که قرآن می خوانی و به تفسیر آن می پردازی.

سلام بر تو آنگاه که به نماز می ایستی و قنوت می خوانی و درود بر تو آن لحظه که به رکوع و سجده می روی. سلام بر تو در آن هنگام که به ستایش خداوند و استغفار می پردازی. سلام بر تو در شامگاهان و صبحگاهان. .. سلام بر تو ای

پیشوای ایمنی بخش. سلام بر تو ای مقدم بر خلق و ای کسی که آرزوی مشتاقانی.. ..

مولای من، نگون بختا کسی که با شما به مخالفت برخیزد و زهی سعادت آن که به طاعت شما گردن نهد!..

مولای من، تورا دوست دارم و از دشمنانت بیزارم، حق آن است که شما آن را بپسندید و باطل آن است که شما ناپسند می‌دارید. کار نیک آن است که شما به آن امر کنید و کار زشت آن است که شما از آن بازدارید.^۱

درود بر قیام کننده به عدل:

بار پروردگارا! بر محمد بن حسن، امام زمان (عج)، که حجت در روی زمین و جانشینت در شهرها و دعوت کننده خلق به راه تو و مجری عدالت و برانگیزاننده مردم به سوی او امر توست، درود بفرست، او دوست و سرپرست مومنان و نابود کننده کافران و روشن کننده تاریکی‌ها و آشکار کننده حق است.. .. او رهبری خیرخواه، کشتی نجات و راهنمای هدایت و نور چشم مخلوقات و شایسته ترین فرد است که ردای امامت برتن دارد و بینا کننده نابینایان است. او همان است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همانگونه که پیش از آن از ستم و ظلم لبریز می‌شود.^۲

طلب یاری دین و دینداران:

^۱ - امتحان طبرسی، جلد ۲، صفحه ۱۴۹۲

^۲ - بهارالانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۷۳ - امتحان طبرسی، جلد ۲، صفحه ۱۴۹۲

« بارالها ولی و حجت خود (حضرت مهدی (عج)) را یاری کن و به کمک او دینت نصرت بخش و دوستان و شیعیانت را به واسطه او تایید کن و ما را نیز از جمله آنان قرار ده.

خدایا وجود آن عزیز را از شر هر ظالم و طغیانگر، و بلکه از همه مخلوقات حفظ کن و از رسیدن هر ناگواری به او جلوگیری کن و به کمک او خاندان پیامبر را محفوظ بدار و عدل و داد را به دست توانای او حاکمیت ببخش. او را با قدرت و عظمت تایید کن و یارانش را یاری و دشمنانش و روی گردانان از نصرت او را به خودشان واگذار.

پروردگارا، جباران و ستمگران را بدست او در هم شکن. منافقان و ملحدان را به واسطه او نابود کن و زمین را به برکت ظهورش از عدل و داد لبریز ساز. بارالها، ما را از جمله یاران و شیعیان حقیقی او قرار ده...^۱»

دعای امام رضا (ع) برای امام زمان (عج):

پروردگارا، همانگونه که کار پیامبران و فرستاده‌های گرانقدرت را به سامان آوردی، کار خلیفه و بنده‌ات را نیز چنان که زبیده و شایسته است به سامان آر. او را با فرشتگان حفظ فرما و توانایی ببخش. برای او محافظان امینی که از روبرو و پشت سر مراقب او باشند، تعیین کن. نگرانی و هراس او را به امنیت و آرامش خاطر مبدل ساز...

بارپروردگارا، اجازه پیکار بر ضد دشمنانت را به او عنایت فرما و مرا نیز از یاران وارسته و پاک باخته او قرار بده. براستی که تو برانجام دادن هر کاری قادر و توانائی.^۱

^۱ - بهارالانوار، جلد ۳۵، صفحه ۱۷۳ - امتحان طبرسی، جلد ۲، صفحه ۴۹۲

طلب آموزش گناهان شیعیان:

سید بن طاووس نقل می کند، امام مهدی (عج) در دعا برای شیعیان خود می فرماید: پروردگارا شیعیان ما را در بهشت وارد کن و از دوزخ و آتش آن دورشان ساز و ایشان را مشمول غضبی که بر دشمنانمان روا می داری قرار مده.^۱

دعا برای حفظ دین:

امام مهدی (عج) در بخشی از دعای معروف به «صلوات بر پیامبر و آل پیامبر» چنین می فرماید:

پروردگارا بر ولایت که زنده کننده سنت تو و برپادارنده فرمان تو و دعوت کننده به سوی توست درود بفرست. براو که حجت و خلیفه و گواه تو بر بندگان است. پروردگارا پیروزی او را استوار و عمرش را طولانی کن و با طولانی شدن عمر بابرکتش زمین را زینت بخش.

تداوندا، او را از شر حسودان و نیرنگ بازان حفظ کرده، در پناه خویش مصونش ار. آرزوهای ستمگران را از او دورساز و از دست سرکشان و طغیانگران هایی اش بخش.

پروردگارا با ظهور او احکام به فراموشی سپرده شده دینت را از نو زنده ساز و حکام تغییر یافته را اصلاح کن تا دین تو بواسطه او دوباره طراوت و تازگی یابد هیچگونه شبهه و بدعت و باطلی به آن راه پیدا نکند.^۲

و خواست نابودی باطل:

بهارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۵۱

بهارالانوار، جلد ۵۳، صفحه ۳۰۲

بهارالانوار، جلد ۹۴، صفحه ۷۸

امام زمان (ع) در یکی از دعاهای معروف خود می‌فرمایند:

«... پروردگارا (به نور آخرین حجت) هر تاریکی را روشن و با استواری و پایداری او هر بدعتی را ریشه کن فرما و با توانایی او هر گمراهی را منهدم کن و هر سرکشی را در هم شکن و با شمشیر او هر آتشی را خاموش فرما و هر ظلمی را با عدالت او هلاک گردان و حکمش را بر هر فرمانی برتری ده و هر واسطه‌ای را از حکومتش دور ساز...»

بارالها، هر کس را که با او به ستیزه برخیزد خوار کن و هر کسی را که با او به دشمنی برخیزد نابود کن و نیرنگ هر حيله ساز و نیرنگ بازی را در حق او بی اثر ساز و هر کسی که حق آن حضرت را انکار کند یا امور مربوط به او را سبک بشمارد یا در صدد خاموش کردن نور او باشد و تلاش کند تا نام و یاد او را به فراموشی سپرده شود، محو و نابود کن.^۱

دعای دوران غیبت امام عصر (عج):

امام عصر (عج) در حق خویش چنین دعا می‌فرمایند:

«پروردگارا، مرا از دیدگان دشمنانم پنهان ساز و بین من و دوستانم جمع کن. آن چه از احکام دین تو در گذشته و به فراموشی سپرده شده است به دست من زنده ساز. ظهورم را نزدیک کن و رهایی از غیبت را بر من سهل و آسان فرما...»

آنگاه که اجازه ظهور بر من دادی مرا با لشکریان پیدا و پنهانت یاری کن و مرا در برپاداشتن احکامت موفق بدار و بر تمام کسانی که از حد تو تجاوز می‌کنند پیروز ساز.

۱- بهارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۸

بارخدا یا حق را پیروز و باطل را نابود کن. به درستی که باطل نابودشدنی است. به یاران و شیعیانم آن چه ایشان را خشنود می‌سازد و بر پشتیبانی شان می‌افزاید، عطا کن بحق رحمت ای مهربانترین مهربانان، آنها را در پناه خود قرار بده. «

درخواست ظهور از خداوند:

در دعای ندبه که به امام جعفر صادق (ع) منصوب است، چنین آمده است:

« کجاست آن بقیة الله که از عترت هدایتگران بیرون نیست؟ کجاست آن عزیزی که برای ریشه کن ساختن دنباله ستم و ستمگری آماده شده است؟ کجاست آن که انتظار می‌رود با ظهور و قیام خود، کثری ها را برطرف سازد؟ کجاست آن حجت الهی که برای احیای مجد احکام واجب و مستحب ذخیره شده است؟ کجاست آن که در نابود کردن اساس ستم و تجاوز امیدها به اوست؟ کجاست آن که برای زنده کردن کتاب خدا و حدود آن در نظر گرفته شده است؟ کجاست آن زنده کننده نشانه های دین؟ کجاست درهم شکننده شوکت و عظمت تجاوزگران؟ کجاست خراب کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجاست ابود کننده اهل فسق و گناه؟ کجاست ریشه کن کننده اهل عناد و گمراهی؟ و کجاست عزت دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان؟^۱ »

«عا برای نصرت و پیروزی حق:

امام صادق (ع) به درگاه خداوند متعال چنین دعا می‌فرمایند:

بارخدا یا به برکت وجود آن حضرت حق را پایدار کن و باطل را از میان بردار و وستانت را به یاری او به دولت و سلطنت برسان و دشمنانت را به دست او خوار کن.

خداوندا بین او و ما چنان پیوندی برقرار کن که در بهشت با پدران او هم‌نشین شویم. ..

پروردگارا ما را یاری کن تا موفق به ادای حقوق او شویم و همواره در پیروی او اهتمام داشته باشیم و از نافرمانی اش اجتناب کنیم. ..

خداوندا به برکت او نماز ما را قبول کن و گناهانمان را بیامرز و دعاهايمان را مستجاب و روزی مان را فراخ ساز و هم و غم ما را چاره کن و حاجت هایمان را برآور. باوجه کریم خود به ما توجه کن و تقرب ما را به آن حضرت پذیر.^۱

درخواست یاری برای اسلام و مومنان:

امام زمان (عج) دعایی به شیعیان نوشته اند و به آنها دستور داده اند که در شب های ماه مبارک رمضان آن را بخوانند. در بخشی از این دعا که به دعای افتتاح معروف می باشد، چنین آمده است:

« پروردگارا، بر ولی امرت درود بفرست. بر قائمی که جهانیان در آرزوی او به سر می برند، بر آن عادل که همه منتظر اویند. او را با فرشته های مقربت حمایت کن و با روح القدس تایید فرما. ..

خداوندا او را دعوت کننده به کتابت و قیام کننده به ترویج و تبلیغ دینت و خلیفه خود در روی زمین قرار بده. همانگونه که امامان پیش از او را خلیفه خود قرار دادی و ترس او را به امن و ایمن مبدل بفرما.

بارالها، او را عزت بخش و به واسطه او مومنان را عزیز کن، او را یاری کن و با او همه مومنان را یاری فرما و به او نصرت کامل و عزت عطا بفرما.

^۱ - صحیفه مهدیه ، بخشی از دعای ندبه ، صفحه ۲۲۶

با دست توانای او دین اسلام و سنت پیامبر اکرم (ص) را به گونه‌ای آشکار ساز که از ترس کسی، چیزی از حق و حقیقت مخفی نماند.^۱

آرزوی تحقق دولت موعود جهانی:

حضرت مهدی (عج) در دعایی چنین می‌فرماید:

«بار الها، ما از تو امید تحقق دولت کریمه ای را داریم که در سایه آن اسلام و مردم مسلمان به عزت و عظمت دست یابند و نفاق و اهل نفاق در آن دولت کریمه خوار ذلیل شوند.

خداوندا، ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی تو و پیشوایان راه هدایت قرار بده به یاری امام زمان (عج) کرامت دنیا و آخرت را نصیب ما بفرما. توفیق عمل به آنچه از حق که به ما شناساند به ما عطا کن...

پروردگارا، به برکت وجود آن امام همام پریشانی‌های ما را برطرف کن و پراکندگی امورمان را به اصلاح و تفرقه و گسیختگی ما را به وحدت و یکدلی تبدیل بفرما. کمی ما را به بیشی و خواری مان را به عزت تبدیل کن و کمبودهایمان را برطرف ساز.^۲

دعای روز عید فطر:

ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر (ع) نقل کرده که حضرت فرمودند: در روز عید فطر و قربان و روز جمعه، در موقع رفتن برای نماز این دعا را بخوانید:

«خداوندا، رو به سوی تو کردم... بر آن ولایت که درانتظار امر ظهور تو بسر می‌برد و مورد انتظار دوستانت می‌باشد، درود بفرست. خداوندا، پراکندگی و

^۱ - صمیفة المهدی ، صفحه ۲۴۲

^۲ - همان

نابسامانی های ما را به یاری ولی خود به انسجام و یکدستی تبدیل کن و ستم را به دست توانای او ریشه کن ساخته، عدالت را حاکمیت ببخش. زمین را با عمر طولانی و بابرکت او زینت بخش و با یاریات او را تایید بفرما. خداوندا همه کسانی که یاری کننده این خاندانند نصرت عطا کن و کسی که خواری و شکست این خاندان را بخواهد خوار بفرما و مخالفان و خیانت کنندگان به این خاندان را نابود کن...^۱»

دعا برای حفظ ایمان و اعتقاد:

از جمله دعاهایی که از قول امام زمان (ع) و از طریق عثمان بن سعید عمری نقل شده، دعای خاص دوره غیبت است. در قسمتی از این دعا چنین آمده است:

« پروردگارا، دیدار ولی خودت را آشکار کن... و ما را از جمله کسانی قرار بده که چشم های آنها به دیدار حضرتش روشن می شود، ما را به خدمت موفق ساز و در حال پابندی به ولایت و اهداف او بمیران و در خدمت او محشور کن. خداوندا او را از شر هر آنچه که آفریده‌ای در پناه خود حفظ کن. بارالها، عمر او را طولانی فرما...»

خداوندا با طولانی شدن دوره غیبتش یقین ما را زایل مکن و یادش را از ذهنمان خارج مساز و انتظار و ایمان به او و یقین داشتن به ظهورش و دعای برای حضرتش را از ما مگیر. باورمان را در مورد آن حضرت همانند باورمان به وحی و آنچه بر پیامبرت نازل فرموده‌ای استوار ساز.^۲

دعای شریف عهد:

^۱ - متخیال المکارم ، جلد ۲ ، صفحه ۶۰ و ۶۱

^۲ - صمیفة المهدی ، صفحه ۲۶۲

امام جعفر صادق (ع) فرمودند «هر کس چهل صباح این دعا را بخواند، از یاوران قائم (عج) ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند متعال او را برای یاری آن حضرت زنده کند و به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و مزار گناه او را محو و نابود کند.»^۱

در بخشی از این دعا چنین می خوانیم:

...خدایا من تازه می کنم در بامداد این روز و هر چه زندگی کنم از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سر نیچم و برگز دست نکشم.

خدایا، قرار بده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او و شتابندگان، او در بر آوردن خواسته هایش و انجام دستورات و اوامرش و مدافعین از آن حضرت و پیشی گیرندگان به سوی خواسته اش و شهادت یافتگان پیش رویش. خدایا اگر حایل شد میان من و او آن مرگی که قرار داده ای آن را بر بندگانت حتمی و مقدر، پس مرا با کفن به خود پیچیده و با شمشیر اخته و نیزه برهنه پاسخ گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر بادیه از گورم بیرون آور.

خدایا بنمایان به من آن جمال ارجمند... و شتاب کن در ظهورش و آسان گردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او در آور و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم و استوار گردان.

خدایا به دست او شهرها و بلاد را زنده کن و بوسیله بندگانت را، و گفته ات حق است که فرمودی: «آشکار شد تبهکاری در خشکی و دریا بخاطر کرده های

مردم»، پس آشکار کن برای ما خدایا نماینده ات را و دختر پیامبرت که همنا رسول توست...

خدایا خوشحال کن پیامبرت حضرت محمد (ص) به دیدارش و هر که پیرو اوست بر دعوت او و رحم کن به بیچارگی ما پس از آن حضرت.

خدایا بگشا این اندوه را از این امت به حضور امام زمان (ع) و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب که اینان ظهورش را دور پندارند، ولی ما نزدیک می بینیم به مهتر ای مهربانترین مهربانان.^۱

دعای فرج:

یکی از مؤمنین بنام ابو محمد حسن بن وخباء گوید: زیر ناودان طلا در حرم خانه خداوند بودم که حضرت ولی عصر (عج) را دیدم، دفتری را به من عنایت فرمودند که در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود. سپس فرمودند: «بوسیله این نوشته ها بخوان و برای ظهور من دعا کن و بر من درود و تهیت فرست.»

ترجمه آن دعا چنین است:

«خداوندا بر حجت بن الحسن (عج) درود تو باد و بر اجدادش در این ساعت و در تمام ساعات، دوست، نگهبان، پیشوا، یاری دهنده و راهنما باش، تا او را تو در زمین خود ساکن سازی، تا فرمانت را به کار بندد و به این سبب، عمری طولانی و دراز به او عنایت کن.»

مستحب است مؤمنین بین نماز یا بعد از نماز برای سلامتی حضرت این دعا را بخوانند.^۲

^۱ - مفاتیح الجنان مرقوم ممدت قمی

^۲ - اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۱۶۲

حکایت خواندنی از دعای فرج:

ابوالحسن ابی نعل می گوید:

یک شب جمعه قصد زیارت مقابر قریش را نمودم و از آنجا که خائف بودم، از خادم درخواست کردم درهای ورودی معابر را قفل نماید. او نیز اطاعت نموده و همین کار را انجام داد.

شب از نیمه گذشته بود و من مشغول دعا، زیارت و نماز بودم. صدای پایی از نزد نیر امام موسی کاظم (ع) شنیدم، ناگهان مردی را دیدم که زیارت می خواند. او بر آدم و انبیاء اولولعزم و به همه ائمه معصومین (ع) سلام و درود فرستاد، اما زمانی که به امام زمان (ع) رسید سکوت نمود.

من در شگفت شدم. بعد از نماز به زیارت امام محمدتقی (ع) پرداخته و به من وی نمود و گفت: «چرا دعای فرج نمی خوانی؟!» آنگاه دعایی به من یاد نمود و خارج شد.

والحسن می گوید: درها را امتحان کردم ولی همه بسته بودند. از خادم سوال کردم، گفت: این مولای ما صاحب الامر (عج) است، من بارها او را در این مکان دیده‌ام، البته در زمانی که خلوت بوده است.^۱

خداوندا چرا مهدی امید ما نمی آید

هجر یوسف زهرا صبوری تا به کی آید

صدایش می زنیم اینجا کند تا یک نظر بر ما

بیا ای مهدی زهرا، بیا ای مهدی زهرا

خدایا شاهدی دشمن شماتت می کند ما را

گرفته بی وجود او فساد و فتنه ما را

بسوزد تا به کی شیعه، ببوید قبر زهرا را

صدایش می زنیم اینجا کند تا یک نظر بر ما

مدینه گر نشد قسمت بیائیم عقده بگشاییم

کنون با زائران تو هم آهنگ و هم آواییم

خداوندا چرا مهدی امید ما نمی آید

زهجر یوسف زهرا صبوری تا به کی آید

در انتظار ظهور و فرج حضرت مهدی (عج)

کسی که از بی عدالتی‌ها و نابسامانی‌ها ناراحت باشد، هر لحظه در انتظار ظهور منجی موعود جهانی خواهد بود. زیرا می‌داند تنها در صورت قیام شکوهمند آن حجت برحق الهی است که همه عوامل فساد و ظلم و تعدی از بین خواهد رفت. مهمترین وظیفه‌ای که شیعیان و منتظران حضرت مهدی (عج) دارند آن است که منتظاری سازنده، صحیح و منطقی و پویا برای خود ترسیم کنند. انتظاری که در طن خود آمادگی و آماده کردن زمینه برای ظهور آن امام همام را فراهم کند. رسیم انتظاری سازنده و پویا از آن جهت مهمترین وظیفه منتظران است که آنان در دوران غیبت در جاده طولانی انتظار به سر می‌برند. انتظار گویی همچون مایبانی بر زندگی آنان سایه افکنده است، در چنین فضایی زندگی منتظران، بویت واقعی خود را از همین انتظار به عاریت می‌گیرد و این انتظار است که به ندگی و حیات آنها رنگ و جلا و معنا می‌بخشد. انتظار سازنده هویتی پویا و متحرک و سازنده به زندگی منتظران می‌دهد و انتظار مخرب، ماهیتی تخریبی و اكد.

انتظار فرج عبارت است از آمادگی کامل و همیشگی فرد منتظر برای تحقق حکومت اسلامی جهانی به رهبری آخرین ذخیره الهی بر روی زمین. این آمادگی وقتی حاصل می‌شود که شخص منتظر، افزون بر بعد اعتقادی، در بعد نفسانی و رفتاری نیز به اصلاح خود همت گمارد. او باید به حدی از آمادگی روحی و خودسازی و تزکیه نفس رسیده باشد که در هر لحظه آماده لبیک به ندای آن حضرت باشد. چنان که هیچ وابستگی‌ای نتواند او را از پیوستن به سپاه حضرت مهدی (عج) باز دارد.

از نظر رفتاری نیز در طول زندگی به وظایف فردی و اجتماعی خویش و در تمامی زمینه‌ها، به قدر توانش به فرمان‌های دینی عمل کند. انتظار فرج با چنین معنایی سازنده و کارافزا است. حالت انتظار گاهی به پایه‌ای می‌رسد که خواب از چشم می‌گیرد. چنان که درجات انتظار از این نظر متفاوت است. همچنین از نظر حب و دوستی نسبت به آنچه انتظار دارند تفاوت دارد و هر چه عشق به منتظر افزون باشد، آمادگی برای فرا رسیدن محبوب افزون می‌گردد و (دیر آمدن) فراق محبوب، دردناک و بدون تحمل می‌شود تا بدانجا که انسان منتظر از خود بی‌خود می‌شود و دردها و سختی‌های دردآور و مشکلات وحشت‌انگیز خود را در راه محبوب خود حس نمی‌کند. واژه انتظار واژه‌ای پر معنی است.

انتظار، امیدی به نوید و نویدی به امید است.

انتظار، آفاقی در تحرک و تحرکی در آفاق است.

انتظار، فلسفه‌ای بزرگ و عقیده‌ای سترگ است.

انتظار، ایمانی به مقاومت و مقاومتی در ایمان است.

انتظار، تواضعی در برابر حق و تکبری در برابر باطل است.

نظار سرکشی در برابر ستم و بیداد و راه گشایی در برابر حکومت عدل و داد
ت.

نظار خط بطلان بر همه کفرها و نفاقها و ظلمها و تطاولها است.

نظار، خونی در رگ زندگی و قلبی در سینه تاریخ است.

نظار، تبر ابراهیم، عصای موسی، شمشیر داود و فریاد محمد است.

نظار خروش علی، خون عاشورا و جاری امامت است.

نظار، خط خونین حماسهها در جام زرین خورشید است.

نظار، به امید طلوع خورشید زیستن است. در زیر سیل خروشان تباهی و فساد

ار گرفتن و آنی قد خم نکردن.^۱

نظار نوعی عمل و گونه‌ای پرستش و عبادت خدا می‌باشد. انتظار در اعتقاد تشیع

ای محتوایی اصلاحگر، تحرک آفرین و تعهد آوری است که عالیتین نوع

گی حق تعالی و در نتیجه برترین عمل و نیکوترین تلاش و جنبش است.

نظار ظهور و فرج یگانه موعود جهان، انتظار قدرت اسلام است. انتظار ظهور

نظار مهدی (عج) به معنای انتظار پرشدن جهان از عدل و داد و عدالت برای

انسانهاست. انتظار رفع هر گونه ظلم و فساد و تعدی و تبعیض از صحنه

گانی بشر و فرارسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است. انتظار مایه

نظار و امید مؤمنین و شیعیان به آینده است. یعنی در منتظر حالتی ایجاد

شود که بتواند مسیر حقیقت را با شوق و امید و علاقه حرکت نماید. انتظار

نظار امیدوار بودن به آینده‌ای بهتر. انتظار فرج یعنی آماده بودن برای ظهور امام

نظار (ع) و تشکیل دولت حقه آل محمد (ص) و حکومت آخرین خلیفه الهی.

انتظار یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که با طلوع پیشوای غایب جهان گشایشی در کلیه شئون زندگی بشر پدید می‌آید. روزی که تمام بدبختی‌ها و ناکامی‌ها و نابسامانی‌ها و بیدادگری‌ها از صحنه زندگی رخت بر بندد و فقر و بیچارگی‌ها از میان برود. روزی که در اثر اجرای صحیح دستورات دین مبین اسلام و احکام حیات بخش و تعالیم خردپسند قرآن مجید توسط امام عصر (عج)، دیگر کسی برای مال و جاه و مقام دنیوی دست به اعمال ناپسند و زشت نخواهد زد.

انتظار صبر در برابر مشکلات و برخوردها و ذکر در برابر فتنه‌های غفلت‌زا و بصیرت در برابر شبهات مهاجم را فراهم می‌آورد. در سایه انتظار باید مردم به کمال برسند و آمادگی قبول حکومت حق خلیفه الهی را داشته باشند به گونه‌ای که امام محمد باقر (ع) فرمودند:

«دولت ما آخرین دولت است و همه حکومت می‌کنند که نگویند اگر ما هم به حکومت می‌رسیدیم می‌توانستیم مانند آن (حکومت حضرت مهدی (عج)) حکومت کنیم.»

انتظار حقیقت شگرفی است که با یک یا دو کلمه نمی‌توان به عمق معنای آن راه یافت. انتظار پایه تکامل بخش و کمال آفرین است. انتظار زیباترین و درعین حال کاملترین جلوه بندگی است.

انتظار، نماد سبز شیعه است، همانگونه که جهاد و شهادت، نماد سرخ شیعه به شمار می‌رود. شیعه در طول تاریخ منتظر و جهادگر بوده است. البته نماد اصلی شیعه رنگ سپید است، بی هیچ تاری و تیرگی؛ چون شیعه نور است. شیعه در برابر ناامیدی، ستم‌ها و ناکامی‌ها و نداری‌ها و مشکلات و گرفتاری‌ها هیچگاه ناامید و محزون نمی‌شود و زبان به شکوه نمی‌گشاید، از راه نمی‌ماند و پژمرده

نمی‌شود، بلکه دل شیعه همیشه سبز است، و این یعنی انتظار. انتظاری سبز در ظهور امامی سبزتر.

شیعه در عین این انتظار سبز، هیچ گاه تن به ذلت و خواری نمی‌دهد. زیرا شیعه جهاد و شهادت دارد و در عین سبز بودن سرخ است یعنی اهل جهاد و شهادت، و این نماد سرخ شیعه به گفته امامش حسین بن علی (ع) تا آخر الزمان ادامه دارد که هیئات منا الذلة.

آری! انتظار یکی از دشوارترین تکالیف شرعی هر مؤمن و منتظر واقعی است و طبعاً همه نمی‌توانند این راه صعب العبور را تا خط پایان آن پیمایند، چنان که در حدیثی از امام محمد باقر (ع) به این مطلب اشاره شده است:

«هَيْهَاتَ! هَيْهَاتَ! لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا، ثُمَّ تُغْرِبُوا، ثُمَّ تُغْرِبُوا حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدْرُ وَ يَبْقَى الصَّفْوُ؛

ی تردید فرج موعود ما برای شما حاصل نشود تا آن که به سختی غربال شوید تا اخالصان بروند و خالصان باقی بمانند.^۱»

امام جعفر صادق (ع) در مورد سختی انتظار چنین می‌فرماید:

لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ؛

رج قائم حاصل نخواهد شد تا زمانی که دو سوم مردم کنار بروند.^۲»

نداوند متعال زمانی ظهور حضرت ولیعصر (عج) را عرضه خواهند نمود که های منتظران لبریز از تقاضای واقعی باشد. چنان که حضرت مهدی (عج) خود بدان اشاره نموده و فرموده‌اند:

«اگر شیعیان ما که خداوند ایشان را بر طاعات موفق بدارد، در وفا کردن به عهدها همدل و یکنوا بودند، در یمن لقای ما دچار تأخیر نمی شدند و سعادت دیدار توأم با معرفت ما، به سویشان می شتافت؛ چیزی جز آنچه از ایشان به ما می رسد و از آنان نمی پسندیم، ما را از ایشان جدا نکرده است.^۱»

این ویژگی انتظار پاداشی بزرگ برای منتظران و شیعیان را ایجاب می کند و اجر عظیمی از ناحیه خداوند متعال به آن تعلق می گیرد. زیرا منتظر به تناسب درجه ایمانی که از آن برخوردار است، در انتظار بوده و بدین ترتیب استحقاق ثواب الهی را پیدا می کند. امام جعفر صادق (ع) در مورد فلسفه این امر چنین می فرماید:

«إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ مَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ؛ یعنی پاداش های عظیم همراه با بلاهای بزرگ است.^۲»

به همین تناسب، در فرهنگ دینی ما، منتظران از جایگاه والا و ممتازی برخوردارند و تعابیر فخیمی در تجلیل از مقام و مرتبت آنان وارد شده است که به برخی از آنان اشاره خواهد شد.

از ویژگی های منتظر این است که تحت هیچ شرایطی نباید هیچ گونه یاس و ناامیدی را به خود راه دهد چرا که این دو یکی از عوامل مهم شکست می باشد و لذا منتظر واقعی طبق سفارش خداوند متعال انتظارش باید توأم با امید و امیدواری باشد و به دیگران نیز امیدواری بدهد و آنان را از یاس و ناامیدی باز دارد.^۳ و از این نکته غافل نباشد که هدف انتظار محک زدن ایمان در راه این باور است، و

^۱ - امتحان شیخ طبرسی، جلد ۲، صفحه ۳۲۴

^۲ - بهارالانوار، جلد ۶۷، صفحه ۲۴۰

^۳ - قرآن کریم، سوره مبارکه یوسف، آیه ۸۷: وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ..

انتظار نشان دهنده میزان واقعی مقاومت و اخلاص هر مؤمن معتقد است و برای این که منتظر واقعی از دیگران تشخیص و پالایش گردد، امر انتظار صورت می‌گیرد که دوری و پرهیز از آن امری اجتناب‌ناپذیر است همچنانکه در حدیث آمده است:

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يَمْحَصُوا وَ يَمِيزُوا وَ يُغْرَبُوا؛

چارای از این نیست باید تمحیص و تشخیص داده شوند و غربال گردند.^۱»
 انتظار یعنی آینده‌نگری، ناراضی بودن از وضعیت فعلی و راضی شدن به آینده بهتر و اوضاعی مناسب‌تر از شرایط فعلی. و منتظر کسی است که در این مسیر تهت بهبودی شرایط گام برمی‌دارد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند. او فردی است که در مسیر حق و حقیقت گام برمی‌دارد و همیشه در تلاش و تکاپوی است و فردی بسیار کوشا می‌باشد چنین فردی هرگز از رفتار سلاخی و گسترش پاکی و بازداشتن جامعه از پلیدی دست نمی‌شوید و هرگز حت هیچ شرایطی تسلیم گناه و فساد و بی‌عدالتی و... نمی‌گردد او از قرآن ریم‌الهام گرفته و از دستورات آن و ائمه معصومین(ع) پیروی می‌کند. او عاشق شیفته قیام رهبر معصوم خویش است و در کسب تقوای و ورع و تهذیب و پاکی بلاق و دریافت فضیلت‌ها و دوری و اجتناب از رذیلت‌ها می‌کوشد تا به تنگاری و پاداش منتظران واقعی و با اخلاص نایل بیاید. آنان پیروان راستینی‌اند که با اعتقاد پاک در رسیدن به لقای معبود خویش هستند و همیشه از عقل خرد خویش تبعیت می‌کنند.

اینان هستند که از مردم همه زمان‌ها برتر و والاتر می‌باشند. چنان که از ابو حمزه ثمالی روایت شده است که علی بن حسین (ع) خطاب به ابو خالد کابلی فرمودند: «ای ابو خالد، مردمانی هستند که در روزگار غیبت به سر می‌برند و امامت او را پذیرفته و در انتظار ظهورند، اینها از مردم همه زمانها برترند. زیرا خدای تعالی به آنان فهم و خرد و شناختی داده است که غیبت امام برای آنان مانند حضور امام است. خداوند این مردم را مانند پیکاران صدر اسلام قرار داده است. همانان که در رکاب پیامبر بزرگ اسلام (ص) شمشیر می‌زدند و پیکار می‌کردند. آنان هستند پیشگامان حقیقی، و آنان اند شیعیان حقیقی، و آنان هستند که در نهان و عیان مردم را به دین خدا فرا می‌خوانند»^۱

در قرآن کریم نیز به برتری منتظران ظهور و معتقدان به امامت حضرت ولیعصر (عج) از مردم دیگر دوره‌ها اشاره شده و چنین آمده است:

« وَ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ؛

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید. به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خداوند ایمان دارید.»^۲

امام جعفر صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند که حضرت به اصحاب خویش فرمودند: «پس از شما مردمانی خواهند آمد که به یک تن از آنان اجر و پاداش پنجاه نفر از شما را خواهند داد.

۱- بهارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۲۲

۲- قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۱۰

گفتند: ای پیامبر خدا، ما در جنگهای احد و بدر و حنین با شما بوده‌ایم و قرآن درباره ما نازل شده است (این چگونه ممکن است؟).

پیامبر (ص) فرمودند: اگر شما در شرایطی که آنها در آن قرار می‌گیرند، قرار بگیرید، آن تحمل و شکیبایی که آنان دارند، شما نخواهید داشت.^۱

فلسفه انتظار:

در تفسیر نمونه، درباره فلسفه انتظار به چند نکته اشاره شده است من جمله:

۱- خودسازی فردی:

چنین تحولی - انقلاب حضرت مهدی (عج) - قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشد. و این در درجه اول، محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و گاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است. انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی - معنوی، برای اصلاح همه جهان است.

نکته مهم این که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش ماشاچی را داشته باشد، باید از هم اکنون حتماً در صف انقلابیون قرار بگیرد.

بمان به نتایج و عاقبت این تحول بس عظیم هرگز به او چنین اجازه ای را می‌دهد که در صف دشمنان و مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج داشتن اعمالی پاک و روحی پاک تر و برخورداری از شهامت و آگاهی کافی است. من اگر فاسد و نادرستم چگونه می‌توانم در انتظار نظامی که افراد

فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روز شماری کنم. آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان از لوث آلودگی‌ها کافی نیست؟ ارتشی که در انتظار جهاد اسلامی به سر می‌برد حتماً به حالت آماده باش کامل در می‌آید. سلاحی که برای چنین میدانی شایسته است به دست می‌آورد و سنگرهای لازم را می‌سازد. آمادگی رزمی افراد خود را بالا می‌برد، روحیه افراد خود را تقویت می‌کند و شعله، عشق و شوق برای چنین مبارزه‌ای را، در دل فرد سربازانش زنده نگه می‌دارد، ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست، هرگز در انتظار به سر نمی‌برد، و اگر بگوید دروغ می‌گوید.

۲- خودیاری‌های اجتماعی:

منتظران راستین در عین حال وظیفه دارند تنها به خویش پردازند، بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند، یک برنامه فردی نیست بلکه کاملاً اجتماعی می‌باشد.

برنامه‌ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند، باید کار بصورت دسته جمعی و همگانی باشد، کوشش‌ها و تلاش‌ها باید هماهنگ گردد، و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

۳- برکنار ماندن منتظران راستین از فساد محیط:

اثر مهم دیگری که انتظار مهدی (عج) دارد، حل نشدن در مفاسد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگی‌ها است.... در ذیل آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است که حکومت روی زمین را در

تیارشان بگذارد.^۱ از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از آیه، **مُوَ الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ** مهدی و یاران او هستند. در حدیث دیگری می‌خوانیم: **نَزَلَتْ فِي الْمَهْدِيِّ** « این آیه درباره مهدی (عج) نازل شده است. در این آیه، بدی و یارانش به عنوان **« الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ »**، آنها ایمان و عمل صالحی دارند، معرفی شده اند.

براین، تحقق این انقلاب جهانی بدون ایمان مستحکم که هرگونه ضعف و ونی و ناتوانی را دور سازد و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان شاید، امکان پذیر نیست. تنها چیزی که می‌تواند در آن روح امید بدمد، و به اومت و خویشنداری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است، تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش ی حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران برندخواهند داشت. به همین دلیل، امید را توان همواره به عنوان یک عامل موثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت، چنین افراد صالحی که در محیط های فاسد گرفتارند، هرگز بدون امید نتوانند خویشان را حفظ کنند. نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هر قدر افسدتر می‌شود امید ظهورش بیشتر می‌گردد، اثر فزاینده روانی در معتقدان د و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کند. آنها نه تنها با گسترش نه فساد محیط مایوس نمی‌شوند، بلکه به مقتضای:

ده وصل چو نزدیک شود آتش عشق تیزتر گردد

مول به هدف را در برابر خویش می‌بینند و کوشش آنان برای مبارزه با فساد و حفظ خویشان با شوق و عشق زیادتری تعقیب می‌گردد.

پاداش و ثواب انتظار

از آنجا که انتظار فریضه‌ای مهم و در گروه عبادات قرار گرفته است خداوند متعال در قبال آن اجر و پاداش وافری را نصیب منتظران واقعی می‌کند چرا که حوادث نامطلوب و دوری از معشوق نتوانسته است آنان را از مسیر حق حقیقت خارج کرده و به مسیر کفر و فساد عملی و اعتقادی بکشاند و بدین معنا که آنها به این صورت نشان داده اند که هر کدام در این امر صابر بوده اند و بدین جهت مستحق اجر و پاداش عظیم الهی هستند.

در اینجا به اهمیت انتظار فرج و اجر و پاداش انتظار در کلام ائمه اطهار (ع) اشاره کوتاهی می‌کنیم و چند مورد از احادیث و روایات وارده از ایشان را نقل می‌کنیم: امام جعفر صادق (ع) از پدرانش از امام علی (ع) روایت می‌کنند که حضرت فرمودند:

« الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛

منتظر امر ما مانند کسی است که در راه خدا به خون خود در غلطد.^۱

و در جایی دیگر می‌فرمایند: « الْمُنْتَظِرُ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ يَذُبُّ عَنْهُ؛

کسی که در انتظار امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) باشد، مانند کسی است که شمشیر را کشیده و در رکاب و پیشاپیش رسول خدا (ص) می‌جنگد و از آن حضرت دفاع می‌کند.^۲

^۱ - اکمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۸

^۲ - بحار الانوار، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۲۵

امام جعفر صادق (ع) می فرمایند: « مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ، كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِسْطَاطِهِ، لَا بَلْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الظَّارِبِ بَيْنَ يَدَي رَسُلِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ ؛

کسی که در حال انتظار ظهور قائم (عج) بمیرد مانند کسی است که در خیمه قائم (عج) است؛ بلکه همانند کسی است که در رکاب رسول خدا (ص) با شمشیر می جنگد.^۱

شخصی از امام امیرالمؤمنین علی (ع) سوال کرد: محبوب ترین اعمال در نزد خداوند متعال چیست؟

حضرت فرمودند: «انْتِظَارُ الْفَرَجِ». (انتظار فرج حضرت قائم (عج) محبوب ترین اعمال در نزد خداوند متعال است.^۲)

رسول اکرم (ص) در حدیثی انتظار فرج را برترین عبادت‌ها دانسته و فرمودند:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین عبادت‌ها، انتظار فرج است.»

علت آن شاید این باشد که انتظار فرج تبلور ولایت است. ولایتی که صحت همه اعمال منوط به آن است و بدون آن هیچ یک از اعمال پذیرفته نیست و دلیل بر این نکته حدیث امام صادق (ع) که می فرمایند: « برترین نقطه روی زمین، میان رکن و مقام است. اگر کسی به اندازه عمر نوح، میان قومش زندگی کند و همه این مدت را در این مکان به عبادت مشغول شود و روزها را به روزه و شب‌ها را به شب زنده داری سپری کند، ولی بدون ولایت ما خدا را دیدار کند، عبادت‌ها سودی به او نمی‌رساند.»^۳

^۱ - (بهار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۴۶)

^۲ - همان صفحه ۱۲۲

^۳ - وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۹۳

عبدالحمید واسطی گوید: به امام محمد باقر (ع) عرض کردم: ما بازارهای خود را بخاطر انتظار این امرها ساختیم.

امام فرمودند: ای عبدالحمید آیا کسی را دیده‌ای که خودش را بخاطر خدای متعال حبس کند و خدای تعالی برای او گشایشی قرار ندهد؟

آری، به خدا سوگند، خداوند برای او گشایشی قرار می‌دهد، خدا رحمت کند کسی را که خود را وقف ما سازد، خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیاء و زنده کند.»

واسطی می‌گوید: عرض کردم: اگر پیش از آنکه قائم (عج) را بینم بمیرم چه خواهد شد؟

حضرت فرمودند: «اگر کسی از شما بگوید: اگر قائم آل محمد (ص) را درک کنم او را نصرت و یاری خواهم نمود، او همانند کسی است که پیش‌روی او شمشیر می‌زند، نه بلکه مانند کسی است که همراه او شهید شود.»^۱

از حضرت رسول (ص) روایت شده است که حضرت فرمودند: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

افضل اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خداوند عزوجل می‌باشد.»^۲

مرحوم شیخ صدوق (ره) در کتاب اکمال الدین چنین می‌نویسد: برنظی از امام رضا (ع) روایت می‌کند که فرمودند: «چقدر خوب است صبر و انتظار فرج، آیا سخن خداوند را نشنیده‌ای که فرمودند:

«وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ؛ در انتظار باشید که من هم با شما منتظرم»^۳

^۱ - اکمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۷

^۲ - اکمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۶

^۳ - قرآن کریم ، سوره مبارکه هود، آیه ۹۳

فَانْتَظِرُوا وَاِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ؛ در انتظار باشید که من با شما از
تظرانم^۱»

من بر شما باد که صبر کنید که فرج و گشایش پس از یاس می آید و پیشیان شما
شما صابرتر بودندند.^۲

ام علی (ع) می فرمایند: «منتظر فرج باشید و از رحمت الهی هرگز ناامید نشوید.
راستی که بهترین اعمال در پیشگاه خداوند انتظار فرج است.»^۳

ابی حمزه روایت است که گفت: به امام جعفر صادق (ع) عرض کردم: فدایت
وم پیر و بی قوه شده ام و اجلم نزدیک شده است و می ترسم پیش از وقوع امر
ج شما بمیرم.

حضرت فرمودند: «ای ابا حمزه، هر کسی ایمان بیاورد به ما و حدیث ما را
مدیق کند و منتظر زمان فرج ما باشد، او همانند کسی می ماند که در زیر علم
حضرت قائم (عج) شهید شده است.»

ن همین روایت در برهان مسعده روایت شده است که گفت: در محضر
حضرت جعفر صادق (ع) بودیم که پیرمرد منحنی وارد شد در حالی که به عصای
ریش تکیه نموده بود، پس از سلام، عرض کرد: یابن رسول الله، به قدر صد سال
ت که عمرم در انتظار قائم (عج) شما گذشته است، هر ماهی که نو می شود
، گویم در این ماه قائم (ع) ظاهر می شود، و هر سالی تازه می گردد می گویم
این سال واقع می شود، اکنون پیر و ناتوان شده و اجلم فرا رسیده است، و هنوز
مراد دل خویش نرسیده ام و ظهور فرج را ندیده ام.

قرآن کریم ، سوره مبارکه انعام ، آیه ۷۱

اکمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۵۴۷

بهارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۲۳

امام صادق (ع) گریان شدند و فرمودند: «ای شیخ اگر زنده ماندی تا زمانی که قائم (عج) را بینی، در مقام رفیع بسیار عالی می باشی و اگر پیش از ظهور او در انتظارش مردی، پس در روز قیامت در زمره آل محمد (ص) محشور خواهی شد و آنها مائیم که امر به تمسک ما نموده اند.»^۱

از مفضل بن عمر نقل شده است که ما یادآوری نمودیم حضرت قائم (عج) را، به این که اگر کسی از اصحاب ما بمیرد و منتظر حضرتش باشد چگونه خواهد بود؟ امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «وقتی حضرت قیام نمودند در قبر نزد مؤمن می آید پس به او گفته می شود ای فلانی صاحب تو قیام نموده است، اگر می خواهی به او ملحق شو (زنده شدن) و اگر می خواهی در کرامت پروردگارت مقیم باش.»^۲

امام جعفر صادق (ع) نیز از انتظار فرج به عنوان محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی یاد نموده و فرمودند: «**إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ وَمَادَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ**؛

محبوبترین اعمال در نزد خداوند متعال و عزوجل انتظار فرج است و بنده مؤمن همواره در حال انتظار بسر می برد.»^۳

و فرمودند: «**إِنْتَظِرُ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً**؛ در هر صبح و شام منتظر فرج باشید.»^۴ امام علی النقی (ع) می فرمایند: «چون وسیله دانش از میان شما برداشته شود، از زیرپای خود همیشه منتظر فرج باشید.»^۱

^۱ - فضیلت انتظار تالیف مرموه اصفهانی

^۲ - اکمال الدین، جلد ۲، صفحه ۲۳۵

^۳ - بیمار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۳۲

^۴ - همان

امام محمد تقی (ع) انتظار فرج را امری واجب و ضروری خوانده و فرموده است: انتظار فرج در زمان غیبت و اطاعت و پیروی کردن از امام زمان (ع) در زمان ظهور او امری واجب می باشد و او سومین اولاد من است.^۲

روایت عمار سبابی است که امام جعفر صادق (ع) فرمود: «همانا به خدا سوگند ای عمار کسی از شما بر این حالی که دران هستید نمیرد مگر آن که قائم (عج) ما را دریابد، چنین فردی نزد خداوند از بسیاری از کشته شدگان در بدر و حد برتر باشد، پس شما را مژده باد (به انتظار فرج).»^۳

امام سید الساجدین زین العابدین (ع) فرمودند: «دوران غیبت بر دوازدهمین وصی رسول خدا از ائمه پس از وی، طولانی خواهد گشت. اهل این زمان که معتقد به امامت او و منتظر ظهورش هستند، برترین مردمان همه روزگارند.»^۴

امام صادق (ع) یکی از شرایط پذیرش اعمال بندگان مؤمن را، انتظار برای حکومت حضرت ولیعصر (عج) دانسته و می فرمایند: «آیا خبر ندهم به شما چیزی! که خداوند عالم هیچ عملی را از بندگان قبول نمی کند مگر با آن؟

گفتند: آری یا بن رسول الله، بفرما.

حضرت فرمودند: «آن چیز شهادت است به یگانگی خداوند تعالی و به این که حمد (ص) بنده و فرستاده اوست و اقرار به اوامر الهی و ولایت ما و تبری نمودن از دشمنان ما ائمه، و تسلیم شدن نسبت به ایشان و طریقه ورع و تقوا در پیش

۱- اصول کافی شیخ کلینی، جلد ۲، صفحه ۱۱۸

۲- مق الیقین، جلد ۲، صفحه ۱۴

۳- مکالم المکارم، جلد ۲، صفحه ۲۱۳

۴- اکمال الدین، جلد ۱، صفحه ۳۴۰

گرفتن و در بندگی سعی و تلاش نمودن است و انتظار قائم آل محمد (ص) را کشیدن است.»

بعد از آن فرمود: برای ما دولتی هست، هر وقتی که خدا بخواهد، ظاهر می‌گرداند، هر کس که دوست دارد از اصحاب قائم (عج) باشد، هر آینه باید که به ظهور آن حضرت منتظر شود، در ایام انتظارش به مقتضای ورع و تقوا رفتار نماید، و به اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده، متصف شود. اگر در این حالت او را مرگ دریابد و قائم (عج) بعد از او ظهور نماید، هر آینه می‌رسد به او مانند اجر آن کسی که حضرت را دریافته، پس آنچه گفتم اخذ کنید و منتظر باشید، گوارا باد بر شما ای امت مرحومه.^۱

از ابی بصیر روایت شده که گفت: به خدمت امام جعفر صادق (ع) عرض کردم: که فدایت شوم! فرج کی خواهد شد؟

امام صادق (ع) فرمودند: «ای ابی بصیر! تو از کسانی هستی که اراده تحصیل مال و جاه دنیا را دارند، زیرا هر که این امر را بشناسد، یعنی بداند که قائم آل محمد (ص) هست و غیبت نموده، بعد از مدتی ظاهر خواهد شد و منتظر ظهور وی باشد هر آینه همین انتظار برای او فرج می‌باشد. پس با وجود این فرج، شتاب نمودن به ظهور آن حضرت، دلیلی است بر این که آن شتاب و تعجیل برای فرج دنیوی است که تحصیل مال و جاه دنیا می‌باشد، نه برای فرج دینی، زیرا که فرج دینی به انتظار فرج حاصل شد.»^۲

^۱ - مهدی موعود، جلد ۱، صفحه ۷۳۰

^۲ - مهدی موعود، جلد ۱، صفحه ۷۳۴

بیخ طوسی (ره) از جابر روایت می کند که گفت: ما به حضور امام محمدباقر (ع) رسیدیم. جماعتی بودیم که پس از اعمال حج به خدمتش رسیده بودیم، هنگام نداحافظی عرض کردیم: ای فرزند رسول خدا! ما را نصیحت کن.

ن حضرت فرمودند: «باید نیرومند شما، ضعیف شما را یاری کند و ثروتمند شما تهیدست شما مهربانی نماید، و انسان باید برای برادر دینی خود همانگونه نیرخواهی کند، که خیرخواه خودش می باشد، رازهای ما را پوشاند، مردم را بر نردن خودتان سوار نکنید، و امر ما را نظر کنید، به گفتار و اخبار ما توجه نمایید، گر آنها را موافق قرآن یافتید، آن را فراگیرید و اگر موافق قرآن نبود، آن را رد کنید، و اگر مشتبه و نامعلوم بود (که آیا موافق قرآن است یا نه) توقف کنید و به مراجعه نمایید، تا آن را برای شما واضح کنیم، وقتی که مطابق وصیت ما رفتار دید، و به سوی دیگران نرفتید، هر گاه قبل از خروج قائم (عج) کسی با چنین نالی از دنیا برود، او شهید مرده است و کسی که ظهور قائم (عج) ما را درک کند و در رکاب او کشته شود وی دارای پاداش دو شهید است، و کسی که در ری او دشمن را بکشد، پاداش بیست شهید را دارد.»^۱

ام سجاد (ع) می فرمایند: «**اِنَّتَظَرَ الْفَرَجِ مِنْ اَعْظَمِ الْفَرَجِ**؛ انتظار فرج از رگترین گشایش ها می باشد.»^۲

ام جعفر صادق (ع) می فرمایند: «هر آن کس که خواسته باشد از یاران حضرت ثم (عج) باشد باید که منتظر باشد و با پرهیزکاری و خوی های پسندیده عمل نماید، و اوست منتظر، پس هر گاه بمیرد و قائم (عج) پس از مردن او پیاخیزد،

پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد.^۱

آثار تربیتی انتظار فرج:

انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) آثار تربیتی فراوانی در پی دارد که از آن میان

به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱- ریشه کن شدن روحیه ناامیدی.

۲- جانشین شدن روحیه امید.

۳- اعتماد به نفس.

۴- صبر و مقاومت فردی و اجتماعی.

۵- حرکت و جنب و جوش.

۶- توجه به برنامه و تشکیلات.

۷- افزایش همکاری و همیاری اجتماعی.

۸- ایجاد روحیه وحدت و اخوت.

۹- مبارزه با ستم و فساد و تباهی.

۱۰- مبارزه با رژیم طاغوت.

۱۱- خودسازی فردی و اجتماعی.

۱۲- تثبیت آموزه های دینی.

۱- مکیال المکارم ، جلد ۲ ، صفحه ۲۱۹

انتظار فرج در کلام بزرگان

الف) انتظار در کلام امام خمینی (ره):

بعضی ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (عج) را از خداوند متعال بخواهند. یک دسته دیگری ورنه که انتظار را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکالیف خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند.

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب! باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیایند ما اید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم، تا مردم هر کاری می‌خواهند کنند، گناهان زیاد بشود تا فرج نزدیک گردد.

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت تشریف بیاورند، یک دسته دیگر بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در دوران غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام می‌باشد.^۱

ما انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار نمی‌شود، بلکه با وضعی بسیار دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی الهی خودمان را کنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.^۲

ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای این که اگر چنان چه موفق شدیم انشاءالله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگانهایی که الان به کار گرفته شده اند در کشور ما باید توجه به این معنا را داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه.^۱

ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولیعصر (عج) حاکم کنیم. مهدی منتظر (عج) در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند. همه فریادها را از کعبه و مکه سر می دهند و ما باید از آنها تبعیت کنیم و به ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سر دهیم.^۲

ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور فراهم شود.

ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد... نگذارد که این قدر ظلم زیاد شود... ما تکلیف داریم. آن طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان (عج) هستیم، پس دیگر در خانه هایمان بنشینیم و تسبیح در دست بگیریم و بگوییم «اللهم عجل علی فرجه» با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او.^۳

ب) انتظار فرج در کلام مقام معظم رهبری:

^۱ - صمیفه نور، جلد ۱۲، صفحه ۲۰۸ - ۲۰۹

^۲ - صمیفه نور، جلد ۱۸، صفحه ۸۸

^۳ - صمیفه نور، جلد ۱۸، صفحه ۱۹۵

۱- انتظار چیست؟

انتظار ظهور امام زمان (عج) به معنای انتظار پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه انسان هاست، انتظار رفع ظلم و فساد از صحنه زندگی بشر و انتظار فرا رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است.

انتظار به معنای اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی بهتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد.^۱

انتظار چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی می باشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است، همین روح انتظار به انسان تعلیم می دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد انتظار معنی ندارد.

انتظار واقعی با اطمینان و اعتماد ملازم است. کسی که شما می دانید خواهد آمد، تظارش را می کشید و انتظار کسی به که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، تظاری حقیقی نیست. اعتماد لازمه انتظار است و این هر دو ملازم با امید است و روز این امید امری لازم برای همه ملت ها و مردم دنیا می باشد.^۲

انتظار فرج علاوه بر اینکه به معنای گذرا بودن وضعیت ظلم و جور کنونی دنیا و نهایت استقرار حکومت عدل الهی است، به مسلمانان می آموزد در زندگی دنی و اجتماعی هیچ بن بست و وجود ندارد و نباید یاس بر زندگی انسان حاکم بود. انتظار فرج و امید به آینده بدون عمل معنا نمی یابد، نهایی باشید، بلکه

معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درسِ انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایتِ زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه‌ی قرآنی است که: «نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين» یا «ان الارض للّه يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين». یعنی هیچ وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند.

۲- ابعاد مختلف انتظار فرج:

معنای صحیح انتظار دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد برای کسی که می‌داند در فرهنگ اسلامی و شیعه، چقدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است. یک بعد این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است «انتظار

داریم « یعنی هر چه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم تا ظرفیت نیکی عالم پر شود.

یک بعد دیگر انتظار دل گرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن یعنی این که تفکر الهی، این اندیشه روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. یک بعد انتظار این است که منتظر با شوق و امید حرکت بکند، انتظار یعنی امید.^۱

امید به آینده ای روشن که در آن سرتاسر زندگی بشر را با تفکر الهی فرا خواهد گرفت.^۲

۳- مفهوم انتظار مثبت و منفی:

در گذشته سوء استفاده های زیادی از قضیه انتظار شده است. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سالیان متمادی کوشش می کردند تا به مردم تزریق کنند. برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه که در مقابل ظلم و ستم و فساد و کفر و بدی و شرارت بایستیم. ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان (عج) خودش بیاید و مشکل را حل کند. این برداشت منفی است. یعنی سلب مسئولیت نسبت به همه شرارت ها و بدی های موجود در جامعه...

رداشت صحیح و مثبت این است که اگر امام زمان (عج) خواهد آمد و دنیای پر ز عدل و داد درست خواهد کرد، پس ما باید به سهم خود در زمینه سازی این دنیا کوشش کنیم.^۳

۴- ملت منتظر:

-مدیث ولایت ، جلد ۶ ، صفحه ۲۷۳

- (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۹/۱۲/۱۲)

^۱- (روزنامه رسالت ، ۱۳۶۷/۱/۱۵)

ما ملتی منتظر هستیم. ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز برای انتظار باید باب بخصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنی در خود زنده کند. ما منتظریم یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین از ظلمات و جود و طغیان و ضعیف کشی و مکتب حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی وقفه ما یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن انسانیت و ارزش های انسانی محترم است و ستمگر، زورگو، قلدر و متجاوز به حقوق انسان ها فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود پیدا نخواهد کرد. این روشنایی در دیدگاهها نسبت به آینده وجود دارد.^۱

۵- نقش انتظار فرج:

انتظار فرج موجب بیداری ملت ها در برابر استکبار و دستیابی به وضع برتر می شود. اعتقاد به امام زمان (عج) و اینکه آن حضرت با ظهور خود دنیا را پراز عدل و داد می کند، یک وسیله حرکت و یک عامل شادابی برای ما و تمامی کسانی که به این مسئله اعتقاد دارند.^۲

^۱ - حدیث ولایت ، جلد ۶ ، صفحه ۲۷۴

^۲ - روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۳۷۰/۱۲/۱

اجتناب از تعیین وقت ظهور و تکذیب نمودن آن

ی ظهور امام زمان (عج) وقت و زمان مشخصی تعیین نشده است و بر طبق آیات کسانی که برای این امر زمان خاص و مشخصی را معرفی می کنند و غگو شمرده می شوند و حتی از هر گونه توقیت در این زمینه نهی شده است. اووند متعال بر پایه حکمت‌هایی که دارد و برای ما مشخص و معلوم نیست، ت ظهور را مخفی داشته و این امر (زمان ظهور حضرت مهدی (عج)) یکی از ار الهی می باشد و خود بدان داناست و نیز رسول خدا و حجت های او اهترند.

اید یکی از دلایل عدم تعیین زمان ظهور این باشد که اگر زمان خاصی و لانی برای ظهور تعیین می شد، صبر نمودن برای مؤمنین مشکل می شد. به عنوان ، اگر به فردی گفته شود که ظهور هزار سال دیگر صورت خواهد گرفت شاید ثر اندوه به بیماری و یا سختی دچار می شد و بر اثر این امر (طولانی بودن زمان یر) بمیرد.

محمد باقر (ع) فلسفه این امر را چنین تشریح می فرمایند: در روایتی که فضیل سیار از امام محمد باقر (ع) نقل که آن حضرت در پاسخ این پرسش که «آیا

برای این امر (برخاستن قائم (عج)) زمان و وقت مشخصی وجود دارد؟» چنین می‌فرمایند:

« كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّ مُوسَى (ع) لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَى رَبِّهِ وَاعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَلَمَّا زَادَهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا...»

کسانی که برای این امر وقت و زمان تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند (آن حضرت سه مرتبه این سخن را تکرار نمودند و سپس فرمودند:) زمانی که موسی (ع) قومش را برای رفتن به قراری که با پروردگارش داشت ترک کرد، به آنها وعده داد که تا سی روز دیگر بر می‌گردد، اما زمانی که خداوند ده روز دیگر بر آن سی روز افزود، قوم حضرت موسی (ع) گفتند: موسی (ع) خلاف وعده کرد پس آن کردند که کردند...^۱

این داستان هشدار می‌دهد که در پی تعیین وقت و زمان مشخصی برای امر ظهور هستند. یکی از فلسفه‌های عدم تعیین وقت برای ظهور است، چرا که اگر برای این امر زمانی معین گردد و آن واقع نگردد، چه بسا ما دچار یاس و تردید و ناامیدی می‌شویم و در اصل اعتقاد به ظهور منجی عالم بشریت دچار شبهه و تردید شویم. آن چه که در روایت امام محمدباقر (ع) در مورد فلسفه تعیین نشدن وقت ظهور آمده بود به بیانی دیگر در روایتی از امام موسی کاظم (ع) نقل شده، آمده است.

حضرت در این زمینه می‌فرمایند: «فَلَوْ قِيلَ لَنَا: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَّا إِلَى مِائَتِي سَنَةٍ أَوْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سَنَةٍ لَقَسَتِ الْقُلُوبُ وَلَرَجَعَ أُمَّةُ النَّاسِ عَنِ

^۱ - اصول کافی شیخ کلینی، جلد ۱، صفحه ۳۶۸

الإِسْلَامِ، وَ لَكِنْ قَالُوا: مَا اسْرَعَهُ وَ مَا أَقْرَبَهُ تَأْلُفًا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقْرِيْبًا لِلْفَرَجِ؛

اگر به ما گفته می‌شد: این امر (ظهور حضرت قائم (عج)) تا دویست سال و یا سیصد سال دیگر واقع نمی‌شود، دلها سخت می‌شد و بیشتر مردم از اسلام برمی‌گشتند.

اما گفته‌اند: این امر چه باشتاب پیش می‌آید و چه نزدیک است! تا دل‌های مردم الفت و آرام گیرد و فرج نزدیک احساس شود.^۱

از علت‌های دیگر این امر شاید این است که حکمت الهی مقتضی آن است که مؤمنین و یاران حضرت در همه زمان‌ها و مکان‌ها منتظر ظهور و فرج حضرت صاحب الزمان (عج) باشد.

ز حکمت‌های دیگر مخفی داشتن علم به وقت ظهور از مردم، بررسی و امتحان مردم در این شرایط سخت و دشوار می‌تواند باشد. و همین حکمت مقتضی مخفی داشتن علم به وقت ظهور حضرت حجت (عج) از ایشان است تا منتظران واقعی تشخیص داده شوند. چرا که تنها راهی که میزان عبودیت افراد را مشخص می‌کند همین امتحان است. همچنانکه فلسفه امتحان و آزمون نیز بر این امر استوار است.

خداوند متعال می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ.. لِيَبْلُوكُمْ بِكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛

خداوند آسمانها و زمین را آفرید... تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما بهتر از عمل دیگران است.^۲

۱- اصول کافی شیخ کلینی، جلد ۱، صفحه ۳۶۹

۲- قرآن کریم، سوره مبارکه هود، آیه ۷

امام رضا (ع) می‌فرمایند: «به خدا سوگند آن جریان اتفاق نخواهد افتاد تا این که از هم تمیز داده شوند و بررسی گردند تا آنجا که جز کمترین افراد شما باقی نماند.»

از طرفی دیگر ظهور بر اساس برخی مصالح و حکمت‌ها و بر اساس تحقق یافتن و یا نیافتن بعضی از شرایطی که بر مردم مخفی است به پس و پیش بیافتد و اگر زمان خاصی برای ظهور امام زمان (عج) تعیین می‌شد و آن به خاطر بعضی از اسباب و حکمت‌ها به تاخیر می‌افتاد، برخی از مردم به شک و تردید می‌افتادند و شبهه‌هایی برایشان بوجود می‌آمد، چرا که به نظرشان چنین می‌آمد که این امر برخلاف وعده خداوند متعال می‌باشد، چنانکه امام محمد باقر (ع) به این وجه اشاره نموده و در حدیثی فرموده است که در کافی و غیر آن روایت آمده که از فضل بن سیار است که گفت:

به امام محمد باقر (ع) عرضه داشتم: آیا برای این امر وقت معینی وجود دارد؟ فرمودند:

«وقت گذاران دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند، همانا موسی (ع) وقتی که به دعوت پروردگارش رفت و قوم خود را سی روز وعده داد، و چون خداوند ده روز به آن سی روز اضافه کرد، قوم او گفتند: وعده‌ای که موسی (ع) داده بود برخلاف شد، و کردند آن چه کردند، پس اگر ما برایتان حدیث کنیم و مطابق آن چه حدیث گفتیم پیش بیاید بگویید خداوند راست فرموده است، و هر گاه حدیثی بگوییم و برخلاف آنچه که ما گفتیم پیش می‌آید بگویید که خداوند متعال راست فرموده است، که دو بار پاداش خواهید یافت.»^۱

^۱ - مکئیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۱۴۹۰

فلذا سخن این است که مقتضای حکمت الهی آن است که زمان فرج و ظهور امام عصر(عج) از بندگان مخفی بماند و پس از مخفی شدن ظاهر گردد، و این از اسرار خداوندی است. در این شرایط و با لحاظ این امر یکی از وظایف و تکالیف مهم منتظران و شیعیان حضرت مهدی(عج) در دوران غیبت آن است که از تعیین وقت مشخص برای ظهور آن بزرگوار جداً اجتناب و خوداری نمایند و اگر کسی برای این امر زمان مشخصی تعیین نماید، او را تکذیب کنند، چنان که پاسخ ائمه معصومین(ع) نیز به کسانی که زمان ظهور را تعیین می کردند، همین بود و ایشان مکرراً می فرمودند: «کذب الوقاتون».

در اینجا به ذکر چند گفتار از ائمه اطهار(ع) در مورد این موضوع را ذکر می کنیم تا اهمیت این امر به خوبی مشخص گردد.

عبدالرحمان بن کثیر می گوید: نزد امام جعفر صادق(ع) بودیم که مهزم اسدی داخل شد و گفت: فدایت شوم، امری که انتظار می کشید چه هنگام است؟ امام صادق(ع) فرمودند: «ای مهزم! تعیین کنندگان تاریخ و زمان ظهور، دروغ می گویند و شتاب کنندگان هلاک می گردند، و فرمان برداران نجات یافته و به ما پیوند می خورند»^۱.

امام جعفر صادق(ع) در باره سوال مفضل بن عمر که از حضرت پرسیده بود: آیا ظهور مهدی(عج) وقت معینی دارد که مردم آن را بدانند؟ فرمودند: «حاشا که خداوند برای آن وقتی تعیین کرده باشد یا شیعیان ما برای آن وقتی معین کنند».

گوید: عرضه داشتم: ای مولای من این از چه جهت است؟ حضرت فرمودند: زیرا که آن همان ساعت است که خداوند متعال فرموده است:

^۱ - (بها) الانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۰۳

«ای رسول خدا از تو می‌پرسند درباره ساعت که کی خواهد بود. بگو علم آن نزد پروردگار من است کسی جز او آن ساعت را ظاهر و روشن نتواند کرد. (شان) آن ساعت در آسمانها و زمین سنگین و عظیم است، جز ناگهانی شما را نیاید از تو می‌پرسند که گوئی تو کاملاً بدان آگاهی، بگو علم آن ساعت محققاً نزد خداست. لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند.»

و فرموده خداوند متعال که: «آیا کافران که ایمان نمی‌آورند پس باز انتظاری دارند جز آن که ساعت فرا رسد که همانا شروط و علائم آن پدید آمد و پس از آن که بیاید در آن حال تذکر و پند آنان را چه سودی بخشد.»

و فرموده خداوند متعال که: «و تو چه دانی که شاید که ساعت نزدیک باشد. آنان که به ساعت ایمان ندارند (به تمسخر) تقاضای زودتر شدن آن را دارند و (اما) آنان که ایمان آورده‌اند از آن سخت بیمناک هستند و می‌دانند که آن روز بر حق است و توجه کنید که درباره ساعت جدال کنند در گمراهی و دوری هستند.»
مفضل بن عمر عرض کرد: ای مولای من «جدال می‌کنند» چیست؟

حضرت در پاسخ فرمودند: می‌گویند قائم (عج) کی متولد شده و چه کسی او را دیده و در کجاست و کجا خواهد بود و کی ظاهر می‌شود؟ تمام اینها از عجله کردن در امر خداوند و شک در قضای الهی است، آنان دنیا و آخرت را زیان کرده‌اند، و پایان بد از آن کافران است.

مفضل گوید: عرض کردم: ای مولای من برای آن وقتی معین نمی‌کنید؟
حضرت فرمودند: «ای مفضل برای آن وقتی مگذار که هر کس برای ظهور مهدی (عج) ما وقت تعیین نماید خود را در علم خداوند شریک دانسته و به ناحق مدعی شده که خداوند او را از اسرار خویش آگاه ساخته است...»^۱

۱- مکالمات المکارم، جلد ۲، صفحه ۴۷۷

و باز از امام صادق (ع) است که فرمودند: «همانا ما برای این امر وقت تعیین نمی کنیم.»^۱

امام جعفر صادق (ع) به محمد بن مسلم چنین فرموده است: «ای محمد بن مسلم هر کس تعیین وقتی را از ما به تو خبر داد، بدون تردید او را تکذیب کن. زیرا که البته ما برای هیچ کس وقتی را تعیین نمی کنیم.»^۲

ابو بصیر از امام صادق (ع) روایت می کند که به آن بزرگوار عرض نمودم: فدایت کردم خروج قائم (عج) کی خواهد بود؟

امام صادق (ع) فرمودند: «ای ابو محمد ما خاندانی هستیم که وقت نمی گذاریم، و به تحقیق که حضرت محمد (ص) فرمود: وقت گذاران دروغ می گویند.»^۳

حضرت مهدی (عج) خود نیز تعیین کنندگان زمان ظهورش را دروغگو نامیده اند و فرموده اند: «**وَ أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ، فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَ كَذِبَ الْوَقَاتُونَ؛**

و اما ظهور فرج، وابسته به اراده خداوند است و آنان که وقتی را برای آن تعیین می کنند دروغ می گویند.»^۴

امام محمد باقر (ع) در جواب سوالی که در مورد زمان ظهور امام زمان (ع) از ایشان پرسیدند چنین فرمودند:

«وقت گذاران دروغ می گویند، دروغ می گویند، دروغ می گویند.»^۵

^۱- همان (مکیال المکارم) ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۷۷

^۲- همان (مکیال المکارم) ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۷۷

^۳- همان (مکیال المکارم) ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۷۷

^۴- اعمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۴۸۴

^۵- مکیال المکارم ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۷۹

امام جعفر صادق (ع) فرمودند: « وقت گذاران دروغ می گویند در گذشته وقتی تعیین نکردیم و در آینده هم تعیین نخواهیم کرد.»^۱

در برخی روایات حتی وارد شده است که اگر کسی هم فهمید که ولی عصر (عج) در سال معینی ظهور می کنند و این را برای مردم بازگو کرد، خداوند ظهور امام زمان (ع) را به تاخیر می اندازد تا آن فرد را، دروغگو معرفی کند.^۲

افسوس که عمری بی اغیار دویدیم

از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم

سرمایه زکف رفت و تجارت نمودیم

جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم

پس سعی نمودیم که ببینیم رخ دوست

جانها به لب آمد، رخ دوست ندیدیم

ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر

آبی بجز از خون دل خود نچشیدیم

ای بسته به زنجیر تو دلهای محبان

رحمی که در این بادیه بس رنج کشیدیم

چندان که به یاد تو شب و روز نشستیم

از شام فراق تو سحر گه ندیدیم

ای حجت حق پرده زرخسار بر افکن

کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم

ما چشم به راهیم به هر شام و سحر گاه

در راه تو از غیر خیال تو رهیدیم

ای دست خدا دست بر آور که زدشمن

بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم

شمشیر کجست راست کند قامت دین را

هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم^۳

^۱ - همان (مکیال المکارم) ، جلد ۲ ، صفحه ۴۷۹

^۲ - الکافی جلد ۱ ص ۳۶۸ و غیبت نعمانی ص ۱۵۵

^۳ - شعر از میرزای نوهانی فراسانی می باشد.

شناخت حضرت مهدی (عج)

بدون شک و تردید در هر کاری اولین و در عین حال مهمترین گام شناخت می باشد. بر این اساس یکی از مهمترین و در عین حال واجب ترین وظایف هر فرد مؤمن و شیعه واقعی که در انتظار ظهور امام زمان (عج) و تشکیل حکومت سراسر عدل و داد آن بزرگوار را دارند، شناخت امام عصر (عج) می باشد چرا که تا انسان شناخت درستی از ویژگی های امام را نداشته باشد، نمی تواند درک درستی از وظائف و مسئولیتهایی که در زمینه پیروی از امام (ع) بر عهده اوست داشته باشد. لذا هر مؤمن منتظر باید در مرحله اول امام زمان خود را بشناسد و با صفات و آداب او آشنا گردد. سپس در جهت به جا آوردن حقوق خود در قبال آن حضرت برآید.

شناخت اساس انتظار را تشکیل می دهد چرا که تا زمانی که شناخت حاصل نگردد انتظار اصلاً معنا و مفهومی ندارد، لذا وقتی بحث از انتظار و منتظر پیش می آید اولین و در عین حال مهمترین سوالی که در ذهن هر انسانی خطور می کند این است که انتظار برای چه کسی صورت می گیرد؟
امام حسین (ع) درباره معرفت امام (ع) می فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ، جَلَّ ذِكْرُهُ، مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بِي وَ أَنْتَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛

هان ای مردم! همانا خداوند که بزرگ باد یاد او، بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسد. پس هر گاه او را بشناسند او را پرستند و هر گاه او را پرستند، با پرستش او از بندگی هر آنچه جز خداست بی نیاز گردند.

مردی سوال کرد: ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟

حضرت فرمود: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان برند، بشناسند.»

فلسفه آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست، اما این معرفت حاصل نمی شود مگر به معرفت امام و حجت عصر، چرا که امام آینه تمام نمای حق و واسطه شناخت خداست. همچنانکه امام جعفر صادق (ع) فرمودند:

«...نَحْنُ الْعَالِمُونَ (الْقَائِمُونَ) بِأَمْرِهِ وَالِدَّاعُونَ إِلَى سَبِيلِهِ، بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا عُبِدَ اللَّهُ، نَحْنُ الْإِدْبَاءُ عَلَى اللَّهِ وَ لَوْ لَانَا مَا عُبِدَ اللَّهُ؛

ما دانایان (برپادارندگان) به امر خدا و دعوت کنندگان به راه او هستیم و به واسطه ما خداوند شناخته می شود و پرستیده می شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد.»^۱

امام صادق (ع) در مورد کمترین حد معرفت امام می فرمایند:

^۱ - بهارالانوار، جلد ۲۶، صفحه ۲۶۰

«کمترین حد معرفت به امام آن است که بدانی امام مساوی با پیامبر (ص) است مگر در درجه نبوت، امام وارث پیامبر است و همانا اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول خداست و باید در هر امری تسلیم او بود و به سخن او عمل نمود.»^۱

در کتاب مکیال المکارم مراد از معرفت امام که در روایت ها به آن تاکید شده است، چنین بیان شده است:

بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما که درود و سلام های خداوند برایشان باد تحصیل آن را نسبت به امام زمانان امر فرموده اند، این است که ما آن حضرت را آن چنان که هست بشناسیم، به گونه ای که این شناخت سبب در امان ماندن ما از شبهه های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین باشد و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی شود:

اول: شناختن شخص امام به نام و نسب و دومی که در عصر ما از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد و در واقع این شناخت است که می تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران منشا اثر و تحول باشد، شناخت صفات و ویژگی های او و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است.

لازم به ذکر است که اگر کسی صفات و ویژگی های امام عصر و نقش و جایگاه آن بزرگوار در عالم هستی و فقر و نیاز خویش نسبت به او واقف شود، چنین فردی هرگز از یاد و نام آن بزرگوار غافل نمی شود.

فلسفه انتظار این را ایجاب می کند که هر مؤمن کسی را که در انتظار اوست او را بشناسد و به عبارتی شناخت کاملی از اوصاف و آداب و ویژگی های او داشته باشد از این روست که منتظرین امام زمان (ع) نیز باید شناخت کاملی از ایشان را

^۱ - البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۱۳۴) اَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ وَ وَاوْرَثُهُ وَ أَنْ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.

داشته باشند و این شناخت شامل شناخت صفات آن حضرت، شناخت آداب آن بزرگوار، شناخت ویژگی‌های آن حضرت و شناخت علائم حتمیه ظهور و ... ایشان می‌باشد.

اگر شناخت کامل باشد انسان می‌تواند سیرت را بشناسد تا بدان وسیله او را از غیر خودش تشخیص دهد تا اگر احیاناً شخص ملحدی که لیاقت این مقام و منزلت را ندارد، ادعای امام زمانی را کند هیچ شک و تردیدی به خود راه ندهد و در این زمینه دچار شبهه نگردد و بتواند حقیقت امر را تشخیص دهد و آن را بشناسد.

از طرفی دیگر اگر امام زمان شناخته شود و امامت او مورد تایید قرار بگیرد، در اینصورت انتظار معنا پیدا می‌کند، به همین جهت است که امام محمد باقر (ع) این ویژگی را (شناخت امام زمان (ع)) را قبل از انتظار بیان کرده و بدان تاکید می‌فرمایند: «**الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرُ الْمُنْتَظَرُ لَهُ. .. كَمَنْ جَاهَدَ؛**

از میان شما هر کس این امر را بشناسد و در انتظار آن باشد به منزله جهادگران است.^۱»

لذا یکی از مسئولیت‌های دوران غیبت، به دست آوردن شناخت بیشتر و عمیق‌تر از صفات و سیره و سیرت حضرت مهدی (عج) است، اگر معرفت و شناخت انسان زیاد باشد، بهتر می‌تواند نسبت به رعایت حقوق آن بزرگوار و وظایفی که در قبال ایشان دارد عمل نماید و این امر ایجاب می‌کند تا هر کس در حد و توان خود در این راه بکوشد تا به ارتقاء معرفت به اصل امامت راه پیدا کرده و بتواند مسیر واقعی هدایت را بشناسد.

^۱ - (بهار الانوار، جلد ۲، صفحه ۳۸)

شناخت امام زمان (عج) از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است همچنانکه سفارش مؤکد ائمه معصومین (ع) مؤید و دلیل متیقن برای آن می‌باشد و از این رو پاداش و اجر بزرگی را نزد خداوند متعال می‌طلبد که یکی از آن موارد، قرار گرفتن در صف جهادگران در راه خدا می‌باشد، همان طوری که امام محمد باقر (ع) بدان اشاره فرموده اند. «**الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرُ الْمُنْتَظَرُ لَهُ .. كَمَنْ جَاهَدَ**؛ از میان شما هر کس که این امر را بشناسد و در انتظار آن باشد به منزله جهادگران در راه خداوند است.»^۱

از طرفی دیگر از آنجا که آزمایش و امتحان مؤمنان و غیرمؤمنان در هر عصر و زمان یکی از سنت‌های غیرمتغیر الهی است و خداوند هر شخصی و گروهی را به چیزی امتحان می‌کند و او را برسر دو راهی قرار می‌دهد و این امر مخصوص دوران غیبت امام زمان (ع) نیست و کسی نمی‌تواند از امتحان و آزمایش فرار کند چنان که خداوند در سوره مبارکه عنکبوت می‌فرماید: «**أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ**؛ آیا مردم گمان کرده‌اند همین که ادعای ایمان نمودند، آنها را به حال خود رها می‌کنیم و (برای مشخص شدن مؤمنین واقعی) آنها را امتحان نمی‌کنیم؟»^۱

و برای اینکه معلوم شود که امتحانات الهی نه صرفاً از شما بلکه از همه امت‌های تاریخ بوده است و این یکی از سنت‌های دائمی و غیرقابل تغییر خداوند است، در ادامه آیه چنین آمده است: «**وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ**؛ و به طور قطع بدانید که ما مردمانی را که قبل از شما بوده‌اند مورد آزمایش و امتحان قرار دادیم.»^۲

^۱- قرآن کریم ، سوره مبارکه عنکبوت

^۲- قرآن کریم ، سوره مبارکه عنکبوت

و به جهت آن که گمان نشود غرض و هدف خداوند از امتحان بشر این است که حاصل و نتیجه امتحان برای خود او معلوم گردد بلکه صرفاً برای نشان دادن صالح و ناصالح به خود انسان است این گونه توضیح می‌دهد که:

« فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ »

مسئلاً خود خداوند می‌داند که چه کسی در ادعای ایمان خود راستگو و چه کسی دروغگوست.^۱

فلذا بنده مؤمن همیشه و در همه حال بر اعتقاد بر امامت امام غائب ثابت قدم می‌ماند و همیشه یاد او را در دل دارد و در شناخت او گام برمی‌دارد. چنان که امام سجاد (ع) می‌فرمایند:

« هر کس در دوران غیبت قائم (عج) بر ولایت ما، استوار باقی بماند خداوند اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او اعطا می‌کند.^۲ »

و این میسر نمی‌گردد مگر با شناخت آن حضرت در دوران غیبت و استوار ماندن بر همان شناخت، که این خود اولین گام می‌باشد.

شاید یکی از علت‌های تعلق گرفتن اجر و ثواب عظیم برای شناخت، این باشد که از آنجا که مؤمنین راستین در دوران غیبت، به امامشان ایمان آورده‌اند و دل و دین و جان به او سپرده‌اند و خود را برای جهاد در زمان غیبت و ظهور و قیام امام زمان (ع) آماده و مهیا نموده‌اند که در مرحله اول شناخت درست از سیره و سیرت و صفات موجب این آمادگی و استواری ایمان گردیده است و در سایه شناخت کافی و کامل آنان به این مرحله قدم یافته‌اند، اینها مانند کسانی هستند که محضر آن بزرگوار را درک کرده و در کنار او جنگیده‌اند و بدان جهت پاداش و ثواب

^۱ - قرآن کریم ، سوره مبارکه عنکبوت ، آیه ۲ و ۳

^۲ - اثبابة الهداة ، جلد ۳ ، صفحه ۱۴۶۶

جهاد گران در راه خدا به آنها تعلق می گیرد. در حالی که آنها امام زمان (ع) را ندیده اند.

امام سجاد (ع) اینان را مردمان برتر معرفی نموده و در باره فضیلت آنها چنین می فرماید:

« اِنَّ اَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلُونَ بِامَامَتِهِ، الْمُنتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ، اَفْضَلُ اَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛

همانا مردم زمان غیبت او که به امامت وی قائل باشند و در انتظار ظهورش به سر برند، برتر از مردم هر زمان دیگرند.^۱

پس باید امام زمان (ع) را شناخت کسی که از تمام مردم حقش بر گردن ما بیشتر است او که دیدارش آرزوی قلبی ماست و انتظار فرجش بهترین عبادات محسوب می شود، او دوازدهمین پرچمدار عدل و احسان، و جانشین بر حق پیامبر اکرم (ص) و پاک کننده آثار کفر و عصیان و انتقام گیرنده خون های پاک شهدای کربلاء و همه شهیدان در راه خدا می باشد.

در سایه شناخت است که انسان می تواند این غیبت طولانی را تحمل نموده و دچار شک و تردید نگردد. چنان که امام سید الساجدین (ع) فرموده است:

« غیبت دیگر (غیبت کبری) طولانی می شود تا به غایتی که بیشتر معتقدین به آن امام از این امر باز گردند و بر آن ثابت نمانند، مگر کسی که یقینش بیشتر و قوی و معرفتش درست باشد و در دلش حرجی از آن چه که حکم می کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت (ع) باشد.^۲

^۱ - بهار الانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۲۲

^۲ - اکمال الدین ، جلد ۱ ، باب ۳۱ ، صفحه ۵۹۳

عدم شناخت امام زمان یعنی گمراه شدن از مسیر واقعی دین خداست. و کسی که امام خویش را نشناسد در حقیقت مثل کسی است که به مرگ جاهلیت مرده است. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد او به مرگ جاهلیت مرده است.»

عین همین رویت را محمد بن اسماعیل از امام رضا (ع) نقل می کند که فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَا يَسْلَمُ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، او به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

محمد بن اسماعیل می گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، آیا هر کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده است؟

حضرت فرمودند: «نَعَمْ، وَالْوَاقِفُ كَافِرٌ، وَ النَّاصِبُ مُشْرِكٌ؛

آری و واقف کافر و ناصب مشرک می باشد.^۲

در حدیث صحیح از حارث بن المغیره آمده است که گفت: به حضرت ابو عبدالله

صادق (ع) عرض کردم: آیا پیغمبر (ص) فرموده است که: «مَنْ مَاتَ وَ لَا

يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؟

امام صادق (ع) فرمودند: آری صحیح است.

عرض کردم: این کدام جاهلیت است؟ آیا جاهلیت مطلق یا جاهلیت کسی که

امامش را شناخته است؟

^۱ - (بهار الانوار) ، جلد ۳۳ ، صفحه ۷۶

^۲ - اکمال الدین ، جلد ۲ ، صفحه ۵۸۵

فرمودند: جاهلیت کفر و نفاق و ضلال.^۱

بدین رو عدم شناخت همپای شرک و جاهلیت شمرده شده است و لذا باید هر کس در جهت شناخت امام خویش تلاش نماید و در نام و نسب آن بزرگوار و صفات و آداب و نشانه‌های ظهور او معرفتی بدست آورد که در این صورت توانسته است حقی از حقوق آن عزیز را بجا آورد و بدین ترتیب می‌تواند از فتنه‌های آخرالزمان در امان بماند چرا که همچنین فردی امام و مقتدایی دارد که در شرایط سخت و دشوار به ایشان اقتدا و تاسی نماید و تحمل این شرایط برای او دشوار نباشد.

از آنجا که مسئله شناخت از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است، لذا به طور مکرر از جانب ائمه معصومین بدان سفارش شده است و انسان‌ها را به تلاش بیشتر و شناخت بهتر دعوت نموده‌اند. در اینجا برای اینکه اهمیت این مطلب پیش از پیش برای همگان روشن شود به ذکر چند نمونه از گفتار و فرمایشات ایشان در این زمینه می‌پردازیم:

در کتاب مکیال المکارم از امام محمدباقر (ع) روایت شده است که حضرت می‌فرمایند: «هر کس در حالی که امامی نداشته باشد بمیرد، مردنش مثل مردن جاهلیت است و هر آن کس که در حال شناختن امامش بمیرد او را زیان نرسد که این امر (دولت محمد آل محمد) پیشتر شود یا به تاخیر افتد، و هر کس در حالی که امامش را شناخته است، همچون کسی است که در خیمه حضرت قائم (عج) با آن حضرت باشد.»^۲

^۱ - اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۷۷

^۲ - مکیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۱۶۸

عین همین روایت از امام جعفر صادق (ع) می‌باشد که فرمودند: «نشانه را بشناس که اگر علامت را شناختی بر تو زیان نرسد، آن که این امر جلوتر شود و یا به تاخیر بیفتد، به درستی که خداوند عزوجل می‌فرماید:

«يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» یعنی روزی که هر مردمی را به امامشان فرا خواهیم خواند.

پس هر کس که امام خود را بشناسد، همچون کسی است که در خیمه امام منتظر (ع) باشد.^۱

امام امیرالمومنین علی (ع) عدم شناخت امام را موجب سرنگونی دانسته و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قَوَّامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ، وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ؛

امامان دین از طرف خداوند تدبیر کنندگان امور مردم و کارگزاران آگاه بندگانشند. کسی به بهشت نمی‌رود جز آنان که آنها را شناخته و آنان او را بشناسند و کسی در جهنم سرنگون و سقوط نمی‌گردد جز آنان که منکر آنها باشند و امامان دین هم وی را نپذیرند.^۲

امام محمدباقر (ع) فرمودند: «قله و بلندی امر و کلید آن و راه رضایت پروردگار اطاعت از امام است بعد از معرفت و شناخت او که، خداوند عزوجل می‌فرماید:

«وَ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا؛

^۱ - مکالمات المکارم ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۹

^۲ - نهج البلاغه ، فطبه ، ۱۵۲ ، صفحه ۱۹۹

هر آن کس که از فرستاده حق پیروی می کند به راستی که خداوند را اطاعت کرده است و هر آن کس که سرباز زند پس تو مسئول آن نیستی.»^۱

و اگر شخصی شبها به عبادت برخیزد و روزهایش را روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه سالهای عمرش را حج خانه کعبه انجام دهد، اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمامی اعمالش را با راهنمایی او انجام پذیرد، حق ثواب برای او در نزد خداوند نیست و او از اهل ایمان نمی باشد.»^۲

و نیز آن بزرگوار می فرماید: «و البته کسی خدای را می شناسد و عبادت می کند که خداوند را و امام خود را که از خاندان ما است، بشناسد و هر آن که خدای عزوجل را شناخته و امام از خاندان ما را شناخته باشد، او غیر خدا را شناخته و عبادت کرده است، به خدا سوگند! گمراهی همین است.»^۳

امام جعفر صادق (ع) در ضمن ایراد خطبای چنین فرمودند:

«خداوند عزوجل به وسیله امامان برحق از خاندان پیامبر اکرم (ص) از دین خویش پرده برداری کرد و به وجود آنان راه و روش خود را آشکار ساخته است و از درون چشمه دانش خویش به آنان عطا فرموده است.

از امت محمد (ص) هر که مقام و ولایت امامش را درک کند، مزه شیرین ایمان را خواهد چشید و برتری زیبایی های اسلام را خواهد دانست.

«لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَصَبَ الْإِمَامَ عِلْمًا. لِخَلْقِهِ وَجَعَلَهُ وَحُجَّةً عَلَى أَهْلِ مَوَادَّةٍ وَعَالَمِهِ؛

زیرا خداوند تبارک و تعالی امام را نشانه ای برای رهیابی خلق خود قرار داده و او

۱- قرآن کریم ، سوره مبارکه نساء ، آیه ۸۰

۲- اصول کافی شیخ کلینی ، جلد ۱ ، صفحه ۱۸۵

۳- مکالم المکارم ، جلد ۱ ، صفحه ۶۲

را بر اهل طبیعت و جهان خویش حجت ساخته و تاج و وقار بر سر او نهاده است و...^۱

از زراره روایت شده است که گفت: به امام محمد باقر (ع) گفتم: مرا از شناخت امام از ما خاندان آگاه ساز، آیا شناخت او بر همه مردم واجب است؟ حضرت فرمودند: «خداوند عزوجل حضرت محمد (ص) را بر همه مردم جهان به عنوان رسول و حجت الهی بر همه خلایق در زمین برانگیخت، پس هر آنکه به خداوند و حضرت محمد (ص) ایمان بیاورد و از او پیروی کند و رسالتش را تصدیق کند، بر او واجب است که امام از ما را بشناسد، و هر آن که ایمان به خدا و رسول او نیاورده و از وی تبعیت نکرده و او را تصدیق ننموده و حق خدا و رسول او را نشناخته، چگونه بر او واجب باشد شناخت امام در حالی که هنوز ایمان به خدا و رسول او نیاورده و حق آنها را نشناخته است؟»^۲

امام حسن عسگری (ع) ضمن معرفی فرزند بزرگوارش حضرت مهدی (عج) به حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) فرمودند:

«فرزندم امام و حجت خداوند پس از من می باشد. هر کس که بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.»^۳

رسول اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدِيِّ كَفَرَ؛ کسی که مهدی (عج) را تکذیب کند کافر است»^۴

^۱ - مکتبات المکارم، جلد ۱، صفحه ۶۵

^۲ - مکتبات المکارم، جلد ۱، صفحه ۶۵

^۳ - میزان المکرمه، جلد ۱، صفحه ۲۷۶

^۴ - الفتاوی المدیثیه، ابن حجر هیثمی، صفحه ۳۷

از محمد بن مسلم روایت است که گفت: شنیدم امام محمد باقر(ع) فرمودند: « هر که دینداری خدا کند در حالی که خود را در آن به رنج اندازد، ولی امام منصوب از طرف خداوند برای او نباشد، تلاش او پذیرفته نیست و گمراه و سرگردان است و خداوند کردار او را بد می‌شمارد و او به مانند گوسفندی است که از چوپان و گله خود گم شده است و شب و روز می‌جهد و می‌دود و می‌رود و می‌آید و شب گله غریبی را ببیند، بدان دل می‌بندد و فریب آن را می‌خورد و با آن در آغوش شب را می‌گذراند، و هنگامی که چوپان گله خود را براند، آن چوپان و گله را شناسد، سرگردان بجهد و چوپان و گله خود را بطلبد و گله‌ای با چوپانش را ببیند و دل بدان نهد و فریفته گردد، و چوپان بر آن بانگ زند که: به چوپان و گله خودت پیوند، زیرا تو گم گشته‌ای و سرگردانی و از چوپان و گله‌ات بر کناری و آن گوسفند گم شده هراسان و سرگردان و تنها بجهد و چوپانی ندارد که او را به چراگاه خویش رهبری کند و یا برگرداند. در همین اثنا که حیران و سرگردان است، به ناگاه گرگ از گم شدن او فرصت جویی می‌کند و او را می‌خورد.

« وَاللّٰهِ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
 طَاهِرٍ (ظَاهِرٍ) عَادِلٍ أَصْبَحَ ضَالًّا تَائِهًا ؛

به خدا سوگند ای محمد، حال کسی که در این امت به دامان امامی که طاهر (یا ظاهر) منصوب از طرف خداوند بوده باشد، دست نزند، گم شده و سرگردان است و اگر با این حال بمیرد، در کفر و نفاق مرده است.

ای محمد! بدان که رهبران ستم و پیروانشان، از دین خدا بر کنار هستند، راستی که گمراهند و گمراه کننده، و همه کارهایشان مانند خاکستری است در برابر

گردباد روز طوفانی، را آن چه کسب کرده اند دسترسی ندارند، این است همان گمراهی دور.^۱»

در خبر صحیح از عیسی بن السری ابوالیسع روایت شده است که گفت: به امام صادق (ع) عرض کردم: پایه‌های اسلام را که هیچ کس نمی‌تواند در شناختن آنها تقصیر کند و اگر در آنها اخلال نماید، دینش فاسد خواهد بود و اعمالش در درگاه الهی پذیرفته نیست و هر کس آنها را بشناسد و به آنها عمل نماید، دینش مورد پسند پروردگار واقع شده و به خاطر ندانستن امور دیگر در فشار واقع نخواهد شد، را برای من بیان فرماید.

حضرت فرمودند: «شهادت لا اله الا الله و ایمان به این که حضرت محمد (ص) فرستاده و رسول خداست، و اقرار به آن چه حضرت از جانب خداوند آورده، حق زکات که در اموال هست و ولایتی که خداوند امر فرمود (ولایت آل محمد (ص)) می‌باشد.

راوی پرسید: هَلْ فِي الْوَلَايَةِ شَيْءٌ دُونَ شَيْءٍ فَضْلٌ يُعْرَفُ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ؟ آیا در ولایت چیزی کمتر از چیز دیگر هست؟ (یعنی مرتبه‌های مختلف هست) که اقل مراتب آن فهمیده شود؟

فرمودند: آری، خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آوردید، خدا و رسول و اولیای امر خودتان را اطاعت کنید.» و رسول اکرم (ص) فرمودند: «هر کس قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش منکر شود، او به مرگ جاهلیت مرده است.»^۲

^۱- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۶۲

^۲- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۶۵

و درجایی دیگر انکار حضرت قائم (عج) را مساوی با انکار خود دانسته و فرموده‌اند: «کسی که انکار کند قائم از فرزندان مرا، پس به تحقیق مرا انکار کرده است.»^۱

امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ لَيْسَ مِنْ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ إِنْ اللَّهُ لَيَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةٌ مَسِيئَةٌ؛

خداوند شرم و باکی ندارد که مردمی را به خاطر آن که به امام و رهبری که از طرف خداوند نیست نزدیک هستند، عذاب کند، گر چه در کارهای آن امت نیکی‌ها و پرهیزکاری‌ها باشد ولی خداوند شرم دارد که مردمی را که در نزد امام و رهبری که از طرف خداوند است هستند گر چه در کارهای آنها ظلم و بدی هست، عذاب کند.»^۲

امام محمدباقر (ع) از حضرت رسول اکرم (ص) روایت می‌کنند که فرمودند:

« طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتِمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ، وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمَ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛

خوشا بر احوال کسی که قائم اهلیت (ع) مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامت پیرو او باشد، دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد، چنین کسی در روز قیامت از رفقاء و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.»^۳

^۱- کمال الدین ، باب ۳۹ ، صفحه ۴۱۲

^۲- پنجاهای جاویدان ، تالیف ممدی اشتهاردی ، ص ۴۷۹

^۳- اکمال الدین ، جلد ۱ ، صفحه ۵۳۵

صفوان بن مهران از امام جعفر صادق (ع) روایت می کند که حضرت فرمودند:

« مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَئِمَّةِ وَ جَحَدَ الْمَهْدِيَّ كَانَتْ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَحَدَ مُحَمَّدًا (ص) نُبُوَّتَهُ؛

کسی که به همه امامان اقرار کند، اما مهدی را انکار کند مانند کسی است که به همه انبیاء اقرار کند، اما نبوت حضرت محمد (ص) را انکار نماید.^۱»

امان بن تغلب گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: کسی که ائمه را بشناسد ولی امام زمانش را نشناسد، آیا او مؤمن است؟

حضرت فرمودند: «خیر. پرسیدم: آیا او مسلمان است؟ فرمودند: آری.^۲»

عین همین روایت از مروان بن مسلم است که گوید امام صادق (ع) فرمودند:

«الْإِمَامُ عِلْمٌ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَتْ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَتْ كَافِرًا؛

امام نشانه بین خدای تعالی و خلقتش می باشد، کسی که او را بشناسد مؤمن است و کسی که او را انکار نماید، کافر است.^۳»

امام موسی کاظم (ع) فرمودند: کسی که در چهار چیز شک کند به جمیع

کتابهای خداوند تعالی کافر شده است که یکی از آنها: «مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ أَوَانٍ بِشَخْصِهِ وَ نَعْتِهِ؛

معرفت امام است که در هر عصر و زمانی بایستی او را به شخص و صفاتش بشناسد.^۴»

^۱ - اكمال الدين، جلد ۲، صفحه ۱۲۲

^۲ - همان، صفحه ۱۲۱

^۳ - همان، صفحه ۱۲۴

^۴ - همان، صفحه ۱۲۶

اقتدا و تاسی از امام زمان (ع)

یکی از ویژگی‌های دین مقدس اسلام و دیگر ادیان الهی این است که رهبران آن، جلوتر و بهتر از دیگران به آیین خویش پایبند بوده‌اند. و هرگز کوچکترین قدمی بر خلاف قوانین و مقررات آن برداشته‌اند. قرآن مجید این ویژگی رهبر اسلامی را چنین بیان می‌کند:

«ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ
مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ؛

پیامبر خدا به آن چه از جانب پروردگارش به او نازل شده ایمان دارد و همه مومنان به خدا و فرشتگانش و کتابها و پیامبرانشان ایمان دارند.^۱

همچنین آن حضرت را به عنوان «اسوه نیکوکاری» خداجویان عاقبت اندیش معرفی کرده و فرموده است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛

۱- قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۵

برای هر یک از شما که امید به خدا و روز بازپسین داشته و خدا را فراوان یاد کند، رسول خدا (ص) مقتدای پسندیده ای است.^۱»

امام امیرالمؤمنان علی (ع) می فرمایند: « **أَيُّهَا النَّاسُ اُنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَي طَاعَةِ آلَا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ آلَا وَ اتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛** »

ای مردم! به خدا سوگند شما را به طاعتی ترغیب نمی کنم، مگر آنکه به آن از شما پیشی می گیرم و شما را از معصیتی منع نمی کنم مگر آن که خود پیش از شما از آن باز می ایستم.^۲»

این خصوصیت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) در همه ابعاد زندگی از جمله اخلاق آنها نیز جاری بود.

چنان که رسول اکرم (ص) می فرمایند: « **بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛** برانگیخته شدم تا مکرمتهای اخلاقی را تکمیل کنم.»

بنابراین سیره و روش پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی فرا راه زندگی بشر و پیروان آنها است که با الگو قرار دادن آن، می توانند بهترین روش را داشته باشند و با عمل به آن به سعادت ابدی که همان بهشت جاودان می باشد دست یابند.

اما با کمال تاسف، با این که تاریخ اسلام در ضبط و ثبت سیره و روش زندگانی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و رهبران بزرگ خود، ممتاز است ولی ما آنطور که باید و شاید توجهی به سبک و شیوه پیشوایان خود نداریم و آن طوری

۱- قرآن کریم، سوره امزاب، آیه ۲۱

۲- نهج البلاغه، فطبه ۱۷۴، صفحه ۵۶۴

که آنها را به عنوان مقتدای خود قرار داده و از آنها الگو گرفته و پیروی کنیم، نکردیم و به گفته استاد فرزانه شهید مرتضی مطهری (ره): «ما ظلمی نظیر ظلمی که در مورد قرآن کرده‌ایم، در مورد سیره پیغمبر و ائمه اطهار (ع) کرده‌ایم. وقتی می‌گویند: پیغمبر (ص) چنین بود می‌گوییم: او که پیغمبر بود. یا وقتی می‌گویند امام علی (ع) چنین بود، می‌گوییم: او که علی بود، تو ما را با امام علی (ع) قیاس می‌کنی؟ ما را با پیغمبر (ص) مقایسه می‌کنی؟ ما را با امام جعفر صادق (ع) مقایسه می‌کنی؟ آنها که از آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند...

نتیجه‌اش این است که اگر یک عمر برای ما تاریخ پیغمبر بگویند، برای ما درس نیست. .. یعنی این منبع شناخت را هم از ما گرفتند.

رسول خدا (ص) و جانشینان معصوم او، آموزگاران و رهبران کاروان بشریت به سوی کمال و ارزشهای متعالی انسانی هستند، آنان بندگان پاک و برگزیده‌ای هستند که از هر پلیدی و ناپاکی و لغزش و اشتباه بدورند. لذا ما وقتی می‌توانیم به خوشبختی و سعادت همیشگی دست یابیم که آنها را به عنوان الگو و اسوه خویش در تمام ابعاد زندگی قرار دهیم و خود را پیرو راستین ایشان بدانیم و در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه و روش و سیره آنان را اجرا کنیم و در همسو کردن زندگی خویش با گفتار و کردار آنان بکوشیم و پا در جایی بگذاریم که آنان به بشریت نشان دادند.

پیرو واقعی ائمه اطهار (ع) همانند ایشان عمل می‌کند و نوع رفتار و کردار و گفتارش برگرفته از سیره ائمه می‌باشد. البته این مطلب بدین معنا نیست که ما می‌توانیم عین رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) زندگی کنیم و عین روش آنها پیش رویم و همانند آنها باشیم که این غیر ممکن است، همچنان که امام علی (ع) می‌فرماید:

«أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيَةٍ وَ مَنْ طُعِمَهُ بِقُرْصِيَةٍ. أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَ لَكِنَّ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ...»

آگاه باش هر پیروی را امامی است که از او پیروی می کند و از نور دانش او روشنی می جوید.

آگاه باش امام شما از دنیای خویش به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، که شما توانایی چنین کاری را ندارید، اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری کنید.^۱

لذا بر طبق فرموده امام علی (ع) ما می توانیم با تلاش صادقانه و پرهیزکاری و تقویت ایمان خود به همان اندازه که از ویژگی های زندگانی آنان باخبریم در همسو کردن زندگی خود و پیروی از آنها و همسان نمودن خلق و خوی و همرنگ ساختن روش و اعمال خویش، بکوشیم و آنان را الگو و اسوه قرار دهیم. وقتی انسان کسی را به عنوان امام معصوم، الگو و مقتدای خود قرار داده است تا در زندگی از گفتار و کردار او تبعیت و پیروی کند و در تمام اعمالش عین روش او را بیمایند و سعی و تلاشش بر این باشد که زندگی خود را تا حد ممکن با زندگی الگو و اسوه ای که انتخاب کرده است همسو سازد باید در این مسیر بکوشد و بر نفس خویش غلبه کند و از خداوند متعال و ائمه معصومین (ع) طلب یاری استمداد کند، چنین فردی به سعادت جاودانه دست خواهد یافت و در صف یاران و پیروان واقعی ائمه هدی (ع) قرار خواهد گرفت.

شیعیان و منتظران امام زمان (ع) نیز باید از ایشان پیروی نمایند. امام زمان (ع) امام همه دوران‌هاست، امام همه انسانها در همه ابعاد زندگی است. لذا چون او باید حرکت کرد و به او اقتدا نمود و تاسی جست تا به مقصد نهایی رسید. و چون او باید زندگی کرد تا بتوان به رشد و کمال رسید. باید ویژگی‌های او و صفات او را شناخت و از آنها الگو گرفت.

یکی از ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) بی‌اعتنایی به دنیا و ساده زیستی اوست. آیا فردی که غرق در لذات دنیوی باشد، می‌تواند ادعا کند که پیرو حضرت مهدی (عج) است و او را الگو و اسوه خویش قرار داده است؟

کسی که ادعای شیعه و منتظر بودن امام زمان (ع) را دارد هیچ وقت حریصانه به دنبال دنیا نیست و همت و تلاش خود را در نیکو پوشیدن و خوب خوردن و لذت بردن و غرق شدن در مادیات خلاصه نمی‌کند. همچنان که امام زمان (ع) به دنیا و زرو زیوت آن بی‌اعتنا می‌باشد، همچنانکه امام رضا (ع) به این خصلت حضرت اشاره نموده و فرموده است:

«مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشَبُ؛ لباس قائم (عج) ما

چیزی نیست جز پوشاکی خشن، و غذای او چیزی نیست جز طعامی خشک.^۱»

یکی از بارزترین صفات و ویژگی‌های امام زمان (ع) صفت عادل بودن اوست و به عبارتی دیگر یکی از اهداف قیام آن بزرگوار برقراری عدل و عدالت بر روی زمین است پس از آنکه سرتاسر زمین را جور و فساد پر کرده باشد.

همچنانکه امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: «وقتی قائم ما قیام کند، سراسر زمین به

نور پروردگارش روشن می‌شود، یعنی عدل و داد، اجرا خواهد شد.^۲»

^۱ - وظایف شیعیان و منتظران ، صفحه ۳۲

^۲ - حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، مسمدی اشتهاردی ، صفحه ۳۳۰

و امام رضا (ع) می فرماید: «قائم (عج) وقتی که ظهور کرد نورش جهان را روشن می کند، ترازوی عدالت بین مردم قرار می دهد، هیچ کس به او ظلم نمی کند، زمین برای او در نور دیده می شود.»^۱

آیا کسی که به بندگان خداوند ستم و ظلم و تعدی روا می دارد می تواند خود را شیعه و پیرو آن حضرت بداند؟

برقراری عدالت در سرتاسر عالم و ریشه کن کردن بیداد و تبعیض و بی عدالتی از اهداف اصلی حکومت حضرت مهدی (عج) است. چنان که در اغلب روایت هایی که از اهلیت (ع) رسیده، به این امر اشاره شده است.

امام رضا (ع) می فرماید: «خداوند متعال به دست حضرت مهدی (عج) زمین را از هر ستمی پاک می کند و احدی جرات ستم کردن به دیگری را پیدا نخواهد کرد.»^۲

آیا کسی که شاهد ظلم و تعدی بر برادران خود است و هیچ اقدامی در این زمینه انجام نمی دهد، آیا او را می توان شیعه و منتظر واقعی امام زمان (ع) دانست؟ یکی از خصوصیات حکومت امام زمان (ع) اجرای اصل مساوات می باشد که به برکت آن زمینه تعدیل ثروت ها فراهم می شود و کالاهای مورد نیاز مردم به صورت عادلانه در بین افراد تقسیم خواهد شد و از طرفی دیگر از تراکم ثروت و احتکار جلوگیری می شود. و از هر گونه تبعیض و اختلاف طبقاتی جداً خودداری بعمل می آید. همچنانکه امام محمدباقر (ع) می فرماید:

«زمانی که مهدی ما اهلیت قیام کند، بین مردم اموال و غیره را به طوری مساوی تقسیم می فرماید و در بین رعیت به عدل و انصاف رفتار می کند، هر که او را

^۱ - همان

^۲ - اکمال الدین، جلد ۳، صفحه ۳۷۲

اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هر کس که او را عصیان کند، خدا را عصیان کرده است.^۱»

آیا کسی که از ثروت انباشته‌ای برخوردار است در حالی که عده‌ای از شدت فقر و بی‌نیازی رنج می‌برند و محتاج نان شب خویش هستند، چنین فردی می‌تواند ادعای تاسی نمودن به ائمه اطهار (ع) و حضرت مهدی (عج) را داشته باشد؟

آیا کسی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کند و خود را از شیعیان و منتظران امام زمان (ع) می‌داند، در حالی که در زندگی خویش از تمامی زر و برق دنیا برخوردار است و اسراف و تشریفات در زندگی او امری واضح و همیشگی است در حالی که هموعان و برادران دینی او از فقر و نداری رنج می‌برند؟ و...

در حکومت حضرت مهدی (عج) و در زندگی ائمه معصومین (ع) از هر گونه اسراف کاری‌هایی که الان در جوامع بشری دیده می‌شود خبری نبوده و هر گونه اسراف و تشریفات حرام بوده و همه چیز در عین سادگی و زهد و پارسایی که اساس پرواز در فضای معنویت است، بوده و در حکومت امام زمان (ع) نیز چنین خواهد بود.

همچنانکه امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: «اگر حکومت در دست ما بود، شب‌ها به عبادت و نگرهبانی و رسیدگی پرونده‌های مردم و روزها به جهاد و تامین نیازهای مردم می‌پرداختیم و به پوشیدن لباس خشن اکتفا می‌کردیم، همانند زندگی امیرالمؤمنان علی (ع)، در غیر اینصورت سرانجام ما آتش دوزخ بود، این روش تشریفاتی از ما دور می‌شد، و به خوردن و آشامیدن ساده اکتفا می‌کردیم.^۲» اینجاست که پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) می‌فرمایند: «خوشا به حال آن کسی

^۱ - عقداالدرر، باب سوم، صفحه ۴

^۲ - بهارالانوار، جلد ۵، صفحه ۳۵۹

که قائم اهل بیت (ع) را درک کند در حالی که در زمان غیبت آن حضرت، به او تاسی داشته است.»

از مهمترین شاخص و مصادیق انتظار سازنده، اقتدا نمودن به حضرت قائم (عج) و پیروی کردن از آن بزرگوار است. اصولاً انتظار زمانی شکل می‌گیرد که تجانس روحی میان منتظر و منتظر وجود داشته باشد و این تجانس زمانی که یک طرف قضیه امام باشد و طرف دیگر ماموم، در چهارچوب تبعیت و پیروی، شکل می‌گیرد.

منتظران باید اهداف آینده امام را مورد نظر داشته باشند و از او پیروی نمایند تا از رهگذر این مقتدا و پیروی، علاقه و تجانس روحی و انتظار قلبی و واقعی به وجود آید. در متون روایی به مساله پیروی از حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت اشاره شده است که بدان اشاره کوتاهی می‌کنیم:

حضرت رسول (ص) فرمودند:

«خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم (عج) برسند، آنان که پیش از قیام او نیز پیرو او هستند. با دوست او عاشقانه دوست‌اند و با دشمن او خصمانه مخالف هستند.»^۱

از این حدیث می‌توان با دو وظیفه مهم منتظرین آشنا شد که یکی از آنها پیروی نمودن از امام زمان (ع) و دیگری دوستی با دوستان امام زمان (ع) و دشمنی با دشمنان آن حضرت (تولی و تبری) که خود یکی از ویژگی‌های پیروان ایشان می‌باشد که در دوران غیبت در انتظار او به سر می‌برند.

امام جعفر صادق (ع) فرمودند:

^۱ - فورشید مغرب، محمد رضا مکیمی، صفحه ۳۵۷-۳۶۱

«خوشا به حال شیعیان قائم (عج) که در زمان غیبت او انتظار ظهورش را داشته باشد و از او اطاعت نمایند. ایشان اولیای خداوند هستند که در روز قیامت، ترس و حزنی ندارند.»^۱

ابو حمزه ثمالی گوید: از امام محمد باقر (ع) شنیدم که فرمودند:

«نزدیکترین مردمان به خدای تعالی و داناترین مردمان به او و مهربانترین ایشان به مردم حضرت محمد (ص) و ائمه (ع) هستند، پس هر جا که آنان داخل می‌شوند، شما هم داخل شوید، و از هر که آنها مفارقت کردند، شما هم مفارقت نمائید، که حق در میان آنان است و آنان اوصیاء هستند و ائمه (ع) در میان آنها هستند، پس هر کجا آنان را دیدید از ایشان پیروی نمائید و اگر روزی آنها را ندیدید به خدای تعالی استغاثه کنید.»

حضرت پیامبر (ص) می‌فرمایند: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ؛

خوشا به حال آن کس که قائم اهلیت پیامبر را درک کند در حالی که در زمان غیبت و دوران قبل از قیامش به او اقتدا نموده و حضرتش را به رهبری پذیرد.»^۲
از امام زین العابدین (ع) روایت است که فرمودند: «برای هیچ قرشی و عربی حسب و افتخاری نیست مگر به تواضع، و هیچ کرامتی نیست جز به تقوی، و عملی نیست مگر به نیت و عبادتی نیست جز به درست فهمیدن، آگاه باشید که مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند کسی است که به سنت و مذهب امامی معتقد باشد و به اعمالش اقتدا نکند.»^۳

^۱ - راز و نیایش، مرموم اصفهانی، صفحه ۲۲

^۲ - بیمار الانوار، جلد ۵، صفحه ۷۲

^۳ - مکالمات المکارم، جلد ۲، صفحه ۳۳۳

امام علی (ع) در نامه‌ای به عثمان بن حنیف انصاری فرمانده بصره چنین می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَنْصِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ؛

هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌جوید.^۱»

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «ما کسی را مؤمن نمی‌شماریم تا این که نسبت به تمام امر ما پیروی علاقمند باشد، توجه کنید که البته از جمله پیروی و خواستن امر ما ورع پرهیزکاری است، پس خود را بدان زینت دهید که خداوند متعال بر شما رحمت آورد و به وسیله ورع دشمنانمان را در رنج و فشار قرار دهید که خداوند شما را عزت دهد و باقی بدارد.^۲»

مؤمنین و منتظرین باید از امام خویش پیروی کرده و به او تاسی و اقتدا نمایند چرا که بهترین الگو برای بشریت ائمه اطهار (ع) می‌باشد. اطاعت و پیروی از امام خویش و تاسی جستن به ایشان موجب سعادت و رستگاری انسان می‌گردد و مخالفت با او در اعمال موجب محروم ماندن از ثواب خداوند و گمراهی و گرفتاری شدن در ضلالت‌ها و دور شدن از جوار ائمه معصومین (ع) می‌باشد.

از طرفی دیگر الگو دادن زندگانی امامان معصوم (ع) و تاسی کردن به اخلاق و کردار و رفتار آنها نوعی عبادت و اطاعت می‌باشد. اگر آن حضرت با کفر و نفاق می‌جنگد و برای گسترش عدل و داد زحمت می‌کشد و برای گرفتن حقوق مظلومین از ظالمان و اجرای کامل دستورات اسلام و حاکم کردن قانون عدل اسلام در جامعه قیام می‌کند، با قیامشان هواپرستی را به خدا پرستی و ضلالت و گمراهی را به هدایت و رستگاری مبدل خواهد ساخت و حکومت اسلامی را

^۱ - نهج البلاغه، نامه ۴۵، صفحه ۳۹۳

^۲ - مکالمات المکارم، جلد ۲، صفحه ۵۳۴

تشکیل خواهد داد که در آن تمامی دستورات الهی اجرا می شود، ما هم که ماموم و دنباله رو ایشان هستیم و ادعای شیعه رهرو بودن آن بزرگواران را داریم، ما نیز باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم و در این امر از آنان تبعیت نماییم. هر چند ما نمی توانیم عدالت را به معنای کلمه واقعی آن اجرا کنیم که چنین چیزی از ید قدرت بشری خارج است و فقط حضرت مهدی (عج) که ذخیره خداوند برای بشر است از عهده این کار برمی آید، ولی با این حال ما هم باید در همین مسیر گام برداریم و در این راه بکوشیم و با این عمل زمینه را برای ظهور آن بزرگوار آماده و مهیا سازیم.

ارتکاب معاصی و گناهان شایستگی همنشینی و مفارقت با ائمه معصومین (ع) را از انسان می گیرد همچنان که امام زمان (ع) خود نیز بدان اشاره نموده اند و در توقیعی به شیخ مفید(ره) نوشته اند:

«آن چه ما را از مردم پوشیده نگه داشته است، جز اعمال ناپسند و نکوهیده ای که از آنها صادر می شود و ما آن را برای آنان نمی پسندیم، چیز دیگری نیست.^۱»
و در جایی دیگر می فرمایند: «هر یک از شما به گونه ای عمل کنید که کارهایش او را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از تمام اموری که موجب ناراحتی و خشم ماست دوری گزینند.»

لذا فرد مؤمن و منتظر امام زمان (ع) در جهتی که رضایت آن عزیز در آن است حرکت کند و از اعمالی که موجب ناراحتی ایشان و سبب دوری از ایشان می شود خودداری نمایند، و این عملی نمی شود جز با تاسی و اقتدا نمودن به آن حضرت، که هر مؤمن منتظری بدان محتاج و نیازمند است. چنان که امام علی (ع) به این امر اشاره نموده و می فرمایند:

۱- امتحان طبیبی، جلد ۳، صفحه ۶۰۲

« آگاه باش که مردم نیازمند امامی هستند که از وی پیروی کنند و به نور دانشش روشنی جویند.»

در خصوص اقتدا و تاسی به حضرت مهدی (عج) به یک نکته اساسی باید توجه نمود و آن این است که نحوه اقتدا به آن حضرت و پیروی از آن بزرگوار در زمان ظهور به شکلی است و در زمان غیبت به گونه‌ای دیگر. همچنین این اطاعت نسبت به افراد مختلف بروزها گوناگون دارد و تعیین کننده آن، علم و آگاهی و توان افراد است. به عنوان مثال وظیفه عالمان غیر وظیفه فرد عامی است و با آن خیلی متفاوت است و جوان وظیفه‌ای دارد که پیران ندارند و برعکس و...

از سوی دیگر از آنجا که اهداف عالی اسلام و برقراری عدالت و حاکمیت الهی، با ظهور آن امام معصوم تحقق می‌یابد، پس اطاعت از آن بزرگوار و اقتدا به آن حضرت در زمان غیبت، با مهیا کردن زمینه، جهت ظهور آن امام محقق می‌شود. البته یکی از ثمرات اقتدا و تاسی و اعتقاد صادقانه به امام زمان (ع) دستیابی به خرد و معرفتی است که بر مبنای آن غیبت امام باعث بروز هیچگونه شبهه و تردید و شک برای انسان نمی‌شود. پس کسی که خود را پیرو امام زمان (ع) می‌داند، به همان اندازه که ویژگی‌های او را می‌شناسد، باید در همسو کردن زندگی روزمره خویش، همسان نمودن خلق و خوی و همرنگ نمودن روش و اعمال و رفتار خویش با او تلاش کند و به ایشان اقتدا و تاسی نماید که این یکی از وظایف مهم شیعیان در دوران غیبت می‌باشد و با این عمل نه تنها به یکی از وظایف خود عمل نموده است بلکه باعث خشنودی قلب نازنین آن بزرگوار شده است و توانسته است رضایت ایشان را بدست آورد و از طرفی دیگر موجبات فراهم شدن زمینه ظهور آن حضرت را فراهم کرده است.

احترام و بزرگداشت اماکن مقدسه منتسب به امام زمان (عج)

ز دیگر وظایف منتظران و شیعیان حضرت مهدی (عج) بزرگداشت و احترام به ماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته و به آن بزرگوار منتسب می‌باشند. منتظران حضرت مهدی (عج) باید این اماکن را مقدس شمرده و نسبت به آنها بهایت احترام و ارزش را قائل شوند که از جمله این اماکن که به آن حضرت منتسب می‌باشند می‌توان به مسجد مقدس سهله، مسجد اعظم کوفه، سرداب قدسه در شهر سامرا، و مسجد مقدس جمکران در شهر قم و... می‌توان نام برد. این اماکن به جهت انتصاب به امام زمان (ع) در بین شیعیان و منتظران از قداست و احترام خاصی برخوردارند.

بدون تردید تمام اماکن بر حسب خلقت مساوی و برابر هستند و هیچ امتیازی نسبت به یکدیگر ندارند مگر به علت‌هایی که یکی از آنها همین امر یعنی منتسب بودن به ائمه معصومین (ع) می‌باشد مانند دفن ائمه، محل توقف و یا اقامت آنان و یا محل زندگانی و... ایشان می‌باشد که در این صورت به سبب عارض شدن چیزی که مایه شرافت و فضیلت و برتری است، برخی اماکن نسبت به برخی اماکن دیگر برتری و فضیلت پیدا می‌کنند.

کسانی که به این اماکن شریف و مقدس مشرف می‌شوند باید به این نکته توجه نمایند که آنان در چه مکانی قرار گرفته‌اند، جایی که مورد توجه و منتسب به امام زمان (ع) است. لذا در این اماکن بیشتر در رفتار خویش دقت نمایند و از هر گونه کم‌توجهی و بی‌احترامی و بی‌حرمتی به این اماکن خودداری نمایند و در این اماکن بیش از هر جایی اقامت گزینند و به آن توجه کنند و در حفظ و نگهداری و ترمیم آنها تلاش کنند چندان که پیشینیان و حتی خود امامان معصوم (ع) نه تنها به این امر اهتمام می‌ورزیدند بلکه بدان سفارش مؤکد می‌فرمودند.

شیفتگان حضرت مهدی (عج) در این اماکن برای دعا و مناجات با خدا و زیارت حضرت به این اماکن مشرف می‌شوند. از الطاف این اماکن مقدس این است که چه بسا افراد به واسطه تقدس این اماکن به ملاقات و دیدار مولایشان شرفیاب شده‌اند، و چه بسا افرادی که با توسل به ائمه اطهار (ع) و امام زمان (عج) در این اماکن شفا یافته و یا گره‌ای از مشکلاتشان بدست آنان باز شده است و محتاجان به برکت حضرت به حوایج شان نائل گشته‌اند. این اماکن بهترین محل راز نیاز با خداوند متعال است لذا شیعیان و منتظران در این اماکن خواسته‌های خودشان را از معبود یکتا درخواست می‌کنند و چه بسیارند کسانی که به برکت و احترام این اماکن به حوائج خویش دست یافته‌اند.

وظیفه‌ای که بر دوش مؤمنان نهاده شده این است که در حفظ شان و احترام این اماکن مقدس بکوشند و در حفظ آنها تلاش نمایند. از جمله کارهایی که در جهت گرامیداشت این اماکن می‌توان انجام داد، به چند مورد اشاره کوتاهی می‌گردد:

- ۱- این است که هر کس وارد این اماکن مقدس می‌شود، با حالت وقار و سنگینی و نهایت ادب و احترام و با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد(ص) و ذکر دعا وارد شود.
- ۲- چه خوب است در این اماکن با پای برهنه وارد شد.
- ۳- زینت نمودن و بوسیدن این اماکن، فرش گستراندن، و چراغانی کردن این اماکن به ویژه در مناسبت‌های بخصوص مانند میلاد امامان و اعیاد اسلامی.
- ۴- با پای برهنه و پاکیزه و خوشبو داخل شدن.
- ۵- ملتزم شدن به رفت و آمد در آنها در اوقات مخصوص.
- ۶- مشغول شدن به ذکر نام خدای تعالی و عبادت کردن او و قرائت نمودن قرآن و دعا و صلوات و سلام کردن به ائمه معصومین (ع) و امام زمان (ع) و برموافق آن بزرگوار.
- ۷- پرهیز از کثیف و نجس کردن آن اماکن و تطهیر آنها در صورت نجس شدن و جاروب و پاکیزه نگه داشتن آنها.
- ۸- داخل نشدن با حال جنابت، و شیء نجس در آن داخل نکردن، نینداختن آب دهان و غیره در آنجا و به طور کلی حفظ حرمت و احترام این اماکن مقدسه.
- ۹- سخن نگفتن در باره امور دنیا و مادیات و پرهیز از مباحث غیر دینی و عبادی.
- ۱۰- داخل نشدن زنان در حالت حیض و نفاس.
- ۱۱- پرهیز کردن از هرگونه اعمال مکروه و زشت من جمله: پرهیز از هرگونه مزاح و خنده و بحث و جدال و بلند کردن صدا و...
- ۱۲- چه خوب است انسان همیشه با حالت وضو گرفته و غسل نموده در این اماکن حاضر شود.

۱۳- اگر خدای نکرده در این اماکن عمل منافی شان این اماکن انجام می‌پذیرد، بر هر مؤمنی واجب است که انجام دهنده این عمل را نهی نموده و از آن بازدارد.

۱۴- تلاش نمودن در جهت مرمت و تعمیر این اماکن در صورت تخریب شدن آنها به مرور زمان.

و به طور کلی پرهیز واجتناب از هر عملی که از شان و مقام و منزلت مؤمن منتظر به دور است و موجب هتک حرمت و بی‌احترامی به این اماکن مقدسه می‌گردد و تلاش در جهت بالا بردن ارزش و منزلت این اماکن یکی از گامهایی است که هر فرد منتظری می‌تواند در جهت بزرگداشت این اماکن گام موثری را بردارد.

دعا نمودن در این اماکن از ثواب و پاداش بیشتری برخوردار است و هر کس در این اماکن مقدسه خداوند متعال را بخواند و از او استمداد یاری بطلبد و خواسته‌هایش را بخواهد بدون درنگ خداوند متعال او را بی‌نصیب نمی‌گرداند همچنانکه حضرت مهدی (عج) خود نیز بدان اشاره نموده و بندگان را به روی آوردن به این اماکن با رعایت ادب و احترام به ایشان، سفارش نموده است.

حضرت به نعمانی که به حضورش شرفیاب شده بود و عرضه کرده بود: ای مولای من، برای شما در شهر نعماتیّه یک مقام و در شهر حله یک مقام هست، شما در کدامیک از آنها تشریف دارید؟

فرموده بودند: «در نعماتیّه شب سه‌شنبه و روز سه‌شنبه و در حله روز جمعه می‌باشم، ولی اهل حله نسبت به مقام من تادب نمی‌کنند، و هر کس با ادب به مقام داخل شود، که ادب را رعایت کند و بر من و امامان (ع) سلام کند، بر من و ایشان دوازده بار درود بفرستد.

سپس دو رکعت نماز با دو سوره به جای آورد و به وسیله آنها با خداوند مناجات کند، خداوند متعال آنچه را او بخواهد به وی عطا می‌کند.»

چه خوب و به جاست که شیعیان و منتظران حضرت حجت (ع) در این اماکن گرد هم بیایند و همگی یکدل و یکصدا تعجیل در فرج امام زمان (ع) را از خداوند

متعال بخواهند و برای سلامتی او دعا کنند.

در اینجا به معرفی اجمالی چند مورد از این اماکن مقدس که به حضرت صاحب العصر والزمان (عج) منتسب می‌باشد و رعایت احترام و توجه بیشتر به آنها واجب و ضروری است می‌پردازیم:

مسجد مقدس سهله واقع در شهر سامرا:

یکی از اماکن مقدسی که به امام زمان (ع) منتسب است مسجد سهله می‌باشد که در شهر سامرا واقع شده است. امام جعفر صادق (ع) در مورد این مکان مقدس می‌فرمایند: «هر کس با نیت خالص در آن مکان نماز بجا بیاورد، و دست به دعا بردارد و حاجت خویش را از خداوند متعال درخواست نماید، خواسته و حاجت او برآورده می‌شود و هر کس در این مکان مقدس از پروردگار خویش امان بخواهد و خداوند او را از هر چیزی که می‌ترسد، در امان می‌دارد و روزی نیست که ملائکه برای زیارت آن مکان مقدس و عبادت خداوند در آنجا فرود نیایند.»^۱

بعد از مسجد کوفه مسجدی به فضیلت مسجد سهله نیست، آن خانه حضرت ادریس (ع) و حضرت ابراهیم (ع) و محل ورود حضرت خضر (ع) و مسکن آن بزرگوار بوده است. امام جعفر صادق (ع) در فضیلت این مکان به ابوبصیر فرمود:

^۱ - صحیفه مهدیه، صفحه ۷۲

«ای ابو محمد گویا می بینم حضرت صاحب الامر (عج) را که با اهل و عیالش وارد مسجد سهله شد. و در آنجا ساکن شده اند، خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاد مگر آن که در آنجا نماز خواند، و هر کس در آن مکان اقامت نماید چنان است که در خیمه رسول خدا (ص) اقامت نموده است. هیچ مرد و زنی مومنی نیست مگر آن که دلش مایل است به سوی آن مسجد، در آن مسجد سنگی است که در آن صورت همه پیامبران است.» سپس فرمودند: «اگر من نزدیک بودم به شما، همه نماز را در آن مسجد به جا می آوردم. ای ابامحمد، آنچه وصف نکردم از فضیلت این مسجد، بیشتر از آن است که برایت گفتم.»

ابوبصیر گفت: فدایت شوم حضرت قائم (عج) همیشه در آن مسجد خواهد بود؟

امام صادق (ع) فرمودند: آری ای ابوبصیر.^۱

حضرت در جایی دیگر نیز به این مطلب اشاره نموده و فرموده اند: «مسجد سهله خانه امام قائم (عج) است.»^۲

او عرض کرد: امامان بعد از قائم (عج) چگونه؟

فرمودند: آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سکونت خواهند کرد.^۳

لازم به ذکر است که منظور از امامان بعد از قائم (عج) در حدیث این است که در دوران رجعت پس از حضرت حجت سایر امامان نیز همین مکان را پایگاه مرکزی خود قرار خواهند داد.

^۱ - مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (ه)

^۲ - ...أَمَّا إِنَّهُ مَنزِلُ صَامِتِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ.

^۳ - حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت، صفحه ۲۴۸

ابن قولویه در کتاب کامل زیارات با سند معتبر از حضرمی از امام محمدباقر (ع) یا امام جعفر صادق (ع) روایت می کند که حضرمی می گوید: به امام (ع) گفتم: کدام بقعه بعد از حرم خدا و حرم رسول خدا (ص) برتر است؟

حضرت فرمودند: « الْكُوفَةُ يَا أَبَا بَكْرٍ! هِيَ الزَّكِيَّةُ الطَّاهِرَةُ، فِيهَا قُبُورُ النَّبِيِّينَ الْمُرْسَلِينَ وَ غَيْرِ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ الصَّادِقِينَ وَ فِيهَا مَسْجِدٌ سَهِيلٌ الَّذِي لَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ نَبِيًّا آلا وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ.

وَ مِنْهَا يَظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ وَ فِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ وَ الْقَوَامُ مِنْ بَعْدِهِ، وَ هِيَ مَنَازِلُ النَّبِيِّينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ؛

ای ابابکر! کوفه، آنجا پاکیزه و طاهر است در آنجا قبور پیامبران مرسل و غیر مرسل و جانشینان راستین است و در آن مسجد سهله است که خداوند پیامبری را بر نینگیخته است که در آن نماز نخوانده باشد.

از آنجا عدل الهی ظاهر می شود و قائم خدا و قائمان بعد از او در آنجا آیند و آن منزلگاه پیامبران اوصیاء و صالحان است.^۱»

مسجد مقدس جمکران در شهر قم:

یکی از مکانهایی که از معنویت خاص برخوردار است، مسجد مقدس جمکران می باشد که در شهر مقدس قم واقع شده است. این مسجد به دستور حضرت مهدی (عج) ساخته شده که الان به محل شیفتگان حضرت حجت (ع) تبدیل شده است و بندگان مخلص خداوند و منتظرین آن حضرت در این مکان مقدس به راز

و نیاز و دعا و مناجات با معبود یکتا مشغول هستند. این مکان مقدس از فضیلت و عظمت خاصی برخوردار می‌باشد.

مسجد مقدس جمکران بدستور حضرت مهدی (عج) توسط شیخ حسن بن مثله جمکرانی بنا و تاسیس گردید. شیخ حسن بن مثله جمکرانی می‌گوید: امام زمان (ع) فرمودند: و به مردم بگو:

« به این مکان رغبت کنند و اینجا را گرامی بدانند.»

افراد و زائرانی که به این مکان مقدس مشرف می‌شوند، باید بدانند که در کجا هستند و در چه مکان با عظمت قرار گرفته‌اند باید نوعی رفتار داشته باشند که باعث رضایت صاحب خانه قرار گیرند. به گونه‌ای که به خانه حضرت رفته و در حضور آن بزرگوار قرار گرفته‌اند. جایی که سخت مورد توجه و سفارش حضرت ولیعصر (عج) می‌باشد.

علما و مراجع بزرگوار نیز در مواقع ضروری و حساس و بحرانهای شدید با نوشتن عریضه و توسل به ساحت مقدس حضرت مهدی (عج) از آن بزرگوار درخواست استمداد و یاری نموده‌اند. صدها سال قبل از فرمان امام زمان (ع) مبنی بر تاسیس این مکان شریف حضرت امیرالمومنین (ع) از وقوع آن خبر داده و فرموده‌اند:

« ای پسر یمانی، در اول ظهور قائم آل محمد (ص) خروج می‌نماید از شهری که آن را قم می‌نامند و مردم را دعوت کند به حق و همه خلایق از شرق و غرب به آن شهر قصد می‌کنند و اسلام تازه و نو می‌گردد، هر کس که از ترس دشمنان مخفی شده باشد بیرون می‌آید، وحوش و طیور در مساکن و وطن‌های خود ایمن بخوابند و چشمه آب حیات از آن شهر ظاهر می‌شود و آبی که هر کس بخورد، نمیرد و از آب چشمه‌ها منفجر می‌شود و از آن موضع پرچم حق ظاهر شده و میراث جمله انبیاء بر پشت زمین به آن باشد.»

پسر یمانی! این زمین مقدسه است که پاک است از تمام لوث‌ها و از خدای تعالی خواسته که بهترین خلق خود را ساکن او گرداند و دعایش مستجاب شده و حشر و نشر مردم در این زمین باشد و بر این زمین اساس و بنیاد قصری عظیم نمایند، و بعد از این که بنای قصر مجوس بوده باشد و آن قصر از صاحب شهرت ملک روم باشد و از این زمین گوسفند ابراهیم خلیل را آورند و قربان کنند و بر این زمین هزار صنم و بت از اصنام اهل روم بشکنند و بر این زمین اثر نور حق ساطع شود و از این زمین رایحه و بوی مشک شنوند، و حق تعالی بیت العتیق را به این شهر فرستد و بناها و آسیاب‌ها بر این زمین شود و منازل و مواضع زمین های این جا عالی و گرانبها گردد که چندان زمین که پوست گاوی باشد به پانصد دینار بدهند و عمارت آن هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد و پرچم وی بر این کوه سفید بزنند، به نزد دهی که در جنب مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس است و آن را جمکران خوانند، از زیر یک مناره آن مسجد بیرون آید نزدیک آنجا آتشخانه گیران بوده و حضرت (سفطی از زر و بته باشد و بر براق شده و با ملایکه مقرب و حاملان عرش گردش نماید و منطق ادم با او باشد و حلم خلیل الله و حکمت حضرت داود و عصای موسی و خاتم سلیمان و تاج طالوت و بر سر آن نام هر پیغمبری و وصی و نام هر مومنی و موحدی نوشته شده است.)

حکایت بنای مسجد مقدس جمکران:

مسجد مقدس جمکران به دستور امام زمان (ع) به یک شخص صالح بنام حسن بن مثله (ره) ساخته شده است که وی جریان چگونگی ساخت این مکان را چنین توضیح می‌دهد:

شب هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ هجری قمری در سرای خویش خوابیده بودم، ناگهان گروهی از مردم، نصف شب به خانه من آمدند و مرا بیدار نمودند و گفتند: بلند شو که حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) تو را می خواند ندای او را پاسخ بده.

برخاسته و گفتم: بگذارید تا پیراهن بپوشم که ندا آمد آن پیراهن تو نیست و خواستم شلواری بردارم که ندا آمد آن نیز مال تو نیست و مال خود را بردار. لباس خویش را پوشیده، در جستجوی کلید بودم که صدایی آمد و گفت: در باز است. به در خانه آمدم و مردانی با عظمت و بزرگی را مشاهده کردم. سلام کرده و جواب شنیدم. آنان مرا به جایگاهی که الان مکان مسجد است، آوردند.

در آنجا تختی را دیدم که فرش بسیار زیبا بر آن گسترانیده بودند. جوانی سی ساله روی آن تخت بر پشتی تکیه نموده بود و پیرمردی پیش او نشسته بود، و کتابی در دست گرفته و برای آن جوان می خواند و بیش از شصت مرد در این زمین، بر گرداگرد او در حال نماز بودند، بعضی جامه های سفید و برخی دیگر جامه های سبز بر تن داشتند.

آن پیر حضرت خضر (ع) بود و آن جوان حضرت صاحب الزمان امام مهدی (عج) بود. که حضرت مرا به نام خواند و فرمود:

برو به حسن مسلم بگو تو پنج سال است که در این زمین مقدس عمارت و زراعت می کنی و امسال دوباره از سر می گیری و عمارتش می کنی. رخصت نیست که تو دیگر باز زراعت کنی و باید هر انتفاعی که از این زمین گرفته ای رد کنی تا در این جایگاه مسجد بنا کنند.

به حسن مسلم بگو: این زمین شریفی است. خداوند متعال این سرزمین را برگزیده است و شریف نموده است. خداوند دو پسر جوان از تو باز ستاند، متنبه نشدی.

اگر بار دیگر اینجا را کشت کنی، عذابی به تو خواهد رسید.

حسن مثله می گوید: عرض کردم ای آقای من! مردم مرا تصدیق نمی کنند، نشانه ای قرار بده.

حضرت فرمودند: ما اینجا نشانه ای می گذاریم تا علامت صدق باشد. تو برو و دستور ما را برسان. آنگاه ادامه داد: به نزد سید ابوالحسن برو و بگو تا انتفاع چند ساله را از حسن مسلم بگیرد تا مسجد ساخته شود و بقیه وجوه را از رهق (اطراف کاشان) که ملک ماست، تامین نموده و مسجد را به اتمام برساند.

و به مردم بگو: «به این مسجد رغبت کنند و آن را عزیز و گرامی دارند و در این مکان چهار رکعت نماز بخوانند، دو رکعت اول به نیت تحیت مسجد است و رکعت دوم به نیت نماز امام صاحب الزمان (ع) است.

آنگاه فرمودند: «فَمَنْ صَلَّى فِيهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ هر کس در این مسجد نماز گذارد، چنان است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.» سپس نشانه بزی را داد و فرمود: آن را بخر و قربانی کن. گوشت آن را به بیماران انفاق کن، هر کس که بیماری سختی داشته باشد حق تعالی همه را شفا خواهد داد.

حسن بن مثله جمکرانی گوید: من به خانه آمده و تمامی شب را در اندیشه بودم بعد از نماز صبح با دوستی به نام علی بن منذر به جایگاهی رفتیم که شب گذشته مرا به آنجا برده بودند. او میخها و زنجیری را به عنوان نشانه در آنجا روئیت نمود. سپس به منزل سید الشریف ابوالحسن رضا رفتیم. خادم او دم در گفت: که از سحرگاه، سید ابوالحسن در انتظار توست. تو از جمکرانی؟

گفتم بلی، وارد شدیم و سید با گرمی از ما پذیرایی نمود و پیش از آنکه حرفی بزنیم فرمود: ای حسن بن مثله! من دیشب خوابیده بودم، در خواب شخصی به من

گفت: بامدادان مردی به نام حسن بن مثله از جمکران نزد تو می‌آید. سخنان او را تصدیق کن و به حرفهایش اعتماد کن. بدان سخن او سخن ماست. از خواب بیدار شدم و تا این ساعت منتظر تو بودم. حسن بن مثله گوید: ماجرا را برای وی تعریف کردم و او دستور داد تا اسب‌ها را زین کرده و به نزد چوپان مذکور شتافتیم. وقتی به گله جعفر رسیدیم، نشانه‌های آن بز را دادیم. آن از پس همه گوسفندان می‌آمد و به میان گله رفتیم، همین که بز مرا دید به طرف من دوید. جعفر گفت: به خدا سوگند! این بز را در گله خویش ندیده بودم مگر امروز که هر چه سعی نمودم آن را بگیرم نتوانستم. ما آن را گرفته و به محل مسجد آوردیم و آن را ذبح نمودیم. هر بیماری که از گوشت آن تناول کرده بود، با عنایت خداوند متعال و حضرت ولیعصر (عج) شفا یافت.

حسن مسلم را هم طلبیده و انتفاعات را از او ستانیدیم و وجوه ده رهنق را نیز ملحق کرده و بنای مسجد را شروع کرده و ساختیم.

سرداب مقدسه

یکی از مکانهای مقدس و منتسب به امام زمان (ع) سرداب مقدسه می‌باشد که در شهر سامرا واقع می‌باشد. سرداب به معنی زیرزمین است، جایی که در زیر زمین ساخته می‌شود تا در شدت گرمای تابستان، به آن جا پناه ببرند، اکثر خانه‌های مناطق گرمسیری کشور عراق، از قدیم و ندیم دارای سرداب می‌باشد، تا در تابستان مورد استفاده قرار بگیرد.

خانه حضرت امام حسن عسگری (ع) در شهر سامرا نیز دارای سرداب بوده است، مدتی امام هادی (ع) و امام حسن عسگری (ع) در این سرداب زندگی می کردند، و حضرت مهدی (عج) نیز در این سرداب زندگی نموده است.

در عصر حکومت معتضد عباسی که شانزدهمین خلیفه ظالم عباسی بود و در بغداد زندگی می کرد، او سپاهی را به شهر سامرا برای دستگیری فرزند امام حسن عسگری (ع) فرستاد، یکی از ماموران برجسته او بنام رشیق می گوید: وقتی که سپاه معتضد عباسی به قصد دستگیری امام زمان (ع) وارد شهر سامرا شد، از آنجا به طرف سرداب که حضرت مهدی (عج) در آنجا زندگی می کرد و در آنجا حضور داشت، هجوم بردند. پشت در سرداب مقدسه صدای تلاوت قرآن را از حضرت ولیعصر (عج) که در سرداب بودند شنیدند، لشکر در پشت در سرداب اجتماع نمودند تا حضرت مهدی (عج) صعود نکند و بیرون نرود. فرمانده لشکر در پیشاپیش لشکر ایستاده بود تا بقیه نیروهای لشکر به همین محل برسند و به آنان ملحق شوند.

ناگاه حضرت حجت (عج) از راهی که به در سرداب منتهی می شد آمدند، از پیش روی لشکر عبور نموده و غایب شدند.

بعد از خروج حضرت و غایب شدن آن بزرگوار، فرمانده لشکر دستور دستگیری حضرت مهدی (عج) را داد که سپاهیان در جوابش به او چنین گفتند: مگر تو ندیدی که (حضرت) مهدی (عج) از روبروی تو عبور نمود؟

گفت: من او را ندیدم، ولی اگر شما او را دیدید چرا دستگیرش نمودید؟
سپاهیان گفتند: ما گمان کردیم که تو خود او را دیدی و چون فرمان دستگیری ندادی ما نیز هیچ حرکتی از خویش نشان ندادیم.

بدین ترتیب حضرت مهدی (عج) با قدرت اعجاز از گزند سپاه خونخوار معتضد عباسی نجات یافت و غایب گردید.

این سرداب مقدسه از آن زمان تا کنون در کنار مرقد مطهر امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) باقی مانده است و شیعیان و منتظران حضرت کنار آن سرداب مقدس می‌روند و به خاطر آن که در آن مکان سه امام (امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و صاحب الزمان (عج)) مدتی زندگی نموده‌اند، تبرک می‌جویند. زیرا آن سرداب خانه‌ای است که خداوند متعال آن را شایسته احترام و اکرام نموده است.^۱

و از طرفی از آنجا که امام زمان (ع) در این مکان غایب گردیده است و جایی است که سه تن از ائمه (ع) در این مکان به عبادت و راز نیاز به درگاه خداوند پرداخته‌اند و لذا شیعیان به این مکان احترام خاصی قائلند.

البته ذکر این نکته لازم و ضروری است که نسبت دادن برخی اکاذیب به شیعه که معتقد است که حضرت مهدی (عج) در سرداب مخفی شده است و در آنجا سکونت دارد و از آنجا ظهور خواهد کرد، دروغی بیش نیست که برخی معاندین و دروغپردازان و کینه توزان چنین نسبت‌های ناروا را به شیعیان و منتظران آن امام داده‌اند و خواسته‌اند برخی عقاید دروغ را به اینان نسبت بدهند و سپس با مسخره کردن این عقاید، مذهب شیعه را زیر سؤال قرار بدهند و با نسبت دادن چنین عقاید خرافی این مذهب را از درجه اعتبار ساقط سازند که این هم آرزویی بیش نیست و به اذن خداوند متعال و کمک و استمداد ظاهری و پنهانی ائمه اطهار (ع) روز به روز بر قدرت و عزت و عظمت این مذهب افزوده خواهد شد و همه جهان را فرا خواهد گرفت و دشمنان و مخالفان کینه توز آن نیز همانند سابق که

^۱ - برگرفته از کتاب سیره چهارده معصوم (ع)، ممدی اشتهاردی، صفحه ۹۹۱

نتوانسته‌اند نقشه‌ها و توطئه‌های خود را عملی سازند، خوار و ذلیل خواهند شد انشاءالله.

مسجد اعظم کوفه:

شهر کوفه از چهار مکانهایی است که خداوند متعال آن را اختیار نموده است و طور سنین تفسیر به آن شده است. در روایت است که آن حرم خدا و حرم رسول خدا (ص) و حرم وصی رسول خدا حضرت امیرالمومنین علی (ع) است و یک درهم تصدق در آن برابر است با صد درهم در جای دیگر و هر کس دو رکعت نماز در آن بخواند برابر است با صد رکعت نماز در جاهای دیگر.

مسجد کوفه یکی از وطن‌هایی است که مسافر مخیر است در آن ما بین قصر و اتمام نماز، و نماز فریضه در آن معادل هزار نماز است که در جای دیگر برآورده شود.

در روایات وارد شده است که مسجد کوفه محل نماز پیغمبران است و محل نماز حضرت صاحب الامر (عج) خواهد شد و در روایتی دیگر هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر در این مکان نماز خوانده‌اند. در برخی روایات دیگر مسجد کوفه افضل شمرده شده است از مسجد الاقصی که در بیت المقدس واقع شده است. ابن قولویه از امام محمد باقر (ع) روایت کرده است که فرمودند:

«اگر مردم بدانند که مسجد کوفه چه فضیلتی دارد هر آینه از شهرهای دور تهیه زاد و راحله کنند و بسوی این مسجد بیایند و فرمود: نماز واجب در آن برابر است با حج مقبول و نماز نافله برابر است با حج عمره مقبوله و به روایت دیگر نماز فریضه و نافله در آن مثل حج و عمره است که با رسول خدا (ص) به جا آورده شده باشد.»

شیخ کلینی و غیر از او مشایخ عظام دیگر روایت کرده اند از هارون بن خارجه که حضرت امام جعفر صادق (ع) به من فرمود:

ای هارون چه مقدار مسافت است بین تو و بین مسجد کوفه؟ یکمیل می شود؟
گفتم: نه. حضرت فرمودند:

همه نمازهای خود را در آن به جا می آوری؟

عرض کردم: نه خیر.

امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «اگر من نزدیک آن مسجد بودم (مسجد کوفه) امید داشتم که یک نماز در آن از بین نمی رفت. آیا می دانی فضیلت این مسجد را؟ نبوده هیچ بنده صالحی و پیغمبری مگر آن که در این مسجد نماز گذارده، حتی این که رسول خدا (ص) در شبی که او را به معراج می بردند، جبرائیل به آن حضرت فرمود: می دانی در کجا هستی ای رسول خدا؟

و سپس فرمود: الان مقابل مسجد کوفه می باشی. حضرت رسول (ص) فرمود: از پروردگار متعال رخصت بطلب تا من بروم و در آنجا دو رکعت نماز گذارم. پس جبرائیل از خداوند متعال اذن طلید و حق تعالی نیز اذن مرحمت نمود، پس رسول خدا را از آسمان فرود آوردند و آن حضرت در آنجا (مسجد اعظم کوفه) دو رکعت نماز خواند.

بدان که در طرف راست آن مسجد باغی است از باغهای بهشت، و میان آن باغی است از باغهای بهشت، و عقب آن باغی است از باغهای بهشت، بدرستی که نماز واجب در آن برابر است با هزار نافله و نافله در آن برابر است با پانصد نماز و نشستن در آن بدون تلاوت و ذکر، عبادت است و اگر مردم بدانند که چه فضیلتی در آنجا است، به سوی آن می گرایند اگر چه به روش کودکان خود را به زمین

کشند. و در روایت دیگر است که: نماز واجب در آن برابر حج است و نماز نافله برابر است با حج عمره مقبوله.

در روایت وارد شده است که در هر شب شصت هزار ملک از آسمان نازل می‌شوند و نزد ستون هفتم نماز می‌خوانند و در شب دیگر ملائکه دیگر به این عدد می‌آیند و دیگر هیچ یک عود نمی‌کنند تا روز قیامت.

در حدیثی از امام صادق (ع) منقول است که ستون هفتم مسجد مقام حضرت ابراهیم (ع) است و شیخ کلینی در کافی به سند صحیح و معتبر از ابو اسماعیل سراج روایت کرده است که معویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت که ابو حمزه ثمالی دست مرا گرفت و گفت که اصبع بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: این ستون مقام حضرت امیرالمومنین علی (ع) است که نزد آن نماز می‌کرد و امام حسن (ع) در نزد ستون پنجم نماز می‌نمود و چون امیرالمومنین (ع) حاضر نبود، امام حسن مجتبی (ع) در جای خالی او نماز می‌خواند. از دیگر مواضع ممتاز مسجد کوفه ستون پنجم است که در حدیث معتبره از امام صادق (ع) منقول است که فرمودند: ستون پنجم مقام جبرئیل (ع) است و همچنانکه گذشت مقام امام حسن مجتبی نیز می‌باشد همچنین در روایات آمده است که ستون پنجم محل نماز حضرت ابراهیم خلیل الله نیز بوده است.

ستون سوم مسجد کوفه مقام حضرت علی بن حسین (ع) امام زین العابدین (ع) است چنان که امام سجاد (ع) برای خواندن نماز مکرراً به مسجد کوفه می‌آمدند و نمازش را به جای می‌آوردند.

کوفه و مسجد کوفه از فضیلت خاصی برخوردار می‌باشد. در فضیلت این مکان ابن قولویه در کامل الزیارات با سند معتبر از حضرت امام محمدباقر (ع) یا امام جعفر صادق (ع) روایتی را نقل می‌کند که در فضیلت مسجد سهله بدان اشاره شد.

امید است که با رعایت ادب و احترام نسبت به این اماکن مقدسه ای چون حرم امامان معصوم (ع) و امام زادگان و اماکنی که به قدوم آنان زینت یافته و آن بزرگواران در آن اقامت داشته اند و اماکنی که به قدوم حضرت ولیعصر (عج) متبرک شده است و حضرت در آن اقامت کرده بود و لزوم احترام آنها نزد اهلیت (ع) و علما ثابت گشته است که رعایت حرمت و احترام آنها در حقیقت رعایت حرمت و احترام به ساحت مقدس امام زمان (ع) به حساب می آید و علاوه بر آن باعث برآورده شدن حاجات و رضایت پروردگار نیز می گردد، لذا با احترام به آنها بتوانیم اندکی از وظایف و آداب خویش نسبت به آن بزرگواران عمل کنیم و قلب نازنین ایشان را از خود راضی و خشنود سازیم.

صبر و استقامت و پایداری

در صدر اسلام و در زمان پیامبر اکرم (ص) استقامت و پایداری و شهامت در برابر تندبادهای حوادث از عوامل موثر در پیروزی و موفقیت در برابر مشکلات موجود در جامعه بود. نمونه‌های صبر و استقامت مسلمانان صدر اسلام در تاریخ بسیار زیاد است. تاریخ هیچ وقت نام عمارها و یاسرها و ابوذرها و مالک اشترها را و نمونه‌های بسیار زیاد دیگر از اسوه‌های صبر و استقامت مردان و زنان بزرگ در جنگ‌های اسلامی را هرگز به خاطر صبر و استقامتشان فراموش نخواهد کرد. و نام آنها همیشه جاودان خواهد ماند و بر زبانها جاری خواهد بود.

واژه صبر و استقامت واژه بسیار پر معنی و پر مغزی می‌باشد. در قرآن کریم یکصد و چهل بار از واژه صبر و استقامت سخن به میان آمده است. در سوره آل عمران خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

ای کسانی که ایمان آوردید، استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری به خرج دهید، و از مرزهای خود مراقبت به عمل آورید و از خداوند بپرهیزید، شاید رستگار شوید.^۱

صبر ضد صفت جزع می‌باشد، و آن عبارت است از ثبات نفس و اطمینان آن و معطوف نگشتن آن در بلا یا و مصائب و مقاومت کردن در برابر حوادث و شداید به نحوی که سینه او تنگ نشود و خاطر او پریشان نگردد و گشادگی و طمانینه که پیش از حدوث آن واقعه است زوال نپذیرد.

صبر بنده را به درجات بلند و مقامات ارجمند و رفیع می‌رساند و او را بر مسند عزت و تخت سعادت می‌نشانند. خداوند متعال بیشتر خیرات را به صبر و استقامت نسبت داده است و اکثر درجات بهشت را به آن متعلق نموده و برای صابرين صلوات و رحمت و هدایت قرار داده است و به آنان مژده همراه بودن را رسانید،

چنان که فرموده است: «**وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**؛

صبر کنید که خدا با صبر کنندگان است.^۲»

صبر به آدمی وقار می‌بخشد. صبر صفت بارز اهل محبت و معرفت است، صبر منزلی است از منازل دین و مقامی است از مقامات موحدین و به واسطه آن بندگان در بارگاه احدیت داخل و به جوار حضرت احدیت واصل می‌گردند.

ناز پرورده به تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش می‌باشد شکیبایی در برابر حوادث سخت و طوفانهای سنگین نشانه شخصیت و وسعت روح آدمی است، آن چنان وسعتی که حوادث بزرگ را در خود جای می‌دهد و لرزان نمی‌گردد. افراد با ایمان و قوی الاراده و پرفرغیت در برابر حوادث و

^۱ - قرآن کریم، سوره آن عمران، آیه ۱۰۰

^۲ - قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۴۶

پیشامدها هرگز پیمانۀ صبرشان لبریز نمی‌گردد، و سخنی که نشان‌دهنده ناسپاسی و کفران و بی‌تابی و جزع باشد، برزبان خویش جاری نمی‌سازند، صبر آنها صبری زیبا و جمیل است، از عوامل مهم پیروزی مردان بزرگ استقامت و صبر و بایرداری بوده است.

لذا یکی از معیارها و ویژگی‌های شناخت مؤمنان راستین، صبرشان و استقامت آنها در برابر حوادث سخت و امتحانات الهی است. چنان‌که در زندگی فردی و اجتماعی مشکلات و برخی موانعی است که جز با نیروی صبر نمی‌توان بر آنها غلبه نمود چنان‌که در کلام ائمه اطهار (ع) نیز بدان سفارش مؤکد شده است.

یامبر اکرم (ص) از صبر به عنوان نصف ایمان یاد نموده و فرمودند: «**الصَّبْرُ نِصْفُ الْإِيْمَانِ**؛ صبر نیمی از ایمان است.»^۱

مام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: شایسته است که مؤمن هشت خصلت داشته باشد که عبارتند از: در پریشانی ثابت و پابرجا باشد، در مصیبت صابر و شکیب، در گشایش شاکر به رزق خدا (قانع باشد)، به دشمنان ستم نکند، دوستان تحمیل نماید، بدنش از او در رنج باشد، مردم از وجودش در آرامش و آسایش و می‌فرمایند:

علم دوست مؤمن است، حلم یاور و وزیرش، صبر فرمانده و امیر لشکرش، رفیق مدارا برادر، نرمی و ملایمت پدرش.^۲

یامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «چون خداوند کسی را دوست دارد، هشت صفت را او الهام کند، یعنی او را به هشت کار بگمارد. عرض کردند: یا رسول الله، آن صفات چیست؟»

۱- معراج السعاده، صفحه ۷۹۸

۲- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۲۳۰

حضرت فرمودند: «چشم پوشی از نامحرم، ترس از خدا، حیا، اخلاق صالحان، صبر، امانت داری و راستی و سخاوت»^۱.

امام جعفر صادق (ع) در سفارش خویش به مؤمن الطاق می‌فرماید: ای پسر نعمان، هیچ بنده‌ای مؤمن نخواهد بود، تا این که در او سه سنت باشد: سنتی از خداوند، سنتی از رسول او و سنتی از امام.

اما سنتی که از خداوند عزوجل باید داشته باشد، اینکه باید اسرار را کتمان نماید.

خداوند می‌فرماید: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا؛

اوست دانای غیب، پس احدی را از غیب خویش آگاه نسازد.»

و اما سنتی که از رسول خدا (ص) باید داشته باشد، این که با مردم به رفتار و اخلاق اسلامی مدارا کند.

و اما سنتی که از امام (ع) باید داشته باشد، صبر در سختی‌ها و ناراحتی‌ها است تا این که خداوند برای او فرج را برساند.^۲

امام علی (ع) می‌فرماید: «الْإِيمَانُ عَلَىٰ أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَدْلِ، وَالْجَهَادِ؛

ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد.»

«وَالصَّبْرُ مِنْهَا عَلَىٰ أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الشَّوْقِ، وَالشَّفَقِ، وَالزُّهْدِ، وَالْتَرَقُّبِ.»

و صبر نیز بر چهار پایه استوار است: شوق، هراس، زهد و انتظار.

آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاهش گیرد، و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند، و آن که در دنیا زهد می‌ورزد،

^۱ - مواعظ العددیه، صفحه ۲۰۴

^۲ - مکالمات المکارم، جلد ۲، صفحه ۴۱۳

مصیبت‌ها را ساده پندارد، و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد در نیکی‌ها شتاب می‌کند.^۱»

حضرت امیرالمومنین علی (ع) که خود اسوه صبر و استقامت و شکیبایی می‌باشد و در برابر حوادث سخت آن دوران صبر و استقامت نمود چنان که خود نیز با اشاره به شرایط آن زمان از صبر و استقامت خود چنین می‌گوید:

«به اطرافم نگریستم، دیدم که نه یآوری دارم و نه کسی که از من دفاع کند و مرا حمایت نماید، جز خانواده‌ام که مایل نبودم جانشان به خطر افتد. پس خار در چشم فرو رفته، دیده بر هم نهادم، و با گلولی استخوان در آن گیر کرده، جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم، و در فرو خوردن خشم در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناک تر از فرو رفتن تیزی شمشیر در دل بود، شکیبایی نمودم.^۲»

تاریخ هیچوقت صبر و استقامت امیرالمومنین علی (ع) و مظلومیت‌های او را فراموش نخواهد کرد و او را به عنوان الگو و اسوه صبر و استقامت معرفی خواهد نمود. حضرت ضمن سفارش دیگران به صبر و استقامت چنین می‌فرمایند:

«عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَ لَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ؛

ر شما باد به استقامت، زیرا استقامت نسبت به ایمان همچون سر نسبت به بدن است، و بدنی که در آن سر نباشد، خیری نیست و ایمانی که در آن استقامت و صبر نباشد، خیری ندارد.^۳»

- نهج البلاغه، حکمت ۳۱

- نهج البلاغه، فطبه ۲۱۷

- نهج البلاغه، حکمت ۸۲

امام محمد باقر (ع) در مورد صبر می فرمایند: « **الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرِ**؛ بهشت به رنجها و صبر پیچیده شده است.»

امام جعفر صادق (ع) می فرمایند: « هنگامی که مؤمن را در قبرش می گذارند، نماز در جانب راست او، زکات در جانب چپ او، و نیکی ها از هر سو به او توجه می کنند، و خصلت صبر او در ناحیه دور قرار می گیرد، وقتی که دو فرشته ای که عهده دار سؤال و بازجوئی هستند نزد او می آیند، خصلت صبر به نماز و زکات و نیکی ها می گوید: **دُونَكُمْ صَاحِبِكُمْ، فَإِنْ عَجَزْتُمْ عَنْهُ، فَأَنَا دُونَهُ**؛

صاحب خویش را حفظ کنید و اگر از حفظ او عاجز می باشید، من او را حفظ می نمایم.^۱ »

صبر و استقامت یکی از عوامل مهم پیروزی می باشد. همچنانکه تجربه چندین بار این را روشن کرده است و نشان داده است که هر جا صبر و استقامت بوده، به دنبال آن پیروزی و موفقیت نیز حاصل شده است. امام علی (ع) نیز صبر را از عوامل موفقیت نام برده و فرموده اند:

« من چنین یافتم در گذر عمر، تجربه کردم که صبر و پشتکار نماید، مگر این که در پرتو صبر پیروزی و موفق خواهد شد. و کم است کسی که در طلب چیزی کوشش نماید، صبر و پشتکار نماید، مگر این که در پرتو صبر، پیروز و موفق خواهد شد.^۲ »

چرا باید صبر کنیم؟

^۱ - اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۹۰

^۲ - انوارالبهیة ممدت قمی، ترجمه اشتهاردی، صفحه ۵۰۱

انسان در همه حال و همه جا می‌تواند مورد آزمایش و امتحان الهی قرار گیرند و بیشتر گرفتاری‌هایی که برای آنها پیش می‌آید به خاطر این است که مورد امتحان و آزمایش قرار گیرند. حتی خداوند متعال پیامبران را که کاملترین انسان‌ها می‌باشند، مورد آزمایش و امتحان قرار می‌دهد و هیچ کس حتی آنان نیز از این قائده کلی مستثنی نمی‌باشد. همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید: « وَ نَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ؛ شما را در کارهای شر و خیر آزمایش می‌کنیم.^۱ »

و در جایی دیگر می‌فرماید: « أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛

آیا مردم گمان کرده‌اند به حال خویش رها شده‌اند و گفتند ایمان آوردیم، آزمایش نخواهند شد. »

این امتحان الهی به صورت‌های گوناگون صورت می‌گیرد و خداوند هر کس را به وسیله‌ای امتحان می‌کند به عنوان مثال فرشتگان را با سجده به آدم مورد امتحان و آزمایش خود قرار داد. امتحان و آزمایش الهی انواع و اقسام مختلف و در شرایط گوناگون صورت می‌گیرد من جمله: امتحان در شرک، امتحان در آزمون، امتحان با حکومت بر مردم، امتحان با فزونی نعمت و یا کمبود آن، امتحان با فقر و بی‌چیزی، آزمایش با حوادث اجتماعی و حوادث تلخ روزگار و....

خداوند متعال در حالی انسان‌ها را مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهد که راه موفقیت و پیروزی در این امتحان و آزمایش را نیز مشخص نموده است و آن چیزی جز صبر و استقامت نمی‌باشد. صبر باعث می‌شود انسان با روحیه‌ای بسیار قوی و عزم قلبی و تصمیم آهنین به ادامه کار پردازد.

۱- قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۳۵

همانطوری که گفته شد امتحان الهی می‌تواند به صور متفاوت صورت بگیرد و صبر نیز دارای اقسام متفاوت می‌باشد که یکی از آنها صبر در برابر گرفتاریها و حوادث روزگار است. و چه حادثه تلخی برای شیعیان غیبت امامشان حضرت مهدی (عج) می‌تواند باشد؟ و چه مصیبت‌ها و گرفتاریهایی که در این دوران سخت متوجه آنان نمی‌شود؟

لذا در دوران غیبت یکی از صحنه‌ها امتحان و آزمایش انسانها غیبت امامشان می‌باشد و چه زمینه مناسب و بهتر برای امتحان بشر می‌تواند باشد جز دوران غیبت حضرت حجت (ع). در این زمان فتنه‌ها و گرفتاری‌های بسیار زیادی رخ می‌دهد به گونه‌ای که دینداری و پاسداری از ایمان و اعتقاد، همانند کندن خار با دست برهنه یا نگه داشتن سنگ گداخته از آتش در دست است.

پایداری در ارزش‌های اعتقادی و حل نشدن در شرایط آلوده و نامناسب زمان یکی از وظایف مهم منتظرین است. لذا صبر کردن بر سختی‌ها و مشکلات دوران غیبت حضرت ولیعصر (عج) یکی از وظایف شیعیان و منتظران آن حضرت در این دوران می‌باشد. در این زمان شبهه‌های تردید آفرین و گمراه کننده و مشکلات فراوان و فشارهای گوناگون از سوی مخالفین اسلام و تشیع بر شیعیان چشم انتظار وارد می‌آید که تنها با صبر نمودن بر همه این مشکلات می‌توان از لغزش و منحرف شدن و مایوس گشتن فایق آمد و توطئه دشمنان سودجو را نقش بر آب ساخت.

شیعیان و منتظران امام زمان (ع) در این دوران با الگو قرار دادن پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) خواهند توانست بر مشکلات غلبه نموده و بتوانند مسیر سعادت را بپیمایند و با عزت و سربلندی از این امتحان الهی بیرون بیایند. تنها رمز پیروزی در همه ادوار چه در زمان پیامبر اکرم (ص) و چه در زمان امامان معصوم (ع) در

برابر شرایط دشوار صبر بوده است و این دوران نیز از این قائده کلی مستثنی نخواهد بود.

قرآن کریم نیز با معرفی نمودن رسول خدا (ص) به عنوان الگوی صبر و استقامت، همه انسانها را به تاسی و پیروی از او فرا می خواند. خداوند می فرماید: « وَ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. »

پیامبر اکرم (ص) در اوایل نبوت بر آن همه سختی ها و مشکلات دوران جاهلیت و همچنین ائمه اطهار (ع) در هر دوره با اینکه تحت همه گونه فشار و مشکلات از جانب حکومت هایی که اساس آنها جور و ظلم و ستم بوده است، صبر نمودند. که نهایت امر به فرج و پیروزی نایل گشتند. لذا آنچه که می تواند این پیروی را در زمان غیبت و چه در زمان ظهور قرین موفقیت کند همانا پیشه کردن صبر و استقامت است.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) قبل از اینکه دوران غیبت به وقوع پیوندد، خبر از این دوران و امتحان مردم به وسیله غایب شدن امامشان داده اند و آنها را سفارش به صبر و استقامت در برابر شبهه ها و فشارها و مشکلات این دوران نموده اند و به اجر و ثواب این عمل در این دوران اشاره هایی کرده اند که در اینجا به ذکر چند مورد از آنها می پردازیم:

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: « طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ؛ »

خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی (عج)، خوشا به حال پابرجایان در مقام محبت او.^۱

^۱ - (بها) (الانوار)، جلد ۳۶، صفحه ۳۰۶

صبر در نگهداری اعتقادات سالم از ویژگی منتظران در زمان غیبت است که امام جعفر صادق (ع) در این زمینه می‌فرمایند:

حضرت رسول (ص) دست به دعا برداشت و فرمود: خداوندا برادرانم را به من بنمایان.

یکی از یاران پیامبر اکرم (ص) در جمع حاضر بود گفت: ای رسول خدا آیا ما برادران شما نیستیم؟

حضرت به اصحاب خویش فرمودند: « شما اصحاب من هستید ولی برادران من، مردمی هستند که در آخرالزمان می‌آیند. آنان به نبوت و دین من ایمان می‌آورند با این که مرا ندیده‌اند، هر یک از آنان اعتقاد و دین خود را با هر سختی نگاه می‌دارند، چنان که گویی درخت خار مگیلان را در شب تاریک، با دست پوست می‌کند! آن مؤمنان مشعل‌های فروزان در تاریکی‌ها هستند، خداوند آنان را از آشوب‌های تیره و تاریک نجات خواهد داد.^۱»

انتظار بدون عنصر پایداری و شکیبایی و صبر در برابر مشکلات، پوسته‌ای است بدون مغز و قالبی است تهی و بی محتوا و در حقیقت انتظار نیست. روح و جوهر اصلی انتظار مقاومت و صبر است. بر همین اساس، حضرت رسول (ص) می‌فرمایند:

«**اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ**؛ به وسیله صبر و استقامت، منتظر فرج بودن عبادت است.^۲»

انتظار بی صبر و مقاومت، انتظار و عبادت نیست، بلکه نوعی تنبلی و توقعی بی جا داشتن است که این از ساحت شیعه به دور می‌باشد. شیعه انتظار عبادت گونه دارد

^۱ - فورشید مغرب، محمد رضا مکیمی، صفحه ۳۵۷ - ۳۶۱

^۲ - بمار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۴۵

و بزرگترین وظیفه شیعه در زمان غیبت، انتظار همراه با مقاومت و عبادت است. شیعه باید در دوران غیبت، شاد و با نشاط باشد و دیگران را هم به شادی نزدیک کند و شادی حقیقی جز با انجام واجبات و ترک محرّمات به دست نمی آید. زیرا انجام این وظیفه آدمی را به خدا نزدیک می کند و قرب به خدا تنها عامل شادی واقعی انسان است.

ابو بصیر از امام صادق (ع) روایت می کند که حضرت فرمودند: آیا شما را از چیزی مطلع نگردانم که خداوند عمل بندگانش را جز به وسیله آن نمی پذیرد؟
عرض کردم: ای سرورم بفرماید تا بدانیم آن چیست؟

امام صادق (ع) فرمودند: «آن گواهی دادن به یگانگی خداوند و رسالت حضرت محمد مصطفی (ص) و بیزاری از دشمنان ما ائمه و تسلیم در برابر آنها (ائمه معصومین) و پارسایی و کوشش در امر دین و صبر و انتظار برای ظهور قائم ماست.»^۱

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم (ص) روایت می کند که حضرت فرمودند: «حجت خداوند از نظر آنها غایب می گردد و نام برده نمی شود، تا آنکه خداوند او را ظاهر گرداند. سپس وقتی که خداوند او را آشکار ساخت، زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که پر از ظلم و ستم شده است.

سپس فرمود: خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او پایدارند. خوشا به حال آنان که در راه روشن خود ثابت قدم می مانند. اینها هستند که خداوند در باره آنان فرموده است: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» و «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

«کسانی هستند که به غیب ایمان آورده‌اند»^۱ و «اینان طرفداران خدا هستند، و بدانید که طرفداران خداوند رستگارند»^۲.

نیز از امام صادق (ع) روایت شده است که رسول اکرم (ص) به یاران خود فرمودند: «پس از شما مردمانی خواهند آمد که به یک تن از آنها اجر پنجاه تن از شما را خواهند داد».

اصحاب حضرت گفتند: ای پیامبر خدا! ما در جنگهای بدر، احد و حنین با شما بوده ایم و در باره ما آیاتی از قرآن نازل شده است، پس این چگونه خواهد بود؟ پیامبر (ص) فرمودند: اگر شما در شرایط آنان قرار بگیرید، آن تحمل و شکیبایی را که آنان دارند، شما نخواهید داشت»^۳.

اینجاست که این برتری فضیلت را شیعیان واقعی در همان زمان هم پذیرفته بودند. چنانکه دختر رشید هجری از شیعیان معروف، می گوید:

به پدرم گفتم: ای پدر! چه بسیار در عبادت خداوند رنج می‌بری و کوشش می‌کنی؟

پدرم در پاسخ به من چنین گفت: ای دخترم! بعد از ما مردمی می‌آیند که بصیرت و شناختی که در دین دارند از این کوششها و رنجها افضل است»^۴.

شیخ صدوق (ره) در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه چنین می‌نویسد: برنظی از امام رضا (ع) روایت کرده است که فرمود:

«مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ چه نیکوست صبر در انتظار فرج».

^۱ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۶

^۲ - قرآن کریم، سوره مجادله، آیه ۲۲

^۳ - فورشید مغرب، متمدن رضا مکی، صفحه ۳۵۷ - ۳۶۱

^۴ - همان (فورشید مغرب، متمدن رضا مکی، صفحه ۳۵۷ - ۳۶۱)

آیا سخن خداوند را نشنیده ای که فرمود: «وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» و
«فَانْتَظِرُوا وَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»

«در انتظار باشید که من هم با شما منتظرم.»^۱ و «منتظر باشید بدرستی که من با شما
از منتظرانم.»^۲

پس بر شما باد به صبر زیرا فرج بعد از ناامیدی می آید و بدرستی که پیشینیان شما
کسانی بودند که صبر کننده تر بودند.^۳

^۱ - قرآن کریم، سوره هود، آیه ۹۳

^۲ - قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۷۱

^۳ - اکمال الدین، جلد ۲، صفحه ۵۴۷

صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد
بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
بی تو می گویند تعطیل است کار عشق بازی
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد!
جغد بر ویرانه می خواند با انکار تو، اما
خاک این ویرانه ها بویی از گنجینه دارد
خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد
عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد
روی آنم نیست تا در آرزو دستی بر آرم
ای خوش آن دستی که رنگ آبرو از پینه دارد!
در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری
آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید
آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد

درخواست صبر از خداوند متعال

همانطوری که ذکر شد یکی از وظایف مهم شیعیان در دوران غیبت صبر و استقامت در برابر سختی‌ها و دشواری‌های این دوران و تحمل نمودن آنان می‌باشد. انسان مؤمن و منتظر باید در این دوران پر محنت و سخت از خداوند عزوجل درخواست صبر در برابر حوادث و امتحانات بخواهد و از او بخواهد تا او را یاری کند تا بتواند از این امتحان سخت پیروز و سربلند بیرون بیاید و این خود (درخواست نمودن صبر از خداوند متعال در دوران غیبت) وظیفه دیگری در دوران غیبت می‌باشد. هر مؤمنی باید هر چیزی را که برای سامان دادن آخرت و دنیای خود به آن نیاز دارد، از کسی بخواهد که کلیدهای همه اشیاء بدست اوست و تنها اوست که از عهده آنها بر می‌آید. شاهد بر این امر فرموده خداوند متعال خطاب به پیامبرش می‌باشد: «وَالصَّبْرُ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ و صبر کن و صبر تو نیست به کمک خداوند.^۱»

پس شایسته است که مؤمن از خداوند متعال در خواست صبر کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: از خداوند عزوجل آن چه از حوائج برایتان پیش می‌آید را

^۱ - قرآن کریم، سوره نفل، آیه ۱۲۷

مسئلت نماید، حتی بند کفش را، زیرا که اگر خداوند آن را آسان نکند، آسان نمی‌گردد.»

و باز از آن بزرگوار است که فرمودند: هر یک از شما همه نیاز خود را از پروردگارش درخواست نماید، حتی بند نعلینش را اگر قطع شود.^۱

صبر نمودن در برابر برخی مشکلات سخت به نظر می‌آید اما آنچه تحمل آن را برای ما آسان می‌کند و باعث می‌شود تا ظرفیت تحمل آن در انسان بیشتر شود، امید به روشنایی می‌باشد. وقتی انسان متوجه می‌شود که پایان صبر و استقامت او آینده‌ای درخشان و روشن می‌باشد لذا صبر نمودن برایش آسان و سهل می‌گردد. و شاعر چه خوب گفته است که:

درهم نگر نور و ظلمت، همراز درد صبوری

با سوختن ساختنها، تا شب شکاری بیاید

ای دل هوای خزانیت دارد سر بر گریزان

کن صبر تا زین صبوری، رنگین بهاری بیاید

اگر خداوند به آدمی صبر کافی دهد، انسان می‌تواند در هر شرایط در برابر مشکلات بزرگ و سخت مقاوم باشد و اگر فردی دارای چنین صفتی باشد (صبور و مقاوم) امید موفقیت و پیروزی او به مراتب بیشتر خواهد بود. خداوند متعال در

این مورد می‌فرماید: «**إِنَّ لِكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ**؛

اگر از شما بیست نفر دارای صبر و استقامت باشند، بر دویست نفر غالب و پیروز خواهند شد.»

در این زمان که از هر طرف دشمنان اهداف و مبانی اسلام را مورد هدف قرار داده است و از طرفی دیگر برخی موانع باعث می شود تا از مقابله و هجوم به آنها خودداری نماییم از خداوند متعال همان را می خواهیم که طالوت وقتی به جنگ جالوت رفت، با تمام وجود از خداوند در خواست نمود:

« رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛

پروردگارا! پیمانۀ صبر و استقامت را بر ما بریز و گامهای ما را استوار بدار و ما را بر کافران یاری بده.^۱ »

حضرت صادق (ع) می فرمایند: « ما دوست داریم کسی را که عاقل، فقیه، فهمیده، بردبار، صبور، راستگو و باوفا باشد. خداوند عزوجل پیامبران را به صفات عالی انسانی اختصاص داده، پس هر آن کس که در او این صفات موجود باشد، خداوند را به خاطرش حمد گوید، و در هر کس نبود به درگاه عزوجل زاری نماید و آنها را از او بخواهد.

عرض کردند: آن صفات کدام ها هستند؟

حضرت فرمودند: پرهیزکاری، قناعت، صبر، شکر، حلم، حیا، سخاوت و شجاعت، غیرت و نیکی، راستگویی و ادای امانت.^۲ »

^۱ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۵۰

^۲ - مکالمات المکارم، جلد ۲، صفحه ۱۴۱۳

امام مهدی (عج)

دیده در راه تو ای سرور دوران تا چند؟

دل در اندیشه هجران تو حیران تا چند؟

قطب امکانی و دل ها به تو گردد مجموع

بی تو جمعیت اسلام، پریشان تا چند؟

چشم ما گرچه به دیدار رخت لایق نیست

در پس ابر، نهان مهر فروزان تا چند؟

ای که شمشیر تو تفسیر کند قران را

در نیام آن گهر پاک درخشان تا چند؟

غرب و شرق از پی نابودی دین می کوشند

فتنه ها بهر براندازی ایمان تا چند؟

بی قراران تو را درد جدایی تا کی؟

دوستاناران تو را زحمت عدوان تا چند؟

من خجالت زده بی سرو پا را زین دست

سینه لبریز غم و سر به گریبان تا چند؟

در چمنزار چمن بی گل رخسارت زار

تا به کی ماند و در آتش حرمان تا چند؟

شناخت علایم ظهور حضرت مهدی (عج)

شناختن علامت‌های ظهور حضرت مهدی (عج) که با ظهور آن جناب مقارن هستند و جزو علامات ظهور آن بزرگوار به شمار می‌آیند، یکی دیگر از وظایف منتظران و شیعیان آن امام در دوران غیبت می‌باشد. شناختن علامات ظهور خود مقدمه شناخت حضرت می‌باشد. این شناخت و آگاهی از علایم ظهور، خاصیت بازدارندگی از یاس و سرخوردگی را دارا می‌باشد. و شناخت آنها تحمل این دوران سخت و طولانی غیبت کبری را آسانتر می‌سازد و منتظرین را از یاس و ناامیدی باز می‌دارد.

مؤمنین و منتظرین باید با نشانه‌های ظهور آشنا شوند و برای شناختن آنها تلاش کنند. در برخی روایات دسته‌ای از نشانه‌های ظهور، علایم قطعی و تخلف ناپذیر شمرده می‌شوند که ظهور امام زمان (ع) متوقف بر شرطهایی است که مقارن یا به دنبال آن ظهور واقع خواهد شد و برخی علایم در روایات ذکر شده است که جزو علامت‌های غیر حتمی به شمار می‌آید که تحقق یافتن آنها مشروط به برخی شرطهایی است که اگر آن شرایط تحقق پیدا کند، این علایم نیز ظهور خواهند کرد.

کسانی که علایم ظهور را شناخته‌اند در مقابل هجوم دشمنان و ملحدین که هویت و عزت جهان اسلام را تهدید می‌کنند و اقتدار و افتخار مسلمین جهان را مخدوش و لکه دار می‌کنند و از این سرمایه عظیم (اعتقاد امت اسلامی) به نفع خود استفاده می‌کنند که در تاریخ نمونه‌های آن بسیار زیاد دیده شده است من جمله: در سرزمین‌های ایران، هند، حجاز، آفریقا و... دچار شک و تردید نمی‌شوند، چرا که آنها به سبب شناختن این علایم بر اساس روایات رسیده از ائمه معصومین (ع) می‌توانند به راحتی افراد دروغگو و معاندین که قصد به غارت بردن اعتقادات امت اسلامی را دارند، از افراد راستگو تشخیص دهند و بتوانند حق را از باطل جدا سازند و در این مسیر دچار هیچ شک و تردیدی نمی‌شوند و هیچ موقع از مسیر هدایت و حقیقت گمراه نمی‌شوند و عدم شناخت اینها مساوی است با گمراهی و ضلالت.

لذا یکی از وظایف امت اسلامی و بویژه کارشناسان دینی، شناختن و شناساندن معیارهایی است که مصلح حقیقی را از حرکت‌های سودجویانه و منافقانه و کینه توزانه دغل بازان عوام فریب جدا سازد. چه بسا افرادی که در اثر عدم شناخت و آگاهی از مسیر حقیقی دین خارج شده و مرتد گشته‌اند و نه تنها خود از این مسیر خارج شده‌اند، بلکه با تبلیغات سوء خود باعث گمراهی گروهی دیگر نیز شده‌اند. اینان کسانی هستند که در برابر کوچکترین شبهه‌ها ایمان و اعتقاد و باور خویش را می‌بازند.

در این صورت است که برخی دین فروشان، جاهل و عدم شناخت و آگاهی با علایم ظهور و... را نردبانی برای دستیابی به اهداف پست و پلید خویش قرار داده و مردم ناآگاه نیز حرکت نامشروع ایشان را قیام منجی آخرالزمان به شمار آورده و در راه آن جان و مال ارزانی می‌دارند.

بنابراین با توجه به این جریانات که چندین مورد از آن در طول تاریخ تکرار شده است و در آینده نیز خواهد بود، می‌توان گفت سرّ ضرورت آشنایی با علایم ظهور در کسب هوشیاری لازم برای مقابله با خطر جدی منجیان دروغین نهفته است. لذا شناخت و آگاهی از این امور امری واجب و ضروری می‌باشد.

در لابه‌لای روایات اهل بیت (ع) به وقایعی و علایمی اشاره شده است که مقارن با آنها و یا به دنبال آن ظهور حضرت صاحب الامر (عج) صورت خواهد گرفت. در اینجا به ذکر چند علایم از نشانه‌های ظهور که در کلام ائمه اطهار (ع) بدان اشاره شده است، می‌پردازیم. امید است که در جهت شناخت هر چه بیشتر این علایم کوشا باشیم.

آشنایی با علایم ظهور امام زمان (ع):

ذکر این نکته لازم و ضروری است که علایم ظهور را از جهت طبیعی بودن و شخصی یا عمومی بودن می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. حوادث خارق العاده، متخاصمان (نیروها و چهره‌ها)، اوضاع عمومی اجتماعات بشری.^۱ در زیر به توضیح هر کدام از این سه دسته بر طبق روایات وارده از ائمه معصومین (ع) خواهیم پرداخت.

الف) حوادث خارق العاده:

- ۱- کسوف خورشید در نیمه رمضان و خسوف ماه در آخر آن.
- ۲- فرو رفتن در سرزمین البیدا.

^۱ - نشانه‌های یار و پیکامه انتظار، صفحه ۳۸

- ۳- ظهور سرخی آفاق گستری در آسمان.
- ۴- صیحه آسمانی در ماه رمضان.
- ۵- ظاهر شدن تصویر صورت و سینه در قرص خورشید.
- ۶- توقف سیر خورشید در آسمان از هنگام ظهر تا نیمه‌های عصر.
- ۷- مرگ‌های سرخ و سپیدی که پیش از ظهور بسیاری از مردم را هلاک می‌سازد.

ب) متخاصمان (نیروها و چهره ها):

- ۱- خروج سفیانی
- ۲- ظهور شصت کذاب که مدعی پیغمبری هستند.
- ۳- قتل نفس زکّیه.
- ۴- قیام دوازده تن از آل ابی طالب که مردم را به خود می‌خوانند و سودای پیشوایی و رهبری را دارند.
- ۵- قیام یمانی.
- ۶- قیام سید خراسانی و خروج پرچم‌های سیاه از سمت خراسان در حمایت از موعود امم.
- ۷- ظهور مرد مغربی از مصر و تسلط وی بر شام.
- ۸- ورود پرچم‌های کننده به خراسان.
- ۹- ورود پرچم‌های قیس و عرب به مصر.
- ۱۰- پیاده شدن برادران ترک در الجزیره.

ج) اوضاع عمومی جوامع بشری:

در این باره به ذکر علایم از کلام امام جعفر صادق (ع) می‌پردازیم که فرمودند:
هر گاه که دیدی:

- ۱- حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند.
- ۲- ظلم و جور همه جا را گرفته باشد.
- ۳- قرآن فرسوده شود و درست معنی نمی‌شود...
- ۴- دین همچون ظرف توخالی و بی محتوا شده باشد.
- ۵- طرفداران باطل بر طرفداران و حامیان حق غلبه کردند.
- ۶- کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی‌شود و بدکاران بازخواست نمی‌شوند.
- ۷- چنان فسق و فجور آشکار شده که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند.
- ۸- شخص بدکار، دروغ گوید و کسی دروغ ناروای او را رد نمی‌کند.
- ۹- افراد با ایمان سکوت کرده و کسی سخنان را نمی‌پذیرد.
- ۱۰- کوچکترها، بزرگان را تحقیر کنند.
- ۱۱- قطع صله رحم و قطع پیوند خویشاوندی شود.
- ۱۲- بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد.
- ۱۳- نوجوان پسر همان کند که زن می‌کند.
- ۱۴- زنان با زنان ازدواج نمایند.
- ۱۵- مداحی دروغین از اشخاص زیاد شود.
- ۱۶- انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف کنند و کسی مانع آن نشود.
- ۱۷- افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مومن، به خدا پناه می‌برند.
- ۱۸- همسایه به همسایه خویش اذیت و آزار می‌رساند و از آن جلوگیری بعمل نمی‌آید.

- ۱۹- کافر به خاطر سختی مؤمن شاد است.
- ۲۰- شراب را آشکار می آشامند و برای آشامیدن آن کنار هم می نشینند و از خداوند متعال نمی ترسند.
- ۲۱- کسی که امر به معروف می کند، خوار و ذلیل است.
- ۲۲- اهل قرآن و دوستان آنها خوار و ذلیل می شوند.
- ۲۳- آدم بدکار در آنچه آن را خدا دوست ندارد نیرومند و مورد ستایش است.
- ۲۴- راه نیک بسته و راه بد باز است.
- ۲۵- انسان به زبان می گوید ولی به عمل نمی کند.
- ۲۶- خانه کعبه تعطیل شده و به تعطیلی آن دستور داده می شود.
- ۲۷- مردان از مردان و زنان از زنان لذت می برند.
- ۲۸- زندگی مرد از راه لواط و زندگی زن از راه زنا تامین می شود.
- ۲۹- زنان همچون مردان برای خود مجالس نامشروع تشکیل می دهند.
- ۳۰- در میان فرزندان عباس، کارهای زنانگی بوجود آید.
- ۳۱- زن برای زنا با مردان با شوهر خود همراهی و همکاری می کند.
- ۳۲- بیشتر مردم و بهترین خانه ها، زنان را برای بدکاری کمک می کنند.
- ۳۳- مؤمن خوار و ذلیل شمرده می شود.
- ۳۴- زنا امری آشکار می باشد.
- ۳۵- مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند.
- ۳۶- حلال خداوند حرام و حرام او حلال گردد.
- ۳۷- دین بر اساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل گردد.
- ۳۸- جرئت بر گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد.

- ۳۹- مؤمن نمی‌تواند نهی از منکر کند، مگر در قلبش.
- ۴۰- ثروت بسیار زیاد در راه خشم خداوند خرج گردد.
- ۴۱- سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور گردند.
- ۴۲- والیان در قضاوت رشوه بگیرند.
- ۴۳- پست‌های مهم والیان براساس مزایده است نه بر اساس شایستگی.
- ۴۴- مردم را با سوءظن یا از روی تهمت بکشند.
- ۴۵- مرد به خاطر همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد.
- ۴۶- مرد از بدکاری همسرش نان می‌خورد.
- ۴۷- زن بر شوهر خود مسلط شود، کارهایی که مورد خشنودی همسر نیست انجام دهد و به شوهرش خرجی می‌دهد.
- ۴۸- مرد همسرش و کنیزش را کرایه می‌دهد و به غذای پست که از این راه بدست می‌آید خشنود است.
- ۴۹- سوگندهای دروغ به خداوند بسیار گردد.
- ۵۰- آشکار قمار بازی شود.
- ۵۱- مشروبات الکلی بطور آشکار و بدون مانع خرید و فروش می‌شود.
- ۵۲- زنان مسلمان خود را به کافر می‌بخشند.
- ۵۳- کارهای زشت آشکار شده و هر کس از کنار آن می‌گذرد مانع آن نمی‌شود.
- ۵۴- مردم محترم، توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند، خوار شوند.
- ۵۵- نزدیک‌ترین مردم به فرمانداران آنهایی هستند که به ناسزاگوئی به ما خانواده عصمت ستایش شوند.

- ۵۶- هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده و شهادتش را قبول نمی‌کند.
- ۵۷- در گفتن سخن باطل و دروغ، با همدیگر رقابت کنند.
- ۵۸- شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن سخن باطل برایشان آسان و سهل است.
- ۵۹- همسایه از ترس زبان بد همسایه او را احترام می‌کند.
- ۶۰- حدود الهی تعطیل شود و طبق هوا و هوس عمل گردد.
- ۶۱- مسجد ها طلا کاری شود.
- ۶۲- راستگوترین مردم نزد آنها مفتریان دروغگو است.
- ۶۳- بدکاری آشکار شده و برای سخن چینی کوشش می‌شود.
- ۶۴- ستم و تجاوز شایع شده باشد.
- ۶۵- غیبت، سخن خوش آنها گردد، و بعضی بعضی دیگران را به آن بشارت کنند.
- ۶۶- حج و جهاد برای خداوند نیست.
- ۶۷- سلطان به خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار می‌کند.
- ۶۸- خرابی بیشتر از آبادی است.
- ۶۹- معاش انسان از کم فروشی بدست می‌آید.
- ۷۰- خونریزی امری سهل و آسان گردد.
- ۷۱- نماز را سبک شمارند.
- ۷۲- مرد به خاطر دنیایش ریاست می‌کند.
- ۷۳- انسان ثروت زیادی جمع کرده ولی از آغاز تا آخر زکاتش را نداده است.
- ۷۴- قبر مرده‌ها را بشکافند و به آنها اذیت کنند.

- ۷۵- هرج و مرج بسیار شود.
- ۷۶- مرد روز خود را با مستی به شب می‌رساند و شب خود را نیز به همین منوال به صبح برساند و هیچ اهمیتی به برنامه مردم ندهد.
- ۷۷- با حیوانات آمیزش می‌شود.
- ۷۸- مرد به مسجد می‌رود و وقتی بر می‌گردد لباس در بدن ندارد. (لباسش را دزدیده اند).
- ۷۹- حیوانات همدیگر را بدرند.
- ۸۰- دلهای مردم سخت و دیدگان‌شان خشک و یاد خدا برایشان گران است.
- ۸۱- بر سر کسب‌های حرام آشکارا رقابت کنند.
- ۸۲- نمازخوان برای خودنمایی نماز می‌خواند.
- ۸۳- فقیه برای دین، فقه نمی‌آموزد و طالب حرام، ستایش و احترام می‌گردد.
- ۸۴- مردم در اطراف قدرتمندانند.
- ۸۵- طالب حلال، مذمت و سرزنش می‌شود و طالب حرام ستایش و احترام می‌گردد.
- ۸۶- در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خداوند دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند و هیچ کس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی‌شود.
- ۸۷- آلات موسیقی و لهو در مدینه و مکه آشکار گردد.
- ۸۸- مرد راه حق و آشکار می‌رود و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند ولی مردم او را از این کار نهی کرده و باز می‌دارند.
- ۸۹- مردم به همدیگر نگاه می‌کنند و از مردم بدکار پیروی می‌نمایند.
- ۹۰- راه نیک خالی و راه رونده ندارد.
- ۹۱- مرده را مسخره می‌کنند و کسی برای او اندوهگین نمی‌شود.

- ۹۲- سال به سال بدعت‌ها و بدی‌ها بیشتر شود.
- ۹۳- مردم و جمعیت‌ها جز از سرمایه داران پیروی نکنند.
- ۹۴- به فقیر چیزی دهند که برایش بخندند ولی در راه غیر خدا ترحم نکنند.
- ۹۵- علائم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود.
- ۹۶- مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی بعمل می‌آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی‌کنند.
- ۹۷- انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد.
- ۹۸- عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برایشان قائل نیستند، بلکه نزد فرزند از همه بدترند.
- ۹۹- زن‌ها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود.
- ۱۰۰- پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و مادرش را نفرین و از مرگ او شاد گردد.
- ۱۰۱- اگر روزی بر مردی بگذرد ولی در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم‌فروشی، و کار زشتی انجام نداده باشد، ناراحت است.
- ۱۰۲- قدرتمندان غذای عمومی مردم را احتکار کنند.
- ۱۰۳- اموال حق خویشان پیامبر (ص) (خمس) در راه باطل تقسیم گردد، و با آن قمار بازی و شراب‌خواری شود.
- ۱۰۴- به وسیله شراب، بیمار را مدارا کنند، و برای بهبودی بیمار آن را تجویز نمایند.
- ۱۰۵- مردم در مورد امر به معروف و نهی از منکر و ترک دین بی تفاوت و یکسانند.

- ۱۰۶- سر و صدای منافقان برپاست ولی سر و صدای حق طلبان خاموش است.
- ۱۰۷- برای اذان و نماز مزد می گیرند.
- ۱۰۸- مسجدها پر است از کسانی که از خدا ترسند و غیبت هم نمایند.
- ۱۰۹- شرابخوار مست، پیش نماز مردم شود.
- ۱۱۰- خورندگان اموال یتیمان ستوده شوند.
- ۱۱۱- قاضیان برخلاف دستور خداوند قضاوت کنند.
- ۱۱۲- استانداران از روی طمع، خائنان را امین خود قرار دهند.
- ۱۱۳- فرمانروایان میراث را در اختیار بدکاران از خدا بیخبر قرار دهند.
- ۱۱۴- بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می گویند ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.
- ۱۱۵- صدقه را با وساطت دیگران بدون رضای خدا و به خاطر درخواست مردم بدهند.
- ۱۱۶- وقت نمازها را سبک شمارند.
- ۱۱۷- هم و هدف مردم، شکم و شهوتشان باشد.
- ۱۱۸- دنیا به آنها روی کرده باشد.
- ۱۱۹- نشانه های برجسته حق، ویران شده است.^۱
- اینها علایمی بودند که پیش از ظهور واقع خواهند شد و البته برخی از آنها حتمی و برخی دیگر غیر حتمی می باشند و اما علایمی هست که به آنها علایم متصل و یا علایم مقارن با ظهور می گویند که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:
- ۱- علامت سال ظهور آن است که عدد آن فرد می باشد و علامت روز ظهور آن است که شنبه مصادف با عاشورا خواهد بود.

^۱- برگرفته از کتاب حضرت مهدی فروغ تابان ولایت (به نقل از بما) الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۵۶ به بعد

- ۲- صبح ظهور افراد از زیر بالش خود صحیفه‌ای را می‌یابند که بر آن نوشته شده: «طاعة معروفة».
- ۳- هنگام ظهور، ملکی بر فراز وجود شریف امام زمان (ع) ندا در می‌دهد: این است مهدی خلیفه الله او را تبعیت کنید.
- ۴- عیسی بن مریم از آسمان فرود آمده و پشت سر امام زمان (ع) نماز می‌گذارد.
- ۵- جبرائیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ، حضرت را همراهی می‌کنند و جبرئیل خروش بر می‌آورد: «البیعة لله».
- ۶- همزمان با سال ظهور، مردمان شاهد بیست و چهار نوبت بارش باران و رحمت الهی خواهند بود.



من آن مرغم که در کنج قفس نالان زهجرانم

اگر آزاد گردم می‌روم در کوی جانانم

بود جانان من مهدی که جا در لامکان دارد

که من هر روز و شب از دوری او دیده گریانم

بیا یابن الحسن آزاد کن مرغ اسیرت را

که می‌ترسم ندیده روی تو بر لب رست جانم

به امید وصال روز و شب یابن الحسن گویم

من از هجر تو بیمارم بود وصل تو درمانم

خدایا این جدایی را مبدل بر وصالش کن

که از عشق رخس شب تا سحر چون شمع سوزانم

برخاستن به هنگام ذکر اسم شریف و یا القاب امام زمان (ع)

در روایات اسلامی وارد شده است که هرگاه نام امام زمان (ع) مخصوصاً لقب «قائم» برده شود، از جا برخیزید. چنان که پیا برخاستن هنگام یاد شدن نام و یا القاب خاصه امام عصر (عج) خود سیره و شیوه ائمه اطهار (ع) بوده است و شیعیان نیز به تبعیت از آنان و جهت احترام باید برخیزند و اگر کسی در مجلسی که اسم حضرت و یا لقب شریف آن بزرگوار برده می‌شود و آنگاه همه مردم و اهل مجلس به احترام آن پیا خیزند و اگر در این حال کسی از اهل مجلس بدون هیچ عذر و بهانه‌ای از جای برنخیزد، این عمل او توهین و هتک حرمت آن حضرت خواهد بود که تردیدی در حرام بودن آن نیست، زیرا توهین خداوند عزشأنه می‌باشد.^۱

لذا همانطوری که گفته شد این عمل جزو سیره عملی ائمه اطهار (ع) بوده است که آنان نیز هنگام ذکر شدن نام آن بزرگوار و یا القاب شریفه ایشان از جا بلند می‌شدند. به عنوان نمونه روزی حضرت صاحب الزمان (عج) در مجلس امام

^۱ - مکالمات المکارم، جلد ۲، صفحه ۲۴۵

جعفر صادق (ع) یاد شد، پس امام صادق (ع) به خاطر تعظیم و احترام اسم آن بزرگوار بپا ایستادند.

روایت شده است که دعبل خزاعی (شاعر معروف ائمه) وقتی این دو بیت معروف را برای امام رضا (ع) خواند:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مُحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ

حضرت رضا (ع) از جای خود بلند شده و بر روی پاهای مبارک خود ایستادند و سر نازنین و مبارک خویش را به سوی زمین خم نموده، پس از آن کف دست راست خود را بر سر مبارک خویش گذاشته بود، فرمودند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»^۱

فلسفه این کار را برخی اینگونه بیان کرده‌اند که، هر کس در هر جایی از کره زمین نام مبارک و یا لقب شریف امام زمان (ع) را ببرد، در این موقع آقا ولیعصر (عج) همزمان متوجه شده و به آن مکان و آن شخص توجه می‌فرمایند، لذا بجاست که هنگام نظر لطف امام (ع) این شخص ایستاده باشد. شاید این ایستادن به این معناست که این شیعه و شیفته امام زمان (ع) می‌خواهد، با ایستادن به هنگام ذکر نام و یا القاب ایشان به حضرت بگوید که ما شیعیان آماده قیام هستیم، ولی عمدتاً این حرکت برای احترام به امام مهدی (عج) می‌باشد. این کار در بین تمام شیعیان و منتظران ماقبل نیز معمول بوده و هست. امام جعفر صادق (ع) در مورد قیام به هنگام ذکر نام امام زمان (ع) و فلسفه این عمل چنین می‌فرمایند:

«صاحب الامر (عج) غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هر کس وی را به لقب قائم که مشعر است، به دولت او و اظهار

^۱ - منتهی الآمال شیخ عباس قمی، باب چهاردهم، صفحه ۱۳۳۱

تأثیری از غربت او یاد کند، آن جناب هم نظر لطفی به او خواهد نمود، چون در این حال مورد توجه و عنایت امام زمان (ع) قرار می‌گیرد، سزاوار است از باب احترام به آن عزیز بپا خیزد و تعجیل فرج او را از خداوند متعال بخواهد.^۱

آیت الله سید محمود طالقانی (ره) می‌گوید: این احترام و بلند شدن و دستور قیام شاید (فقط) برای احترام نباشد و گرنه برای خداوند متعال و رسول اکرم (ص) و اولیای مکرم دیگر هم به جهت احترام قیام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم نمودن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن برای پشتیبانی این حقیقت است...

این همه فشار و مصیبت از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی تا جنگهای صلیبی و حمله‌های مغول و تعدیهای دولت‌های استعماری، بر سر هر ملتی وارد می‌آمد، خاکسترش هم به باد فنا رفته بود. لکن دینی که پیشوایان آن دستور می‌دهند که چون اسم صریح قائم مؤسس دولت حقه اسلام، برده می‌شود، بپا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد.^۲

کسی که به هنگام نام بردن از امام مهدی (عج) دستش را روی سرش می‌گذارد، با این عمل خود می‌خواهد بیان کند که ای مولای من! مهدی جان! بیا من تسلیمم!

کسی که می‌خواهد تسلیم شود، دستش را روی سر می‌گذارد. از طرفی دیگر عرب وقتی به اضطرار می‌رسد، همه چاره‌ها بریده می‌شود و راه چاره ندارد، دستش را روی سرش می‌گذارد. (مانند زینب کبری (س) که هنگام دیدن شمر

^۱ - سیمای آفتاب، صفحه ۱۷۶

^۲ - فورشید مغرب، ممدرضا حکیمی، صفحه ۲۶۴

ملعون بر سینه‌ی برادرش امام حسین (ع) دستش را بر روی سر گذاشتند. یعنی همه امیدها و چاره‌های من بریده و نابود شد.) اینجا هم همینطور وقتی نام امام عصر (عج) برده می‌شود، شیعه منتظر از جای بر می‌خیزد و با این عمل خویش اعلام می‌دارد که ای صاحب العصر (ع) به داد و فریاد ما هم برس که ما نیز مضطربیم و جز تو کسی را نداریم.



فصل کبود خنده ما را مرور کن	ای بهترین دلیل تبسم، ظهور کن
از کوچه‌های بی کسی ما عبور کن	چرخ بزن به سمت نگاه غریب ما
ما را به حق آینه‌ها، خیس نور کن	ما زایر تبسم بارانی تویم
از ذهن ما، سوال درخشان، خطور کن	ای راز سر به مهر اهورایی و شگفت
در ناگهان جلوه خود، غرق شور کن	ما را به التهاب معمای خود ببر
ما را به راه سیر و سلوکت عبور کن	ما را ببر به خلوت کشف و شهود خوی
یا جلوه کن و یا دل ما را صبور کن	ما بی شکیب نور تو را آه می کشیم
ما را برای چیدن ظلمت جسور کن	روح زمین کبود شب و دشنه است ظلم
ان جهان، عدالت روشن، ظهور	ای آخرین تبسم نور محمدی (ص)

کن^۱

۱- شعر از رضا اسماعیلی می باشد.

پرهیز از بردن نام امام زمان (ع)

یکی از وظایف و تکالیف مهم شیعیان و منتظران امام زمان (عج) در دوران غیبت، پرهیز از بردن نام حضرت در بین مردم می باشد و آن حضرت را با القاب شریفش یاد نمودن است. زیرا چنان که مشهور بین جمعی از محدثان و راویان آن است که تکلم به نام اصلی امام عصر (عج) حرام بوده و جزو گناهان کبیره به حساب می آید. لذا لازم است که امام زمان (ع) را با القاب شریفش یاد کنیم و از ذکر اسم معهود خودداری نماییم که با این عمل از شبهه مخالفت با دستور شرع خلاص می شویم که این خود نوعی احترام و تعظیم در مقابل امام عصر (عج) می باشد. در قسمتی از روایات رسیده از ائمه معصومین (ع) نیز به این قاعده اشاره شده است که در آن به خودداری نمودن بشر از بردن اسم امام زمان (ع) سفارش و بدان تاکید و شدیداً از این کار نهی شده است که این خود اهمیت آن را به خوبی روشن می کند که در اینجا برای جا افتادن مطلب به چندین مورد از فرمایشات ایشان در این زمینه اشاره می کنیم:

۱- علی بن رثاب از امام جعفر صادق (ع) روایت می کند که حضرت فرمودند:

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ إِلَّا كَافِرًا؛

صاحب این امر مردی است که جز کافر نام او را نمی‌برد.^۱

۲- جابر بن یزید گوید: از امام محمدباقر (ع) شنیدم که فرمودند:

«عمر از امیرالمؤمنین علی (ع) درباره نام حضرت مهدی (عج) سؤال کرد و گفت: ای فرزند ابوطالب، مرا از نام مهدی (عج) خبر بده و بگو نام او چیست؟ حضرت فرمودند:

«اما اسمش را نمی‌گویم، زیرا حبیب خدا و خلیل من سفارش کرده است که نام او را بازگو نکنم، تا خدای تعالی او را مبعوث کند و آن از چیزهایی است که خداوند متعال علم آن را نزد رسولش به ودیعه نهاده است.»^۲

۳- صفوان بن مهران نقل می‌کند که شخصی از امام جعفر صادق (ع) پرسید:

مهدی (عج) که از فرزندان توست، کیست؟ امام صادق (ع) فرمودند: «**الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ**؛

مهدی (عج) پنجمین امام از فرزندان امام هفتم است. وجود مقدسش از شما پنهان می‌شود و برای شما بردن نام او جایز نیست.»^۳

۴- امام صادق (ع) در شماره امامان فرمود: «آنان دوازده تن از آل محمد (ص)

می‌باشند. علی، حسن، حسین، علی بن حسین، و محمدبن علی، و هر کس که خدا خواسته.

راوی عرض کرد: فدایت شوم، همانا من از تو سوال می‌کنم تا به حق مرا فتوا دهی.

^۱- اکمال الدین، جلد ۲، باب ۵۶، صفحه ۵۵۲

^۲- اکمال الدین، جلد ۲، باب ۵۶، صفحه ۱۷۵

^۳- اکمال الدین، جلد ۲، باب ۳۳، صفحه ۳۳۳

امام صادق (ع) فرمودند: من و این پسر (به فرزندش امام موسی کاظم (ع) اشاره نمود) و پنجمین از فرزندان او، شخص او غایب می گردد و یاد کردن او با اسمش روا نباشد.^۱

۵- در توقیعی از امام زمان (ع) در مورد بردن نام مبارک ایشان چنین آمده است:

« مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ؛

ملعون است، ملعون است کسی که نام مرا در میان اجتماعی از مردم ببرد.^۲

و باز چنین آمده است: « مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛

هر کس که نام مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت و غضب خداوند می باشد.^۳

۶- حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) از امام محمد تقی (ع) نقل می کند که درباره

قائم (عج) فرمودند: « يُخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلاَدَتِهِ وَ يُغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصَهُ وَ تَحْرِمُ تَسْمِيَّتَهُ وَ هُوَ سَمِي رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْيَتَهُ؛

تولد آن حضرت بر مردم مخفی است، وجود او از انظار آنان پنهان است و بر آنان بردن نام او حرام می باشد، او همانم و هم کنیه رسول اکرم (ص) می باشد.»

۷- ریان بن صلت گوید: « سِئَلُ الرِّضَا (ع) عَنِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ:

لَا يُرَى جِسْمُهُ، وَ لَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ؛

از امام رضا (ع) درباره قائم (عج) پرسیدند، امام فرمودند: پیکرش دیده نمی گردد و نامش برده نمی شود.^۴

^۱ - مکيال المكارم، جلد ۲، صفحه ۱۷۵

^۲ - حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، صفحه ۱۵۹

^۳ - همان

^۴ - اکمال الدین، جلد ۲، صفحه ۵۵۳

۸- ابوهاشم جعفری گوید: از امام هادی (ع) شنیدم که فرمودند:

«الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟

قُلْتُ: وَلِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟

قَالَ: لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ.

قُلْتُ: فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟

فَقَالَ: قُولُوا: الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَلَامُهُ؛

جانشین پس از من فرزندم حسن است و با جانشین او چگونه اید؟

گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟

فرمود: زیرا شخصی او را نمی بیند و یاد کردنش به نام و اسم روا نباشد.

عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟

امام هادی (ع) فرمودند: بگویید الحجة من آل محمد سلام و درود خداوند بر او

باد.^۱

۹- امام هادی در باره امام زمان (ع) می فرمایند: «لَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِ حَتَّى

يَخْرُجَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

یاد کردن حضرت قائم (عج) بنام جایز نیست تا وقتی که نهضت کند و زمین را

همانگونه که پراز ظلم و ستم شده است، پراز عدل و داد نماید.^۲

۱۰- شخصی از محمد بن عثمان (ره) پرسید: آیا جانشین حضرت امام حسن

عسکری (ع) را دیده‌ای؟

گفت: آری، به خدا سوگند، تا اینکه پرسید: اسمش چیست؟

۱- اكمال الدين، جلد ۳، صفحه ۵۵۳

۲- حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، صفحه ۱۱۲

در پاسخ چنین گفت: «فَالِاسْمُ مَحْرَمٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُحْلِلَ وَلَا أُحْرِمَ وَ لَكِنْ عَنْهُ (ع) فَإِنَّ الْأَمْرَ عِنْدَ السُّلْطَانِ أَبِي مُحَمَّدٍ مَضَى وَ لَمْ يَخْلُفْ وَ لَدَا (إِلَى أَنْ قَالَ) وَ إِذَا وَقَعَ الْإِسْمَ وَقَعَ الطَّلَبُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَامْسِكُوا عَنْ ذَلِكَ؛

اما در مورد نام بردن از حضرت مهدی (عج)، پرسش کردن از آن برای شما حرام است، این را از پیش خود نمی‌گوییم، برای من روا نیست که پیش خود چیز حلال را حرام و یا حرام را حلال کنم. ولی حکم امام را گفتم، زیرا زمامدار وقت چنین تصور می‌کند حضرت امام حسن عسکری (ع) از دنیا رفت و فرزندی بجا نگذاشت تا این که گفت: هرگاه نام حضرت مهدی (عج) برده شود، نتیجه‌اش طلب کردن (دشمنان) از اوست، پرهیزید از خدا و از این مطلب دم فرو بندید.^۱

۱۱- امام محمدباقر (ع) در پاسخ ابو خالد کابلی گفت: می‌خواهم نام حضرت را برایم بگویی تا او را بنام بشناسم، فرمود:

«ای ابو خالد به خدا سوگند، از من سوال ناراحت کننده‌ای می‌پرسی، از موضوعی می‌پرسی که به کسی از آن خبر نداده‌ام تا به تو خبر بدهم، از مطالبی سوال می‌کنی که اگر فرزندان حضرت فاطمه (س) او را می‌شناختند، حرص آن داشتند که او را (حضرت مهدی (عج)) را قطعه قطعه کنند.^۲»

۱۲- از امام محمدباقر (ع) در ضمن حدیثی آمده است:

«وَ اشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ لَا يُسْمَى وَ لَا يُكْنَى حَتَّى يُظْهَرَ أَمْرُهُ فِيمَا هَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا إِنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ؛

^۱ - حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، صفحه ۱۱۲

^۲ - همان (حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، صفحه ۱۱۲)

گواهی می‌دهم به آمدن مردی از فرزندان امام حسن عسکری (ع) که نام و کنیه‌اش برده نمی‌شود با قیامش ظاهر گردد، زمین را همانگونه که پر از جور شده پر از عدل و داد می‌کند، اوست که به امر جانشینی از امام حسن عسکری (ع) می‌پردازد.^۱

البته لازم به ذکر است که اگر علت ممنوع دانستن بردن نام امام زمان (ع) این است که برای حفظ و سلامت امام (ع) چنین دستوری داده شده است. و اگر فلسفه این دستور این چنین بدانیم، معلوم می‌شود که امروزه این تقیّه و ترس معنا ندارد، چرا که کسی به امام زمان (ع) دسترسی ندارد و این حکم مخصوص دوران غیبت صغری بوده است چنان که در آن زمان حکام بنی‌عباسی در صدد دستگیری امام زمان (ع) بودند، برای همین منظور توصیه شده بود که از بردن نام آن بزرگوار خودداری گردد و برای یاد نمودن آن حضرت از القاب شریف ایشان استفاده شود. این امر جهت پنهان ماندن ایشان و عدم شناخت امام (ع) از سوی دشمنان بوده است. ولی امروزه هیچ احدی از مکان امام زمان (ع) خبری ندارد و اگر به القاب نیز خوانده شود مقصود و هدف معلوم است، لذا ممنوعیت و حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به خوف و ترس رسیدن ضرر به خود آن حضرت و یا طبق میزانهای معتبری که در تقیّه گذاشته شده دارد و در غیر مورد تقیّه جایز بوده و هیچ اشکالی ندارد.

علمای ما نیز در حکم بردن نام مخصوص امام زمان (ع) اختلاف نظر داشته‌اند. و برخی معتقدند بر این که این حکم (پرهیز از بردن نام امام زمان) مخصوص دوران غیبت صغری و ماقبل بوده است و شامل دوران غیبت کبری (زمان حال) نمی‌شود و برخی دیگر معتقدند که در این زمان هم باید از بردن اسم امام زمان (عج) پرهیز

^۱ - وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۴۸۶، حدیث ۳

کرد و او را با القاب شریفش خواند که در اینجا به توضیح بیشتر این مورد از کتاب مکیال المکارم می پردازیم:

۱- برخی از علما بردن نام مبارک حضرت را جایز شمرده اند مگر در حال تقیّه، مانند: علامه بزرگوار شیخ حرّ عاملی (ره) که صاحب کتاب وسائل الشیعه می باشد و در باب ۳۳ از ابواب امر به معروف بدین مطلب اشاره دارد.

۲- بعضی از علما بردن نام حضرت مهدی (عج) را حرام شمرده اند، مگر در دعاهای رسیده از معصومین (ع)، مانند: اسماعیل بن احمد عقیلی طبرسی که در کتاب کفایة الموحّدین آورده است.

۳- برخی از علما بردن نام حضرت را جایز ولی در عین حال مکروه دانسته اند که از این دسته می توان به شیخ محقق انصاری (ره) اشاره نمود.

۴- عده ای حرام بودن را به نام بردن در محافل و مجامع اختصاص داده اند و نه در موارد دیگر. مانند: سید محقق داماد و دانشمند متفق نوری (ره).

۵- بعضی دیگر حرمت را به زمان غیبت صغری اختصاص داده اند.

لذا همانطوری که گذشت بردن نام شریف حضرت مهدی (عج) در زمانی که تقیّه و ترس از جان آن بزرگوار نباشد، جایز است و اشکال ندارد. چنان که عالم بزرگ تشیع علی بن عیسی اربلی صاحب کشف الغمه نیز به این فتوا داده است و چنین گفته:

فتوای من این است که منع تلفظ نام مهدی (عج) از روی تقیّه بوده است. ولی اکنون هیچ اشکالی ندارد. (والله اعلم)

شایسته تر و بهتر آن است که در مجالس و مجامع نیز آن حضرت را با القاب شریفش یاد کنیم و از ذکر اسم معهود خودداری کرده و راه احتیاط را در پیش گیریم. تا از شبهه مخالفت با دستور شرع خلاص شویم و این خود نوعی احترام و

تعظیم امام زمان (ع) است و این روش در سخنان امامان معصوم (ع) و پیروانشان معمول بوده و هست.

به خاصه ابعاد مختلف شخصیت امام عصر (عج) از ایشان با اسامی و القاب زیادی یاد شده است به عنوان نمونه: مرحوم میرزا حسن طبرسی (ره) در کتاب نجم الثاقب در احوالات امام عصر (عج) حدود یکصد و هشتاد و دو نام و لقب برای آن بزرگوار ذکر کرده است. و در کتاب نامنامه حضرت مهدی (عج) به حدود سیصد و ده اسم و لقب از نام و القاب حضرت اشاره شده است که این اسامی و القاب ریشه در تعبیری دارند که در روایات و دعاها و زیارات از آن بزرگوار، با آن نامها و القاب شریف یاد شده است.

لذا خوب است که ما در هنگام بردن نام حضرت از این القاب و اسماء استفاده نماییم و از بردن نام معهود ایشان احتیاطاً خودداری کنیم. در اینجا جهت آشنایی هر چه بیشتر به چند مورد از القاب و عناوین حضرت صاحب الامر (عج) می پردازیم:

آشنائی با القاب و عناوین حضرت ولیعصر (عج)

الف) مهدی:

امام صادق (ع) فرمودند: «به آن حضرت مهدی گفته اند، چون او مردم را به امری که گم کرده اند، هدایت می کند.»

امام محمدباقر (ع) می فرمایند: «قائم آل محمد (ص) را به این خاطر مهدی می نامند که او مردم را به آن دسته از اموری که برایشان پوشیده است، هدایت خواهد

نمود. وی تورات اصلی و سایر کتابهای انبیا گذشته را از یک مخفیگاه خارج خواهد ساخت.^۱»

ب) قائم:

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «به آن حضرت قائم و قیام کننده می‌گویند، چون او پس از به فراموش سپرده شدن توسط مردم قیام خواهد کرد.^۲»

امام رضا (ع) در تبیین علت این نامگذاری می‌فرمایند: «چون او قیام به حق خواهد کرد.^۳»

امام محمد تقی (ع) در باره علت نامیدن حضرت به این نام چنین می‌فرمایند: «برای اینکه او اصل امامت را بعد از فراموش شدن و روی گردان شدن مردم از آن دوباره مطرح خواهد ساخت.^۴»

ج) منتظر:

«از امام جواد (ع) روایت شده که او را منتظر می‌نامند چون برای وی دوران غیبت بسیار طولانی خواهد بود، مخلصان امت علیرغم طولانی شدن این دوره، ظهور او را انتظار خواهند کشید ولی شک کنندگان دچار تردید خواهند شد و او را انکار می‌کنند.^۵»

جعفر بن ابی دلف گفته است: شنیدم حضرت امام رضا (ع) می‌فرمود: «بعد از حسن (ع) پسرش آن که قائم به حق و مورد انتظار است می‌باشد.

^۱ - بحارالانوار، جلد ۵۱، صفحه ۲۹

^۲ - بحارالانوار، جلد ۵۱، صفحه ۳۰

^۳ - الارشاد شیخ مفید(ره)، صفحه ۲۵۳

^۴ - بحارالانوار، جلد ۵۱، صفحه ۳۰

^۵ - اکمال الدین، جلد ۲، صفحه ۳۷۸

گفتم: ای فرزند رسول خدا (ص) چرا منتظر نامیده می‌شو د؟

حضرت فرمودند: زیرا او را غیبتی است که روزهای بسیار و مدتی طولانی دارد، پس مخلصان منتظر خروجش باشند و اهل تردید انکارش کنند، و جاهلان یاد او را به استهزاء گیرند و وقت گذاران در آن دروغگو شوند و عجله کنندگان در آن هلاک گردند و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند.»

(د) حجت الله:

در دسته‌ای از روایات و دعاها امام عصر (عج) را حجت یا حجة الله نامیده‌اند. در علت این نامگذاری نظرات مختلفی است از جمله گفته‌اند چون خداوند تبارک و تعالی به وسیله آن حضرت بر بندگانش اتمام حجت می‌کند و به تمام سؤالات و شبهات آنها پاسخ می‌دهد به گونه‌ای که هیچ بهانه‌ای برای کسی در سرپیچی از حق باقی نخواهد ماند.^۱

و برخی دیگر نیز گفته‌اند: امام زمان (ع) حجت الله است به این معنی که حکومت الهی بر تمام خلایق بوسیله آن حضرت تحقق خواهد یافت.^۲

(چ) صاحب الامر:

امام مهدی (عج) را صاحب الامر می‌نامند، چرا که آن حضرت رهبر و پیشوایی است که خداوند تبارک و تعالی اطاعت و پیروی از ایشان را برای همه بندگان خویش واجب و لازم دانسته است. از جمله آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و پیامبرش و صاحبان امر اطاعت کنید.»^۳

^۱ - امام مهدی از ولادت تا ظهور، صفحه ۶۰

^۲ - منتهی الآمال، جلد ۲، صفحه ۲۸۶

^۳ - قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹

آنگاه در روایت معتبری که در تفسیر این آیه وارد شده است مراد از اولی الامر امامان معصوم (ع) و خاندان پیامبر اکرم (ص) می باشد که اولین فرد از آنها علی بن ابیطالب (ع) و آخرین نفرشان حجة بن الحسن العسکری (ع) است.^۱

(و) خلف صالح:

امام صادق (ع) می فرمایند: «خلف صالح از فرزندان من است، مهدی این امت اوست، اسمش «م ح م د» و کنیه اش ابولقاسم است که در آخر الزمان قیام خواهد کرد.»

در حدیث لوح حضرت صدیقه طاهره (س) در این باره آمده است: «آنگاه پس از امام عسکری (ع) این سلسله (امامت) را با پسر و خلف او کامل می کنم، او که رحمت برای جهانیان است، برای اوست کمال صفوت آدم و رفعت ادریس و سکینه نوح و حلم ابراهیم و شدت و صلابت موسی و بها عیسی و صبر ایوب و...^۲»

(ز) بقیه الله:

در علت نامیده شدن آن حضرت به این لقب نقل شده است که چون آن حضرت قیام کنند به کعبه تکیه نموده و اولین آیه ای که به زبان مبارک خویش جاری خواهند ساخت این است که: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر مؤمن باشید بقیه الله برای شما بهتر از هر چیز دیگر است.^۳»

^۱ - امام مهدی از ولادت تا ظهور، صفحه ۵۹

^۲ - نجم الثاقب میرزا محمد حسن طبرسی نوری (ره)، صفحه ۷۱

^۳ - قرآن کریم، سوره هود، آیه ۸۶

آنگاه خواهند فرمود: « منم بقیة الله و حجت الهی و خلیفه او برای شما و از این به بعد هر کس که به آن حضرت سلام نماید از عبارت «السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه^۱» استفاده می کند.

این تعبیر یک لغت جامع و کاملی است که بیان کننده شخصیت و عظمت حضرت است چرا که آن حضرت وارث آدم و یادگار کسی است که مورد سجده ملائکه واقع شد و همه موجودات برابر او سر تسلیم فرود آورده و تقدیش نمودند.

(ح) منتقم:

از جمله القاب حضرت مهدی (عج) المنتقم است. درباره علت نامیده شدن آن حضرت به این لقب بیان شده است که حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند:

«از جمله اوصاف مهدی آل محمد (ص) این است که از ستمگران انتقام مظلومان را خواهد گرفت»

علاوه بر این خود حضرت به احمد بن اسحاق نوشتند:

« من از دشمنان خداوند انتقام خواهم گرفت.^۲ » به جهت وجود اینگونه از روایات یکی از القابی که با آن حضرت مهدی (عج) در بین مردم شناخته شد، المنتقم می باشد.

(ط) وارث:

در بعضی از دعاها و تعابیر موجود زبان ائمه (ع) از حضرت مهدی (عج) با عنوان وارث یاد شده است. از جمله در خطبه غدیر پیامبر اکرم (ص) می فرمایند:

^۱ - منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۸۶

^۲ - نجم الثاقب میرزا محمد حسن طبرسی نوری (ه)، صفحه ۱۰۶

«آن حضرت وارث علوم و کمالات و مقامات و منزلت‌های تمام انبیاء و اوصیاء و پدران بزرگوارش خواهد بود، به عبارت دیگر همه آن چه را که انبیاء و اوصیاء داشته‌اند، او یکجا خواهد داشت.^۱»

ظ) موعود:

یکی از مشهورترین اسامی آن حضرت که تقریباً در تمام ادیان آسمانی به آن معروف است «موعود» است. امام سجاد(ع) در تفسیر آیه «وَمَا تُوعَدُونَ»، علت این نامگذاری را چنین بیان می‌کنند:

«مقصود قیام قائم آل محمد (ص) است که وعده ظهور او به همه پیامبران و امت‌های گذشته داده شده است. لذا در زیارت آن حضرت آمده است: سلام بر آن مهدی که خداوند وعده داده است که بوسیله او بین همه مردم وحدت و یکپارچگی ایجاد کند.^۲»

ک) خاتم الاوصیاء:

از دیگر القاب حضرت مهدی (عج) خاتم الاوصیاء است زیرا آن حضرت وصی پیامبر اکرم (ص) و آخرین امام معصوم هستند که پس از ظهور خود نظام عدل اسلامی را در سرتاسر عالم حاکمیت خواهند بخشید، بعلاوه یکی از خدمتگذاران امام حسن عسکری(ع) می‌گوید: من کنار گهواره‌ی امام زمان (ع) قرار گرفتم. جلو رفتم تا چهره‌ی زیبای آن حضرت را تماشا کنم. حضرت از درون گهواره از من پرسیدند: من کیستم؟

عرض کردم: شما مهدی، فرزند امام حسن عسکری (ع) هستید.

حضرت حجت (ع) فرمودند: من این را اراده نکرده بودم. این را همه میدانند!

^۱ - نهم الثاقب میرزا محمد حسن طبرسی نوری(ره)، صفحه ۱۲۵

^۲ - همان (نهم الثاقب میرزا محمد حسن طبرسی نوری(ره)، صفحه ۱۱۰)

گفتم: آقا جان! من بیش از این بلد نیستم. حضرت ولیعصر (عج) خودشان را با این تعابیر به من معرفی کردند: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءُ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي؛

من زینت بخش و پایان دهنده‌ی جانشینان رسولان هستم. خداوند به برکت و وجود من، بلا و گرفتاری را از خویشان، و دوستان و شیعیانم، دور و برطرف می‌کند.^۱

داعی:

در یکی از زیارات با تعبیر «داعی‌الله» از امام زمان (ع) یاد شده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ» و در علت این نامگذاری نقل شده است که آن حضرت از جانب خداوند متعال مأموریت دارند تا مردم را به سوی پروردگارشان فرا خوانند و در این راه به اندازه‌ای تلاش خواهند کرد، تا آیین الهی در سرتاسر جهان حاکمیت پیدا کند، و جز دین خدا هیچ مکتب و تفکری ادعای جهان داری و راهنمایی بشر را نداشته باشد.^۲

(م) نور آل محمد (ص):

نور آل محمد از لقب‌های امام زمان (ع) است که ریشه قرآنی دارد. توضیح این که هر چند نام امام زمان (ع) در قرآن کریم ذکر نشده است، ولی در روایات مربوطه به تفسیر آیات، در موارد متعدد برخی از آیات به اعمال و ویژگی‌های آن بزرگوار تفسیر و تاویل یا تطبیق شده است. به عنوان مثال آیاتی چون: «وَاللَّهُ مِتِّمٌ نُورِهِ» (خدا نور خودش را کامل خواهد ساخت)، یا «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ

^۱ - نهم الثاقب میرزا محمد مسن طبرسی نوری (ه)، صفحه ۶۹

^۲ - نهم الثاقب میرزا محمد مسن طبرسی نوری (ه)، صفحه ۷۳ و ۷۴

رَبُّهَا» (زمین به نور پروردگارش روشن می گردد.) و «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» (خداوند هر کس را که بخواهد با نور خودش هدایت می کند.) به ولایت حضرت قائم (عج) و ظهور و ارشادات آن حضرت تاویل و تفسیر شده است.

ن) مأمول:

مأمول یعنی آرزو شده و کسی که مردم به او امید بسته‌اند و چشم انتظار اویند. این تعبیر از جمله لقب‌های حضرت مهدی (عج) است. همه مردم دنیا چشم انتظار قیام آن منجی بزرگ هستند تا با ظهور خویش ستم و تبعیض و تعدی را از سرتاسر جهان برطرف ساخته، دنیا را پر از عدل و داد سازد. لقب مأمول به این حقیقت اشاره دارد که چون همه آرزوی ظهور آن حضرت را دارند به او مأمول می‌گویند. در قسمتی از زیارت گرانقدر سلام آل یاسین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ...»
سلام بر تو ای امام امین. درود بر تو ای مقدم بر همه عالم که تمام مخلوقات در آرزوی تو به سر می‌برند.^۱

ف) اباصالح:

یکی از القاب امام زمان (ع) اباصالح می‌باشد. اما چرا ما حضرت را با این نام می‌خوانیم. لازم بذکر است که این اسم نیز مثل سایر اسامی دیگر در دعاها ذکر شده است. برخی شاید پرسند: آیا ایشان فرزندی بنام صالح دارند که او را اباصالح می‌خوانیم و یا علت و سبب دیگری دارد که ما نمی‌دانیم.

^۱ - مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، صفحه ۸۶۴

کلمه اب در لغت عرب به معنای پدر آمده است. بدین جهت برخی از مردم تصور می کنند که عبارت اباصالح در حالت ترکیبی باید به معنای پدر صالح باشد تا معنا و مفهوم جمله درست شود.

برای رفع این شبهه برخی از مؤمنین هم در جواب برآمده و چنین اظهار داشته اند که چون امام زمان (ع) با تشکیل زندگی خانوادگی، فرزندى بنام صالح دارند، بدین جهت او را با کنیه اباصالح می خوانیم.

اما به نظر می رسد که این گونه جواب ها از حقیقت حال و واقعیت آنچه هست پرده بر نمی دارد، چون راهی برای درک چگونگی زندگی امام زمان (ع) و پی بردن به این موضوع که آیا حضرت به طور یقین فرزندى دارند به نام صالح، تا او را با کنیه ابا صالح بخوانیم، وجود ندارد. زیرا آنچه از منابع معتبر بر می آید این است که کیفیت زندگی مسکن و ماوای آن حضرت همانند خود ایشان برای ما مستور و پنهان است و به همین اساس می گوئیم که جواب یاد شده توجیه مطلوب و دلپسندی برای این سوال به نظر نمی آید.

جهت روشن شدن به این نکته توجه می کنیم که القاب و صفات و کنیه هایی که برای پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت آن حضرت در روایات و دعاها بکار رفته است هر کدام معنی و مورد خاصی دارند، به عنوان نمونه: کلمه امین که یکی از القاب معروف حضرت رسول (ص) می باشد به طور یقین به خاطر کمال امانتداری و امین اسرار و امین اموال مردم بودن به آن حضرت گفته شده است. هدف از به کار بردن کنیه أب و ام برای افراد، اثبات پدر یا مادر بودن آن اشخاص است نسبت به مضاف الیه شان، مانند ابوالحسن (پدر حسن)، ام داود (مادر داود)، ابوجعفر (پدر جعفر) لکن از نظر لغت عرب اینطور نیست که کلمات یاد شده (أب و ام) همیشه به معنای پدر و مادر باشد، بلکه گاهی به معنای صاحب و مالک و

کنه و اساس شیء می باشد، مانند: ابوالفضل، ابوتراب، ام القری، ام الفساد، و امثال آن که به طور یقین هیچ کدام به معنای پدر و مادر به کار نرفته است. به عنوان نمونه حضرت ابوالفضل پسری به نام فضل نداشته است که آن حضرت را ابوالفضل (پدر فضل) بخوانند. و یا امام علی (ع) پسری به نام تراب نداشته است که آن حضرت را پدر تراب بخوانیم و همچنین است کلمه ام القری که کنیه معروف شهر مکه است، چرا که شهر مکه فرزندی نداشته است که مادر آن باشد. لذا با در نظر گرفتن موارد و مطالب گذشته معلوم می گردد که در برخی موارد کلمات یاد شده (أب و ام) معنای دیگری دارند که غفلت بعضی از مردم از آنها سبب شده که سوال و جواب های بی شماری را به دنبال داشته باشد. مثلاً کلمه ام علاوه بر معنای ظاهری مادر در معنای کنه و اساس شیء هم استعمال شده است مانند: ام القری به معنای اساس و مرکز شهرها و سرزمین ها و جمله دوم (ام الفساد) هم به معنای ریشه و اساس فساد و تباهی می باشد. همچنین کلمه اب نیز این طور نیست که در همه جا به معنی پدر به کار رفته باشد، بلکه در برخی از موارد معنا و مفهوم دیگری دارد.

چه موقع امام زمان (ع) را ابالصالح بخوانیم؟

شکی نیست که وقتی با خداوند متعال مناجات می کنیم و نیازها و احتیاجات خود را به محضر مقدسش عرضه می داریم همسو و متناسب با نیازمان نامها و صفات مقدس او را بر زبان می آوریم. مثلاً در مقام طلب مغفرت ازساحت مقدس خداوند متعال او را یا غفار و در مقام طلب نمودن روزی حلال و فراوان با کلمه یا رزاق و در مقام درخواست ثبات قدم و استوار و پایدار ماندن در راه حق او را با جمله یا مقلب القلوب و الابصار و امثال آن می خوانیم. بنابراین برای اجابت دعا و قبولی

مناجات با خداوند متعال، راه و رمز و اوقات و ساعات خاصی وجود دارد که پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) آنها را در میان احادیث و روایات معتبر به ما تعلیم نموده اند. به گونه‌ای که حتی دعای صبح و شام و دعای اول و آخر هفته و ماه و سال و چند و چون آن را هم یاد داده‌اند. اما کنیه اباصالح را در کجا و چه وقت باید خواند.

از امام محمد باقر (ع) و همچنین امام جعفر صادق (ع) روایت کرده اند که فرموده‌اند:

«إِذَا ضَلَّكَ فِي الطَّرِيقِ فَنَادِ يَا «صَالِحٍ» وَ «يَا أَبَاصَالِحٍ» ارشَدْنَا إِلَى الطَّرِيقِ رَحِمَكُمُ اللَّهُ؛

اگر در دشت و صحرا از جاده منحرف شده و راه را گم کردید پس اباصالح و یا صالح را صدا کن و بگو: ای صالح و یا ای ابا صالح ما را دریابید و راه را بر ما نشان دهید، خداوند شما را رحمت می‌کند.»

بر روی همین اساس است که علمای ربانی و مؤمنین پیرو اهل بیت (ع) در جلسات و اجتماعات معنوی و پرشورشان، آن هم نه فقط در حال گم شدن در دشت و صحرا، بلکه در همه گمراهی‌های فکری و عملی و علمی و نابسامانی‌های مادی و معنوی در غیبت کبری، امام زمان را با کنیه اباصالح به کمک و یاری و استمداد می‌طلبند. و علت این که چرا در این مواقع (گم شدن در صحرا از عبارت‌های) به جای گفتن یا الله و مانند آن به گفتن یا صاحب الزمان و یا اباصالح المهدی ادرکنی سفارش شده است، در حالی که خداوند مهربان‌تر و نیرومندتر از امام زمان (ع) است؟ این است که چون امام زمان (ع) خلیفه الله و حجت خداوند متعال در میان مردم و راهنمای ایشان است بدین جهت در مقام گم کردن راه و گم شدن در دشت و صحرا و یا متحیر ماندن در امور دیگر به مدد خواستن از امام

زمان (ع) توصیه و سفارش کرده‌اند. چرا که خداوند سبحان، ایشان را برای ارشاد و راهنمایی مردم برگزیده است و آن بزرگوار جهت ارشاد و راهنمایی و صعود به مدارج عالی ایمان و خوشبختی بهترین راه گشا و برترین هدایتگر است، لذا کمک خواستن از امام زمان (ع) به منزله کمک گرفتن از خداوند متعال می‌باشد.^۱

^۱ - به نقل از (روزنامه جوان) منبع موعود)

نوای نای نیستان خدا کند که بیایی
 ضمیر روشن باران، خدا کند که بیایی
 طلوع قدر سپیدی، بلوغ سبز رهایی
 معاد رویش انسان، خدا کند که بیایی
 به انهدام سیاهی، به انهدام جهالت
 سفیر ناشر قرآن، خدا کند که بیایی
 نماز خالص عشقی، رجاء منتظرانی
 زلال چشمه ایمان، خدا کند که بیایی
 تو شهر سبز صیامی، طلوع نظم سلامی
 هلا تو رمز بهاران، خدا کند که بیایی
 غبار رنج زمین را فضای تلخ زمان را
 سماط صبح تو درمان، خدا کند که بیایی^۱

خواندن دعای توفیق شناخت حجت (ع)

زراره از امام جعفر صادق (ع) روایت می‌کند که فرمودند: برای آن جوان (امام زمان) پیش از قیامش غیبتی خواهد بود.

گفتم: چرا ای فرزند رسول خدا؟

حضرت فرمودند: می‌ترسد و به شکمش اشاره کرد و سپس فرمود: ای زراره! اوست منتظر و اوست که در ولادتش شک می‌کنند پس بعضی گویند: پدرش بدون بازمانده از دنیا رفت و بعضی از آنها می‌گویند: در حالی که در شکم مادر بود، پدرش فوت نمود و بعضی دیگر می‌گویند: دو سال پیش از فوت پدرش متولد شد و او است منتظر مگر اینکه خداوند عزوجل دوست دارد که شیعه را امتحان کند، پس در آن هنگام است که تشکیک و توهم اهل باطل آغاز می‌شود. ای زراره اگر آن زمان را درک کردی این دعا را بخوان:

« اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِيْ نَفْسِكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسِكَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِيَّكَ،
اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ،
اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ؛ »

بار خدایا! تو مرا به خود شناسان کن که اگر خودت را به من شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. پروردگارا! تو رسولت را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من شناسانی، حجت و ولایت را نخواهم شناخت، پروردگارا! حجت خودت را به من بشناسان که اگر حجت خودت را به من شناسانی، از دین خودم گمراه نخواهم شد.^۱

تا کی به درت آیم و دیدار نینم؟

صد بار تو را جویم و یک بار نینم

گویا حرم کوی تو کعبه است و در آنجا

هر چند روم جز در و دیوار نینم

دانی که مرا بزم گه عیش کدام است؟

جایی که تو را بینم و اغیار نینم

یا رب چه شود گر من بی دل به همه عمر

یک بار تو را بر سر بازار نینم؟

امروز در این شهر دلی نیست که او را

در دام بلای تو گرفتار نینم

او می رود و جمع رقیبان ز قفایش

تا شیوه آن قامت و رفتار نینم

خورشید لطافت رخ یار است هلالی

آن روز مبادا که رخ یار نینم

۱- بحارالانوار، جلد ۵، صفحه ۱۴۶ - اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۳۳۷

دوست داشتن امام عصر (عج)

یکی از تکالیفی که در قبال امام زمان (ع) حتی از طرف پروردگار عالم مطرح شده است، لزوم تحصیل محبت آن حضرت است. چرا که این تکلیف خود مردم را به تلاش برای شناخت بیشتر سوق می‌دهد. چنان که خداوند متعال محبت و دوستی حضرت مهدی (عج) را در ضمن محبت سایر اهل بیت پیامبر (ع) بر همه انسانها واجب و امری ضروری دانسته است. از این روست که در قرآن کریم

می‌خوانیم: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛

بگو من از شما جز دوستی و محبت خویشاوندانم اجر و مزدی برای رسالت نمی‌خواهم.^۱»

دوست داشتن ائمه اطهار (ع) بخشی از ایمان است و شرط قبولی اعمال در پیشگاه خداوند متعال می‌باشد. محبت، اساس و پایه دین و بلکه مساوی دین است.

همچنانکه امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: «هَلُ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟

آیا دین چیزی به جز دوستی است؟^۲»

^۱ - قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۲۳

^۲ - بحارالانوار، جلد ۲۷، صفحه ۹۵

دوست داشتن حضرت مهدی (عج) و پذیرفتن ولایت و محبت او، انسان را به اوج قله تکامل نائل می‌گرداند. و آنان را در دنیا و آخرت مورد رحمت خداوند متعال قرار می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اگر مردم بر محبت و ولایت علی (ع) اجتماع کرده بودند، خداوند آتش را خلق نمی‌کرد.»^۱

امام امیرالمومنین علی (ع) از دوستی به نیمی از خردمندی یاد می‌کند و می‌فرماید: «التَّوَدُّ نِصْفُ الْعَقْلِ؛ دوستی کردن نیمی از خردمندی است.»^۲

از خصوصیات و ویژگی‌های بارز و مهم شیعیان و منتظران این است که ائمه اطهار (ع) را دوست دارند و به آنها عشق می‌ورزند و علاقه و محبت با ائمه معصومین (ع) در باطن بیشتر از علاقه و محبت به خود و خانواده و خویشان خود می‌باشد. محبت ائمه اطهار (ع) کیمیایی است که خداوند آن را به همه کس نمی‌دهد، باید برای دست یافتن برای آن تلاش و کوشش نمود. و دست یافتن به این کیمیا به این آسانی و راحتی میسر نمی‌شود. باید این محبت و دوست داشتن را عمل نشان داد، چرا که هر کس طالب این محبت و دوستی است به وسیله تقوای الهی و پرهیز از گناهان و اعمالی که مورد نکوهش ائمه اطهار (ع) بوده و هست، و پیروی نمودن از اعمالی که به آنها سفارش نموده‌اند می‌توان دوستی و محبت واقعی خویش را اثبات نمود و گرنه هر کس که ادعای دوست داشتن امام زمان (ع) را در زبان دارد اما رفتار و کردارش مورد تایید آن حضرت نباشد، نباید دوستی او را قبول کرد و او را جزو یاران و شیعیان آن حضرت بحساب آورد و شاید به همین خاطر باشد که امام زمان (ع) فرموده اند: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مَنْ مُحَبِّبِنَا؛

^۱ - فصالح شیخ صدوق، جلد ۱، صفحه ۲۳۱

^۲ - نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲

هر یک از شما به گونه‌ای رفتار نمایید که کارهایش او را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از تمام اموری که موجب ناراحتی و خشم ماست دوری گزیند.»
دوست داشتن امام عصر (عج) موجب بهره‌مندی انسان از پاداش و اجر دنیوی و اخروی می‌گردد و باعث می‌شود تا انسان بیشتر از الطاف الهی بهره‌مند شود و عنایت خاص ائمه اطهار (ع) شامل حال او بشود و او مورد نظر لطف و توجه آنها قرار گیرد و چنین فردی هم به سعادت دنیوی و هم سعادت اخروی دست یافته است.

امام علی (ع) در ویژگی‌های اهل بیت (ع) به این موضوع اشاره نموده و می‌فرماید:
«نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَ مَحَطُّ الرُّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَ يَتَابِعُ الْحُكْمِ، نَاصِرُنَا وَ مُحِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَ عَدُوَّنَا وَ مُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ؛

ما از درخت سرسبز رسالتیم، و از جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان برخاستیم، ما معادن دانش و چشمه سارهای حکمت الهی هستیم. یاران و دوستان ما در انتظار رحمت پروردگارانند و کینه توزان ما در انتظار کیفر و لعنت خداوند به سر می‌برند.^۱»

حضرت در جایی دیگر اساس دوستی ائمه (ع) را در پیروی نمودن از ایشان معرفی کرده و می‌فرماید: «نزدیکترین مردم به پیامبران، داناترین آنان است به آنچه که آورده‌اند. و سپس فرمودند: دوست محمد (ص) کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند پیوند خویشاوندی او دور باشد و دشمن او کسی است که خدا را نافرمانی کند هر چند که خویشاوند نزدیک او باشد.»^۲

^۱ - نهج البلاغه، قطبه ۱۰۹

^۲ - نهج البلاغه، مکمات ۹۷

ابو سعید خدری می گوید: پیغمبر (ص) فرمودند: «هر کس که خدا محبت خاندان مرا قسمتش کند، خیر دنیا و آخرت یافته، جای شک نیست که اهل بهشت است، دوستی اهل بیت من بیست خاصیت دارد که ده تا در دنیا و ده تا در آخرت. در دنیا: پارسایی، حرص بر علم، پرهیزکاری در امر دین، تمایل به عبادت، توبه پیش از مرگ، نشاط در نماز شب، ناامیدی از مردم، مراعات امر و نهی خدا، دشمنی دنیا و سخاوت.

و اما در آخرت: نامه‌ی عمل او را نگشایند یعنی در میان مردم که اگر گناهی داشته باشند، شرمنده نشود. میزان عمل برای او نصب نکنند، نامه‌اش را به دست راست او می دهند، ورقه آزادی از آتش برایش بنویسند، صورتش سفید باشد، از حله‌های بهشت بر او بپوشانند، شفاعتش درباره صد نفر از بستگانش پذیرفته شود، خداوند نظر رحمت به او بکند، تاج بهشتی بر سرش نهند و بدون حساب وارد بهشت شود، ای خوشا به حال دوستان خاندان من.^۱»

دوست داشتن اهل بیت (ع) از چنان اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است که از آن به عنوان پاداش و اجر و مزد رسالت نام برده شده است. هر کس نسبت به ائمه اطهار (ع) محبت داشته باشد، موجب می شود که انسان مورد توجه و عنایت آنها نیز قرار گیرد. حارث بن عورمی گوید: روزی هنگام ظهر، به حضور حضرت امیرالمومنین امام علی (ع) رسیدم، حضرت پرسید: برای چه به اینجا آمده‌ای؟ عرض کردم: محبت و علاقه به تو، باعث شد که به محضرت بیایم.

فرمود: اگر برآستی دارای چنین علاقه‌ای باشی، مرا در سه محل خواهی دید.

۱- هنگامی که روح به حلقومت رسید.

۲- در کنار پل صراط

۳- در کنار حوض کوثر

چنان که از حدیث بالا مشخص است دوستی با اهل بیت (ع) موجب رهایی انسان از سختی‌های این دنیا و بهره‌مندی از کمک و شفاعت در آن دنیا را موجب می‌شود و این عمل از چنان اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است که یکی از سؤالاتی که پس از مرگ هر انسانی در قبر از آن سوال می‌گردد، همین مسئله است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«لَا تَزُولُ قَدَمًا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛

اجازه قدم برداشتن و حرکت در فردای قیامت داده نمی‌شود به کسی تا این که از چهار چیز سوال شود: عمر را در چه فنا کردی، جوانی را در چه بوالهوسی گذراندی، مال را از کجا کسب کردی و در کجا خرج کردی، و از محبت ما اهل بیت (ع) سوال می‌شود.^۱»

باز از آن بزرگوار نقل شده است که فرمودند: خداوند تبارک و تعالی در شب معراج به من چنین وحی فرمود: «ای محمد، اگر هر کدام از بندگان من، مرا آنقدر عبادت کند که از شدت عبادت در آستانه مرگ قرار گیرد، اما ولایت شما اهل بیت را نداشته باشد و در آن حال بمیرد، به جهنم خواهد رفت. .. آنگاه نور تک تک ائمه (ع) را به من نشان داد. هنگامی که نوبت به حضرت ولیعصر (عج) رسید، فرمود: این قائم (عج) است... او را دوست بدار، زیرا من او را و کسانی که او را دوست دارند، دوست می‌دارم.^۲»

^۱ - فصالح شیخ صدوق (ره)، جلد ۱، صفحه ۳۳۱

^۲ - غیبت نعمانی، صفحه ۷۷

علی بن حسن سائح می گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که می فرمود: پدرم از آباء بزرگوارشان از حضرت رسول اکرم (ص) روایت می کند که به علی بن ابیطالب (ع) فرمود:

«ای علی تو را دوست نمی دارد مگر کسی که ولادتش پاکیزه باشد و بغض تو را در دل نمی گیرد مگر کسی که ولادتش ناپاک باشد و ولادت تو را نپذیرد مگر مؤمن، و با تو دشمنی نکند مگر کافر.

عبدالله بن مسعود برخاست و گفت: ای رسول خدا، در زمان حیات شما علامت ناپاکی ولادت، و کافر را به واسطه داشتن بغض علی (ع) و دشمنی اش با او شناختیم، علامت کسی که ولادتش ناپاک باشد و کافر هست، پس از شما چیست؟ آنگاه که زبان به اظهار اسلام کند و مکنون باطن خود را مخفی ندارد؟ حضرت فرمودند: ای ابن مسعود! علی بن ابیطالب (ع) پس از من امام شما و جانشین من بر شماست و آنگاه که او در گذرد فرزندانم حسن (ع) امام شماست. پس از او جانشین من بر شماست. و چون در گذرد فرزندانم حسین (ع) امام شما پس از اوست و جانشین من بر شماست. سپس نه تن از فرزندان حسین (ع) یکی پس از دیگری ائمه شما و خلفای شما هستند. و نهمین آنها قائم من است که زمین را از عدل و داد آکنده می سازد، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ایشان را دوست نمی دارد مگر کسی که ولادتش پاکیزه باشد و کینه آنها را به دل نمی گیرد مگر کسی که ولادتش ناپاک باشد، با ایشان موالات نکند مگر مؤمن، و معادات نکند مگر کافر، کسی که یکی از اینها را انکار کند مرا انکار کرده است و هر کس مرا انکار کند، خداوند را انکار کرده است. و هر کس از روی عناد با یکی از اینها مخالفت کند با من مخالفت نموده است و هر کس با من مخالفت کند، با خداوند تعالی مخالفت ورزیده است زیرا طاعت ایشان طاعت من، و

طاعت من طاعت خداست و معصیت آنها، معصیت من و معصیت من معصیت
خداست. تعالی است.

ای ابن مسعود! مبادا در نفس تو در آنچه می گویم حرجی داشته باشد که کافر
خواهی شد. به عزت پروردگرم سوگند که من درباره علی و امامان از فرزندان او
سخنی به گزاف و از روی هوای نفس نمی گویم. سپس در حالی که دستهایش را
به طرف آسمان بلند نمود، فرمود:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِي خُلَفَائِي وَ أَيْمَةَ أُمَّتِي بَعْدِي، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ،
وَ أَنْصِرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَ لَا تَخُلْ الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ
مِنْهُمْ بِحُجَّتِكَ ظَاهِرًا، أَوْ خَافِيًا مَغْمُورًا، لِنَا يَبْطُلُ دِينُكَ وَ حُجَّتُكَ وَ
بَيِّنَاتُكَ»

خدایا خلفا و ائمه پس از من را دوست بدار و دشمنان ایشان را دشمن بدار و
یارانشان را نصرت فرما و خاذلان آنان را خوار بدار و زمین را از قائم از ایشان که
حجت توست خالی مگذار که یا آشکار است و یا پنهان و مستور، تا دین و حجت
و برهان و بیّنات تو باطل شود.^۱

از ابن عباس نقل شده است که رسول اکرم(ص) فرمودند: «هنگامی که روز
قیامت برپا می شود خداوند به مالک (فرشته رئیس دوزخ) فرمان می دهد که
آتش های هفت دوزخ را شعله ور کن، و به رضوان (فرشته رئیس بهشت) فرمان
می دهد که هشت بهشت را به زیورها آراسته کن، آنگاه به میکائیل چنین
می فرمایند: «ای میکائیل! پل صراط را بر روی دوزخ بکش و به جبرئیل فرمان
می دهد که میزان عدل را در زیر عرش نصب کن.»

آنگاه خداوند به پیامبر اکرم (ص) چنین خطاب می‌فرماید:

ای محمد، امت را برای حسابرسی نزدیک گردان. سپس خداوند فرمان می‌دهد که بر روی پل صراط هفت پل بلند محقق کن که طول هر یک از آنها هفت پل، هفتده هزار فرسنگ است و بر هر یک از آنها هفتاد هزار فرشته قرار دارند و برای بازخواست و سوال درباره ولایت امیرالمومنین علی (ع) و دوستی با خاندان محمد (ص) می‌پرسند اگر آنها پاسخ صحیح دادند، برق آسا از آن پل بگذرند، در غیر اینصورت واژگونه به درون دوزخ سقوط می‌کنند، اگر چه دارای اعمال نیک هفتاد صدیق باشند.^۱

ابوبصیر از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«آیا شما را از چیزی مطلع نگردانم که خداوند عمل بندگانش را جز بوسیله آن نمی‌پذیرد؟»

عرض کردم: ای سرورم بفرمائید تا بدانیم آن چیست؟

فرمودند: آن گواهی دادن به یگانگی خداوند و رسالت حضرت محمد مصطفی (ص) و اعتقاد به آنچه که خداوند فرموده و دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ائمه و تسلیم در برابر آنها، و پارسائی و کوشش در امر دین و صبر و انتظار برای ظهور قائم ماست.^۲

امام رضا (ع) از پدرانش و آنها از رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «هر کس دوست دارد خداوند متعال را ملاقات کند، در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، باید که ولایت حجت صاحب الزمان منتظر را دارا گردد، پس اینان چراغهایی در تاریکی و امامان هدایت و نشانه‌های تقوا هستند، هر کس که آنان

^۱ - بهارالانوار، جلد ۷، صفحه ۱۳۳ و ۱۳۳

^۲ - بهارالانوار، جلد ۱۱، صفحه ۷۷۳

را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود، من برای او ضمانت می‌کنم که خداوند او را به بهشت خواهد برد.^۱

پیامبر اکرم (ص) فرموده است: من چهار نفر را در قیامت شفاعت می‌کنم اگر چه با گناه همه مردم وارد شوند: کسی که اهل بیت مرا یاری کند، یا در وقت بیچارگی حاجتشان را روا کند، یا با دل و زبان دوستشان دارد و یا با دست از آنان دفاع کند.^۲

باز آن بزرگوار می‌فرمایند: «أَثْبِتُكُمْ قَدَمًا عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي؛

در میان شما استوارترین گام‌ها بر روی پل صراط از آن کسی است که حب آنها به اهل بیت من بیشتر و محکمتر است.^۳

و در جایی دیگر می‌فرمایند: «حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنٍ، أَهْوَالُهُنَّ عَظْمَةٌ؛

حب و دوستی من و خاندانم، در هفت محل، که وحشت و هراس در آنها بسیار زیاد است، سودمند و مایه نجات است. آن هفت محل عبارتند از:

۱- هنگام مرگ.

۲- در قبر.

۳- هنگام خروج از قبر.

۴- در نامه های اعمال او.

۵- در موقع حسابرسی قیامت.

۱- مکیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۲۰۲

۲- بیماری الانوار، جلد ۱، صفحه ۳۶۸

۳- بیماری الانوار، جلد ۸، صفحه ۶۹

۶- در نزد میزان.

۷- در نزد پل صراط.^۱

شیعیان و منتظران ائمه و امام زمان (ع) باید هم در باطن و از صمیم دل و هم در ظاهر و زبان به مولای خویش محبت و علاقه داشته باشند و مثل آن دسته‌ای نباشند که در ظاهر با ائمه (ع) دوست هستند اما در باطن جزو دشمنان آنها می‌باشند. امام جعفر صادق (ع) در این مورد می‌فرماید: چنان که مردی خدمت ایشان آمده بودند، حضرت پرسیدند: این مرد از چه کسانی است؟

آن مرد خود را آماده پاسخ کرد و گفت: از دل‌باختگان و دوستداران شما.

پس امام صادق (ع) به او فرمودند: خداوند بنده‌ای را دوست ندارد تا او را به خود راه دهد و او را به خود راه ندهد، تا این که بهشت را بر او واجب نماید.

سپس امام صادق (ع) از او پرسیدند: تو از کدام دوستان مایی؟ آن مرد سکوت اختیار کرد و مردی به نام سدیر عرض کرد: یابن رسول الله! مگر دوستان شما چند گونه‌اند؟

حضرت فرمودند: آنها سه دسته‌اند:

۱- گروهی که ما را در ظاهر دوست دارند ولی در باطن دوستان ندارند. اینها در مرتبه پایین قرار گرفته‌اند و شیوه پادشاهان را پیش گرفته‌اند. اینها زبانشان با ماست و شمشیرشان بر علیه ماست.

۲- گروهی که در باطن ما را دوست دارند ولی در ظاهر اظهار دوستی نمی‌کنند. این گروه مرتبه میانه رو به شمار می‌آیند، ما را در باطن دوست دارند. ولی در ظاهر اظهار دوستی نمی‌نمایند. به جان خودم سوگند! اگر ما را (صادقانه) در باطن دوست می‌داشتند بدون این که آن را آشکارا اظهار نمایند، در شمار روزه داران

^۱ - (بهارالانوار، جلد ۷، صفحه ۲۴۸)

روز و نماز گزاران شب بودند و اثر عبادت را در رخسارشان می دیدی و آنان اهل مسالمت و فرمانبرداری هستند.

۳- گروهی که هم در ظاهر ما را دوست دارند و هم در باطن و اینان دوستان درجه یک ما هستند و اینان آب زلال و گوارا نوشیده اند و به تأویل قرآن پی بردند و از فصل خطاب و اسباب اطلاع حاصل کردند. اینان گروه طراز اول هستند، فقر و نیازمندی و بلاهای گوناگون سریعتر از تاختن اسب بر سر ایشان بتازد، سختی و تنگدستی آنان را فراگیرد و لرزان شوند و دچار فتنه گردند و زخمی و به خون خود غلطان، و در هر سرزمین دوری پراکنده شوند، به برکت وجود آنان خداوند بیمار را شفا می دهد و فقیری را توانگر کند و به برکت آنان شما یاری شوید و باران و رحمت الهی بر شما بیارد و روزی نصیبان گردد، آنان از نظر تعداد کم هستند ولی به منزلت و اهمیت نزد خدا، بزرگ باشند.

آن مرد عرض کرد: من در شمار دوستان شما در عیان و نهان هستم.

امام صادق (ع) فرمودند: دوستداران ما که هم در نهان و هم در عیان ما را دوست دارند ویژگی هایی دارند که بوسیله آنها شناسایی می شوند.

آن مرد عرض کرد: آن نشانه ها چیست؟

حضرت فرمودند: نخست آنکه یکتاپرستی را به خوبی فهمیده اند و به دانش یکتاپرستی به طور کامل دست یافته اند. پس از آن به ذات و صفات او ایمان دارند و سپس حدود ایمان و حقایق و شروط و تاویل آن را بدست آورده اند.^۱

پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) می فرمایند: «خداوند را دوست بدارید به جهت آنکه از نعمت های خویش به شما می دهد، و مرا به جهت دوستی خدای عزوجل دوست بدارید، و اهل بیت مرا به خاطر دوستی من دوست بدارید.»

۱- تمف العقول، ترجمه مسن زاده، صفحه ۵۸۷

امام موسی بن جعفر (ع) مژده هم درجه بودن دوستداران امام زمان و ائمه (ع) را داده و فرمودند:

«طُوبَى لِّشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أَوْلِيكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ، قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً، وَ رَضَيْنَا بِهِمْ شِيعَةً، فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ، وَ هُمْ وَكَلَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

خوشا بر احوال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ما متمسک هستند، و بر دوستی و بیزاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند، آنها از ما و ما از آنها هستیم، آنها ما را به امامت و ما نیز آنان را به عنوان شیعیان پذیرفته‌ایم. پس خوشا بر احوال آنها و خوشا بر احوال آنها به خدا سوگند آنها در روز قیامت هم درجه ما هستند.^۱»

دوست داشتن محمد و آل محمد (ص) از اهمیت و جایگاه خاص و والایی بر خوردار است. و از احادیثی که از ائمه (ع) نقل شد این نکته به روشنی نمایان می‌شود. این عملی است که همه معصومین (ع) به آن سفارش و تاکید نموده‌اند و هر کس ائمه (ع) را دوست داشته باشد، او هم در این دنیا و هم در سرای آخرت سربلند و سرافراز خواهد بود. خداوند متعال به دوستداران و محبان ائمه اطهار (ع) جایگاهی عطا می‌کند که با جایگاه شهیدان برابری می‌کند و دلیل بر این گفته حدیثی از رسول اکرم (ص) می‌باشد که فرمودند:

«کسی که با محبت آل محمد (ص) بمیرد، شهید مرده است، آگاه باشید، کسی با محبت آل محمد (ص) از دنیا برود بخشوده شده است، آگاه باشید کسی که با

محبت آل محمد (ص) از دنیا برود فرشته مرگ او را به بهشت بشارت می‌دهد و سپس نکیر و منکر فرشتگان مأمور سوال در برزخ به او بشارت می‌دهند. آگاه باشید، کسی که با محبت آل محمد (ص) از دنیا برود مؤمن کامل الایمان از دنیا رفته است. آگاه باشید و بدانید، کسی که با محبت آل محمد (ص) از دنیا برود او را با احترام به بهشت می‌برند، آن چنان که عروسی به خانه داماد می‌رود. آگاه باشید کسی که با محبت آل محمد (ص) از دنیا برود، در قبرش دو درب به سوی بهشت گشوده می‌شود و کسی که با محبت آل محمد (ص) از دنیا برود قبر او را خداوند زیارتگاه فرشتگان و رحمت قرار می‌دهد و آگاه باشید، کسی که با محبت محمد و آل محمد (ص) از دنیا برود، او بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته است.

کسی که با عداوت و دشمنی آل محمد (ص) از دنیا برود در روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که در پیشانی او نوشته شده است: مأیوس از رحمت خدا. کسی که با عداوت و دشمنی آل محمد (ص) از دنیا برود، او بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.^۱

محبان و دوستان امام زمان (ع) مورد دعای ائمه (ع) واقع می‌شوند. و این بیانگر اهمیت این امر بزرگ است. و کسی که دعای ائمه اطهار (ع) پیش روی او باشد او به سعادت ابدی دست می‌یابد. امام زین العابدین امام سجاد (ع) برای کسانی که ائمه اطهار (ع) را دوست بدارند، چنین دعا می‌فرمایند:

«خداوندا دوستان پیامبر و آلش را، همان‌هایی که به مقام پیامبر و آل او، اقرار دارند و طریق آنها را می‌پویند و در پی آثار آنها می‌روند و به دستاویز محکم آنها چنگ زده‌اند و به ولایت آنها متمسک شده‌اند و امامشان را پذیرفته‌اند، و تسلیم

^۱ - گفتار نراقی، جلد ۱، صفحه ۵۶

فرمانشان هستند، و در راستای اطاعت آنها می کوشند و انتظار برپایی حکومت آنها را دارند و چشم امید به سوی آنها دوخته‌اند، رحمت و درودهای پربرکت و پاک و فزاینده در بامداد و شامگاه بفرست.

ای خدای من سلام و درود بفرست بر آنها و بر روح‌های آنها، و کارشان را براساس تقوا استوارساز و احوالشان را سامان بخش و توبه آنها را بپذیر، که تویی بسیار توبه پذیر مهربان و بهترین آمرزندگان، و ما را در پرتو رحمتت، با آنها در دارالسلام (خانه امن سلامتی بهشت) قرار بده. ای مهربانترین مهربانان.^۱

از خداوند متعال می خواهیم که ما را در انجام این وظیفه سنگین (دوستی واقعی با امام زمان) یاری رسانیده و موفق گرداند و ما را از دوستان واقعی، همان دسته‌ای که امام صادق (ع) از آنها به عنوان درجه یک و طراز اول نام بردند (همانهایی که هم در ظاهر ائمه (ع) را دوست دارند و هم در باطن) قرار بدهد و به واسطه دوستی با آنها امر ما را در این دنیا و پس از مرگ در سرای آخرت سهل و آسان سازد و ما را با ائمه اطهار (ع) دوستان واقعی ایشان محشور فرماید. و روز به روز این محبت (محبت به ائمه اطهار) را در دل و قلب ما افزون کند هر چند ما خود تلاش و سعی کنیم نمی توانیم حقوق آنها را به جا بیاوریم ولی با این حال از خداوند می خواهیم که الطاف بی کران خویش و نظر لطف ائمه معصومین (ع) را شامل حال ما بگرداند و ما را در دوستی با آنها ثابت قدم بدارد.

^۱ - صمیمه سجادیه، ترجمه اشتهاردی، صفحه ۳۸۹

آمادگی برای ظهور امام زمان و زمینه سازی برای آن

یکی از وظایف دیگر و مهم مومنین و منتظران در دوران غیبت امام زمان(ع) و برای پذیرش حکومت واحد جهانی ایشان، آمادگی برای ظهور و زمینه سازی برای آن می باشد. چرا که بدون آمادگی انتظار فرج و ظهور فایده ای ندارد و تا آن آمادگی لازم در مردم و جامعه ایجاد نشود، امر ظهور میسر و واقع نخواهد شد.

بر هر فرد مؤمن و متعهدی که در انتظار ظهور مولایش به سر می برد، واجب و لازم است که خود را برای این امر آماده و مهیا سازد. چنان که اگر احتمال ظهور حضرت صاحب الامر(عج) بعد از یک ساعت باشد(یعنی به فرض بگویند که امام زمان(ع) بعد از یک ساعت ظهور خواهند نمود) آماده پذیرش حکومت و قیام حضرت باشد. لذا باید هر فرد در حد توان و وسعت خویش زمینه قیام حضرت را فراهم کند و برای قیام آن بزرگوار زمینه سازی کند. در مورد زمینه سازی برای ظهور مراجع و دانشمندان و صاحبان قلم در این امر باید نقش موثرتر و بسزایی داشته باشند. یعنی آنان باید دست به یکسری اقدامات اصلاحی در جامعه بزنند و مردم را با تبلیغات و توطئه های دشمنان آگاه نموده و به آثار

وجودی امام زمان (ع) و بیان زندگی شرافتمندانه و سعادت‌مندانه در عصر ظهور توجه دهند و آنها را برای پذیرش حکومت امام زمان (ع) آماده سازند و بطور کلی طوری اقدام نمایند که جامعه از هر لحاظ یعنی عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، آماده ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی و اجرای فرامین دینی به طور کامل باشد. البته لازم بذکر است که این بدان معنی و مفهوم نیست که قبل از ظهور حضرت، مردم جامعه آن چنان صالح می‌گردند که هیچ خلافتی و گناهی از آنها سر نمی‌زند که اگر اینطور باشد، دیگر نیازی به آمدن و تشکیل حکومت عدل الهی نیست چرا که هدف قیام امام (ع) اصلاح جامعه و مردم و اجرای فرامین الهی می‌باشد و از طرفی دیگر به هیچ عنوان جامعه بطور کامل آماده پذیرش آن حکومت را نخواهد داشت چه بسا که مخالفانی خواهد داشت که مانع از این امر خواهند شد، لذا ممکن است مردم از لحاظ دینی، زندگی صالح و سالم نداشته باشند، ولی از لحاظ فکری و جهات دیگر آمادگی پذیرش یک حکومت صالح را داشته باشند.

هر نهضت و انقلابی در صورتی امکان پیروزی و نتیجه را دارد که قبلاً در ابعاد مختلف برای آن زمینه‌سازی لازم شده باشد و بلافاصله شرایط لازم برای پیروزی باید فراهم گردد و افکار عمومی برای پشتیبانی و حمایت از آن آماده شوند تا آن نهضت بتواند به پیروزی برسد لذا اگر زمینه‌سازی صورت نگیرد به هیچ وجه این انقلاب و نهضت به پیروزی نخواهد رسید.

بسیاری از انبیاء بزرگ اولولعزم آمدند ولی نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک و پیراسته کنند و علت این بود که زمینه برای این امر آماده و مهیا نبود. به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) برای اینکه اسلام را علناً به مردم معرفی کند، قبلاً زمینه را مساعد نمودند و آمادگی لازم برای پذیرش آن را در بین مردم ایجاد نمودند و قتی

که افکار عمومی برای پذیرش این امر مساعد گردید، حضرت دین اسلام را به طور علنی به مردم عرضه داشتند. حضرت امیرالمومنین علی (ع) در زمان خودشان با آن قدرت الهی و با آن علم متصل به معدن الهی نتوانست ریشه بدی‌ها را از بین ببرد، و حکومت الهی تشکیل دهد، زیرا زمینه مساعد نبود، عده‌ای زمینه را نامساعد کرده بودند، زمینه را زمینه دنیا طلبی و گرایش به سوی مادیات و برخی پستی‌ها نموده بودن، برای همین حضرت نتوانست آن طوری که حکومت عدل الهی را که می‌خواستند حاکم نمایند و جامعه را از بدی‌ها پاک و پیراسته سازند. حکومت جهانی امام زمان (ع) نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجا که نهضت حضرت مهدی(عج) یک نهضت سطحی نیست بلکه یک انقلاب جهانی همه جانبه است و برنامه‌ای بسیار عمیق و دشوار دارد، چرا که او می‌خواهد تمام اختلافات و پریشانی‌ها را از ریشه بر اندازد تا همه انسانها در زیر لوای توحید و حق و عدالت گرد هم بیایند و فضایل انسانی و کمالات معنوی در عالم بشری زنده شود و بطور کلی حکومت همه جانبه و جهانی را حاکم سازد که همه انقلاب خداپرستان تاریخ و پیامبران در آن خلاصه و معنی می‌شود که هدف نهایی انقلاب‌های مقدس بشری نیز می‌باشد، پر واضح است که به وقوع پیوستن چنین انقلاب عظیم و جهانی، کاری سهل و آسان نیست و بدون فراهم آمدن شرایط لازم و آمادگی افکار جامعه بوقوع نمی‌پیوندد و مستلزم آمادگی و زمینه سازی وسیعتری برای آن و شناختن موانع موجود در سرراه و از بین بردن آنها می‌باشد.

بنابراین جهت تشکیل چنین حکومتی باید همه افراد به انواع فرهنگ‌ها و سنت‌ها شرکت کرده و زمینه لازم برای بوجود آمدن پذیرش چنین انقلابی را فراهم آورند. یکی از موارد مهم و تاثیر گذار در این زمینه سازی وجود همین انسانهایی

است که زمینه را برای این امر مساعد می‌سازند، چرا که هر تحول و انقلابی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و باارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیع در جهان را به دوش بکشند. از آنجا که این انقلاب جنبه فردی ندارد و یکی از خصوصیات مهم آن جهانی بودن آن می‌باشد لذا این وظیفه همه عموم مردم است و در درجه دوم این برنامه‌ای است اجتماعی، باید بصورت دسته جمعی و همگانی اقدام شود و تلاشها و کوششها هماهنگ شده و عمق و وسعت این هماهنگی عظمت بخشیده شود، چرا که چنین انقلابی بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین امری غیر امکان پذیر است.

بنابراین تا آمادگی فردی و اجتماعی در بین مردم ایجاد نگردد، حضرت مهدی (عج) قیام نمی‌کنند. این وظیفه مهم هر فرد مؤمن و منتظر در دوران غیبت است که در جهت اصلاح و زمینه سازی و ایجاد آمادگی های لازم تلاش نماید. کناره گیری از جمع و بی اعتنا بودن به مسائل اجتماعی و سرنوشت مشترک اجتماعی امری قابل قبول نیست. و دوران انتظار، دوران آمادگی است و همه افراد جامعه باید برای آن که در شمار یاران واقعی آن حضرت به حساب بیایند باید از پیش شایستگی های لازم را در خود و جامعه ای که در آن زندگی می کنند فراهم بیاورند. و از عمل به کارهایی که موجب سقوط انسان به منجلاب فساد و پستی و در نتیجه سقوط جامعه می باشد، دوری کنند چرا که این اعمال موجب می شود تا انقلاب حضرت مهدی (عج) به تاخیر بیافتد. حضرت نیز ضمن سفارش شیعیان خود به انجام اعمال صالح، سبب طولانی شدن غیبت خود را انجام برخی اعمال ناپسند و زشت از سوی انسانها دانسته و می فرمایند:

«فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛

آن چه ما را از آنان پوشیده داشته است، چیزی جز اخباری که از کارهای ناپسند و نکوهیده آنان به ما می‌رسد نیست.^۱»

و در جایی دیگر حضرت علت تاخیر در ظهور خویش را چنین بیان می‌کنند:
 «اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعتشان دهد) در راه انجام پیمانی که بر دوش دارند با یکدیگر همدل می‌شدند، مبارکی و سعادت ملاقات ما با آنها به تاخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنها می‌شد.^۲»

امام زمان (ع) وظیفه مردم را در زمان غیبت متذکر شده و می‌فرمایند:
 «هر یک از شما باید به گونه‌ای عمل کند که کارهایش او را به محبت و دوستی ما نزدیکتر سازد و از تمام اموری که موجب ناراحتی و خشم ماست دوری گزینند.^۳»

ائمه اطهار (ع) نیز انسانها را برای زمینه سازی و فراهم نمودن شرایط برای قیام آن حضرت سفارش نموده و خود نیز در این مسیر مردم را راهنمایی می‌نمودند و سفارشهای لازم را به آنان می‌کردند. امام جعفر صادق (ع) در مورد آمادگی و زمینه سازی برای ظهور می‌فرمایند:

«لِيُعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لِحُرُوجِ الْقَائِمِ (ع) وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتَ لِأَنْ يَنْسِيَنَّ فِي عُمْرِهِ؛

هر یک از شما برای خروج قائم (ع) مهیا کند هر چند که یک تیر باشد که خدای تعالی هر گاه بداند که چنین نیتی دارد امیدوارم عمرش را طولانی کند.^۴»

^۱ - امتجاج طبرسی، جلد ۲، صفحه ۶۰۲

^۲ - امتجاج طبرسی، جلد ۲، صفحه ۴۹۹

^۳ - بیمار الانوار، جلد ۵، صفحه ۱۷۶

^۴ - مکیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۵۸۳

در روایت دیگری مرحوم کلینی از امام موسی کاظم (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقَّعًا بِهٖ أَمْرُنَا وَ يَغِيظُ بِهٖ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ؛

هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزی او را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا می‌کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته‌هایش یاری کند.^۱»

مرحوم کلینی (ره) در «الکافی» از ابو عبدالله جعفری روایتی را نقل می‌کند: حضرت ابو جعفر محمد بن علی (امام محمد باقر) علیه السلام به من فرمودند: منتهای زمان مرابطه (مرزرداری) نزد شما چند روز است؟

عرض کردم: چهل روز.

فرمودند: ولی رابطه ما مرابطه‌ای است که همیشه هست...

علامه مجلسی (ره) در شرح این فرمایش امام (ع) می‌فرماید:

«أَيُّ يَجِبُ عَلَى الشَّيْعَةِ أَنْ يَرْتَبِطُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى طَاعَةِ إِمَامِ الْحَقِّ، وَ إِنْتِظَارِ فَرَجِهِ وَ يَتَّهَيَّأُوا لِتَنْصُرَتِهِ؛

بر شیعیان واجب است که خود را بر طاعت امام برحق و انتظار فرج او ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند.

شیخ محمد حسن نجفی نیز در «کلام جواهر الکلام» در شرح روایت مزبور می‌فرماید:

«وَهُوَ مَحْمُولٌ عَلَى إِرَادَةِ تَرَقُّبِ الْفَرَجِ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ كَمَا جَاءَتْ بِهِ
النُّصُوصُ لِمَا الرِّبَاطُ الْمُصْطَلَحُ.»

مرباطه در این روایت به معنای انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است همچنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است نه مرباطه مصطلح در فقه.^۱

شاید بتوان گفت که کلام صاحب جواهر نیز به همان کلام علامه مجلسی بر می‌گردد که فرمود: مرباطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیا بودن برای یاری امام منتظر(ع) است.^۲

عوامل مهم زمینه سازی برای ظهور:

در اینجا به یازده عامل مهم که در زمینه سازی انقلاب عظیم الشان اسلام به رهبری رسول اکرم (ص) که نقش مهم در ایجاد و تشکیل حکومت اسلامی داشت اشاره می‌کنیم تا با تعقیب و عمل به آنها موجبات زمینه سازی و آمادگی انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) را به جا بیاوریم. تا با عمل بدان‌ها مفهوم واقعی انتظار را تحقق بخشیم چرا که انتظاری که در آن آمادگی و زمینه سازی برای آن وجود نداشته باشد، بی‌ثمر و بی‌فایده است. البته لازم به ذکر است که عوامل زیادی در زمینه سازی موثر است. لذا ما در اینجا به چند مورد از آنها اشاره

^۱ - انتظار بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی، صفحه ۱۴۳

^۲ - همان (انتظار بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی، صفحه ۱۴۳)

می‌کنیم. امیدواریم با عمل به وظایف خویش از زمینه سازان واقعی انقلاب جهانی حضرت ولیعصر باشیم.

- ۱- جاذبه قرآن و حقانیت اسلام
- ۲- علم و اندیشه و به کار انداختن آن.
- ۳- استقامت و پایداری و شجاعت.
- ۴- زهد و رعایت اخلاق و حقوق.
- ۵- ایمان و توکل به خداوند متعال.
- ۶- تعاون و همکاری
- ۷- برخوردها و روش‌های منطقی با یکدیگر
- ۸- توجه به طیف مستضعف و دستگیری از آنان.
- ۹- اتحاد و انسجام مسلمانان بخصوص در برابر توطئه دشمنان.
- ۱۰- انتخاب رهبری شایسته و پیروی و حمایت از او.
- ۱۱- لزوم برنامه ریزی و داشتن هدف مشخص.
- ۱۲- تلاش مستمر در جهت عمل به دستورات اسلام.

تقیه در برابر دشمنان و مخفی داشتن اسرار و رازها از آنان

شیعیان و منتظران امام زمان (ع) در دوران غیبت مولایشان، در برخی شرایط مخصوصاً در برابر دشمنان دین و مذهب تقیه نموده و سعی می‌کنند که تقیه را شعار خویش قرار داده و از قرار گرفتن رو در رو با دشمنان پرهیزند. در بسیاری از روایات، نسبت به رعایت تقیه و اهمیت آن، تاکید فراوان شده است. تا آن جا که عدم داشتن تقیه را موجب نبودن ایمان شمرده‌اند و در جایی دیگر آن را موجب بی‌دینی دانسته‌اند. امام جعفر صادق (ع) در مورد تقیه چنین می‌فرماید:

«تقیه سپر مؤمن، تقیه نگهدارنده مؤمن است و هر کس را تقیه نیست ایمان ندارد، همانا حدیثی از احادیث ما به بنده‌ای می‌رسد پس خدای عزوجل را بین خود و خدا با آن حدیث دینداری می‌نماید، و مایه عبرت او در دنیا و نور او در آخرت می‌گردد، و بنده دیگر حدیثی از احادیث ما به او می‌رسد، پس او آن حدیث را

فاش می‌سازد و موجب خواری او در دنیا می‌شود، و خدای عزوجل آن نور را از او می‌گیرد.^۱»

حضرت در جایی دیگر چنین می‌فرمایند: «مبادا کاری کنید که ما را بدان سرزنش نمایند، زیرا که به خاطر کردار فرزند بد، پدرش سرزنش می‌گردد، شما برای کسی که به او دل سپرده‌اید (امام برحق) زینت باشید و برای او مایه ننگ و عار و عیب نباشید، در جماعت‌های آنها نماز بخوانید و بیمارانشان را عیادت کنید و در مراسم امواتشان حضور یابید و در هیچ کار خیری بر شما پیشی نگیرند که شما به آن (خیر) از آنان سزاوارتر هستید، به خدا سوگند که خداوند چیزی که محبوبتر از خباء باشد عبادت نشده.

راوی پرسید: خباء چیست؟ حضرت فرمودند: تقیه.^۲»

تقیه یک نوع جهاد و مبارزه‌ای است که در خفاء و پنهانی صورت می‌گیرد. و نوعی وسیله دفاع و روش دفع دشمن و دشمنی‌ها می‌باشد. امام جعفر صادق (ع) در تفسیر آیه مبارکه «لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ» می‌فرمایند: «الْحَسَنَةُ التَّقِيَةُ وَالسَّيِّئَةُ الْاِذَاعَةُ» و در تفسیر آیه مبارکه «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» را توضیح می‌دهند که با تقیه که بهترین روش دفاع است دفاع کن، تا آن کسی که با تو دشمن است، با تو دوست شود و جذب شود که در این روایت تقیه بهترین وسیله دفاع معرفی شده است.

^۱- مکیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۴۰۴

^۲- همان (مکیال المکارم)، جلد ۲، صفحه ۴۰۵

امام محمد باقر (ع) در اهمیت تقیه می فرماید: «التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي،
وَ لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛

تقیه دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه نمی کند ایمان ندارد.^۱»

امام حسن عسگری (ع) از امام امیرالمومنین علی (ع) روایت می کند که فرمود:

«التَّقِيَّةُ مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِ؛ تقیه از بهترین عمل های مؤمن است.»

امام جعفر صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ وَ لَا
دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛

نه دهم دین در تقیه است و کسی که تقیه ندارد دین ندارد.^۲»

با توجه به احادیث ذکر شده می توان به اهمیت و نقش تقیه پی برد. تقیه است که ایمان را در مؤمن حفظ می کند و حکایت از ظرفیت ایمان و تسلیم دارد و نوعی دفاع پنهانی است و یکی از لوازم زمینه سازی می باشد.

ائمه اطهار (ع) در گفتار و کردارشان نیز مؤمنین را به حفظ تقیه و عمل به آن سفارش نموده اند. امام جعفر صادق (ع) می فرماید: «شما با تقیه دین خود را حفظ کنید، چون کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد. شما در میان مردم همچون زنبور عسل در میان پرندگان هستید. اگر پرندگان می دانستند که چه در دل نحل نهفته است، چیزی از آن را باقی نمی گذاشتند.»

اگر مردم می دانستند که چه محبتی از ما در دل های شماست، شما را با زبان می خورند و در آشکارا و پنهان می کوبیدند. رحمت خدا بر کسانی از شما که بر ولایت ما استوارند.^۳»

^۱ - بمارالانوار، جلد ۷، صفحه ۱۴۳۱

^۲ - وسائل الشیعة، جلد ۲، صفحه ۵۴۴

^۳ - تقیه، علی صفایی مایری، صفحه ۲۹

تقیّه نمودن خود جزو راهها و روشهای دفاع ائمه (ع) در مقابله حکومت، های جبار بوده است و نه تنها خود نیز تقیّه را در پیش می گرفتند، بلکه این روش را به پیروان و شیعیان خویش نیز سفارش می نمودند. امام علی (ع) خود در زمان بعد از وفات رسول اکرم (ص) در مقابل آن همه بی مهری و توسعه طلبی های عده ای که آن چه را که متعلق به او بود و سزاوار او بود (حکومت و رهبری مسلمین بعد از نبیا کرم) و بدون آن نمی چرخید را از او گرفتند. با اینکه می توانست با ترور و کشتن سرانی که به نظر او سزاوار مرگ هم بودند، میدان برای خویش خالی نمود و راه تقیّه را در پیش گرفت تا زمینه را برای نوع حکومت و هدف و شرایط حکومت عدل خویش فراهم سازد و ریشه های محبت و معرفت حق را بارور سازد. حضرت علاوه بر اینکه خود اسوه و نمونه در تقیّه نمودن بود، پیروانش را نیز در شرایطی که وجوب تقیّه ایجاب می کرد، توصیه کرده و می فرمایند:

«آگاه باشید! پس از من مردی با گلوی گشاده و شکمی بزرگ، بر شما مسلط خواهد شد که هر چه بیابد می خورد (اشاره به معاویه بن ابوسفیان) و تلاش می کند آن چه ندارد بدست بیاورد، او را بکشید! ولی هرگز نمی توانید او را بکشید.

آگاه باشید! بزودی شما را به بیزاری و بدگوئی من وادار می کند، بدگویی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می دهم که مایه بلندی درجات من و نجات شماست، اما هرگز در دل از من بیزاری نجوید که من بر فطرت توحید تولد یافته ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم تر بوده ام.^۱»

در زمان امام علی (ع) و بعد از آن در سیره معصومین (ع) تقیّه جزو یکی از راههای مقابله با دشمنان بوده است. هر کاری که مؤمن در میان آنها به خاطر تقیّه

بجام می‌دهد جایز است، مشروط بر اینکه باعث نابودی و فساد دین نشود چرا که تقیه برای حفظ دین است و عامل انهدام نخواهد بود.

بدالله بن عجلان به امام جعفر صادق (ع) عرض کرد که ضحاک در کوفه مسلط شده و نزدیک است که تو هم به سوی براءت و بیزاری از علی (ع) خوانده شوی، ا چه کنیم؟

امام صادق (ع) فرمودند: براءت بجوی.

برض کردم: به نظر تو کدام بهتر است؟

حضرت فرمود: آن گونه پیش بروید که عمار رفت. در مکه او را گرفتند و به بزاری از حضرت رسول (ص) دعوت کردند و او هم بیزاری جست و خداوند نذر عمار را در قرآن آورد که در هنگام اکراه با قلب سرشار از ایمان بیزاری ساله‌ای نیست.

امام علی (ع) می‌فرمایند: «اظهار جدایی و براءت از ما در هنگام تقیه تو به ما ضرر می‌زند. اگر یک ساعت با زبانت از ما دوری بجویی در حالی که دلت سرشار از لایت ماست، تا خودت را باقی بداری، جانت را که قوام تو است و مالت را که بر آن برپا هستی و آبرویت را که دستاویز توست تا نگهداری کنی و مصونیت بخشی و بر دوستان و برادران ما که می‌شناسی، این افضل است و بهتر است از این که خودت را از دست بدهی و دیگر نتوانی هیچ اقدامی کنی و کار دین و کار مؤمنین را به سامان برسانی.»^۱

ذا آن چه که قابل ذکر است این که تقیه در کلام همه ائمه اطهار (ع) سفارش و حتی در برخی موارد توسط خود ائمه معصومین نیز تقیه صورت گرفته تا دین خداوند حفظ گردد. اما بحثی که هست این که هدف تقیه چیست؟

یکی از اهداف مهم تقیّه حفظ رهبر و ولی است از آن جا که حرکت بدون رهبری و بدون مدیریت و برنامه ریز، دستخوش بن بست‌ها و درگیری‌ها و گرفتاری است و چیزی که رهبری را تهدید می‌کند یکی حکومت مسلط است و دیگری توده‌های مغشوش، و این قائده همیشه کلی بوده است که توده‌های فاسد موجود در جامعه هیچ وقت حاکم فاسد را تحمل ننموده و نمی‌پذیرند، لذا افراد فاسد با بدعت‌ها و شهوت‌ها خواسته‌اند حکومت علوی را بردارند و در این شرایط موجود، مسلماً رهبری در صدر مبارزه با بدعت‌های موجود در جامعه خواهد پرداخت. فلذا باید زمینه‌ای فراهم کند که بتواند او را بپذیرند و در حکومت چهره‌هایی داشته باشد که بتواند آن را دست بگیرد.

در این زمان یکی از هدف‌های تقیّه حفاظت ولی از حاکم‌های مسلط و حکومت رده‌های مغشوش می‌باشد. این تقیّه برای حفظ رهبری از سلاطین حاکم و قدرت‌های مسلط است که هنگام آمادگی و تحمل توده‌ها که هنگام نزدیکی این حکومت علوی و امر ولایت است، بیشتر حساس می‌شوند و گوش می‌خوابانند و چشم می‌گذارند که مبادا در این زمینه این حکومت پا بگیرد.

از اهداف دیگر تقیّه حفظ ایمان می‌باشد. و گاهی برای حفاظت مؤمنین و حقوق برادران می‌باشد که هر کدام نیاز به بحث مفصلی دارد که در اینجا مجال آن نیست.

تقیّه در دوران غیبت حضرت صاحب الزمان (عج) از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. شیعیان منتظر در دوران غیبت ولی امرشان در برابر دشمنان دین ستیز، راه تقیّه را در پیش می‌گیرند و در راهی قدم بر می‌دارند که هیچ‌گونه بهانه‌ای به دست دشمنان بهانه‌جوی نداده و اجازه نمی‌دهند که کردار و گفتارشان، آبی در آسیاب دشمنان و بدخواهان امام زمان (ع) به جریان بیندازد.

لذا در دوران غیبت به عنوان عامل مؤثر برای بقای شیعیان مخلص و به منزله تضمینی برای آماده‌سازی زمینه در دوران ظهور ضرورت دارد و در این زمان اقتضا دارد که منتظرین امام زمان راه تقیّه در پیش بگیرند. نیاز به تقیّه و پنهان کاری در برابر دشمنان در زمان غیبت که توطئه‌های دشمنان بیشتر شده است بیش از هر زمان دیگر می‌باشد.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «كُلَّمَا تَقَارَبُ هَذَا الْأَمْرَ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ؛

هر چه حکومت ما و امر ما نزدیک می‌شود، این تقیّه و پنهان کاری شدیدتر خواهد شد.»

امام رضا (ع) می‌فرمایند: «آن کس که پرهیز از گناه ندارد، دین ندارد و آن کس که تقیّه نمی‌کند ایمان ندارد. همانا گرامی‌ترین در نزد خداوند متعال کسی است که بیشتر به تقیّه عمل کند.»

از آن بزرگوار پرسیده شد: ای فرزند رسول خدا(ص) تا چه زمانی؟

حضرت فرمودند: تا روز تعیین شده که روز ظهور قائم ما اهل بیت است. پس هر کس قبل از قیام قائم ما تقیّه را ترک نماید او از ما نیست.^۱

برخی افراد در جامعه اظهار می‌دارند که تقیّه نمودن راهی است به طرف خالی کردن شانه از مسؤلیت و فرار از آن، و ابزاری است برای حفاظت از مادیات و رسیدن به لذات مادی، و یا حفظ جان خویش و دستاویزی برای رهایی از مرگ. لازم به ذکر است که این گونه تفکرات اصلاً درست نیست چرا که در برخی موارد عدم شناخت به موقع وضعیت زمانی و برخورد شدید با دشمنان موجب تحریک دشمنان شده و حساسیت آنها را بالا برده که موجب متضرر شدن اسلام

^۱ - اکمال الدین، صفحه ۳۷۱ - بیمار الانوار، جلد ۷، صفحه ۱۴۱

و منافع اسلامی گردیده و چه بسا این امر موجب عقب افتادگی و شکست برای مسلمین باشد. لذا در این دوران سخت غیبت نیز تقیّه وسیله‌ای موثر در دفاع از دشمن است. البته لازم به ذکر است که زمان تقیّه نمودن نیز خود مشروط به برخی شرایط و زمینه‌هایی می‌باشد. که باید در زمان استفاده از راه تقیّه در برابر دشمنان دقت گردد که مبادا این دفاع وسیله‌ای برای تحریک دشمنان باشد و به عبارتی همان طور که شد موجب تحریک احساسات آنان گردد که نتیجه آن علاوه بر اینکه مثبت نبوده، تاثیرات منفی نیز خواهد گذاشت و یا در برخی شرایط ایجاب می‌کند که راه تقیّه در پیش گرفته نشود بلکه از راه و روش‌های دیگر من جمله دفاع علنی در برابر دشمنان صورت بگیرد. لذا منظور و مفهوم این است که تقیّه نیز تحت برخی شرایط باید صورت بگیرد. عدم به موقع به کارگیری تقیّه نه تنها موجب لطمه خوردن می‌شود بلکه باعث رنجیدن امام زمان (ع) نیز می‌شود و چه بسا ممکن است امر فرج و ظهور آن بزرگوار را به تاخیر نیز بیندازد که علت این‌ها برخی رفتارهای نابجا و غیرمسئولانه برخی افراد که از آگاهی لازم برخوردار نمی‌باشند، سرچشمه می‌گیرد.

پس نتیجه می‌گیریم که در زمان غیبت می‌توان از تقیّه برای دفاع استفاده نماییم و باید تلاش کرد و آرام نشست. چرا که مؤمن همیشه در حال جهاد است لذا در برخی جبهه‌ها با شمشیر با دشمنان می‌جنگد و در برهه‌ای دیگر با تقیّه نمودن و امثال آن به مقابله بر می‌خیزد. امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند:

«الْمُؤْمِنُ عَلَوِيٌّ، الْمُؤْمِنُ مُجَاهِدٌ. أَمَا فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ بِالتَّقِيَّةِ وَ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ بِالسَّيْفِ؛

مومن علوی است از علی نشان دارد. مؤمن مجاهد است با دشمنان خدا می جنگد چه در دولت باطل و چه در دولت حق. در دولت باطل و هنگام تسلط آن با تقیه می جنگد و در هنگام تسلط حق و دولت حق با شمشیر.^۱

امام علی (ع) که در زمان رسول بزرگوار اسلام و در زمان حکومت خودش با کفار و اهل فساد و باطل بوسیله شمشیر می جنگید. و در زمان خلفا حضرت امیر با آن همه رشادت‌هایی که در زمان رسول اکرم (ص) از خود نشان داده بود و حال آن که در این زمان هم می توانست باز به مقابله با دشمنان پردازد ولی حضرت در این زمان راه تقیه را در پیش می گیرند و به خودسازی یاران خود می پردازند. لذا این نشان دهنده این است که هر زمانی برای خود نوعی مقابله‌ای را می طلبد. لذا مؤمنین هم از مولایشان باید پیروی نمایند و در این دوران هم مؤمنین و منتظرین واقعی امام زمان (ع) بدون امکان اقدام نمی کند و درگیری‌ها را بالا نمی برند و طعمه دشمن مشترک نمی شوند و نبود امکان را عذر نمی دانند که امکانات را می سازد و نیازها را تامین می کند. لذا می داند که در هر موقعیت چگونه باید موضع بگیرد و چگونه باید حق را از راه حق و به خاطر حق یاری کند و در عین حال مواظب این مهم هم هست که حق را طعمه باطل نکند. که باید حق آن گونه مطرح شود که باطل بهره نگیرد و باطل به طرزی کوبیده شود که حق بهره مند گردد.^۲

^۱ - وسائل الشیعه، کتاب جهاد، صفحه ۴۶۴

^۲ - تقیه، علی صفایی هایدی، صفحه ۱۶

باز آ که دل هنوز به یاد تو دلبر است

جان از دریچه نظرم چشم بر در است

باز آ دگر که سایه دیوار انتظار

سوزنده تر ز تابش خورشید محشر است

باز آ که باز مردم چشمم ز درد هجر

در موج خیز اشک چو کشتی شناور است

باز آ که از فراق تو ای غائب از نظر

دامن ز خون دیده چو دریای گوهر است

ای صبح مهر بخش دل از مشرق امید

بنمای رخ که طالعم از شب سیه تر است

زد نقش مهر روی تو بر دل چنان که اشک

آئینه دار چهره ات ای ماه منظر است

ای رفته از برابر یاران مشفقت

رویت به هر چه می نگرم در برابر است

احترام نمودن به نزدیکان و منسوبان امام زمان (ع)

احترام و دوست داشتن افرادی که به امام زمان (ع) منسوب می‌باشند و یا از نزدیکان او محسوب می‌شوند، از دیگر وظایف شیعیان و منتظران می‌باشد. احترام و گرامیداشت آنان، احترام به حضرت ولیعصر (عج) است. خواه این افراد نزدیکی خویشاوندی آنها جسمانی باشد و خواه روحانی مانند: سادات علوی و علمای دینی و برادران ایمانی باشد.

ائمه معصومین (ع) در تعدادی از احادیث که از ایشان روایت شده است به این وظیفه مؤمنین اشاره نموده‌اند. این وظیفه اختصاص به یک زمان و دوران خاصی مانند دوران غیبت ندارد بلکه وظیفه همه مؤمنین در همه برهه‌های زمانی است.

علامه حلی (ره) در آخر کتاب «قواعد الاحکام» به فرزندش چنین می‌فرمایند: «بر تو باد به صله ذریه طاهره علویه، بدرستی که خداوند تاکید فرموده و سفارش درباره آنها و دوستی ایشان را اجر رسالت و ارشاد حضرت رسول اکرم (ص) قرار داده است و در قرآن مجید فرموده است:

«قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛

بگو ای پیامبر! برای ارشاد و رسالتم، مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی بستگانم را.^۱

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنِّي شَافِعُ الْقِيَامَةَ لِأَرْبَعَةٍ أَصْنَافٍ وَ لَوْ جَاءُوا بِذُنُوبٍ أَهْلِ الدُّنْيَا رَجُلٌ نَصَرَ ذُرِّيَّتِي وَ رَجُلٌ بَدَلَ مَالَهُ لِذُرِّيَّتِي عِنْدَ الْمَضِيقِ وَ رَجُلٌ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَ بِالْقَلْبِ وَ رَجُلٌ يَسْعَى فِي حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا أَوْ شُرِّدُوا؛

من شفاعت می‌کنم چهار طایفه را هر چند با گناه اهل دنیا باشند:

- ۱- مردی که ذریه مرا یاری کرده باشد.
- ۲- کسی که در موقع شدت به آنها مالی داده باشد.
- ۳- کسی که ذریه مرا به زبان و دل دوست داشته باشد.
- ۴- کسی که در انجام حوائج ایشان در وقتی که گرفتار دشمن و رانده و آواره شده‌اند سعی کرده باشد.»

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: « چون روز قیامت برپا می‌شود، منادی ندا می‌کند:

ای مردم! ساکت شوید به درستی که محمد (ص) می‌خواهد با شما سخن بگوید. پس همه ساکت می‌شوند. آن حضرت می‌ایستند و می‌فرماید: ای مردم! هر کس خدمتی برای من انجام داده یا منتی بر من دارد یا خیری به من رسانیده، بر خیزد تا آن را تلافی کنم.

۱- قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۲۲

پس گویند: پدران و مادران ما به فدای تو باد ای رسول خدا، کدام خدمت و کدام منت؟ کدام خیر نزد ما است؟ بلکه منت و نعمت و خیر خدا و رسولش بر جمیع خلق است.

پس حضرت محمد مصطفی (ص) می فرمایند: بلی، هر کس جای داده و در رگرفته یکی از ذرّیه مرا، یا به ایشان نیکی نموده است، یا ایشان را پوشانیده، یا ایشان را سیر نموده است، برخیزد تا آن را تلافی کنم.

جمعی که این اعمال از آنان سر زده است بر می خیزند، پس ندا می رسد: ای حبیب خدا، محمد (ص) تلافی اعمال آنها را به دست تو قرار دادیم. هر جای ز بهشت را می خواهی، آنها را جای بده. پس آن حضرت ایشان را در وسیله، که قامی است در بهشت در همسایگی محمد (ص)، به طوری که بین ایشان و حضرت حجابی نیست، جای می دهد.^۱

قدری تامل و درنگ در روابط بین مردم، این نکته را به خوبی در می یابیم که احترام به نزدیکان و خویشان کسانی که بی واسطه یا با واسطه به شخص منصوب است، در واقع امر احترام به خود آن شخص محسوب می شود. از این رو شناخت دیگران و منسوبین امام زمان (ع) و تکریم و احترام آنان به نوبه خود، نشانگر احترام به خود آن بزرگوار می باشد و خدای نا کرده هرگونه هتک حرمت و یا احترامی به آنان، در واقع بی احترامی و هتک حرمت امام زمان (ع) بوده و ترام می باشد.

امام موسی کاظم (ع) می فرمایند: «کسی که نمی تواند ما را زیارت نماید، پیروان صالح ما را دیدار نماید، که ثواب زیارت ما برای او نوشته می شود و هر کس

نمی‌تواند ما را صله کند، پس نیکان و پیرو ما را صله نماید، برای او ثواب صله ما نوشته می‌شود.^۱

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «کسی از شما نپندارد که چنانچه مؤمنی را شاد و مسرور نماید، تنها او را شاد مان کرده است، بلکه والله ما را خوشحال ساخته است، بلکه سوگند به خدا، رسول خدا (ص) را مسرور و خوشحال نموده است.^۲» احترام به نزدیکان و منسوبان امام عصر (عج) می‌تواند ابعاد مختلف داشته باشد و آن می‌تواند به صورت‌های مختلفی انجام بگیرد. برای مثال در موقع ضرورت و شدت یاری کردن آنها، کمک مالی نمودن به آنها، تامین نیازهای عاطفی و مادی آنان، دوست داشتن آنان در دل و زبان و دیدار و صله ارحام از آنان و...

امام صادق (ع) در مورد نحوه این کار چنین می‌فرماید: «صله آل محمد (ص) را از اموالتان وا مگذارید، هر کس غنی است به مقدار مکنشش و هر کس فقیر است به مقدار فقرش، پس هر کس می‌خواهد خداوند مهمترین حاجت او را نسبت به او بر آورد، باید که آل محمد (ص) و شیعیانشان را به آن چه از همه بیشتر به آن نیاز دارند صله نماید.^۳»

احترام به نزدیکان آن حضرت می‌تواند از طریق رفع شبهات و سوالات دینی آنها باشد. چرا که این کار، باعث هدایت و سعادت و رهایی از چنگال فنا و نیستی فردی از افرادی که از منسوبین آن حضرت می‌باشد، می‌شود.

^۱ - کامل الزیارات، باب ۱۰۵، صفحه ۳۱۹

^۲ - اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۸۹

^۳ - وظایف منتظران در دوران غیبت، به نقل از بشارة المصطفی، صفحه ۶

امام حسین (ع) می‌فرمایند: «هر کس یکی از یتیمان ما که به خاطر اینکه دوست داشته‌ایم مخفی بمانیم از ما جدا گردیده را کفالت کند، و از علوم ما که بدستش افتاده به او برساند تا این که هدایتش نماید، خدای تعالی به او می‌فرماید:

«ای بنده کریم مواسات کننده، من به این کرم سزاوارترم، ای فرشتگان من، در بهشت برای او به شماره حرفی که تعلیم نموده است، یک میلیون کاخ قرار دهید و آن چه شایسته آن کاخ هاست از سایر نعمت‌ها بر او بیفزایید.»^۱

لذا شیعیان و منتظران که از دیدار روی مولای خودشان بی‌نصیب هستند و نمی‌توانند به طور مستقیم به حضور آن جناب برسند و دوستی و علاقه خویش را به ایشان نشان دهند، هر چند آن حضرت از همه چیز آگاه می‌باشند و نظاره‌گر اعمال و رفتار ما هستند، اما می‌توانند با احترام به منسوبین ایشان، و اگر متوجه نیازهای آنها شدند در حد توان نیازهای آنان را رفع نمایند و حاجات آنها را در حد توانایی و وسع خویش برآورده سازند و تامین نمایند و در مواقعی که مورد حمله و هجوم دشمنان قرار گرفتند آنها را یاری نمایند و در مواقع آوارگی و گرفتاری آنها را پناه دهند و صله و نیکی را فراموش نکرده و همیشه از احوالات و اوضاع آنان باخبر شوند، در این صورت است که در حقیقت توانسته‌اند امام زمان (ع) را احترام نمایند و او را یاری کنند. چرا که تکریم منسوبین ایشان در حقیقت تکریم خود آن حضرت می‌باشد. از خداوند می‌خواهیم که ما را در احترام و تکریم منسوبین امام زمان (ع) یاری نماید و ما را در این را موفق گرداند.

ای پادشه خوبان داد از غم و تنهائی

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آئی

ای درد تو توام درمان در بستر ناکامی

وی یاد توام مونس در گوشه تنهائی

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد

کز دست بخواهد شد پایان شکیبائی

دائم گل این بستان شاداب نمی ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانائی

صد باد صبا اینجا بی سلسله می رقصند

این است حریف ای دل تا باد نه پیمائی

در دائره قسمت ما نقطه پرگاریم

لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمائی

فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست

کفر است در این مذهب خود بینی و خودرانی

یارب به که بتوان گفت ای نکته که در عالم

رخساره به کس ننمود آن شاهد هرجائی

دیشب گله زلفت با باد صبا گفتم

گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودائی

ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست

شمشاد خرامان کن تا باغ بیارائی

زین دائره مینا خونین جگرم، می ده

تا حل کنم این مشکل زان ساغر مینائی

حافظ شب هجران شد بوی خوش صبح آمد

شادیت مبارک باد ای عاشق شیدائی

تهذیب و خودسازی نفس در دوران غیبت

تهذیب و خودسازی نفس یکی از مسائلی است که یک منتظر و مؤمن واقعی باید به آن توجه کامل نموده و بدان عمل کند. نه تنها در این دوران بلکه در همه زمانها انسان مؤمن باید به خودسازی و تهذیب نفس خویش پردازد. تهذیب نفس از اهمیت والایی برخوردار است. خداوند متعال پس از آنکه یازده قسم یاد می‌کند می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا • وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛

هر کس نفس خود را تزکیه کند به یقین رستگار شده و نومید و محروم گشت آن کسی که نفس خود را به گناه آلوده ساخت.»

یکی از الزامات رسیدن به رستگاری و کمال حقیقی که بر هر انسان مسلمانی واجب و ضروری است، پاکسازی روح و جان از صفات رذیله و جایگزین نمودن صفات نیکو و پسندیده است. لذا چون دوران انتظار، دوران آمادگی است، فرد مؤمن و منتظر برای اینکه در شمار یاران امام زمان (ع) به حساب بیاید و در صف آنان قرار گیرد، باید شایستگی‌های لازم را در خود فراهم آورد. بایستی مبالغاتی‌ها و

آلودگی به گناهان نمی‌توان خود را شیعه نامید چه برسد به اینکه انسان خود را از شیعیان و منتظران امام زمان (ع) بداند.

تهذیب نفس و آراستگی آن به صفات نیکو عامل موثر در نزدیکی به ائمه معصومین (ع) می‌باشد. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «شما جز با پرهیزکاری به ولایت ما نایل نمی‌شوید» و همچنین می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد از یاوران قائم (عج) باشد، باید در حال انتظار، پرهیزکار باشد و به خصلت‌های نیکوی اخلاقی رفتار نماید. پس چنان چه در حالی که منتظر باشد و بمیرد، و پس از مردنش قائم (عج) بپا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید. گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند.»^۱

چنان که از حدیث بالا بر می‌آید پرهیزکاری و انتظار در کنار هم، شرط یاری امام زمان (ع) قرار داده شده است. (مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ.)
بنابراین پاکسازی درون از صفات پلید و زیور دادن آن بوسیله اخلاق نیکو و پسندیده، یکی از وظایف شیعیان و منتظران در دوران غیبت می‌باشد.

یکی از روش‌های مزین شدن به اخلاق پسندیده، عمل نمودن بر اساس پرهیزکاری است. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْرِفَ أَصْحَابِي، نَظِرْ إِلَيَّ مِنْ أَشْتَدِّ وَرَعٍ، وَ خَافَ خَالِقَهُ، وَ رَجَا ثَوَابَهُ، فَإِذَا رَأَيْتَ هَوْلًا، فَهَوْلَاءِ أَصْحَابِي؛

^۱ - (بهار الانوار، جلد ۵۶، صفحه ۱۴۰)

وقتی که خواستی اصحاب ما را بشناسی، نگاه کن هر کس ورع و تقوایش بیشتر است، از خداوند بیشتر می ترسد، و امید به بهره الهی دارد، وقتی آنها را دیدی پس آنها اصحاب و یاران من هستند.^۱»

و نیز می فرمایند: «شیعیان ما اهل هدایت، اهل تقوی، اهل خیر و اهل ایمان و اهل گشایش و پیروزیند.»

حضرت ولیعصر (عج) در توقیعی که به شیخ مفید (ره) صادر نموده اند، بزرگترین عامل جدایی خویش از شیعیان را چنین بیان نموده اند:

«پس تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می دارد، همانا چیزهایی ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد. و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود.^۲»

خودسازی و تهذیب نفس از اموری است که به آن خیلی تاکید و سفارش شده است. امام علی (ع) در مورد مراحل خودسازی چنین می فرمایند:

«مردم! از آنچه خداوند بیان داشته است بهره بگیرید، و از پند و اندرزهای خدا پند بپذیرید، نصیحت های او را قبول کنید، زیرا خداوند با دلیل های روشن، راه عذر را به شما بسته و حجت را بر شما تمام کرده است. و اعمالی که دوست دارد بیان فرموده و از آن چه کراهت دارد معرفی کرده است. تا از خوبی ها پیروی کنید و از بدی ها دوری گزینید. همانا رسول خدا (ص) همواره می فرمود:

«إِنَّ الْجَنَّةَ خُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ النَّارَ خُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ؛

گرداگرد بهشت در دشواری ها و گرداگرد آتش جهنم را هوس ها و شهوت ها فرا گرفته است.^۳»

^۱ - نقش اهل بیت در قیامت، صفحه ۷۷

^۲ - مختل المکاره، جلد ۲، صفحه ۱۳۹

^۳ - نهج البلاغه، قطب ۱۷۶

خودسازی و تهذیب نفس در دوران غیبت از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شیعیان و منتظران امام زمان (ع) در این دوران بیشتر باید در این عمل بکوشند. امام زمان (ع) در دوران غیبت همه شیعیان و منتظران ظهورش را به انجام اعمال نیکو و پسندیده و دوری از اعمال بد و ناپسند سفارش کرده و می‌فرمایند:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ؛

پس هر یک از شما باید آن چه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند. زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای ما سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.^۱»

از این رو یکی از دلایل تاخیر در زمان فرج حضرت، که خود نیز در توقیعی که به مرحوم شیخ مفید (ره) صادر کرده‌اند و بدان اشاره نموده‌اند، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان سر می‌زند می‌باشد. حضرت می‌فرمایند:

«...فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، وَ لَا نَوْثِرُهُ مِنْهُمْ؛

تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از جانب ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود.»

یک شیعه و منتظر واقعی تمام رفتار و اعمال خود را برای خشنودی و رضایت خداوند متعال و ائمه اطهار (ع) انجام می‌دهد و تلاش می‌کند تا موجبات

^۱ - امتحان طبرسی، جلد ۲، صفحه ۵۹۹

خشنودی آنان را فراهم سازد. شیعه و منتظر امام زمان (ع) بهتر میدانند که آن بزرگوار از انجام دادن کدام اعمال راضی و خشنود می‌شود و از کدام محرمات و گناهان دوری گزینند تا ولی نعمت خویش را ناراضی و رنجیده خاطر نسازد.

رضایت و خرسندی امام عصر (عج) در چیزی جز قرآن و روایات معصومین (ع) که بدان امر شده، در چیز دیگری نیست. به عبارت دیگر یک شیعه منتظر اگر به همه تکالیف و وظایفی که در کتاب خدا و گفتار و سفارشات ائمه عمل نماید و از اعمال و محرمات و گناهانی که در قرآن و کلام معصومین (ع) از آنها نهی شده است، دوری نماید، او توانسته است رضایت و خشنودی حضرتش را بدست آورد و در گروه یاران خاص ایشان قرار بگیرد. از آنجا که هدف ائمه (ع) دعوت و راهنمایی انسانها به سوی خوبی‌ها و سعادت ابدی انسان که در گرو اعمال نیک و خداپسندانه است بوده، و همه انبیاء و رسولان الهی نیز برای این هدف مبعوث شده‌اند، و از طرفی چون حضرت مهدی (عج) نیز ادامه دهنده راه انبیاء و اوصیای و جاری کننده احکام قرآن و خداوند متعال بر روی زمین می‌باشند و این امر را به حول و قوه الهی محقق خواهند نمود می‌توان فهمید که چه باید کرد تا موجبات رضایت آن بزرگوار را بدست آورد و سعادت ابدی را برای خویش فراهم ساخت و از طرفی دیگر از چه اعمالی دوری و اجتناب نمود که از آنها نهی شده و حضرت انتظار انجام دادن آنها را از شیعیان و پیروان خویش ندارد.

ذکر این نکته لازم و بجاست که حضرت در احادیث و زیارات و دعاهایی که در طول دوران غیبت صغری و پس از آن در دوران غیبت کبری (بصورت توقیع و یا صورت‌های دیگر) به صراحت تمام آن چه که موجب خرسندی و یا ناخرسندی ایشان می‌گردد، بیان نموده‌اند. به عنوان نمونه در دعای معروفی که در مفاتیح الجنان موجود می‌باشد همه آن چه را که شایسته است تا شیعیان و

منتظرانش خود را بدان آراسته و یا از آن پیراسته سازند در قالب درخواست از خداوند متعال بیان کرده است و به صورت غیر مستقیم فهمانده است که به عنوان حجت خداوند در روی زمین چه اعمالی را از منتظرانش انتظار دارد و چگونه منتظری را برای خود می‌پسندد.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْإِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ أَسْنِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ اَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بُطُونَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ الشُّبُهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْتَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسْتُدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغَيْبَةِ؛

بار خدایا ما را توفیق طاعت و دوری از معصیت روزی گردان و نیت باخلوص حقیقت و معرفت به آن چه نزد تو محترم است عطا فرما و ما را به هدایت و استقامت کرامت فرما و زبان ما را به صدق و صواب و سخن حکمت گویا ساز و دل ما را از علم و معرفت پر گردان و شکم ما را از غذای حرام پاک بدار و دست ما را از ظلم و سرقت و دزدی باز دار و چشم ما را از نابکاری و خیانت پوشان و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت بندگانت مسدود گردان.

در ادامه این دعا حضرت صفات و ویژگی‌هایی را که شایسته عالمان، پیران و جوانان و حکمرانان و... است، چنین بر می‌شمارند:

«وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَلَمَانِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجَهْدِ وَ الرَّعْبَةِ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةَ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةَ وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةَ وَ عَلَيَّ مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةَ وَ عَلَيَّ

النُّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ وَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضِعِ وَالسَّعَةِ وَ عَلَى
 الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ وَ عَلَى الْغُزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَةِ وَ عَلَى
 الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ وَ عَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ وَ عَلَى
 الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السَّيْرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي
 الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ
 رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحْمِينَ؛

و بر علما و دانشمندان ما به زهد و حسن عمل و بر دانش طلبان به جدیت و شوق
 و رغبت تفضل فرما و بر مسلمین به پیروی و پند شنیدن و بر بیماران اسلام به شفاء
 و آسایش و بر اموات اسلام به رأفت و مهربانی ترحم فرما و بر پیران ما به وقار و
 متانت و بر جوانان به توبه و انابت و بر زنان به حیا و عفت و بر اغنیاء به تواضع و
 علو همت و بر فقراء به صبر و قناعت و بر سپاهیان به فتح و نصرت و بر اسیران به
 آزادی و استراحت و بر فرمانداران به عدل و شفقت و بر رعیت به انصاف و حسن
 سیرت تفضل فرما و حاجیان و زوَّاران اسلام را به توشه و مخارجشان برکت عطا
 فرما و حج و عمره‌ای که بر ذمه آنان فرض کردی ادا فرما به فضل و رحمت ای
 مهربانترین مهربانان.»

تقوا و پرهیزکاری عامل خودسازی و تهذیب نفس

بر اساس فرهنگ اسلامی و منطق قرآنی، ملاک شرافت و برتری آدمی، پروای
 الهی است که از آن به عنوان تقوا تعبیر شده است. تقوا سکوی پرواز به سوی

کمال و رمز تکامل است. رسول اکرم (ص) نیز ملاک برتری را تقوا معرفی نموده و فرموده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ».

تقوا نیروی بازدارنده‌ای است که انسان را بر وسوسه‌ها و جاذبه‌هایی که همراه گناه و اعمال زشت می‌باشد، بازداشته و بر آن‌ها غلبه می‌نماید و انسان را آماده برای مقابله با سختی‌ها و رنج‌ها می‌سازد و هر کس آن را در خود تقویت سازد، نیروی مقاومتش در مقابل گناه بیشتر می‌شود.

تقوا آرم و نشان بندگی است. و بی‌تقوایی ساده‌ترین مظهر بی‌بندباری و پاره کردن طوق عبودیت از گردن انسان است. تقوا یعنی ترک گناه با انگیزه ترس از خدا و متقی به خاطر ترس و خوف الهی هیچگاه به گناه نزدیک نمی‌شود. تقوی نقطه اتصال شیعه به اهل بیت (ع) است و نشانه با افتخار تشیع تقوی الهی است. از روایات اهل بیت (ع) نیز به خوبی مشخص است که آنهایی که در صحنه‌های مختلف زندگی به بی‌تقوایی مرتکب شوند، نباید خود را شیعه بنامند. بهترین توشه برای آخرت تقوا است.

مفضل بن عمر از امام جعفر صادق (ع) روایت می‌کند که فرمودند: «عمل کم که همراه تقوا باشد از عمل زیاد که بدون تقوا باشد بهتر است».

و در جایی دیگر ولید بن عباس از امام صادق (ع) روایت می‌کند که فرمود: «گوهر مرد و بزرگی او اعمال او می‌باشد و شرافت و ارجمندی او دارایی اوست و کرامت و بزرگواری او تقوای اوست»^۱.

امام علی (ع) ضمن توصیه به تقوا، آن را چنین معرفی می‌کند و می‌فرماید:

^۱ - جهاد با نفس، مؤعاملی، صفحه ۱۰۵

«فَاعْتَصِمُوا بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّ لَهَا حَبْلاً وَثِيقاً عُرْوَتَهُ، وَ مَعْقِلاً مَنِيعاً ذُرْوَتَهُ؛

پس به تقوا و ترس از خدا، روی آورید، که رشته آن استوار، و دستگیره آن محکم، و قله بلند پناهگاهی مطمئن می باشد.^۱»

و در جایی دیگر می فرماید: «همانا تقوای و ترس از خدا، داروی بیماری دل‌ها، روشنایی قلب‌ها، و درمان دردهای بدن‌ها، مرهم زخم جان‌ها، پاک کننده پلیدی‌های ارواح، روشنی بخش تاریکی چشم و امنیت در ناآرامی‌ها و روشن کننده تاریکی‌های شماست.

کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور گردند، تلخی‌ها شیرین و فشار مشکلات و نارحتی‌ها برطرف خواهند شد و مشکلات پیایی و خسته کننده، آسان گردیده و مجد و بزرگی از دست رفته چون قطرات باران بر او فرو می بارند، رحمت بازداشته حق باز می گردد، و نعمت‌های الهی پس از فرو نشستن به جوشش می آیند، و برکات تقلیل یافته فزونی گیرند.»

معنی واقعی تقوا چیست؟

کلمه تقوا از ریشه وقی که زیباترین و اصیل ترین مفهوم را دارد می باشد. معنای کلمه وقی خود نگهداری و پروا پیشگی، و حفظ تمام موجودیت خویش در برابر محرّمات و نواهی الهیه است.

^۱ - نهج البلاغه، قطبه ۱۹۰

وقتی در حقیقت روحیه و قدرت و قوت و نیرویی است که از طریق تمرین ترک گناه، و ریاضت و ضبط نفس در برابر معصیت و لذت‌های حرام بدست آورد. در میان اعمال پسندیده قدم برداشتن برای تحصیل تقوای الهی، کسب روحیه دوری نمودن از گناه بهترین قدم در بین اعمال از پسندیده‌ترین اعمال است. تحصیل تقوا عبادت است و در عین حال موجب خشنودی خداوند متعال می‌گردد و لذا هر عمل و عبادتی که در آن تقوا نباشد و آن عبادت نیست. تقوا اساس کرامت، خمیرمایه سعادت و کلید خیر دنیا و آخرت، و ریشه شرافت است.

آبروی هر فرد و جامعه‌ای به تقوای الهی است و هیچ کس نزد خداوند، با ارزش‌تر از اهل تقوا نیست.

خداوند تبارک و تعالی لباس تقوا را بهترین لباس و پوشش برای انسانها، زاد تقوا را بهترین زاد و توشه برای سفر آخرت، بنیان تقوی را بهترین بنیان و اساس برای بنای مساجد (که شریف‌ترین قطعه‌های زمین هستند) برشمرد، تا خاطر نشان ساخت که بدون تقوا، عیوب انسان مستور نمی‌ماند، ایمنی در سفر خطیر آخرت حاصل نمی‌گردد. خلاصه تقوا اساسی‌ترین ثمره ایمان، اصولی‌ترین معیار کرامت، و شاخص‌ترین شرط سعادت و رستگاری است. در سایه تقوی است که معجزه همیشگی خدا (قران) هدایت می‌افریند. به مدد تقوی است که بندگان خدا بصیرت می‌یابند و با یادآوری عنایت‌های او از دام ضلالت‌های شیطانی نجات پیدا می‌کنند.

در پرتو تقوی است که عزیمت و استواری در اراده و کارهای انسان پدید می‌آید. اهمیت تقوا در حدی است که آفرینش انسان‌ها به انگیزه تقوا پیشگی آنان صورت می‌گیرد. جایگاه تقوی آن چنان بالاست که راز وجوب احکامی انسان ساز همچون روزه، رمز لزوم اجرای حدودی حیات آفرین همچون قصاص،

حکمت ضرورت آموزه‌های سرنوشت‌ساز همچون نועدوستی و خیرخواهی، رویکرد فردی و اجتماعی انسان‌ها به تقوی شمرده شده است. محبت و دوستی خداوند ارزانی کسانی شمرده شده است که با تقوی زندگی می‌کنند. ولایت و سرپرستی خدا نصیب کسانی گشت که تقوی الهی پیشه می‌کند. با پرهیزکاری و تقوی است که صابران به مقام رفیع محسنین دست می‌یابند. با رعایت تقوی پیشگی است که مبتلایان و بیچارگان به رهایی و راه ثبات رهنمون می‌شوند و خداوند خود اهل تقوی است و دل‌های مؤمنین را به تقوی می‌آزماید و تنها از تقوی پیشگان است که طاعت می‌پذیرد.

انواع و اقسام تقوی

امام جعفر صادق (ع) فرمودند: تقوا بر سه گونه است:

- ۱- تقوای خدا و برای خدا، و آن عبارت است از ترک هر حلالی تا چه رسد به شبهه، و این تقوای خاص الخاص است. (منظور از ترک حلال در کلام امام جعفر صادق (ع) به این معناست که صاحبان این تقوا، بسیاری از اموری که حلال است به دنبالش نمی‌روند، زیرا به آنها احساس نیاز نمی‌کنند و در حلالی که به آن نیازمندند، کمال قناعت را رعایت می‌کنند.)
- ۲- تقوای از خدا و آن عبارت است از ترک شبهات تا چه رسد به حرام، و این تقوای خاصان است.
- ۳- تقوای از ترس آتش و عذاب، و آن عبارت است از ترک حرام، و این تقوای عامه مردم است.

تقوای دو مرحله اول در شان انبیاء و امامان و اولیاء خاص خداوند است و کسی از مردم عامه توان آن را ندارند و از قدرت آنان خارج می‌باشد. اما مرحله سوم برای عامه مردم می‌باشد. لذا علاوه بر اینکه خود را باید به این صفت الهی مزین کنند، برعموم آنها واجب است که همدیگر را نیز به تقوای الهی دعوت کنند و توصیه به پرهیز از انجام هر گونه محرمات و ترک شوات نمایند. و برعموم است که در این راه در هر عرصه‌ای که هستند تلاش کنند. به عنوان مثال: پدر که سرپرست خانه است باید تقوا را در بین فرزندان و افراد خانواده خویش تعلیم و توصیه کند و آنان را به سوی آن سوق دهد که اگر کانون خانواده از بنیان سالم و پاک باشد و اگر تمام خانه‌ها اساسش تقوا باشد، در اینصورت جامعه‌ای که از به هم پیوستن تک تک خانواده‌ها به وجود می‌آید، جامعه‌ای سالم و توأم با تقوای الهی خواهد بود.

امام جعفر صادق (ع) در ادامه حدیث در مورد تقوا چنین می‌فرماید:

«تقوا چون آبی است که در نهر روان است و طبقات سه گانه که بدان اشاره شد، مانند درختانی است که بر کنار این نهر کاشته شده‌اند و هر یک رنگ و جنس خاص دارند. هر یک از آنها به قدر ظرفیت و گوهر و طعم میوه و لطافت و فشردگی، از آن بهره می‌جوید. سودی نیز که خلایق از این درخت‌ها می‌برند، بسته به ارزش و بهای درختان است. (و پرهیزکاران مانند درختان به حسب تقوا و نفس‌گشی به مرتبه‌ای از مراتب عالیه دست یابند.)

خداوند متعال می‌فرماید: «صِفْوَانٌ وَ غَیْرِ صِفْوَانٍ یُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ تَفْضُلٌ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ فِی الْأُكُلِ؛

... و زمینی برای نخلستان، آن هم نخل‌های گوناگون (قابل است) و با آن که همه آنها از یک آب مشروب می‌شوند، اما بعضی را برای خوردن برتری دادیم...^۱

پس تقوا نسبت به عبادت، چون آب است برای درختان، و طبیعت درختان و میوه‌هایشان در رنگ و طعم، درجات ایمان را می‌ماند. پس کسی که بالاترین درجه ایمان را دارا باشد و روحش صفا یافته باشد، با تقواتر است و کسی که با تقواتر باشد، عبادتش خالص‌تر و پاک‌تر است و کسی که چنین باشد، به خدا نزدیکتر است، و هر عبادتی که بر غیر تقوا بنا شده باشد، دستخوش گردباد تباهی و فنا خواهد شد. همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

«أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ لَدُنِ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانَّهَارٍ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ؟»

آیا کسی که کار خویش را بر تقوا تاسیس کرده است و رضای حق را طالب است بهتر است یا کسی که بنایی سازد بر پایه سستی در کنار سیل که زود به ویرانی کشد و عاقبت آن بنا، از پایه بر آتش دوزخ افتد؟^۲

و معنای تقوا این است که به سوی آن چه که خطری در آن نیست نرود تا بدانچه که مخاطره‌آمیز است، نزدیک نشود.

تقوا در حقیقت طاعتی است بدون عصیان، و یادی است بدون فراموشی، و علمی است بدون جهل و مقبولی است که رد نمی‌شود.^۳

^۱ - قرآن کریم، سوره (عد، آیه ۱۴)

^۲ - قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۰۹

^۳ - ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح المقیقه، صفحه ۲۵۳

تقوا و پرهیزکاری در دوران غیبت

همانطوری که گفته شد معیار و اساس برتری در اسلام تقوا و پرهیزکاری و دوری از گناهان معرفی شده است و این معیار در همه دوران زندگی امری و قاعده‌ای صادق می‌باشد. در دوران غیبت نیز نه تنها این امر حاکم است بلکه از اهمیت خاصی برخوردار است. چنان که یکی از وظایف و تکالیف منتظران حضرت مهدی (عج) تهذیب و پاکسازی نفس که جز با تقوا میسر نیست، می‌باشد. انتظار فرج و منتظر ظهور بودن حضرت ولیعصر (عج) که با فضیلت‌ترین اعمال در دوران غیبت می‌باشد و از آنان (منتظران فرج) با عنوان جهادگران و پیکارکنندگان در پیشاپیش رسول خدا (ص) با دشمن و کسی که در راه خدا به خون خود می‌غلطد و اجر شهید را دارد، یاد می‌شود. و آن به عنوان کرامت مؤمنین به شمار می‌آید، هرگز خارج از مدار تقوا و پرهیزکاری نمی‌باشد.

کسی که از لذت‌های پست دنیوی و شیطانی و کامرانی‌های نفسانی برخوردار است نمی‌تواند جزو یاران و منتظران حضرت قائم (عج) باشد. با بی‌مبالاتی و عدم پرهیز از گناه، نمی‌توان خود را شیعه نامید چه رسد به این که خود را شیعه منتظر دانست و یا خود را یاور امام زمان (ع) خواند. یاران حضرت مهدی (عج) کسانی هستند که نفس‌هایشان عفیف و دامنشان از هرگونه گناه پاک و مبرا است. آنها کسانی هستند که هیچ میلی به دنیا و لذت‌های زودگذر آن و کامرانی‌های نفسانی و شهواتی خود ندارند، آنها کسانی هستند که دنیا در طلب آنهاست ولی اینان، آهنگ دنیا ندارند و دنیا آهنگ اسارت آنها را دارد، اما آنها با اعراض از دنیا خود را آزاد ساخته‌اند. آنان کسانی هستند که شهوت و امیالشان مرده است و آرزوهایشان کوتاه و اندک می‌باشد.

منتظران در دوران غیبت حضرت حجت (ع) دو صفت انتظار و پرهیزکاری را در یکجا دارا می‌باشند و اینان هستند که یاران امام زمان (ع) را تشکیل می‌دهند چنان که امام جعفر صادق (ع) دو صفت انتظار و پرهیزکاری را در کنار هم شرط یاری آن بزرگوار قرار داده و فرموده‌اند:

«مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»

هر کس شادمان می‌شود به اینکه از یاوران قائم (ع) باشد، پس انتظار بورزد و بر اساس تقوا و خوش خلقی رفتار نماید، در حالی که منتظر می‌باشد.

لذا یاران حضرت کسانی هستند که از انجام گناه، هر چند جزئی و کوچک، ترس و واهمه دارند و از آن دوری می‌گزینند و با این حال در میدان کار به فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند و پرسوز و گداز و پرتوان مسئولیت‌هایی را در اجتماع برعهده می‌گیرند و در عین حال مواظب و مراقب هستند که مبادا در گناه گرفتار آیند و یا قدم در محدوده گناه و نارضایتی خداوند بنهند، چرا که آنان از اسم گناه می‌ترسند و چه رسد به خود گناه.

مولای متقیان امام علی (ع) می‌فرمایند: «آگاه باشید که گناهان اسبان سرکشی هستند که گناهکاران بر آنها بار شده‌اند و دهنه این اسب‌ها رها شده، پس آن اسبان سرکش سواران خود را در آتش سرنگون می‌کنند.

و آگاه باشید که تقوا مرکبی رام را می‌ماند که اهل تقوا بر آن سوار گشته و مهار مرکب‌ها را به دست خود گرفته‌اند و مرکب‌ها آنان را به بهشت وارد می‌کنند حضرت سپس ضمن توصیه به تقوا می‌فرمایند:

«اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَ إِنَّ قَلَّ وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَ إِنَّ رَقًّا»

تقوای خدا را پیشه کن، تقوایی اگر چه کم، و بین خود و خدایت پرده‌ای قرار ده
اگر چه نازک باشد.^۱

لذا منتظرین واقعی امام زمان (ع) کسانی هستند که اهل تقوای الهی باشند و از
تمامی صوصیات پرهیزکاران برخوردارند و به تمامی صفات نیک مزین شده‌اند و
از خصوصیات آنها صبر در مقابل حوادث، رعایت آداب و سنن اسلامی در همه
امور، و ملازمت ذکر، و مداومت فکر همراه با اخلاص ثبت و صفای باطن و
مراقبت نفس می‌باشد تا با پیمودن این راه، به علم الیقین و از علم الیقین به عین
الیقین و سپس به حق الیقین برسند.

^۱ - جهاد با نفس، علامه مرعاشی (ه)، صفحه ۱۰۷

برخورداری از اخلاق نیکو و شایسته

کسانی که خود را منتظر امر حضرت حجت (ع) می‌دانند باید ائمه معصومین (ع) را به عنوان الگو و اسوه خویش بپذیرند و به آنان اقتدا و تاسی کنند و از روش و سیره عملی آنها پیروی کنند. این عمل بطور مکررات از جانب ائمه معصومین (ع) به پیروانشان تاکید شده است. ایشان نه تنها اقتدا و تاسی را سفارش نموده اند بلکه روش اقتدا و این که به چه افرادی تاسی کنند را نیز مشخص و معین نموده اند. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

«لَا يَصِحُّ الْأَقْتِدَاءُ إِلَّا بِصِحَّةِ قِسْمَةِ الْأَرْوَاحِ فِي الْأَزَلِ وَامْتِزَاجِ نُورِ الْوَقْتِ بِنُورِ الْأَوَّلِ، وَ لَيْسَ الْأَقْتِدَاءُ بِالْتَّرَسُّمِ بِحَرَكَاتِ الظَّاهِرِ وَالتَّنَسُّبِ إِلَى أَوْلِيَاءِ الدِّينِ مِنَ الْحُكَمَاءِ وَ الْأَئِمَّةِ؛

شاید اقتدا کردن به هر کسی، بلکه درستی اقتدا باید بر مبنای معیارهای الهی که از سوی او مقرر شده است باشد. اقتدا به این نیست که انسان در اعمال و حرکات ظاهری از کسی تقلید کند یا خود را به اولیاء و ائمه دین نسبت دهد. خداوند

متعال می‌فرماید: «يَوْمَ تَدْعُوا كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ؛

آن روزی که همه مردم را به امامشان بخوانیم. یعنی هر آن کسی که به صاحب حق اقتدا کرده باشد، رستگار است.^۱

باز در جایی دیگر می‌فرماید:

«فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ»^۲

چون در صور دمیده شود، نه پیوند خویشی می‌ماند و نه می‌توانند از یکدیگر کمک بخواهند و طریقی بهتر از اقتدا برای مومنان زیرک نیست. چه این روشن راه و درست‌ترین مقصد است. خداوند عزوجل خطاب به عزیزترین آفریدگانش

حضرت محمد (ص) می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ»

آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده، پس به هدایت آنان اقتدا کن.^۳

و نیز می‌فرماید: «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»

پس بر تو وحی کردیم که از دین ابراهیم حق‌گرای پیروی کن.^۴

بنابراین چنان چه دین خداوند متعال را مسلکی درست‌تر از این (اقتدا) می‌بود، خداوند پیامبران و اولیایش را به سوی آن می‌خواند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«قلب‌ها را نوری است که جز به واسطه پیروی از حق و برگزیدن راه درست، ظاهر نشوند و آن، نور پیامبران است که در قلوب مؤمنان به ودیعت نهاده شده است.»^۵

^۱ - قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۷۱

^۲ - قرآن کریم، سوره مومنون، آیه ۱۰۱

^۳ - قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۹۰

^۴ - قرآن کریم، سوره نمل، آیه ۱۲۳

^۵ - ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح المقیقه، صفحه ۱۷۱

حسن خلق از منظر ائمه (ع)

یکی از مواردی که مؤمنین و منتظرین باید در آن به ائمه اطهار (ع) اقتدا و تاسی کنند، اخلاق و رفتار آنان می باشد. پیامبران و امامان معصوم (ع) مظهر کامل اخلاق ربّانی و آینه تمام نمای آداب الهی می باشند. و کسی که می خواهد هدایت گردد باید در اخلاق و رفتار آنان دقت و تامل نماید و از آنها درس بگیرد. اخلاق نیکو و شایسته نقش بسیار مهمی در زندگانی همه انسانها دارد. در پیروزی پیامبر اکرم (ص) بر کفار و منافقان عوامل زیادی مؤثر بود که مهمترین آنها امداد و تایید الهی بود، ولی با این حال نمی توان از اثر عاملهای دیگر چشم پوشی نمود. یکی از عوامل موفقیت حضرت رسول (ص) جاذبه اخلاقی آن بزرگوار بود. چنان که از صفات اخلاقی و مکارم اخلاق برخوردار بود که دشمنان سر سخت و کینه توز را تحت تاثیر قرار داده و به تسلیم وامتداد او در عین حال دوستان را مجذوب و شیفته خود می ساخت که نمونه های آن زیاد می باشد و به عنوان نمونه به یکی از هزاران مورد اشاره می کنیم:

هنگامی که مشرکان در دست مسلمین گرفتار شدند (در فتح مکه) حضرت بر خلاف تمام محاسبات دوستان و دشمنان، فرمان عفو و آزادی عموم آنها را صادر نمودند و تمام جنایات آنها را به فراموشی سپرده و آنها را بخشیدند. در سایه همین رفتار و اخلاق حضرت رسول (ص) بود که آیه مبارکه « یَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً » تحقق یافت.

کسانی که خود را پیرو دین اسلام و پیامبر اکرم (ص) را به عنوان رسول و فرستاده خدا می دانند و در این زمان خود را منتظر یکی از فرزندان آن

بزرگوار حضرت مهدی (عج) می‌دانند و او را به عنوان تکمیل کننده مکرمت‌های اخلاقی می‌شمارند و حکومت او را حکومت توأم با فضایل اخلاقی می‌دانند، آنان باید از اخلاق و رفتارهایی برخوردار باشند که مورد قبول و پسند آنان باشد. آیا می‌توان کسی که اخلاق زشت و آداب ناپسند دارد، جزو یاران و منتظران حضرت ولیعصر (عج) دانست؟

کسی که خود را از یاران و منتظران امام زمان (ع) می‌داند باید دارای حسن خلق و خوبی پسندیده و نیکو باشد چنان که حضرت رسول (ص) اساس و هدف از مبعوث شدن خویش را تکمیل نمودن فضایل اخلاقی می‌خوانند و می‌فرمایند:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛

من برای این مبعوث شده‌ام که فضایل اخلاقی را تکمیل کنم.^۱»

امام محمد باقر (ع) می‌فرمایند: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا؛ کاملترین مردم از لحاظ ایمان، خوش خلق‌ترین آنهاست.^۲»

امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: چهار چیز در هر کس باشد، ایمان او کامل است و اگر سر تا پایش گناه باشد، نقصی به او نرساند و آن چهار چیز عبادتند از:

«هُوَ الصِّدْقُ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ؛

راستگویی، رد امانت، حیا و حسن خلق است.^۳»

رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ؛

^۱ - مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه ۳۳۳

^۲ - اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۱۵۷

^۳ - اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۱۵۷

بیشتر چیزی که امت مرا به بهشت می برد، تقوای خدا و حسن خلق می باشد.^۱»

امام جعفر صادق (ع) می فرمایند: «**الْبِرُّ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ**

يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ؛

نیکو کاری و حسن خلق خانه ها را آباد می کند و بر عمرها می افزاید.^۲»

و باز می فرمایند: «**إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ يَبْلُغُ بِصَاحِبِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ؛**

حسن خلق صاحبش را به درجه روزه داری که به عبادت پیا می خیزد می رساند.^۳»

و می فرمایند: «**إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ يَمِيتُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تَمِيتُ الشَّمْسُ الْجَلْدَ؛**

خلق نیکو گناه را آب می کند، چنان که خورشید یخ را آب می کند.^۴»

پیامبر اکرم (ص) از اخلاق شایسته و نیکو به عنوان نصف دین یاد نموده و

می فرمایند: «**حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ؛** حسن خلق نصف دین است.^۵»

امام صادق (ع) می فرمایند: «خوی خوش، زیبایی و زیور دنیا و پاکی (از گناهان)

در آخرت است و دین با آن کمال یابد و آن وسیله قرب و نزدیکی به خداست.

این موهبت، جز به اولیاء و برگزیدگان حق، ارزانی نشده است. زیرا خداوند دریغ

دارد از این الطاف خود و حسن خلق را جز نزد حامل نور جمال خویش به

ودیعت نهد، چرا که هر کس خدای خود را بهتر بشناسد، شایسته داشتن این

خصلت است و هیچ کس جز خداوند متعال به حقیقت حسن خلق پی نبرد.»

^۱ - وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۵۰۴

^۲ - اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۱۵۷

^۳ - اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۱۶۱

^۴ - اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۱۵۷

^۵ - فصال شیخ صدوق، صفحه ۷۸

حضرت رسول (ص) می فرمایند: « خَاتَمُ زَمَانِنَا حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْخُلُقُ الْحَسَنُ الْطَفُّ شَيْءٍ فِي الدِّينِ وَ أَثْقَلُ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ، وَ سُوءُ الْخُلُقِ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ، وَ إِنِ ارْتَقَى فِي الدَّرَجَاتِ فَمَصِيرُهُ إِلَى الْهَوَانِ؛

خوی خوش، سرآمد هر چیز در روزگار است. حسن خلق لطیف ترین چیز در دین و سنگین ترین کالا در میزان قیامت است و سوء خلق، عمل و عبادت را تباه می کند همانگونه که سرکه عسل را، هر کس چنین باشد انجام کارش خوار است، اگر چه درجات عالی را دریابد.»

باز می فرمایند: « حُسْنُ الْخُلُقِ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ صَاحِبُهَا مُتَعَلِّقٌ بِغُضْبِهَا يَجْذِبُهُ إِلَيْهَا وَ سُوءُ الْخُلُقِ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ فَصَاحِبُهَا مُتَعَلِّقٌ بِغُضْبِهَا يَجْذِبُهُ إِلَيْهَا؛

خوی خوش، درختی است در بهشت که انسان خوش خوی به شاخه های آن در آویخته، به سوی آن جذب می شود و خوی بد، درختی است در دوزخ که انسان بدخوی به شاخه های آن در آویخته، به سوی آن جذب می شود.^۱

شیعیان و منتظران علاوه بر اینکه باید از اخلاق نیکو برخوردار باشند تا جزو یاران و شیعیان راستین ائمه (ع) به حساب آیند، باید از اخلاق بد و رفتارهای ناشایست جداً پرهیز و خودداری نمایند. کسی که ائمه معصومین (ع) را به عنوان الگو و اسوه خویش قرار داده باشد باید متخلق به اخلاق و رفتاری باشد که مورد تایید و پسند ایشان باشد و از رفتارهایی که مورد نکوهش قرار گرفته اند که یکی از بارزترین آنها سوء خلق است، پرهیز و دوری نمایند. ائمه معصومین نه تنها انسانها

^۱ - ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح المقیقه، صفحه ۱۷۷

را به سوی حسن خلق خوانده‌اند از سوء خلق و امثال آن نیز بر حذر داشته‌اند و آن را مورد نکوهش و عملی زشت و ناپسند خوانده‌اند. و سفارش بر ترک و دوری از آن نموده‌اند.

حضرت رسول (ص) می‌فرماید: « **خَصَلْتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُسْلِمٍ الْبُخْلِ وَ سَوْءِ الْخُلُقِ؛** دو خصلت هرگز در دل مسلمان نمی‌گنجد که یکی بخل و دیگری بداخلاقی می‌باشد.»

امام صادق (ع) از پدران بزرگوارشان روایت می‌کنند که پیامبر اکرم (ص) به امام علی (ع) فرمودند: ای علی! هر گناهی توبه‌ای دارد، به جز بداخلاقی، زیرا کسی که دارای اخلاق بد است هر زمان که از گناهی بیرون می‌رود در گناهی دیگر وارد می‌شود.

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارش روایت می‌کند که رسول خدا (ص) فرمودند: « **عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ الْخُلُقَ فِي الْجَنَّةِ لَا مَحَالَةَ وَ إِيَّاكُمْ وَ سَوْءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سَوْءَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مَحَالَةَ؛**

بر شما باد به خوش اخلاقی، زیرا اخلاق نیکو حتماً جایگاهش در بهشت است و از بداخلاقی بر حذر باشید، زیرا اخلاق بد حتماً جایگاهش در دوزخ است.»

امام جعفر صادق (ع) از پدر بزرگوارشان روایت کرد که امام علی (ع) فرمودند: « **مَا مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا وَ لَهُ تَوْبَةٌ وَ مَا مِنْ تَائِبٍ إِلَّا وَقَدْ تَسَلَّمَ لَهُ تَوْبَتُهُ مَا خَلَا السَّيْمَى الْخُلُقِ لِأَنَّهُ لَا يَتَوَبُّ مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا وَقَعَ فِي غَيْرِهِ أَشْرٌ مِنْهُ؛**

هیچ گناهی نیست جز این که توبه‌ای دارد و هیچ توبه‌کننده‌ای نیست جز این که توبه‌اش برای او سالم و دست نخورده می‌ماند مگر کسی که بد اخلاق است زیرا

چنین کسی از هیچ گناهی توبه نمی‌کند، جز این که در گناهی بدتر از آن وارد می‌شود.^۱

از حضرت رسول (ص) روایت می‌کند که فرمودند: «خداوند متعال از توبه شخصی که دارای اخلاق بد باشد کراهت دارد.

عرض شد: ای رسول خدا (ص) این چگونه است؟

حضرت فرمودند: زیرا هنگامی که از گناهی توبه می‌کند، در گناه بزرگتر از گناه گذشته واقع می‌گردد.

آن چه که از احادیث و روایات بر می‌آید این است که اخلاق نیکو و شایسته باعث نزدیکی به ائمه اطهار (ع) و برخورداری از اخلاق بد موجب دوری از ایشان را سبب می‌شود. در دوران غیبت یکی از اولویت‌هایی که منتظران باید مد نظر داشته باشند، همین اخلاق نیکو و شایسته است. کسی که مدعی منتظر حضرت مهدی (عج) می‌باشد باید از اخلاق بد و اخلاق رذیله جداً پرهیز و دوری نماید. امام محمدباقر (ع) کسی را منتظر واقعی امام زمان (ع) می‌داند که دارای محاسن اخلاقی باشد: « مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ مَنْ يَعْمَلُ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ؛

کسی که دوست دارد از اصحاب قائم (عج) باشد، پس باید منتظر باشد و کسی که ورع داشته باشد و محاسن اخلاق را رعایت کند، او منتظر است. پس اگر مرد و امام زمان (ع) قیام نمود، اجر و پاداش او مانند آن کسی است که ظهور آن حضرت را درک کرده باشد.»

^۱ - جهاد با نفس علامه مژعاملی (ه)، صفحه ۲۸۱

تولی و تبری

دوست داشتن خدا و اهلیت (ع) و دشمن داشتن دشمنان و بدخواهان آنها یکی از تکالیف و وظایف مهم عموم مسلمانان است. اما این وظیفه و تکلیف در دوران غیبت حضرت ولیعصر (عج) ضرورت بیشتری پیدا می‌کند و از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که از این طریق تا حد زیادی آم و گرفتاریهای پیروان اهلیت (ع) بر طرف می‌گردد. لذا دوستی با دوستان امام زمان (ع) و دشمنی با دشمنان ایشان از ویژگی‌های پیروان آن بزرگوار است که در زمان غیبت در انتظار به سر می‌برند در واقع اگر ما بخواهیم شاخصی برای پیروان آن حضرت در عصر غیبت بیابیم این دو ویژگی معیاری مناسب و راهگشا خواهد بود.

تولی بر وزن ترقی مصدر باب تفاعل از ماده ولی و در لغت به معنای پذیرش ولایت و کسی را ولی خود قرار دادن است ولی در زبان عرب به معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنان که مصدر آن ولایت نیز به معنای دوستی و یآوری و سرپرستی استعمال شده است بنابراین تولی هم می‌تواند به معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن باشد و هم می‌تواند به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن باشد. اما با توجه به موارد استعمال

این کلمه در آت و روایات می‌توان گفت که دوستی و سرپرستی لازم و ملزوم یکدیگرند و پذیرش دوستی مقدمه پذیرش سرپرستی است. چرا که دل سپردن مقدمه سرسپردن است و انسان تا به کسی دل نبندد نمی‌تواند سرسپرده او شود و چنان که باید و شاید تسلیم او گردد.

تبری نیز بر همان وزن و از همان مصدر از ماده برء و به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است.

اما در مورد معنای اصطلاحی این دو کلمه گفته‌اند: توکی و تبری یعنی انسان از لحاظ عاطفی و قلب خود را از محبت و علاقه خدا، پیامبران و ائمه معصومین (ع) و جانشینان بر حق آنها که فقها و مومنان پر کند و در عین حال بغض و کینه دشمنان آنها را به دل بگیرد و از نظر سیاسی و اجتماعی، سرپرستی، رهبری، دوستی و حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت دشمنان اسلام دوری جوید.^۱

در متون روایی به مساله توکی و تبری در دوران غیبت اشاره شده است چنان که رسول اکرم (ص) فرمودند:

«خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم برسند. آنان که پیش از قیام او نیز پیرو او هستند. با دوست او عاشقانه دوست هستند و با دشمنان او خصمانه مخالفند.»^۲

امام محمدباقر (ع) می‌فرمایند که رسول خدا (ص) فرمودند:

«خوشا به حال کسی که دوستان قائم اهل بیت (ع) را در دوران غیبت دوست بدارد و با دشمنان آن حضرت به مخالفت برخیزد. چنین کسی از دوستان و محبان من است و در روز قیامت از بهترین افراد امت من محسوب خواهد شد.»^۳

^۱ - لغتنامه علی اکبر دهخدا، جلد ۵، صفحه ۶۲۷۲

^۲ - فورشید مغرب، ممدرضا حکیمی، صفحه ۳۵۷

^۳ - اکمال الدین، جلد ۱، صفحه ۲۸۶

خداوند تبارک و تعالی، شب معراج در معرفی تک تک ائمه (ع) به پیامبر اکرم (ص)، هنگامی که نوبت به حضرت قائم (عج) می‌رسد می‌فرمایند: «این قائم (عج) است او را دوست بدار، زیرا من او و کسانی که او را دوست بدارند، دوست دارم.»^۱

دوست داشتن دوستان امام زمان (ع) و دشمنی با دشمنان آن بزرگوار از چنان اهمیت و درجه‌ای برخوردار است که از آن به عنوان تمامیت ایمان یاد شده است و به عبارت دیگر دین و ایمان چیزی جز دوستی و رزیدن و بیزاری جستن به خاطر خدا نیست.

فضیل بن یسار یکی از یاران امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مِنْ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمِنْ الْإِيْمَانِ هُوَ؟
فَقَالَ: وَهَلِ الْإِيْمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ.

از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟

حضرت فرمودند: آیا ایمان جز دوستی و دشمنی چیزی دیگر است.

همچنین از آن بزرگوار نقل شده است که فرمودند: رسول خدا (ص) به یارانش

فرمودند: استوارترین دستاویزهای ایمان کدام است؟

اصحاب و یاران گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. بعضی گفتند: نماز و بعضی

گفتند: زکات، بعضی روزه را و بعضی دیگر حج و عمره را گفتند و دسته‌ای

دیگر گفتند جهاد می‌باشد.

^۱ - غیبت نعمانی، صفحه ۷۷

پس پیامبر خدا (ص) فرمودند: «برای هر آنچه فرمودید فضیلتی است، اما استوارترین دستاویزهای ایمان نیست، بلکه استوارترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا، پیروی کردن از اولیاء خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداست.^۱»

پیامبر اکرم (ص) در مورد تَوَلَّى و تَبَرَّى در دوران غیبت امام عصر (عج) می‌فرمایند:

« طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمٌ أَهْلَ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ فِي غَيْبِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ؛

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند در حالیکه در زمان غیبتش و قبل از قیامش اقتدای به او نموده و دوست بدارد دوستان او را و دشمنی کند با دشمنان او.^۲»

^۱ - اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۵

^۲ - بحارالانوار، جلد ۵۱، صفحه ۷۲

صدقه دادن به نیابت از امام زمان (ع)

شیعیان و منتظران واقعی امام زمان (ع) در همه اعمال و کارهای خود حضرت ولیعصر (عج) را بر خودشان مقدم می‌دارند و این (مقدم داشتن آن حضرت بر خود) یکی از نشانه‌های موثرت و دوستی امام زمان (ع) می‌باشد. آنها در هر کاری ابتدا به یاد امام و مولای خودشان هستند و بعد در فکر خویش. اگر صدقه‌ای بخواهند بدهند آن را به نیابت از امام عصر (عج) و برای سلامتی آن بزرگوار می‌دهند.

سیدابن طاووس در کتاب «کشف المحجّه» در ضمن سفارش‌هایی به فرزندان خود چنین می‌نویسد:

«در پیروی و وفاداری و دلبستگی به امام زمان (ع) آن گونه باش که خدا و رسول خدا (ص) و پدران آن حضرت و خود او از تو می‌خواهند. هنگامی که نمازهای حاجت را به جای می‌آوری، حوایج آن بزرگوار را بر خواسته‌های خود مقدم بدار. صدقه دادن از سوی آن جناب را بیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزانت قرار بده. دعا برای آن حضرت را بر دعا برای خودت مقدم بدار. خلاصه در هر

کار خیری که مایه وفای به حق آن حضرت است آن بزرگوار را مقدم بدانم، زیرا این کار سبب احسان و توجه بیشتر آن بزرگوار بر تو می شود.^۱

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هیچ بنده ای ایمان نیاورد تا این که من نزد او از خودش محبوبتر باشم و خاندانم از خاندانش نزد او محبوبتر و گرامی تر باشد و عترت من نزد او از عترت خویش محبوب تر باشد و ذات من از ذات خودش نزد او محبوبتر باشد.»^۲

در روایتی دیگر منصور برزج از امام جعفر صادق (ع) چنین نقل می کند:

به حضرت ابی عبدالله، امام صادق (ع) عرضه داشتم: ای آقای من، چرا از شما یاد سلمان فارسی را زیاد می شنوم؟

امام صادق (ع) فرمودند: نگوی سلمان فارسی، بلکه بگو سلمان محمدی (ص). آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنیم؟

عرض کردم: نه ای مولای من. حضرت فرمودند: به خاطر سه صفت است که از او بیشتر یاد می کنیم: یکی مقدم داشتن خواسته امیرمومنان علی (ع) بر خواسته خودش. دوم دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکت. سوم دوست داشتن علم و علما، همانا سلمان بنده صالح درستکار مسلمانی بود و از مشرکین نبود.^۳

۱- کشف المحجبه، صفحه ۱۵۱ و ۱۵۲

۲- مجالس شیخ صدوق، صفحه ۲۰۱

۳- مکتبات المکارم، جلد ۲، صفحه ۴۵

رعایت حقوق برادران دینی

اهتمام به مسایل جامعه و عموم مردم یکی از مهمترین تکلیف‌های مردم در جامعه اسلامی است. کناره‌گیری از جمع و اجتماع و بی‌اعتنا بودن به مسائل اجتماعی و سرنوشت و حقوق دیگران امری غیر قابل قبول است. لذا کسی که می‌خواهد از شیعیان و یاران امام زمان (ع) به حساب بیاید و در صف یاران آن بزرگوار قرار بگیرد باید به حقوق برادران دینی خود احترام گذاشته و آن را رعایت کند و به طور واضح یک شیعه که ادعای پیروی از امام زمان (عج) را دارد نمی‌تواند به گونه‌ای عمل کند که در زندگی حقوق دیگران بر عهده‌اش باشد. چنین فردی نه تنها از یاران و یاوران امام زمان (عج) نیست بلکه جزو دشمنان اهل بیت و ایشان نیز می‌باشد.

در مورد رعایت حقوق برادران دینی سفارش‌های زیادی شده است که در این جا به چند مورد از آنها برای بیان اهمیت این مسئله اشاره می‌شود:

امام جعفر صادق (ع) ضمن سفارش به رعایت حقوق برادران دینی به شیعیان، برای یکی از یارانش «معلی بن خنیس» در مورد حقوق هفتگانه برادران دینی چنین شرح داده‌اند:

معلی بن خنیس می گوید: به امام جعفر صادق (ع) عرض داشتم: حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ حضرت فرمودند: هفت حق واجب است که اگر یکی از آن ها را تباه کند، از ولایت و اطاعت خداوند خارج شده و خداوند از او بهره طاعت و بندگی ندارد.

عرض کردم: ای مولای من آنها چیست؟

فرمودند: من بر تو نگرانم، می ترسم که آنها را تباه سازی و بدانی و عمل نکنی. عرض کردم: لا قوه الا بالله! فرمود: آسانترین آنها این است که:

۱. آنچه را برای برادر مسلمان خودت دوست بداری که برای خودت دوست می داری و نپسندی برای برادر مسلمانت آن چه را که برای خودت آن را نمی پسندی.

۲. از خشمگین کردن برادر مسلمانت دوری کنی، و آن چه را که مورد رضایت اوست انجام دهی و او امرش را اطاعت کنی.

۳. با جان و مال و زبان و دست و پای خود (با تمام وجود و جسم و جان) او را یاری کنی.

۴. چشم و راهنما و آئینه او باشی.

۵. تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه، و تو پوشیده نباشی و او برهنه.

۶. اگر خدمتکار داشته باشی و برادر مسلمانت خدمتکار نداشته باشد، بر تو واجب است که خدمتکارت را بفرستی تا لباس های او را بشوید و غذای او را آماده کند و فرشش را بگستراند.

۷. او را از مسئولیت های سوگندهایش رها سازی، دعوت او را اجابت کنی، در بیماری او را عیادت نمائی، بر جنازه اش حاضر شوی، اگر

دانستی که او حاجتی دارد در ادای حاجت او شتاب کنی، تاخیر در روای حاجت او نکنی که او اظهار آن کند، بلکه زودتر به رفع نیازش پردازی.

سپس امام صادق (ع) گفتارشان را با این جملات به پایان رساندند: «فَإِذَا

فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَلايَتِكَ بِوَلايَتِهِ وَوَلايَتِهِ بِوَلايَتِكَ؛

وقتی چنین کردی، دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند دادی.^۱»

شیعه منتظر اگر چه نتواند تغییری اساسی و بنیادین در جامعه‌اش بوجود بیاورد (که این هم امری شدنی است)، حداقل تا آن جا که توان دارد ضعیفان و بیچارگان را دستگیری نماید و به فقیران و مستمندان عطف و مهربانی بورزد و در خیرخواهی دیگران کوتاهی نکند، حفظ اسرار دیگران نماید، تحمل مسئولیت نماید، در رفع مشکلات دیگران مانند مشکلات خود می‌کوشد و هرگز کمبودهای مردم را به گردن رهبران معصوم خویش نمی‌اندازد و به عبارت جامع و کاملتر رعایت حقوق برادران دینی خود را می‌نماید و حقوق آنها را بر حق خویشان مقدم تر می‌داند.

از آنجا که دوران غیبت حضرت مهدی (عج) فتنه‌ها فزونی می‌گیرند و نابسامانی‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، فلذا کسانی که تحت ستم و ظلم قرار می‌گیرند و حقوق آنها پایمال می‌گردد و از رسیدن به حق مسلم خویش محروم می‌مانند، در این برهه زمانی است که وظایف شیعیان و منتظران که همانا یکی از مهمترین آنها دفاع و رعایت حقوق برادران دینی

^۱ - اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۹

خویش می‌باشد از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد این جاست که شیعیان و منتظران امام زمان (ع) باید تا آنجا که در توان دارند باید در مهار این فتنه‌ها و نابسامانی‌ها تلاش نمایند و به یاری مظلومان و ستمدیده گان و محرومان و بیچارگان برخیزند و در احقاق حقوق آنها لحظه‌ای ساکت و آرام و قرار نگیرند. چنین کسی مورد لطف و رضایت امام عصر (عج) که یکی از اهداف حکومت ایشان اجرای عدالت و یاری مظلومان و ستمدیده گان می‌باشد قرار می‌گیرد و از یاران آن بزرگوار به شمار می‌آید همچنین فردی اگر قبل از ظهور امام زمان (عج) از دنیا برود و امام زمان (عج) ظهور و قیام نماید، او شهید به شمار خواهد آمد.

خدمت رسانی به مردم در دوران غیبت

از بیانات نورانی معصومین (ع) اهمیت خدمت به مردم به خوبی آشکار است و چنان که در احادیث و روایات بسیاری که از آن بزرگواران به ما رسیده است به این امر بسیار مهم تاکید و سفارش شده است. شیعیان و منتظران حضرت ولیعصر (عج) نیز نه تنها باید خدمتگزار مردم باشند و در این راه (خدمت به خلق خدا) سعی و تلاش نمایند، بلکه باید در این راه پیشقدم بوده و با الگو و اسوه قرار دادن ائمه معصومین (ع) در این مسیر سعی دو چندان داشته باشند چنان که بهترین خلق خدا و بالاترین مسئول جامعه در خدمتگزاری مردم، آسایش و آرامش خویش را رها نموده و گرمای طاقت فرسای کوفه را به جان خریده تا دادرس مظلومان و پناه بی پناهان باشد و عمل او اسوه همه زمامداران و شیعیان و پیروان و منتظران جهان باید قرار بگیرد.

سعد بن قیس همدانی دید امام علی (ع) در هوای گرم، کنار دیواری ایستاده است از آن بزرگوار پرسید: چرا در هوای گرم این جا ایستاده‌اید؟ امام علی (ع) در جواب فرمودند: « مَا خَرَجْتُ إِلَّا لِأَعِينِ مَظْلُومًا أَوْ أُغْنِيَتْ مَلْهُونًا؛

در این هنگام از گرمای روز از محل استراحت خارج نشدم، مگر برای این که مظلومی را یاری دهم و گرفتاری را پناهگاه باشم.^۱»

حضرت از موارد خدمت رسانی به مردم به این موارد اشاره می‌فرماید: «از جمله خدمت رسانی این است که نیازهای مردم را برآورده سازی... از منت نهادن بر شهروندان نسبت به آن چه برای آنان انجام می‌دهی جداً پرهیزی، زیرا منت احسان را باطل می‌کند.^۲»

امام جعفر صادق (ع) درباره ارزش و اهمیت خدمت رسانی و ثواب خدمت به مردم چنین می‌فرماید: « مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ حَطَّ عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ أَعْطَاهُ عَشْرَ شَفَاعَاتٍ؛

کسی که برای برطرف کردن نیاز برادر مؤمن خود گام بر دارد خدای سبحان برای او ده حسنه می‌نویسد و مقام او را ده درجه بالا می‌برد و از ده گناه او می‌گذرد و شفاعت ده نفر را از او می‌پذیرد.^۳»

نیر از ایشان نقل است که می‌فرماید: «فردی که در پی رفع حاجت برادر خود گام بر دارد مانند کسی است که سعی بین صفا و مروه را می‌کند و هر که

^۱ - مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۴۰۹

^۲ - نهج البلاغه، صفحه ۱۰۲۲

^۳ - بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۳۱۲

نیاز او را برطرف کند همانند کسی است که در راه خدا در جنگ بدر و احد به خون خود آغشته شده باشد و خداوند متعال هیچ امتی را عذاب نمی‌کند مگر وقتی که در حق برادران نیازمند خود کوتاهی و سهل‌انگاری کنند.^۱

خدمت‌رسانی به مردم مسئله‌ای است که دارای ارزش ذاتی است و همانگونه که خدمت به مؤمن ارزش فوق‌العاده دارد، خدمت به غیر مؤمن نیز از باب «الخلق عیال الله» ارزش دارد و آنان که خورشیدسان بر نیک و بد می‌تابند و بخل و امساکی در این جهت ندارند بی‌شک خدمت‌رسان بشرند و محبوب‌خدا سبوحان، چنانچه پیشوای هفتم‌مان امام موسی کاظم (ع) فرموده است:

«خداوند روی زمین مخلوقاتی دارد که برای برآوردن نیازهای مردم تلاش می‌کنند، ایشان در قیامت در امنیت قرار دارند.»^۲

امام صادق (ع) فرمودند: « قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ الْوَالِدُ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ؛

خداوند عزیز و بزرگ فرمود: مردم خانواده من هستند. پس محبوب‌ترین آنها نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان‌تر باشند و در رفع نیازهای آنها کوشا تر باشند.»^۳

عبدالله نجاشی از دوستان امام صادق (ع) هنگامی که از طرف خلیفه وقت به استانداری اهواز منصوب شد نامه‌ای به امام (ع) نوشت و خواست‌منشوری در مورد حکومت‌داری برایش ترسیم نماید. امام صادق (ع) برای وی چنین نوشتند:

^۱ - تمف العقول، صفحه ۲۲۳

^۲ - بحارالانوار، جلد ۷، ص ۳۱۹

^۳ - بحارالانوار، جلد ۷، ص ۳۱۹

« بعد از خواندن نامهات دانستم که به استانداری اهواز منصوب شده‌ای. این خبر هم مرا خوشحال گردانید و هم غمگین . خوشحالم از این جهت که گفتم شاید خداوند متعال به وسیله تو مظلوم بی چاره‌ای را از دوستان آل محمد(ص) را نجات دهد و خوار شده‌ای از آنان را عزت دهد، برهنه‌ای از آنان را پوشاند و ضعف آنان را تقویت نماید و آتش مخالفینشان را خاموش نماید.

اما آنچه باعث ناراحتی من شد این است که کمترین خوف من درباره تو این است که حال و رفتارت را نسبت به یکی از دوستان ما تغییر دهی و در اثر آن، بوی بهشت به مشامت نرسد.^۱»

پاداش خدمت رسانی به مومن، فضیلتش بیشتر است از هزار حجّی که تمام اعمال آن قبول شده باشد و آزاد کردن یک بنده در راه خدا و صرف بار هزار اسب در راه خدا، بازین و لجامش.^۲

یکی از زیباترین جلوه‌های بعد اجتماعی انتظار یاری رساندن است. کسی که خود را آماده و مهیا می‌کند تا در دوران ظهور امام زمان (ع) در رکاب حضرت برای براندازی ظلم و ستم و برقراری عدالت در سراسر گیتی، جهاد و مبارزه داشته باشد، اینک در دوره غیبت نسبت به رنج ستم‌دیده گان و محرومان و بیچارگان چگونه می‌تواند ساکت و بی تفاوت باشد؟

امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: «باید نیرومندان شما به ناتوانان کمک نمایند و توانگران به مستمندان برسند، هر یک از شما باید چنان که نیک خواه و نیک فرمای خود است، نیک خواه و نیک فرمای برادر دینی خود نیز باشد. شما باید اسرار آل محمد (ص) را فاش نسازید و مردم را بر سر ما نشورانید .. اگر این

^۱ - بحارالانوار، جلد ۷۲، صفحه ۳۶۱

^۲ - بحارالانوار، جلد ۷۴، صفحه ۲۸۵

چنین بودید و بدین گونه که سفارش می کنیم رفتار می نمودید. هر یک از شما اگر از جهان در گذرد و قائم (عج) ما را درک نکرده باشد، او شهید به شمار خواهد آمد...^۱»

نتیجه این که علاقمندان و شیعیان و منتظران حضرت ولیعصر (عج) باید با الگو و اسوه قرار دادن ائمه معصومین (ع)، کاملاً خود را وظیفه شناس و پایبند به اسلام و متعهد و مسئول و خدمتگزار به خلق خدا بدانند و در این مسیر همواره بکوشند و از خداوند متعال بخواهند که آنان را جزو خدمتگزاران خالص خویش قرار دهد. و از انحرافات دوری جسته و به خدا پناه ببرند تا شایستگی سربازی آن بزرگوار را پیدا کنند و جزو یاران و پیروان خالص و حقیقی حضرت حجت قرار بگیرند. و تلاش نمایند کاری و یا خدمتی که انجام می دهند با نیت خالص و پاک و بدون هیچگونه ریا و عوام فریبی و باشد و بکوشند مبادا با منت نهادن بر سر مردم، اثر و ارزش معنوی و ثواب اخروی آن عمل را از بین ببرند و از خداوند تبارک و تعالی همان را بخواهند که مقتدایشان امام سجاد (ع) از ایشان طلب نمودند. و آن چیزی نبود جز توفیق خدمت بی منت.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ
وَلَا تَمَحَقَّهُ بِالْمَنْ»^۲

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست .. و به دست من برای مردم کارهای خیر جاری کن و آن کار خیر را با منت گذاری ضایع و نابود مکن.^۳»

^۱ - منتخب الاثر، صفحه ۵۱۲

^۲ - صمیفه سجادیه، دعای مکارم الافلاق

اهتمام به مسایل جامعه و تلاش در اصلاح آن

اگر جامعه اسلامی را مانند یک پیکر بدانیم که اعضای این پیکر ارتباط سرنوشت ساز با یکدیگر دارند اختلال در هر کدام از اعضاء سبب بهم خوردن تعادل بدن خواهد شد، در این هنگام دیگر اعضا باید به کمک آن شتافته تا نظم به بدن برگردد و زندگی روزمره استمرار پیدا کند. بنابراین این حقیقت باید میان مسلمانان تحقق یابد که هر کدام از آنها در جامعه و سرنوشت آن تاثیر گذار هستند لذا در مورد آن مسئول هستند و باید به مسائل جامعه خویش اهمیت قائل شده و بدان اهتمام ورزند. شکی نیست که یکی از مهمترین عوامل پیروزی، اتحاد و اجتماع و هم پیوستگی است که این خود یک اهرم بسیار قوی و پرتوان برای حرکت بسوی سعادت و اصلاح جامعه می باشد. این امر ایجاب می کند که در زمان غیبت نیز منتظران و شیعیان حضرت مهدی (عج) باید به آن توجه و عنایت کامل داشته باشند و در راه اصلاح جامعه اسلامی بکوشند و نسبت به مسائل جامعه و اجتماع خویش بی توجه نباشند.

اهتمام جدی به مسایل جامعه با شرکت در اجتماع یکی از مهمترین تکلیف های مردم در جامعه اسلامی در هر برهه ای از زمان است و کناره گیری و اجتناب و

بی اعتنا بودن به مسائل اجتماعی و سرنوشت دیگران امری غیر قابل پذیرش است. همچنانکه در روایات وارده از ائمه معصومین (ع) نیز از چنین کاری سرزش شده است.

پیامبر مکرم اسلام (ص) می فرمایند: «هر کس شب را به صبح برساند و به اصلاح امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست.^۱»

هر گونه انزوا و گسیختگی از اجتماع، از اسلام بدور است و دلیل بر این امر این مطلب می تواند باشد: ما وقتی نماز می خوانیم وقتی آن را تجزیه و تحلیل می کنیم می بینیم که نماز نیز براساس جمع و اجتماع تشریح شده است. به عنوان نمونه در سوره حمد واژه های «نعبد: تنها تو را می پرستیم، نستعین: تنها از تو کمک می جوییم، و اهدنا: ما را هدایت کن و

و دلیل دیگر این امر سفارشات و گفتار ائمه معصومین (ع) که همیشه راه گشا بوده و خواهند بود، در مورد شرکت در اجتماع است که در ذیل به چند مورد از این موارد اشاره می کنیم:

امام جعفر صادق (ع) می فرمایند: «هر کس درباره جماعت مسلمانان به اندازه یک وجب مانع شود، تعهد و ایمان از گردنش ساقط می گردد.^۲»

امام علی (ع) می فرمایند: « **وَأَلْزَمُوا عَمَّا عَقَدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ؛**

به آن چه را که پیوند جماعت بر آن گره خورده است، پیوندید و آن را رها نکنید.^۳»

^۱ - میزان المکمه، صفحه ۵۳۱

^۲ - وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۳۷۷

^۳ - نهج البلاغه، فطبه ۱۵۱

تعاون و همکاری در مسایل اجتماع و جامعه اسلامی از جمله زمینه‌سازی برای آینده‌ای روشن و درخشان است و موجب پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای خواهد شد به عبارت دیگر اگر در جامعه‌ای نوعی انسجام و پیوند و بهم پیوستگی بیشتر باشد، پیشرفت و صعود آن جامعه برای کسب موفقیت و آینده‌ای روشن و درخشان بیشتر خواهد بود. لذا نقش اجتماعی موثر است در پیشبرد اهداف آن اجتماع به طوری که این امر دوام و پایداری بیشتری داشته باشد.

در طول تاریخ نیز هر برهه‌ای که این فرمول و قاعده بکارگیری شده است، آن جامعه شاهد پیشرفت‌های چشمگیری شده است به طور کلی جامعه‌ای که مردمان آن در کارهای اجتماعی تعاون و همکاری بیشتر داشته‌اند و هر فرد خویش را در برابر اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و با دیگران برخورد دارد مسئول می‌داند و نوعی پیوند و برادری در بین افراد آن وجود دارد، آن جامعه پیشرفت بی نظیری در زمینه‌های مختلف داشته است و زودتر به مدارج عالی رسیده است. اما برعکس هر جامعه‌ای که مردمان آن از اجتماع و جمع‌گریزان هستند و از احساس مسئولیت در قبال اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند گریزانند و از آن کناره‌گیری می‌کنند و نسبت به مسائل اجتماعی موضع بی‌اعتنایی و بی‌توجهی اتخاذ می‌نمایند، آن جامعه نه تنها نمی‌تواند ترقی و پیشرفت کند بلکه هر لحظه احتمال سقوط و انزوای آن بیشتر می‌شود و شکست آن افزایش می‌یابد.

ائمه معصومین (ع) همانطوری که اشاره شد با سفارش مؤمنین به برادری و تعاون و همکاری در امورات اجتماع، راه ترقی و پیشرفت آنها را یادآوری نموده و مسیر درست را به ایشان نشان داده‌اند.

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «مومنان در دوستی با مومنان دیگر همچون اعضای یکدیگرند که اگر یک عضو به درد آید، عضوهای دیگر نیز نا آرام و بی قرار هستند.»

به راستی اگر جامعه ای نسبت به همدیگر چنین درک و احساسی داشتند، پیشرفت بی نظیری در زمینه های مختلف نصیبشان می شد.

عامل مهم دیگری که نقش موثری در پیشبرد اهداف دارد اتحاد و انسجام مسلمین است. اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام و بهم پیوستگی همه جانبه در محور اسلام حرکت کنند همچون دریای خروشان خواهند بود که در برابر امواج سهمگین طوفانها ایستادگی خواهند نمود. برای زمینه سازی ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و تشکیل حکومت جهانی، اتحاد و انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت. مومنین و منتظران امام زمان (ع) باید از هر گونه اختلاف فرعی و موسمی پرهیز کنند و در برابر دشمنان مشترک، با اتحاد و هماهنگی و وحدت خود بایستند تا بتوانند راه را برای ظهور مصلح کل جهانی هموار سازند.

اتحاد و انسجام قدرت و توان مقابله با دشمنان را چندین برابر افزایش می دهد. مثل اتحاد و انسجام همچون مثل قطرات باران است که به تنهایی هیچ قدرت و نیرویی ندارد اما با به هم پیوستن قطرات باران در پشت سدهای عظیم نیرویی عظیم بوجود می آید که مبدأ بزرگترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمین های بزرگ و روشنایی شهرهای زیاد می شود. چنین نیرویی بر اثر بهم پیوستن قدرت های ناچیز دانه های باران بدست آمده است.

رسول گرامی اسلام (ص) می فرمایند: «المومن للمومن کالبنيان يشيد بعضه بعضاً.»

افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن، جزء دیگر را محکم نگه می‌دارد.»

در دوران غیبت نیر یاران و منتظران امام زمان(ع) باید بدانند که همیشه و در همه حال در صحنه‌های اجتماعی حضور موثر داشته باشند و در راه اصلاح جامعه بکوشند و تلاش نمایند. لازم به ذکر است که روشها و راههای زیادی برای تاثیر گذاری در اجتماع وجود دارد که هر فرد وظیفه دارد به نوعی با شناسایی روشهای موثر و درست به این وظیفه مهم خود عمل کند به عنوان مثال یکی از روش‌های مهم و تاثیر گذار در اصلاح جامعه و اهتمام به مسائل آن فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. همه شیعیان و منتظران باید با امر به معروف و نهی از منکر با انحرافات مبارزه کنند و بدانند که هدف قیام امام حسین(ع) اصلاح جامعه و مهمترین عامل نهضت جد حضرت ولیعصر(عج) دو عامل امر به معروف و نهی از منکر بود.

فرد منتظر باید به سهم خود در اصلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدی بکوشد. آن فردی که منتظر مصلح جهانی است خود نیز باید صالح و مصلح باشد و در اصلاح جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند بکوشد. لزوم صالح بودن فرد منتظر آراستگی او به تقوا و عدالت و پارسایی است. در شریعت مقدس اسلام، تاکیدهای فراوانی مبنی بر لزوم مبارزه با هر گونه فساد اخلاقی، سیاسی، اجتماعی وارد شده است. شارع مقدس این حساسیت حکیمانه در قالب تقنین بصورت اصل امر به معروف و نهی از منکر ابراز نموده است. این اصل (امر به معروف و نهی از منکر) از دیدگاه فقه اسلامی وظیفه شرعی و همگانی است که نتیجه این فریضه اصلاح و مجری آن مصلح نامیده می‌شود.

برای درک اهمیت این اصل در اسلام به ذکر آیه‌ای از قرآن کریم و احادیثی از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اشاره می‌کنیم.

خداوند متعال می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...»؛

شما بهترین امتی هستید که برای انسان‌ها پدیدار شده است (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.^۱

پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَكُمْ: مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ، قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا فَلَا أُجِيبُ لَكُمْ وَتَسْأَلُونِي فَلَا أُعْطِيكُمْ وَتَسْتَنْصِرُونِي فَلَا أَنْصُرْكُمْ؛

ای مردم! خداوند می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر کنید پیش از آن که مرا بخوانید و به شما پاسخ ندهم و از من بخواهید (درخواست کنید) شما را محروم سازم و از من یاری بخواهید، شما را یاری نکنم.^۲

امام محمدباقر (ع) فرمود: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛

بدون تردید امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبر و طریق صالحان است. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای بزرگ و خطرناک است که سایر واجبات دینی به واسطه آن انجام می‌پذیرد و راهها به وسیله آن امنیت می‌یابد و درآمدها به واسطه

^۱ - قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

^۲ - نشانه‌های یار، صفحه ۱۲۲

آن حلال و مشروع می گردند و مظالم دفع می گردند و زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.^۱»

منتظران مصلح جهانی وظیفه دارند با منکرات برخورد فعال و جدی داشته باشند و نه تنها این برخورد در سطح فردی باید باشد بلکه حتی در سطح حکومتی نیز باید به کارگیری شود و بدان عمل گردد همانطوری که حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بدان عمل نمود و در آن راه به خون خویش غلطید و شهید شد و با این قیام خویش به جهانیان درس بزرگی را داد و راه صحیح عمل به احکام اسلام را به امت جهانی نشان داد. امام علی (ع) درباره جنبه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

«وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرَّبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ، وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛
امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک و نه رزقی را کم می کند، اما برتر از آن همه، سخن عادلانه‌ای است که پیش روی حاکم ستمگری بر زبان جاری شود.^۲»

امام محمدباقر (ع) می فرمایند:

«مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ وَعَظَهُ وَ خَوَّفَهُ،
كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِثْلُ أَعْمَالِهِمْ؛

^۱ - اصول کافی، جلد ۵، صفحه ۵۶

^۲ - نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴

هر کس به سوی حاکم ستمگری رود و او را به پروای الهی امر نموده و موعظه‌اش کند و بترساند خداوند مانند اجر جن و انس و عبادات ایشان را به وی عطا کند.^۱

پیامبر اکرم (ص) از امر به معروف و نهی از منکر حاکمان و دولت‌ها به عنوان برترین جهاد یاد نموده می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»

برترین جهاد سخن عادلانه‌ای است که در برابر حاکم ستمگری بر زبان جاری شود.^۲

لذا هر مکتبی که بخواهد بشر را به سعادت برساند باید هم به جنبه فردی و عالم درونی او توجه لازم را داشته باشد و هم جنبه اجتماعی و روابط او با دیگران را مد نظر گیرد. جامعه‌ای که مردم در آن زندگی می‌کنند در سلامت افراد آن تاثیر دارد به عنوان مثال فردی که در یک جامعه فاسد و لجام گسیخته زندگی می‌کند بدون شک گرفتار آلودگی‌های آن جامعه خواهد بود. از این رو باید گفت یکی از جلوه‌های درخشنده معارف اجتماعی اسلام دستور امر به معروف و نهی از منکر است. اسلام به ما می‌آموزد که در جامعه، سرنوشت هر فرد مسلمان با مسلمانان دیگر ارتباط دارد.

رسول اکرم (ص) بینش اجتماعی اسلام را در ساده‌ترین مثال بیان کرده است. ایشان می‌فرمایند:

«مردم در جامعه مانند جماعتی هستند که در کشتی نشسته‌اند. اگر کسی بخواهد جای خود را در کشتی سوراخ کند و ادعا کند که من با دیگران کاری ندارم و

^۱ - (بهارالانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۷۵)

^۲ - نشانه‌های یار، صفحه ۱۲۶

فقط جای خودم را سوراخ می‌کنم، آیا دیگران می‌توانند ساکت بشینند و تماشا کنند؟

به همین ترتیب در جامعه هم فرد نباید در برابر زشتی‌ها و زشت کاری‌های موجود در آن بی‌اعتنا بماند، زیرا یک خلاف اجتماعی که از یک فرد جامعه سر می‌زند، آثار و تبعات سوء آن نه تنها به خود او محدود نمی‌شود بلکه همانند آبی که از سوراخی وارد کشتی می‌شود و همه جا را فرا می‌گیرد و نهایتاً همه را غرق می‌کند.

امر به معروف و نهی از منکر از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به عنوان یک عبادت که بر همه مسلمانان واجب است یاد شده است که بیانگر نقش مهم این فریضه در اجتماع است. به راستی اگر ما خود را نسبت به اعمال دیگران و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، مسئول و جوابگو بدانیم و باور کنیم که در قیامت ما را به علت سکوت در مقابل اعمال زشت دیگران مواخذه و مجازات خواهند کرد، آیا باز هم از کنار آنچه در پیرامون ما اتفاق می‌افتد بی‌اعتنا خواهیم گذشت؟

بنابراین در انجام این دو فریضه مهم باید بکوشیم و بدان عمل نماییم و در عین این که دیگران را به نیکی‌ها و دروی از بدی‌ها دعوت می‌کنیم، باید خود نیز اهل عمل باشیم و پیش از آن که دیگری را نصیحت کنیم، خود را اصلاح کنیم و سپس دیگران را... همچنان که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

« أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ؟ »

آیا دیگران را به نیکی امر می‌کنید در حالی که خود را فراموش می‌کنید؟ نکته قابل توجه این است که در هر کاری همیشه روش صحیح و درست نتیجه خواهد داد. در امر به معروف و نهی از منکر نیز بدین صورت است. یعنی اگر این

فریضه به روش صحیح و درستی انجام نگیرد نتیجه معکوس داشته و نه تنها نقشی در اصلاح جامعه و اجتماع نخواهد داشت بلکه موجب تنفر و انزجار و قطع رابطه برادری خواهد شد و زمینه ای برای سقوط آن جامعه را فراهم خواهد آورد.

لذا امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارزشمندترین اقدامات فرد مسلمان و شیعه منتظر حضرت مهدی (عج) می باشد. منتظران واقعی حضرت صاحب الامر (عج) این زمینه سازان ظهور با اقتدا و تاسی به مولای قائم خود، مشی اجرای فریضه بسیار مهم امر به معروف و نهی از منکر را اجرا خواهند نمود و با قیام و مبارزه بر علیه منکرات و دستگاههای مجری و حامی آنها زمینه را برای ظهور و قیام حضرت ولیعصر (عج) مهیا خواهند ساخت و با این عمل در عین این که به یکی از وظایف مهم خویش در عصر غیبت عمل نموده اند و در عین حال برای رضایت مولای خویش نیز قدم برداشته اند و آمادگی خویش را اعلام نموده اند.

هدیه دادن به حضرت ولیعصر (عج)

یکی از وظایف منتظران حضرت مهدی (عج) هدیه دادن به امام زمان (عج) است منظور از هدیه دادن هدیه مادی و دنیوی نیست بلکه منظور هدیه معنوی است بدین معنا که عاشقان امام عصر (عج) برخی اعمال را انجام داده و ثواب آن را هدیه به امام زمان (عج) نمایند و یا برخی از اعمال را به نیابت از ایشان انجام دهد که این عمل نه تنها موجب رضایت و خشنودی خداوند متعال و حضرت حجت (ع) خواهد بود بلکه ثواب کامل برای خود او نیز خواهد داشت.

در روایت معتبری ابوبصیر از حضرت ابوعبدالله امام صادق (ع) آورده که حضرت فرمودند: «هر کس پدر یا خویشاوندی را صله کند پس از طرف او طواف نماید، اجر آن به طور کامل برای او خواهد بود، و برای کسی که از سوی او طواف کرده مانند پاداش او خواهد بود او به خاطر گرامی داشتن پیوند آن شخص، با ثواب طواف دیگری فزونی خواهد یافت.»^۱

حال اگر کسی عملی را به نیابت از امام زمان خویش انجام دهد و یا ثواب آن را به امام زمان (ع) هدیه کند چقدر ثواب و پاداش دارد خدا می داند. از خداوند

^۱ - فروغ کافی، جلد ۴، صفحه ۳۱۴

متعال خواستاریم که ما و همه مؤمنین را به حق حضرت محمد و آل محمد، برای این کار توفیق دهد.

در اینجا به چند نمونه اعمالی که بهتر است به نیابت از حضرت ولیعصر (عج) انجام دهیم و یا ثواب آن را به ایشان هدیه کنیم یادآوری می‌کنیم:

۱- اهداء قرائت قرآن به امام زمان (ع):

در فضیلت این عمل روایتی را محمد بن یعقوب کلینی که در کافی از علی بن مغیره آورده است نقل می‌کنیم: می‌گوید:

به حضرت ابوالحسن امام کاظم (ع) عرض کردم، پدرم از جدّ تو راجع به ختم کردن قرآن در هر شب پرسیده بود، جدّ بزرگوار شما فرموده بود: در هر شب. به آن جناب عرضه داشته بود: در ماه رمضان نیز؟ جدّ شما فرموده بود: بلی ماه رمضان نیز. پدرم به ایشان عرضه داشته بود: آری، تا هر قدر که بتوانم.

پس از آن پدرم قرآن را چهل بار در ماه رمضان ختم می‌کرد. سپس من بعد از پدرم آن را ختم می‌کردم، گاهی بر آن می‌افزودم و گاهی کمتر از آن را ختم می‌کردم به مقدار فراغت و اشتغال و نشاط و بی‌حالی، پس هر گاه روز فطر شود برای رسول اکرم (ص) یک ختم، و برای (امام) علی (ع) ختمی دیگر و برای حضرت فاطمه زهرا (س) ختمی دیگر، سپس برای تک تک ائمه (ع) تا به شما برسد، قرار می‌دهم که از آن هنگام که در این حال بوده‌ام یک ختم قرآن برای شما قرار داده‌ام، به خاطر این عمل چه پاداشی برایم هست؟

امام کاظم (ع) فرمودند: پاداش تو آن است که روز قیامت با آنان باشی.

عرض کردم: الله اکبر چنین پاداشی برای من است؟ امام کاظم (ع) سه مرتبه فرمودند: آری.^۱

پس چه خوب است شیعیان و منتظران حضرت ولیعصر (عج) قرائت قرآن را به آن بزرگوار هدیه نمایند و با این عمل خود را بیشتر به حضرت نزدیک سازند تا از الطاف بیکران آن عزیز بهره‌مند گردند.

۲- هدیه کردن ثواب نماز به امام زمان (ع):

اینکه شخص مؤمن و منتظر نماز بخواند و ثواب آن را به امام زمان (ع) هدیه کند و به جای آورد که برای این کار هیچ حدی و وقت معینی تعیین نشده است و مقدار آن به میزان محبت و توانایی فرد و میزان علاقه او به محبوب و مولایش بستگی دارد. در مورد فضیلت این عمل به روایتی که سید بن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» آورده اشاره می‌کنیم:

ابو محمد صیمری حدیث آورد گفت: حدیث کرد ما را ابو عبدالله احمد بن عبدالله بجلی به سندی که به امامان بالا بوده که فرمودند:

«هر کس ثواب نماز خود را برای رسول خدا (ص) و امیرالمومنین علی (ع) و اوصیای بعد از آن حضرت قرار دهد، خداوند متعال ثواب نمازش را آنقدر افزایش می‌دهد که از شمارش آن نفس قطع می‌گردد و پیش از آنکه روحش از بدنش بیرون بیاید به او گفته می‌شود: ای فلان، هدیه تو به ما رسید، پس امروز روز پاداش و تلافی کردن نیکی‌های توست، دلت خوش و چشمت روشن باد به آن چه خداوند برایت مهیا و آماده ساخته و گوارایت باد آن چه را به آن رسیدی. راوی گوید: به امام (ع) عرض کردم: چگونه نمازش را هدیه نماید و چه بگوید؟

^۱ - مکالمات المتکلم، جلد ۲، صفحه ۳۸۲

فرمود: نیت می کند ثواب نمازش را برای رسول خدا (ص) و ...^۱
 در اینجا به ذکر نماز هدیه به حضرت حجت (ع) به گونه مخصوص و در وقت معین که در کتاب مکیال المکارم ذکر شده است می پردازیم:
 «مستحب است هر انسان روز جمعه هشت رکعت نماز به جا آورد که چهار رکعت آن را به حضرت رسول اکرم (ص) هدیه نماید و چهار رکعت را به حضرت فاطمه زهرا (س) هدیه نماید. روز شنبه چهار رکعت نماز بخواند و آن را به امیرالمومنین علی (ع) هدیه نماید، و همین طور هر روز از هفته به یکی از امامان معصوم هدیه نماید تا روز پنجشنبه که چهار رکعت به حضرت جعفر بن محمد صادق (ع) هدیه کند سپس روز جمعه نیز هشت رکعت نماز به جا آورد که چهار رکعت آن را به رسول خدا (ص) و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه زهرا (س) هدیه نماید، سپس روز شنبه چهار رکعت را به امام موسی بن جعفر (ع) هدیه نماید و همچنین تا روز پنجشنبه که چهار رکعت را به مولایمان حضرت صاحب الامر (عج) هدیه نماید، و بین دو رکعت از این نمازها این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ حِينَا رَبَّنَا
 مِنْكَ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكُوعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْهُ إِيَّاهَا وَ أَعْطِنِي أُمَّلِي وَ رَجَائِي
 فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛

بار خدایا تو سلامت دهنده و سالم از هر عیب هستی، و سلامت از توست و به تو منتهی می شود، ای پروردگار ما با سلام ما را تحیت گوی، بار خدایا این

رکعت‌های نماز هدیه‌ای از من به...^۱ فرزند.. است، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست، و این هدیه را به او برسان، و امید و آرزویم را درباره تو رسول تو که درود تو بر او خاندانش باد به من عطا فرماید.

۳- طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام زمان (عج)

ثقة الاسلام کلینی (ره) در کافی به سند خود از موسی بن قاسم آورده است که گفت: به امام جواد (ع) عرض کردم: می‌خواستم از سوی شما و پدر بزرگوارتان طواف کنم، به من گفته شد: به نیابت از اوصیاء طواف نمودن درست نیست. آن حضرت به من فرمودند: بلکه هر قدر که توانستی طواف کن که آن جایز است.

سپس بعد از سه سال به آن حضرت عرض کردم: پس از اینکه از شما اجازه خواستم تا از سوی شما و پدر بزرگوارتان طواف کنم به من اجازه فرمودید، پس آنچه خدا خواسته بود از شما و پدر بزرگوارتان طواف کردم، سپس چیزی بر دلم گذشت و بدان عمل نمودم.

امام جواد (ع) فرمود: آن چه عملی بود؟

عرض کردم: روزی از طرف رسول خدا (ص) طواف نمودم. آن حضرت سه مرتبه گفت: درود خداوند بر رسول خدا (ص). عرض کردم: روز دوم از طرف امیرالمومنین علی (ع) و روز سوم از طرف امام حسن مجتبی (ع) و روز چهارم از طرف امام حسین (ع) و روز پنجم از طرف علی بن الحسین (ع) و روز ششم از طرف امام ابو جعفر محمد بن علی (ع) و روز هفتم از طرف امام جعفر بن محمد (ع) و روز هشتم از طرف پدر بزرگوارتان امام موسی کاظم (ع) و روز نهم از

۱- به جای نقطه چین ها نام معصوم و نام پدرشان ذکر می شود.

طرف پدرت امام علی (رضا) (ع) و روز دهم از طرف شما ای آقای من طواف کردم، و اینان هستند کسانی که به ولایتشان خداوند را دینداری می‌کنم.

امام جواد (ع) فرمودند: بنابراین به خدا سوگند خدای را دینداری می‌کنی به دینی که جز آن را از بندگان نمی‌پذیرد.

عرض کردم: و بسا که از طرف مادرت حضرت فاطمه زهرا (س) طواف کردم و گاهی طواف نمودم. فرمودند: این طواف را بسیار کن که انشاءالله بهترین عملی است که تو انجام داده‌ای.^۱

با تدبر و تامل و اندیشه نمودن در این روایت می‌توان به اهمیت این عمل پی برد. باز در این کار علاوه بر اینکه فرد از طرف امام زمان خویش طواف نموده و آن را هدیه به ایشان کرده است و با این عمل موجب تقرب بیشتر خویش به مولایش گردیده است، خود نیز از پاداش و اجر والایی بهره مند می‌گردد و دلیل بر این گفته روایتی است که ابوبصیر از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده که فرمودند: «هر کس پدر یا خویشاوندی را صله کند پس از طرف او طواف نماید، اجر آن بطور کامل برای او خواهد بود، و برای کسی که از سوی او طواف کرده مانند پاداش او خواهد بود و او به خاطر گرمی داشتن پیوند آن شخص، با ثواب طواف دیگری فزونی خواهد یافت.^۲»

۴- زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه معصومین (ع) به نیابت از امام زمان (ع)

^۱ - معیال المتارم، جلد ۱۱، صفحه ۳۱۵

^۲ - فروغ کافی، جلد ۴، صفحه ۳۱۴

فرستادن نایب به منظور زیارت از سوی حضرت ولیعصر (عج) از وظایف مستحبی مومنان و شیعیان و منتظران آن حضرت می‌باشد و این کار در بین شیعیان در روزگاران قدیم نیز متداول بوده است و بر خوبی و برتری این عمل علاوه بر این که خود موجب صله و نیکی و موذت و دوستی از طرف مؤمن و منتظر واقعی به امام زمانش می‌باشد، روایت‌های متعددی در کتب علمای ما ذکر گردیده است که نشان دهنده ارجحیت این کار می‌باشد همچنان که بر طبق این روایات ائمه اطهار (ع) خود نیز به این عمل اشاره داشته و بدان سفارش مؤکد نموده‌اند. یکی از دلائل اثبات این عمل زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از عموم مؤمنین است که وارد گردیده است. در اصول کافی از علی بن ابراهیم حضرمی از پدرش از امام ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) روایت گردیده که ضمن حدیثی فرمود:

« پس هر گاه به نزد قبر پیغمبر (ص) رفتی و آن چه بر تو لازم است به جای آوردی، دو رکعت نماز بگذار، سپس بالای سر پیغمبر (ص) بایست و بگو: سلام بر تو ای پیغمبر خدا از طرف پدر و مادرم و همسرم و فرزندانم و تمام بستگانم، و از سوی تمام اهل شهرم آزاد و برده و سفید و سیاه آنان، پس اگر به کسی بخواهی بگویی من از سوی تو بر رسول خدا (ص) سلام کردم راست گفته باشی. ^۱»

لذا جایی که زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از عموم مؤمنین بدین صورت مورد سفارش ائمه معصومین (ع) قرار گرفته، پس زیارت این اماکن مقدسه به نیابت از امام معصوم (ع) از ثواب و اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است و این عمل نه تنها موجب برخورداری از اجر و ثواب بیشتری برای کسی که به نیابت از امام (ع) به جای می‌آورد بلکه موجبات خرسندی و خشنودی قلب نازنین حضرت

ولیعصر (عج) و سایر امامان نیز می‌گردد. چنانکه امامان از نیابت کردن شیعیانشان از ایشان در حج و طواف و عمره خرسند می‌شوند، یقین می‌کنیم که خرسندی و سرور امام زمانی که مؤمن به نیابت از ایشان مشاهد مشرفه پدران را به نیابت از حضرتش انجام دهد، بیشتر و قطعی خواهد بود. در اینجا به ذکر روایتی که موید این کار و زیارت مشاهد به نیابت از امام زمان (ع) می‌باشد می‌پردازیم:

علامه مجلسی (ره) در بحار حکایت می‌کند: امام ابوالحسن عسکری (ع) زیارت کننده‌ای را از سوی خویش به مشهد حضرت ابی عبدالله (ع) فرستاد، پس فرمود: برای خداوند جاهایی است که دوست می‌دارد در آنها دعا شود که اجابت فرماید، و البته حائر امام حسین (ع) از آن مکان هاست.^۱

عالم محدث عاملی (ره) در کتاب شریف «وسائل الشیعه» روایتی را از داود صرمی از حضرت ابوالحسن امام هادی عسکری (ع) آورده است که گفت: به آن حضرت عرض کردم، من پدر شما را زیارت کردم و آن را برای شما قرار دادم. حضرت فرمودند: به سبب آن برای تو از سوی خداوند پاداش و اجر بزرگی است و ما از تو سپاسگذاریم.

با توجه به موارد ذکر شده به روشنی می‌توان فهمید که یکی از اعمالی که بهتر است شیعیان و منتظران حضرت ولیعصر (عج) انجام دهند زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از امام (ع) می‌باشد تا با این کار نه تنها از اجر و ثواب بیشتری برخوردار شوند، موجب خشنودی قلب مقدس آن جناب نیز می‌شوند. از خداوند متعال می‌خواهیم تا توفیق انجام این عمل را به نحو احسن به منتظران آن امام عزیز عنایت فرماید و وجود نازنین او را از ما راضی و خشنود نگه دارد. انشاءالله...

^۱ - بما (الانوار)، جلد ۱۰، ص ۲۵۷

۵- حج رفتن به نیابت از آن امام و فرستادن نایب که از طرف آن جناب حج کند.

یکی دیگر از اموری که مستحب است تا مومنان در انجام آن بکوشند و جزء یکی از وظایف منتظران و شیعیان امام زمان (ع) در زمان غیبت می باشد. حج رفتن به نیابت از امام زمان (عج) است چنان که این کار در زمان های قدیم و حال نیز رایج و مرسوم می باشد. و از اجر و ثواب بیشتری نیز برخوردار می باشد. به عنوان نمونه به سه روایت که مرحوم موسوی اصفهانی در کتاب مکیال المکارم بدان اشاره کرده می پردازیم:

۱- در اصول کافی از امام صادق (ع) آمده که راوی گوید: به آن بزرگوار عرضه داشتم: کسی که از سوی شخص دیگری حج به جای می آورد چقدر اجر و ثواب برای او خواهد بود؟
حضرت فرمودند: برای کسی که از سوی شخص دیگری حج می کند اجر و ثواب ده حج خواهد بود.^۱

۲- شیخ صدوق از امام صادق (ع) روایت کرده است که از آن بزرگوار سوال شد درباره شخصی که از سوی شخص دیگری حج به جای می آورد آیا چیزی از اجر و ثواب برای او هست؟ حضرت در جواب فرمودند:

«برای کسی که از سوی شخص دیگری حج به جای می آورد اجر و ثواب ده حج هست، و او پدر و مادر و پسر و دختر و برادر و خواهر و عمه و دایی

و خاله‌اش آمرزیده می‌شوند، خداوند متعال رحمتش وسیع و او کریم است.^۱»

۳- در کافی از ابوبصیر روایت شده است که امام جعفر صادق (ع) فرمود: «هر کس حجّی به جای آورد و حج خود را از سوی خویشاوندی منظور کند که بوسیله آن او را صله نماید، حج او کامل خواهد بود و برای کسی که از سوی حج شده مثل اجر او خواهد بود، خداوند عزوجل وسعت دهنده آن اجر است.^۲»

لذا نیابت در حج از سوی حضرت حجت (ع) قدرش بالاتر و ثوابش برتر و بیشتر است، زیرا که آن حضرت مقامش از همه اهل ایمان بالاتر و شان و اجرش از تمام آنان برتر است چنان که ائمه اطهار (ع) نه تنها نایبانی از سوی خویش برای حج می‌فرستادند بلکه مؤمنین را نیز به این عمل سفارش می‌کردند. به عنوان نمونه: «امام رضا (ع) جامه‌دان‌ها و غلامان و یک هزینه حج برای من (راوی که محمد بن عیسی یقطینی می‌باشد)، یکی برای برادرم موسی بن عبید و یک هزینه حج برای یونس بن عبدالرحمن، نزد محمد بن عیسی یقطینی فرستاد و امر فرمود که از سوی آن امام به حج بروند و آن را به جای آورند.^۳»

مطلب دیگری که جا دارد اینجا ذکر شود این است که اگر کسی به نیابت از امام زمان (ع) به حج مشرف می‌گردد باید کسی باشد که از درجه ایمان بالایی برخوردار باشد کسی باشد که مورد تایید آن بزرگوار قرار گیرد.

^۱ - من لا یضره الفقیه، جلد ۱، صفحه ۲۲۲

^۲ - اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۳۱۶

^۳ - وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۱۴۷

کسی که از یاران و منتظران و شیعیان واقعی آن بزرگوار باشد و به طور کلی فردی که افتخار نیابت از امام زمان (ع) را پیدا می کند باید بداند و توجه کند که از جانب چه کسی می خواهد این عمل را انجام دهد. بنابراین فردی باشد که در عمل و رفتار و خویش با ائمه (ع) نزدیک باشد و به سیره و روش آنان عمل کند و... چنین کسی لایق نیابتی از امام (ع) را دارد و حج چنین فردی حج مقبول پروردگار و موجب خشنودی امام عصر (ع) خواهد بود و بر عکس اگر کسی که به نیابت از امام (ع) به حج مشرف می شود فرد فاسق و کافری باشد موجبات دل رنجی و ناراحتی امام (ع) را فراهم می کند که از فرستادن چنین فردی به نیابت با وجوهاتی که مربوط به امام (ع) باشد موکداً نهی شده است. از جمله قطب راوندی در کتاب «الخرائج و الجرائح» ذکر کرده که ابومحمد دعلجی که از محدثان بود، وی دو پسر داشت، یکی بنام ابوالحسن بر شیوه مستقیم، و شغلش غسل دادن اموات بود، و پسر دیگرش در کارهای حرام، روش سبکسران را داشت، به ابومحمد وجهی پرداخت شده بود تا با آن وجه از سوی حضرت صاحب الامر (عج) حجی انجام شود، و این رسم در آن زمان بین شیعیان رایج بوده است، پس ابومحمد به پسری که مفاسد اخلاقی داشت مبلغی از آن پول را داد سپس به حج رفت، و چون مراجعت نمود حکایت کرد: در موقف (عرفات) ایستاده بودم که جوان زیباروی و گندمگونی را کنار خود مشاهده کردم که مشغول دعا و نیایش و تضرع و عمل نیک است. چون بیرون رفتن مردم از عرفات نزدیک شد روی به سوی من کرد و فرمود: ای شیخ آیا خجالت نمی کشی؟ عرض کردم: سرور من از چه خجالت بکشم؟

فرمود: وجه حجّی از طرف کسی که می‌دانی به تو داده می‌شود، و تو از آن به فاسقی می‌دهی که شراب می‌خورد؟ زود است که چشمت از بین برود و به چشم اشاره کرد و من از آن روز بیمناکم. این مطلب را ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان - شیخ مفید - نیز شنید. راوی گفت: چهل روز از آمدنش نگذشت که از همان چشمی که به آن اشاره شده بود جراحی بیرون آمد و آن چشم از بین رفت.^۱

با تامل و دقت بیشتر در این روایت به روشنی می‌توان به این مطلب دست یافت که کسی که به نیابت از امام زمان (ع) به حج مشرف می‌شود باید فردی صالح و با ایمان و مورد تایید امام عصر (عج) باشد زیرا که ابتدا تا انتها حدیث ذکر شده ظاهر است که ابو محمد از وجهی که مربوط به حج بود چیزی به پسر گنهکارش پرداخته بود، نه این که تمام وجه آن حج را به او داده باشد. حال اگر کس فاسقی با وجه حجی به نیابت از امام زمان (ع) به نیابت از ایشان به حج مشرف گردد موجب نارضایتی امام (ع) می‌گردد.

^۱ - الفرائج و الجرائع، قطب راوندی، صفحه ۷۳

متفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آنها

یکی از اسباب و علل غیبت امام زمان (ع) گناهان و اعمال ناشایستی است که از ما سر می‌زند. گناهان همچون سم سلامت روح و روان انسان را به خطر می‌اندازند. هر گاه انسان در نتیجه فریب نفس اماره یا وسوسه‌های شیطان و غفلت‌هایی که بر اثر مشغول شدن به دنیا و زینت‌های آن پیش می‌آید دچار گناه می‌شود لازم و ضروری است که هر چه زودتر از طریق توبه و استغفار نسبت به تدارک گذشته و برطرف ساختن آثار سوء گناه اقدام کند به امید آن که مشمول عفو و رحمت و غفران بی‌کران الهی قرار گیرد. امام عصر (عج) در پاسخ به حسن بن فضل یمانی که مرتکب خطایی شده بود و با ارسال نامه‌ای از آن حضرت عذرخواهی کرده بود، نوشتند:

«هر گاه از گناه و اشتباهی که مرتکب شده‌ای به درگاه خداوند متعال استغفار کنی، خداوند متعال آن را می‌بخشد.»^۱

توبه راهی است برای بازگشت به سوی معبودی و به عبارتی دیگر توبه خود الطافی از نعمت‌های بی‌کران خداوند متعال است که در اختیار بشر داده است.

^۱ - اعمال الدین، جلد ۱، صفحه ۴۹۰

همانا خداوند استغفار و آمرزش خواستن را وسیله دایمی فرو ریختن روزی، و موجب رحمت آفریدگان قرار داده و فرموده است:

«از پروردگار خود آمرزش بخواهید که آمرزنده است برکات خود را از آسمان بر شما می‌بارد و با بخشش اموال فراوان و فرزندان شما را یاری می‌دهد و باغستان و نهرهای پر آب در اختیارتان می‌گذارد.»

از امام علی (ع) پرسیدند: خیر چیست؟

حضرت فرمودند: خوبی آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود بلکه خیر آن است که دانش تو فراوان و بردباری تو بزرگ و گران مقدار باشد، و در پرستش پروردگار در میان مردم سرفراز باشی، پس اگر نیکی انجام دهی شکر خدا را به جا آوری و اگر بدی کردی از خداوند آمرزش خواهی. در دنیا جز برای دو کس خیر نیست؛

یکی گناهکاری که با توبه جبران کند و دیگری نیکوکاری که در کارهای نیکو شتاب ورزد.»

در جایی دیگر حضرت از توبه به عنوان شفاعت کننده کارساز یاد نموده و سفارش به توبه واقعی می‌نماید. بحث از توبه واقعی به میان آمد و حال جا دارد این سوال پرسیده شود که توبه واقعی چیست و چه شرایطی دارد؟

کسی که توبه می‌کند باید ارکان و شرایطی را که برای محقق شدن توبه لازم است محقق نماید و گرنه توبه کامل و صحیحی حاصل نمی‌شود. از شرایط توبه یکی ندامت و پشیمانی قلبی از گناهان و تقصیرات گذشته و دیگری عزم جدی در جهت جبران آن و عزم بر برگشت نمودن به سوی گناهان و اعمال ناشایست برای همیشه می‌باشد.

از حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه روایت است که فرمودند: همانا گوینده‌ای بدون توجه لازم در محضر حضرت گفت: استغفرالله.

امام (ع) فرمودند: مادرت بر تو بگرید می‌دانی معنای استغفار چیست؟ همانا استغفار درجه علّین و والا مقامان است و آن اسمی است که بر شش معنی واقع می‌شود:

اول: پشیمانی از آن چه گذشت. دوم: عزم و تصمیم به عدم برگشت به سوی آن برای ابد و همیشگی. سوم: ادا کردن و پرداختن حق مردم به خودشان چنان که خداوند را ملاقات کنی به طوری که پاکیزه باشی و کسی به دنبال تو نباشد (یعنی حقی از کسی بر عهده تو نباشد). چهارم: روی آوردن به سوی هر فریضه‌ای که آن را ضایع ساخته‌ای پس ادا کنی آن را. پنجم: روی آوردن به گوشتی که با حرام روییده است و آب کردن آن با اندوه‌ها به نحوی که پوست به استخوان بچسبد و گوشت تازه بروید. ششم: آن که درد فرمانبرداری را به جسم بچشانی، چنان که شیرینی نافرمانی را به جسمت چشانده بودی. پس آن گاه بگویی استغفرالله.^۱

ارتکاب معاصی افتخار شایستگی و همنشینی با معصومین (ع) را از انسان می‌گیرد و چنان که اشاره شد از جمله اسباب طولانی شدن غیبت امام زمان (عج) گناهان و معصیت‌هایی است که از بندگان می‌بیند چنان که در توقیعی بدان اشاره نموده می‌فرمایند: «پس تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می‌دارد همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و ما از

^۱ - نهج البلاغه، حکمت ۱۴۱۷

آنان نمی‌پسندیم و از آنان انتظار نمی‌رود. والله المستعان و هو حسبنا ونعم الوکیل.^۱»

لذا شیعیان و منتظران امام زمان (عج) باید در طول زندگی خویش به گونه‌ای عمل نمایند که موجبات خرسندی امام عصر (عج) را فراهم سازند و با این عمل گامی در جهت اصلاح امور جامعه همان هدف قیام امام زمان (ع) بردارند. همانطوری که خود آن بزرگوار مردم را به این امر سفارش نموده می‌فرمایند:

«شیعیان ما وقتی به فرجام نیک دست می‌یابند که از گناهانی که خداوند نهی کرده به طوری کلی دوری گزیده و هیچ یک از آن‌ها را مرتکب نشوند.^۲»
و در جایی دیگر می‌فرمایند: «هر یک از شما به گونه‌ای عمل کند که کارهایش او را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از تمام اموری که موجب ناراحتی و خشم ماست دوری گزیند.^۳»

باید انسان همیشه در جهتی گام بردارد که او را به سعادت همیشگی نزدیکتر سازد هر چند از آن جا که انسان موجودی جایزالخطا می‌باشد و معصوم نیست و در برخی شرایط دچار اشتباه و شک و تردید می‌گردد و مرتکب اعمالی می‌شود که نه تنها موجب انحراف و دوری از سعادت می‌گردد بلکه باعث ناراحتی وجود امام عصر (عج) نیز می‌شود. باید طوری عمل کرد که وقتی اعمال ما به محضر امام عصر (عج) عرضه می‌شود، (در روایت است که هفته‌ای دو مرتبه اعمال بر ولی امر زمان عرضه می‌شود) هنگامی

^۱ - بحارالانوار، جلد ۵، صفحه ۱۷۷

^۲ - همان

^۳ - همان

که ایشان اعمال ما را می بیند راضی و خوشنود بشوند و خدای ناکرده موجب آزرده گی وجود نازنینش نشود.

اگر کسی احیاناً مرتکب اشتباه و یا خطایی شد باید هر چه زودتر از طریق توبه و استغفار و اظهار ندامت قلبی در صدد جبران چنین اعمالی برآید و در صدد جبران آثار سوء گناهان بکوشد و از خداوند متعال طلب عفو و آمرزش نماید و یقین بداند که خداوند توبه کنندگان واقعی را می بخشد. همچنان که در حدیثی از امام زمان (ع) نیز بدان تاکید شده است: «إِذَا اسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ فَاللَّهُ يَغْفِرُ لَكَ.»^۱

مرحوم کلینی این حدیث شریف را در ضمن حدیثی از امام زمان (ع) چنین نقل می کند:

«حاصل حدیث آن است که شخصی به نام یمانی به سامرا وارد می شود از طرف امام زمان (عج) کیسه ای که در آن دو دینار و دو لباس بود به دست او می رسد. او به سبب کمی هدایا آن ها را رد می کند و نمی پذیرد. ولی بعد از مدتی از این عمل خود پشیمان می گردد و نامه ای می نویسد و پوزش می خواهد و در دل خود ضمن توبه، نیت می کند که اگر دوباره این هدیه برای او فرستاده شود، آن را بپذیرد. بعد از مدتی هدیه به دست او می رسد، و در توقیعی حضرت به یمانی اشاره کرده می فرمایند:

«تو با رد هدیه ما، اشتباه کردی و اگر طلب مغفرت از خداوند کنی، خداوند تو را خواهد بخشید.»

از این توقیع شریف می‌شود به دو نکته مهم و اساسی پی‌برد و در جهت تحقق آنها کوشید. نکته اول این است که: امام زمان (ع) عالم به سر و خفیات است و از اعمال و حتی نیات ما آگاهی کامل دارد و دلیل بر این نکته روایتی از امام صادق (ع) است که در ذیل آیه شریفه:

« قُلْ اَعْمَلُوا فَاَسْبِرْ لِي اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ؛

بگو عمل کنید! پس به زودی خداوند و رسولش و مومنان، عمل شما را می‌بینند.»

می‌فرماید: مراد از مؤمنین امامان (ع) هستند.

نکته دوم این است که: طلب مغفرت از خداوند متعال، سبب غفران گناهان است. با در نظر گرفتن این که طلب، امری قلبی است و احتیاج به لفظ ندارد، از حدیث شریف چنین استفاده می‌شود که مجرد طلب مغفرت (پشیمانی و عزم بر عدم بازگشت به گناه در تحقق طلب مغفرت الهی و قبولی توبه کافی است. البته توبه کامل شرایطی دارد که امیرالمومنین (ع) در حدیثی که بدان اشاره شد، آنها را ذکر نموده‌اند.

وجود مبارک حضرت ولیعصر (عج) در حدیثی طولانی خطاب به فرزند مهزیار، شیعیان را به استغفار و دعا در حق یکدیگر ترغیب می‌کند و آن را موجب رفع عذاب از روی زمین و اهل آن می‌داند و می‌فرماید: « لَوْ لَا

اِسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ لَهْلَكَ مَنْ عَلَيْهَا؛

اگر طلب مغفرت و آمرزش برخی از شما برای یکدیگر نبود، تمام اهل زمین هلاک می‌گشتند.»

خداوند متعال در قرآن نیز بدین مطلب اشاره نموده اند: «مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ خداوند آنان را درحالی که استغفار می کنند، هرگز عذاب نخواهد کرد.»^۱

بطور کلی گناه باعث هلاکت و عذاب مردم در همین دنیا می شود و استغفار سبب مغفرت است، خصوصاً اگر در حق همدیگر استغفار شود.



جان من قربان تو ای جان جانانم بیا
 گلشنم بی گل شده ای روح رعنایم بیا
 تا به کی انتظار مقدمت نالان شوم
 تا به کی بهر لیاقت بر درت گریان شوم
 تا به کی بهر ظهورت واله حیران شوم
 سوختم در آتش هجرانت ای جانم بیا
 من که مردم از فراق تو ای عزیز کردگار
 من که یک عمری کشیدم از برایت انتظار
 تا به کی باشم برای انتظارت اشکبار
 ای عزیز قلب من ای خوب خوبانم بیا

^۱ - قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۳۳

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- مفاتیح الجنان
- ۳- نهج البلاغه
- ۴- بحار الانوار
- ۵- اصول کافی
- ۶- الارشاد شیخ مفید
- ۷- غیبت نعمانی
- ۸- اکمال الدین و اتمام النعمه
- ۹- مکیال المکارم
- ۱۰- اثبأه الهدأه
- ۱۱- میران الحکمه
- ۱۲- منتخب الاثر
- ۱۳- احتجاج طبرسی
- ۱۴- صحیفه مهدیه
- ۱۵- حق الیقین
- ۱۶- ینابیع الموده
- ۱۷- انوار البهیة محدث قمی
- ۱۸- کشف الغمه
- ۱۹- تحف العقول
- ۲۰- سیره چهارده معصوم
- ۲۱- مهدی (عج) آخرین مشعل فروزان هدایت
- ۲۲- حضرت مهدی فروغ تابان و لایت
- ۲۳- پندهای جاویدان (محمدی اشتهاردی)
- ۲۴- دعائم الاسلام قاضی نعمان
- ۲۵- صحیفه سجادیه (ترجمه اشتهاردی)
- ۲۶- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال
- ۲۷- نماز و عبادت امام زمان (عج)
- ۲۸- وظایف شیعیان و منتظران امام زمان (عج)
- ۲۹- نجم الثاقب شیخ طبرسی نوری
- ۳۰- مهدی تجسم امید و نجات